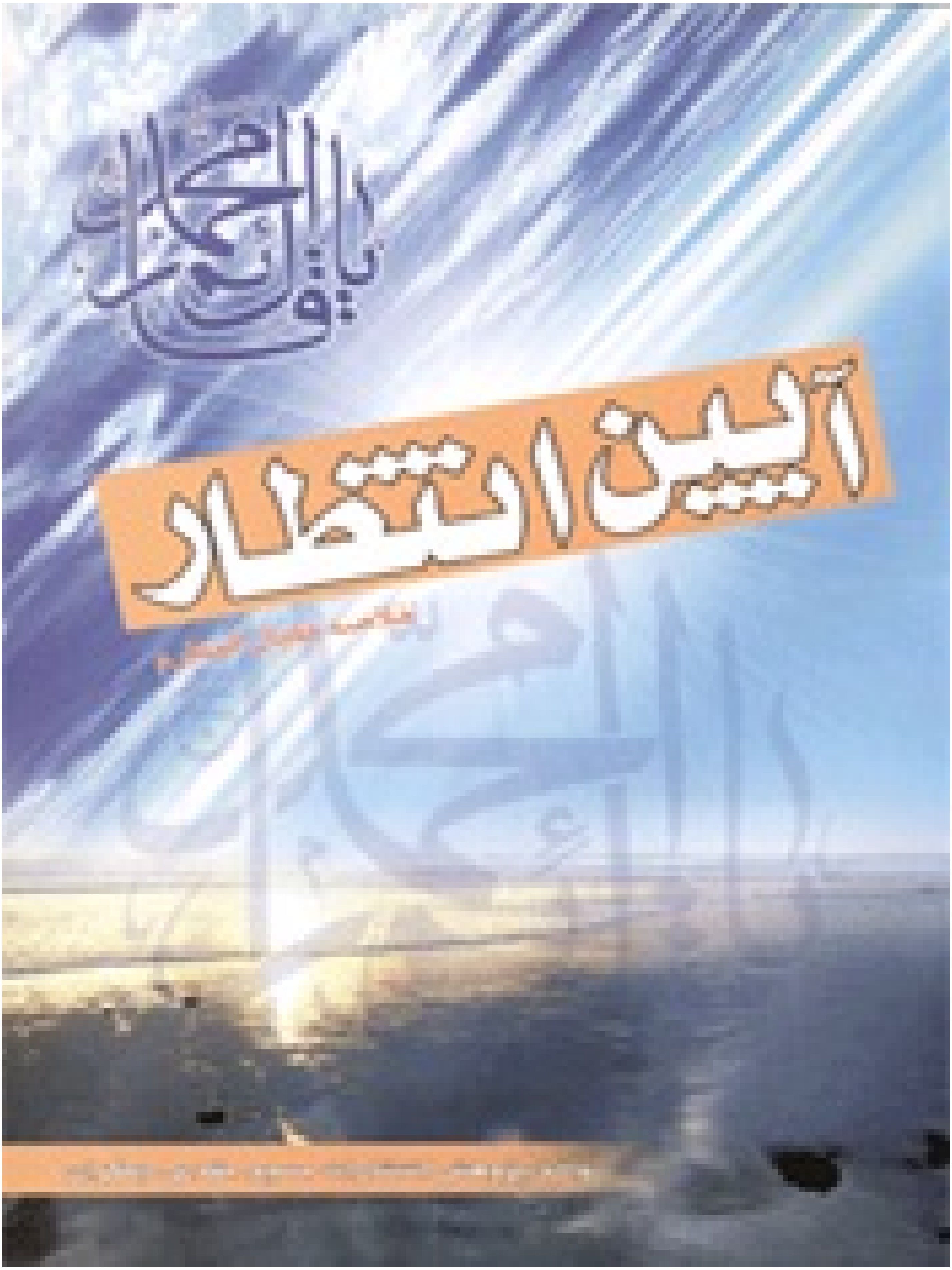


یا بقیة الله
آیین انتظار

بسم الله الرحمن الرحیم

آیین انتظار

نویسنده:

واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آیین انتظار

مشخصات کتاب

عنوان قراردادی : مکیال المکارم فی فواید الدعاء القائم . فارسی .برگزیده

عنوان و نـام پدیـدآور : آئین انتظـار: خلاصه مکیال المکارم تالیف واحـد پژوهش انتشارات مسـجد مقـدس جمکران؛ تلخیص واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران.

مشخصات نشر : قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.

شابک : ۱۰۰۰۰ریال ۹۶۴-۸۴۸۴-۱۶-۳ ؛ ۱۵۰۰۰ ریال چاپ چهارم : ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۱۶-۸

یادداشت : چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ چهارم: پاییز ۱۳۸۶.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر : خلاصه مکیال المکارم

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت-- انتظار

موضوع : دعاها

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP۲۲۴ /الف ۶م۷ ۶۱۲۴۰ ۳۸۳۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۳-۴۸۰۱

پیشگفتار

السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر

کتاب گران قدر «مکیال المکارم فی فوائد الدعآء للقائم علیه السلام» نوشته دانشمند بزرگوار و عالم پرهیزکار حاج سید محمد تقی موسوی اصفهانی قدس سره توسط حجّه الاسلام والمسلمین حاج سید مهدی حائری قزوینی - دام توفیقاته - به فارسی ترجمه شده است.

آنچه در پیشِ رو دارید، خلاصه ای است از این کتاب، که مشتمل بر علل و فوائد و نتایج دعا برای حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - و نیز وظایف دیگر ما نسبت به آن حضرت می باشد. با توجّه به اینکه کتاب مکیال المکارم تقریباً استدلالی است، سعی شده تمام دلایل عقلی و نقلی مربوط به بحث ذکر شود، و اینکه در بعضی موارد دعاهای طولانی در آن آمده است و این باعث حجیم شدن آن گشته بود، لذا برای اینکه کلیه عاشقان حضرت بتوانند از مطالب نفیس این کتاب استفاده نموده و از جواهرات آن توشه برگیرند، این کتاب را تلخیص نمودیم.

قابل

ذکر است که در این کتاب، سعی شده مطالب به همان صورت اصلی حفظ شود و فقط مقداری از حالت استدلالی خارج گردد، به همین منظور در مطالب مورد بحث، معمولاً به آوردن چند روایت اکتفا و از آوردن دعاهای طولانی خودداری کرده و فقط به ذکر منابع آن بسنده نمودیم.

امید است این اثر مقبول درگاه خداوند متعال و حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - قرار گیرد، و برکات معنوی آن به روح پرفتوح بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره و شهدای والامقام انقلاب اسلامی اهدا می گردد.

واحد پژوهش

انتشارات مسجد مقدّس جمکران

بخش اوّل: شناختن امام زمان علیه السلام واجب است

اشاره

تحقق ایمان بدون شناخت امام زمان علیه السلام ممکن نیست؛ بر این مطلب، هم دلیل عقلی وجود دارد و هم دلیل نقلی.

۱ – دلیل عقلی

همه علّت ها و فلسفه هایی که برای ضرورت و لزوم وجود پیامبر گفته اند، برای ضرورت وجود جانشین و وصیّ پیغمبر نیز صادق است. بنابراین پس از وفات آن حضرت لازم است تا مردم به جانشین پیغمبر در شؤون مختلف زندگی خود مراجعه کنند، همان گونه که به پیغمبر مراجعه می کردند. پس بر خداوند لازم است که او را نصب فرماید و بر مردم نیز واجب است آن امام را بشناسند؛ زیرا که پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد.

سؤال: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله از جانب خداوند قواعد و احکامی را که مردم در امور معاش و شئون زندگی مادی و جنبه های اخروی و امور مربوط به معاد نیاز داشتند برای مردم بیان نمود، دیگر چه نیازی به وجود امام علیه السلام است؟

جواب: پیغمبرصلی الله علیه وآله قواعد را به طور «کلّی» بیان فرموده و دستورات دین را به مقدار مورد نیاز عموم در «آن زمان» تشریح کرده است، و این مطلب با مراجعه به احادیث پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله روشن می گردد. بنابراین احتیاج مردم با آن مقدار از بیان برطرف نشده، بلکه پاره ای از مسائل حتی بر علما و دانشمندان بزرگ پوشیده می ماند – تا چه رسد به دیگران – پس افراد بشر از وجود امام و پیشوای معصوم بی نیاز نبوده و ناگزیر هستند تا به او مراجعه کنند و مطالب مورد نیاز خویش را از او بیاموزند.

تردیدی نیست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله تمام احکام و علوم را به وصیّ خود سپرده

که پس از ایشان، رهبری مردم را – از طرف خداوند – به عهده داشته باشند، و هر امامی به امام بعد از خودش سپرده تا اینکه نوبت به امام زمان ما – عجّل اللّه فرجه الشریف – رسیده است.

علاوه بر این، اگر فرض کنیم تمام علما و دانشمندان به تمام احکام عمل کنند، باز هم وجود ایشان ما را از وجود امام بی نیاز نمی سازد، زیرا که آنان از سهو و اشتباه معصوم نیستند. پس در هر زمان به وجود شخص معصومی که از خطا و اشتباه محفوظ باشد نیاز هست، تا مرجع و پناه مردم بوده، حقایق احکام را برایشان بیان فرماید. و آن شخص معصوم هیچ کس جز امام نیست.

سؤال: نبودن امام با بودنش در حالی که از دیدگان مردم پنهان و غایب باشد چه فرق می کند؟

جواب: اوّلاً: مانع ظهور و آشکار بودن امام علیه السلام، ناشی از خود مردم است، وغیبت آن حضرت دلیل نمی شود بر اینکه احتیاجی به وجود آن حضرت نیست، بلکه بر مردم واجب است که موانع ظهور را برطرف سازند تا از نور مقدّسش بهره مند شوند و از انواع علوم و معارفش استفاده کنند.

ثانیاً: غیبت آن حضرت در همه زمان ها و از همه انسان های مؤمن نیست، بلکه برای بسیاری از بزرگان مؤمنین اتفاق افتاده است که به خدمت حضرتش شرفیاب شده و به محضر مقدّسش راه یافته اند. جریانات آنان در کتاب های علمای بزرگوار ما ضبط است، و بیان آنها فعلاً از بحث ما خارج است.

ثالثاً: منافع وجود مبارک آن حضرت منحصر در بیان علوم نیست، بلکه همه آنچه از مبدأ و سرچشمه فیض الهی به مخلوقات می رسد، از برکات وجود

او می باشد که در بخش سوم کتاب این موضوع را بیان خواهیم کرد،

۲ – دلیل نقلی

روایات بسیاری – که در حدّ تواتر(۱) است – در این باره وارد شده که ما به خاطر رعایت اختصار به ذکر قسمتی از آنها اکتفا می کنیم:

۱ – امام صادق علیه السلام درباره آیه مبارکه «وَلِلَّهِ الأَسْمآءُ الحُسْنى فَادْعُوهُ بِها»(۲)؛ و برای خداوند نیکوترین نام ها است، پس او را با آنها بخوانید. فرمود: «به خدا قسم، ما آن اسماء حسنی (نیکوترین نام ها) هستیم که خداوند هیچ عملی را از بندگان نمی پذیرد، مگر با شناخت و معرفت ما».(۳)

۲ – امام باقر علیه السلام فرمود: «قلّه و بلندی مقام و کلید آن و راه اشیاء و رضایت پروردگار اطاعت از امام است. اگر شخصی شب ها به عبادت برخیزد و روزها را روزه بدارد و تمام مالش را صدقه دهد و همه سال های عمرش حجّ خانه کعبه را انجام دهد، امّا ولایت ولیّ خدا را نشناسد تا از او پیروی کند و تمام اعمالش با راهنمایی او انجام پذیرد، برای او حقّ ثواب نزد خداوند نیست و او از اهل ایمان نمی باشد».(۴)

۳ – حارث بن مغیره گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا پیامبر صلی الله علیه وآله فرموده: «هرکس بمیرد و امام زمانش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است؟!».

فرمود: آری. عرضه داشتم: این کدام جاهلیت است، آیا جاهلیت مطلق یا جاهلیت کسی که امامش را نشناخته؟ فرمود: «جاهلیت کفر و نفاق و ضلال».(۵)

۴ – امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت کرده که فرمود: «هرکس منکر قائم از فرزندانم شود، مرا انکار کرده است».(۶)

البته اخبار بسیار دیگری از

ائمه اطهارعلیهم السلام در این باب آمده است.

امّا منظور از معرفت و شناخت:

اوّلاً: شناختن شخص امام با اسم و نسب او است.

ثانیاً: شناخت صفات و خصوصیات او که با آنها از دیگران امتیاز می یابد. که ان شاء اللّٰه در اوّل باب هشتم خواهد آمد.

بخش دوم: اثبات امامت حضرت ولی عصرعلیه السلام

از جمله شرایط امام، عصمت است چون اگر امام معصوم نباشد، هدف از نصب او تحقّق نمی یابد و به اصطلاح نقض غرض لازم می آید.

عصمت، حالتی است نفسانی و مرتبه ای است که از نظر مردم پوشیده است و کسی آن را نمی داند مگر خداوند و کسانی که خداوند علم آن را به آنها الهام فرموده باشد. در این رابطه بر خداوند است که امام معصوم را از دو راه به مردم معرفی کند:

۱ - به وسیله پیغمبرصلی الله علیه وآله و یا امام قبلی.

۲ - به وسیله معجزه ای که به دست او انجام شود.

و چون امام برای مردم معیّن شده، بر آنها واجب است که به او مراجعه کنند و اعتماد نمایند که: «وَما کانَ لِمُؤْمِنٍ وَلا مُؤْمِنَهٍ إِذا قَضَی اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْراً أَنْ یَکُونَ لَهُمُ الخِیَرَهُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ یَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً مُبِیناً»(۷)؛ و برای هیچ مرد و زن مؤمنی این حقّ نیست که هرگاه خدا و رسول او کاری را لازم کنند، ایشان در کارشان اختیار [و گزینشی]داشته باشند. و هرآنکه خدا و رسول او را نافرمانی نماید، حقّا که در گمراهی آشکاری افتاده است.

شایان ذکر است که امامت مولی و سیّد ما حجّه بن الحسن العسکری صاحب الزمان - عجّل اللّٰه فرجه الشریف - به هر دو راه (نصّ و معجزه) به وسیله روایات متواتره ثابت است

که در دو فصل قسمتی از آنها را می آوریم تا این کتاب از دلیل خالی نباشد.

فصل اوّل

قسمتی از احادیث متواتره که به طور خاصّ بر امامت آن حضرت علیه السلام دلالت دارد

۱ - یونس بن عبد الرحمن گوید: به محضر امام موسی بن جعفرعلیهما السلام مشرّف شدم و عرضه داشتم: یابن رسول اللّٰه! آیا تو قائم به حقّ هستی؟

فرمود: «من نیز قائم به حقّ هستم، ولی آن قائم که زمین را از دشمنان خدای عزّوجلّ پاک کند و آن را پر از عدالت نماید همچنان که از جور و ستم پر شده باشد، پنجمین فرزند من است که غیبتی طولانی دارد، زیرا که بر جان خود می ترسد، در این مدت [که او از نظر غایب است]عدّه ای از حقّ برگشته و عدّه ای دیگر ثابت قدم می مانند».

سپس فرمود: «خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ولایت ما چسبیده و به دوستی ما ثابت و استوار مانده و از دشمنان ما بیزار بوده باشند، آنان از ما هستند و ما از آنان هستیم که البته ما را به امامت پسندیده اند و ما هم ایشان را به شیعه بودن پسندیده ایم. خوشا به حالشان! بازهم خوشا به حالشان! به خدا که ایشان روز قیامت در درجات ما خواهند بود».(۸)

۲ - محمد بن مسلم گوید: خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب بودم، معلّی بن خنیس گریه کنان وارد شد، حضرت فرمود: چرا گریه می کنی؟ گفت: بیرون خانه شما کسانی هستند که می پندارند شما را بر ما فضیلتی نیست و شما و آنها یکسان هستید. امام صادق علیه السلام کمی ساکت ماند، سپس دستور داد طبقی خرما بیاورند، آن گاه یک دانه خرما برگرفت

و آن را دو نیم کرد، سپس آن خرما را تناول فرمود و هسته اش را در زمین کاشت، پس آهسته رشد کرد و خرمای نارس داد، حضرت از آن برگرفت و تناول کرد، آن گاه پوست نوشته ای از آن برآورد و به معلّی داد و فرمود: بخوان! در آن نوشته شده بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ، لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيٌّ الْمُرْتَضى وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ وَعَلِيُّ بْنُ الحُسَيْنِ وَ...؛ نام یک به یک امامان تا امام حسن عسکری و فرزندش (مهدی)علیهم السلام در آن بود».(۹)

۲ - ریان بن الصلت گوید: به امام رضاعلیه السلام عرضه داشتم: شما صاحب امر هستید؟ فرمود: «من نیز صاحب امر [امامت]هستم، ولی نه آن صاحب امری که زمین را از عدل پر کند، همان طور که پر شده باشد از جور و ستم. و چگونه او باشم و حال آنکه می بینی بدنم ضعیف است! امّا قائم علیه السلام آن است که وقتی ظهور نماید، سنّ پیران و سیمای جوانان دارد، به قدری بدنش نیرومند است که اگر به بزرگ ترین درخت دست اندازد، آن را از جای بَرکَنَد و اگر در میان کوه ها فریاد برآوَرَد، سنگ های آنها فرو ریزد، عصای موسی وانگشتری سلیمان با اوست، او چهارمین فرزند من است که خداوند او را هر قدر که مشیّتش تعلّق گیرد در پشت پرده غیب مستور می سازد، سپس او را آشکار می گرداند تا زمین را از عدل و داد پر کند، چنان که از ستم و بیداد پر شده باشد».(۱۰)

شیخ علی بن محمد بن علی الخزاز قمی رحمه الله در کتاب «کفایه الاثر فی النصّ علی الأئمّه الاثنی عشر» یکصد و هفتاد حدیث از طریق

شیعه و سنّی روایت کرده که همه آنها به امامت حضرت قائم منتظرعلیه السلام تصریح دارد. ما نیز بعضی از آنها را در سایر ابواب کتاب خواهیم آورد. إن شاء اللَّه.

فصل دوم :در بیان مقدار کمی از معجزات و کرامات متواتر مولا صاحب الزمان علیه السلام

۱ - سعد بن عبد اللَّه اشعری گوید: به یک نفر ناصبی که از همه ناصبی ها در مجادله قوی تر بود، دچار شدم. روزی هنگام مناظره به من گفت: مرگ بر تو و هم مسلکانت باد. شما رافضی ها، مهاجرین و انصار را مورد طعن قرار می دهید و محبّت پیامبر صلی الله علیه وآله را نسبت به آنان انکار می کنید، و حال آنکه صدّیق [ابوبکر]بالاترین افراد اصحاب است که به اسلام سبقت جسته، مگر نمی دانید که رسول خداصلی الله علیه وآله او را شب هجرت از ترس بر جان او، با خود به غار برد. برای اینکه می دانست که او خلیفه و جانشین آن حضرت خواهد شد، لذا خواست که جان او را مانند جان خود حفظ کند تا مبادا وضع دین بعد از خودش مختل شود، در همان حال علی را در رختخواب خود قرار داد، چون می دانست که اگر او کشته شود، وضع اسلام مختل نمی گردد؛ زیرا کسانی از اصحاب بودند که جای او را بگیرند، لذا خیلی به کشته شدنش اهمّیت نمی داد.

سعد می گوید: من جوابش را دادم، ولی جواب ها دندان شکن نبود.

سپس گفت: شما رافضیان می گویید: اوّلی و دومی منافق بوده اند و به ماجرای لیله العقبه استدلال می کنید. آن گاه گفت: بگو ببینم آیا مسلمان شدن آنها از روی خواست و رغبت بود، یا اکراه و اجباری در کار بود؟

من در اینجا

از جواب خودداری کردم، چون با خود اندیشیدم که اگر بگویم از روی اجبار و اکراه مسلمان شدند که در آن هنگام اسلام نیرومند نشده بود تا این احتمال داده شود، و اگر بگویم از روی خواست و رغبت اسلام آوردند که ایمان آنها از روی نفاق نخواهد بود.

از این مناظره با دلی پُردرد بازگشتم. چهل و چند مسأله ای که حلّ آنها برایم دشوار بود، نوشتم و نامه را به نماینده امام عسکری علیه السلام (احمد بن اسحاق) که ساکن قم بود، تسلیم کردم و جریان مناظره را نیز با او در میان گذاشتم. احمد بن اسحاق به من گفت: بیا با هم به سامراء برویم تا از مولایمان حسن بن علی علیهما السلام در این باره سؤال کنیم. پس با او به آنجا رفتیم تا به درب خانه مولایمان رسیدیم و اجازه ورود خواستیم، اجازه داده شد، داخل خانه شدیم.

چون چشممان به جمال حضرت ابومحمد حسن بن علی علیهما السلام افتاد، دیدیم صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشد و بر روی رانش کودکی نشسته که در حسن و جمال مانند ستاره مشتری است. پس احمد بن اسحاق کوله باری را که صد و شصت کیسه از پول های طلا و نقره در آن قرار داشت و بر هر یک از آنها مُهر صاحبش بود، نزد امام حسن عسکری علیه السلام گشود، پس از آن، حضرت نظری به کودک افکند و گفت: مُهر از هدایای شیعیان و دوستانت برگیر. [کودک]عرضه داشت: ای مولای من! آیا جایز است دست پاک به سوی هدایای نجس و اموال پلید دراز شود؟

آن حضرت به احمد بن اسحاق فرمودند: آنچه در کوله بار هست بیرون

آور تا حرام و حلال از هم جدا شود. پس او کیسه ای را بیرون آورد، کودک گفت: این مربوط به فلان بن فلان از فلان محلّه قم است که شصت و دو دینار دارد، از پول منزلی که فروخته و ارث از پدرش بوده چهل و پنج دینار است و از پول هفت پیراهن چهارده دینار و اجرت سه دکّان سه دینار.

مولای ما فرمود: راست گفتی فرزندم، حرام از آن را بیان کن. کودک گفت: در این کیسه دیناری است که در فلان سال در ری سکّه خورده، نیمی از نقشش رفته و سه قطعه مقراض شده که وزن آنها یک دانق و نیم است، حرام در این اموال همین مقدار است که صاحب این کیسه در فلان سال، فلان ماه نزد نسّاجی که همسایه اش بود، یک من و ربع پشم ریسیده شده داشت که مدّت زیادی بر آن گذشته بود، پس آن را سارقی دزدید، نسّاج به او ابلاغ کرد، ولی او سخن نسّاج را نپذیرفت و به جای آن به مقدار یک من و نیم پشم نرم تر از مال خودش که به سرقت رفته بود، تاوان گرفت و سپس سفارش داد برایش پیراهنی از آن بافتند، این دینار و آن مقراض شده ها از پول آن پیراهن است.

احمد بن اسحاق گره از کیسه گشود، دینار و مقراض شده ها را همان طور که خبر داده بود، در آن دید. سپس کیسه دیگری بیرون آورد. آن کودک فرمود: این مال فلان بن فلان است از فلان محلّه قم، پنجاه دینار در آن هست، شایسته نیست برای ما که به آنها دست بزنیم. احمد بن اسحاق گفت: چرا؟

فرمود: به خاطر اینکه این دینارها از پول گندمی است که صاحب این پول با کشاورزانش قرارداد داشت، ولی قسمت خودش را با پیمانه کامل برداشت و قسمت آنها را با پیمانه ناقص داد.

امام عسکری علیه السلام فرمود: راست گفتی فرزندم. سپس گفت: ای پسر اسحاق! این کیسه را بردار و به صاحبانش گوشزد کن و آنها را سفارش نما که به صاحبان اصلی (> کشاورزان) برسانند که ما به آن نیاز نداریم.

سپس مولایمان به من نظر افکند و فرمود: چه عجب اینجا آمدی؟! عرضه داشتم: احمد بن اسحاق مرا تشویق کرد که به دیدار شما بیایم. فرمود: پس سؤالاتی که داشتی چه شد؟ عرضه داشتم: به همان حال است ای مولای من! فرمود: از نور چشمم هر چه می خواهی بپرس. -و به کودک اشاره کرد - سؤالاتم را عرضه داشتم(۱۱) و پاسخ آنها را دریافت کردم.

سپس فرمود: «ای سعد! خصم تو ادّعا می کند پیامبر صلی الله علیه وآله برگزیده این امّت را با خود به غار برد، چون بر جان او می ترسید همان طور که بر جان خود می ترسید؛ زیرا می دانست خلیفه بر امّت بعد از خودش اوست. چون لازمه مخفی شدن جز این نبود که او را با خود ببرد، امّا علی علیه السلام را در جای خود خوابانید، چون می دانست خللی که با کشته شدن ابوبکر وارد می شود، با کشته شدن علی علیه السلام نیست؛ چون افرادی هستند که بتوانند جای او را پر کنند.

چنین پاسخ بده: مگر نه شما معتقدید که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: بعد از من خلافت سی سال است و خلافت را بر مدّت این چهار تن

ابوبکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام مخصوص گردانید. خصم به ناچار جواب دهد: آری. به او بگو: اگر این مطلب درست است، پس چرا با یک خلیفه - فقط ابوبکر - به غار رفت و آن سه نفر دیگر را نبرد؟! با این حساب معلوم می شود که پیامبر صلی الله علیه وآله آنان را سبک شمرده؛ چون لازم بود که با ایشان همان طور رفتار می کرد که با ابوبکر. پس چون این کار را نکرد در حقوق آنان سهل انگاری نموده و مهربانی از آنان دریغ داشته با اینکه واجب بود به ترتیب خلافتشان با ایشان هم مثل ابوبکر رفتار می کرد.

و امّا اینکه خصم به تو گفت: آن دو نفر آیا از روی خواست و رغبت مسلمان شدند یا از روی اکراه؟ چرا نگفتی: بلکه از روی طمع اسلام آوردند؛ زیرا آنان با یهود معاشرت داشتند و از برآمدن و پیروزی محمدصلی الله علیه وآله بر عرب باخبر بودند، یهود از روی کتاب های گذشته و تورات و ملاحم، آنان را از نشانه های جریان حضرت محمدصلی الله علیه وآله آگاه می کردند و به ایشان می گفتند که تسلّط او بر عرب نظیر تسلّط بخت النصر است بر بنی اسرائیل، با این فرق که او ادّعای پیغمبری نیز می کند، ولی پیغمبر نیست.

پس هنگامی که امر رسول خداصلی الله علیه وآله ظاهر گشت، به او کمک کردند بر شهادت «لا إله إلاّ اللّه و محمّد رسول اللّه» به طمع اینکه وقتی اوضاع خوب شد و امور منظّم گردید، فرمانداری و ولایت جایی هم به آنها برسد و چون از رسیدن به ریاست به دست آن حضرت مأیوس شدند،

با بعضی از همفکران خود همراه شدند تا در شب عقبه شتر پیغمبرصلی الله علیه وآله را رم بدهند و شتر در آن گردنه هولناک، حضرت صلی الله علیه وآله را بیفکند و کشته شود و صورتشان را پوشاندند مثل دیگران. ولی خداوند پیغمبرش را از نیرنگ آنان ایمن قرار داد و حفظ کرد و نتوانستند آسیبی برسانند. آن دو نفر حالشان نظیر طلحه و زبیر است که آمدند و با علی علیه السلام بیعت کردند به طمع اینکه هر کدامشان فرماندار یک استان بشوند، امّا وقتی مأیوس شدند بیعت را شکستند و علیه آن حضرت قیام کردند، تا اینکه عاقبت کارشان بدانجا کشید که عاقبت کار افرادی است که بیعت را بشکنند».

سخن که به این جا رسید، مولایمان امام حسن بن علی علیهما السلام برای نماز برخاست، قائم علیه السلام نیز با او برخاست و من از خدمتشان بازگشتم.(۱۲)

۲ - محمد بن عثمان عَمْری می گوید: وقتی حضرت مهدی علیه السلام متولد شد، نوری از بالای سرش تا فراز آسمان درخشید، سپس روی بر زمین نهاد و برای پروردگارش به سجده افتاد و بعد سر برداشت در حالی که می گفت: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلّا هُوَ وَالمَلآئِکَةُ وَاُولُوا العِلْمِ»(۱۳)؛ خداوند به یکتایی خود شهادت دهد، و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهند.

۳ - روایت شده: وقتی آن حضرت متولد شد، پرندگان سفیدی از آسمان فرود آمدند و بال های خود را بر سر و صورت و سایر اعضای بدنش کشیدند، سپس به آسمان پرواز کردند، آن گاه امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «آنها فرشتگان بودند که برای تبرّک به این نوزاد فرود آمدند و هرگاه این فرزند ظهور کند،

آنها یاران اویند».(۱۴)

۴ – محمد بن شاذان بن نعیم می گوید: مقدار پانصد درهم بیست درهم کم از مال حضرت قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – نزد من جمع شد که خوش نداشتم آن را ناقص بفرستم، لذا بیست درهم کسری را از مال خودم تکمیل کردم و پانصد درهم را نزد محمد بن جعفر فرستادم، ولی ننوشتم که بیست درهم از من است. پس محمد بن جعفر قبض آن را از ناحیه مقدّسه حضرت قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – برایم فرستاد که در آن نوشته شده بود: پانصد درهم که بیست درهمش از خودت بود رسید.(۱۵)

۵ – علی بن محمد سیمری به محضر مقدّس قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – نامه نوشت و درخواست کفن کرد. جواب آمد: در سال هشتاد یا هشتاد و یکم به آن نیازمند خواهی شد. پس در همان وقتی که آن حضرت برایش تعیین کرده بود، وفات یافت و یک ماه پیش از فوتش کفن برایش فرستاده شد.(۱۶)

خوانندگان عزیز! اگر بخواهید بیشتر بر معجزات آن حضرت مطلع شوید، به کتاب هایی که برای این منظور نوشته شده، از جمله کتاب های: کمال الدین، خرایج، بحار الانوار و نجم الثاقب مراجعه فرمایید.

بخش سوم: قسمتی از حقوق و مراحم آن حضرت علیه السلام

توضیح

حقوق آن بزرگوار بر ما بسیار و الطاف و مراحمش بیرون از شمار است، بلکه همچون دریای خروشان و موّاجی است که غوّاصی در آن نتوانیم کرد، ولی به مقدار کف دستی از آن بر می گیریم و در پی تقرّب به درگاهش ره می پوییم.

اوّل: حقّ وجود و هستی

خداوند به برکت وجود آن حضرت علیه السلام، ما و هر موجودی را آفرید و اگر او نبود هیچ کس نبود، بلکه اگر او نبود نه زمین وجود می یافت و نه فلک، شاهد این گفتار روایاتی است که اشاره می شود.

از توقیعات شریفه آن حضرت است که فرمود: «نَحْنُ صَن آئِعُ رَبِّنا وَالخَلْقُ بَعْدُ صَن آئِعُنا...»(۱۷)؛ همانا ما ساخته شده پروردگارمان هستیم و مردم برای ما ساخته شده اند.

البته معنی این سخن بر دو وجه وارد است: وجه اوّل اینکه: امام زمان و پدران بزرگوارش علیهم السلام واسطه رساندن فیض های الهی به سایر مخلوقات هستند و به همین معنی در دعای ندبه اشاره شده: «أَیْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الأَرْضِ وَالسَّم آءِ»؛ کجاست آن وسیله ای که فیوضات آسمان را به اهل زمین می رساند؟

وجه دوم اینکه: مقصود از آفرینش تمام آنچه خداوند متعال آفریده، آن حضرت و پدران طاهرینش می باشند، یعنی اینها علّت غایی و هدف اصلی آفرینش هستند و آنچه هست به خاطر اینها آفریده شده است.

مؤیّد این وجه روایتی است که از امیر المؤمنین علی علیه السلام آمده: ««فَإِنّا صَن آئِعُ رَبِّنا وَالنّاسُ بَعْدُ صَن آئِعُ لَنا»(۱۸)؛ همانا ما ساخته شده پروردگارمان هستیم و مردم برای ما ساخته شده اند.

و احادیث فراوانی بر این معنی دلالت دارد.

دوم: حقّ بقاء در دنیا

دلیل بر این معنی روایاتی است که به برخی اشاره می شود.

۱ - حسن بن علی الوشّاء گوید: از حضرت رضاعلیه السلام پرسیدم: آیا زمین به غیر امام باقی می ماند؟ فرمود: نه. گفتم: این طور روایت کرده اند که در حالی زمین [بدون امام]باقی بماند که خداوند بر بندگان خشم گرفته باشد؟ فرمود: خیر، باقی نماند، در این صورت درهم فرو ریزد.(۱۹)

۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر زمین

بدون امام بماند، از هم می پاشد».(۲۰)

۳ – امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «و بدانید زمین از حجّت الهی خالی نمی ماند و لیکن خداوند چشم باطن بندگانش را از شناختن امام به خاطر ظلم و ستم و اسراف آنان بر خودشان کور می کند و اگر زمین یک ساعت از حجّت الهی خالی بماند اهلش را فرو می برد».(۲۱)

و اخبار در این باره بسیار زیاد است.

سوم: قرابت و خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه وآله

در سوره مبارکه شوری آمده: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا المَوَدَّةَ فِي القُرْبى»(۲۲)؛ بگو: من از شما بر تبلیغ رسالت توقّع مزدی ندارم جز اینکه در مورد خویشاوندانم مودّت ورزید.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که منظور از (القربی) در این آیه امامان هستند.(۲۳)

و در حدیث ندای حضرت قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – هنگام ظهورش آمده: «و از شما می خواهم شما را به خدا و حقّ رسول خدا و حقّ خودم بر شما، که مرا بر شما حقّ قرابت و خویشاوندی پیغمبر هست ...».(۲۴)

چهارم و پنجم: حقّ منعم بر متنعّم و حقّ واسطه نعمت

تمام بهره ها و استفاده هایی که به مردم می رسد به برکت وجود امام آن زمان است. در زیارت جامعه درباره امامان علیهم السلام می خوانیم: «وَأَوْلِي آءَ النِّعَمِ».

امام صادق علیه السلام فرمود: «به برکت ما درخت ها بارور گردیده و میوه ها رسیده ونهرها جاری شده و باران از آسمان باریده و گیاه از زمین روییده است و به عبادت ما خداوند عبادت شده، و اگر ما نبودیم خداوند پرستش نمی شد».(۲۵)

و در حدیث دیگری آمده است: «دنیا و هر چه در آن هست از خدای تبارک و تعالی و رسول او و ما است، پس هر که بر چیزی از آن دست یافت، تقوی پیشه کند و حقّ خداوند (خمس و زکات و...) را ادا نماید و به برادران ایمانی خود احسان کند، و اگر چنین نکند خدا و رسول او و ما (خاندان پیغمبر) از او بیزاریم».(۲۶)

ششم: حقّ پدر بر فرزند

همان طوری که فرزند از پدر به وجود می آید، شیعیان هم از باقیمانده گِل خاندان وحی آفریده شده اند. امام باقر علیه السلام فرمود: «به تحقیق خداوند ما را از اعلی علّیین خلق فرموده و دل های شیعیان ما را از خمیر مایه خلقت ما و تنشان را از پایین تر از آن آفرید، پس دل هایشان در هوای ما است؛ زیرا از آنچه ما آفریده شدیم آنها نیز آفریده شده اند».(۲۷)

و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «من و علی دو پدر این امّت هستیم».(۲۸)

و از امـام رضاعلیه السـلام روایت شـده که فرمود: «الإِمامُ: الأَنِیسُ الرَّفِیقُ وَالوالِدُ الشَّفِیقُ»(۲۹)؛ امام همـدمِ همراه و پدر مهربان است.

هفتم: حقّ آقا و ارباب بر بنده

معنی سیادت آن بزرگواران این است که: ایشان از خود ما در تمام امور اولی و شایسته تر

هستند، چنان که خداوند متعال فرموده: «اَلنَّبِیُّ أَوْلی بِالمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ...»(۳۰)؛ پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است.

و در زیارت جامعه آمده است: «وَالسّادَهُ الوُلاهُ»؛ و سروران سرپرست.

و از رسول اکرم صلی الله علیه وآله از طریق اهل سنت وارد شده: «ما فرزندان عبد المطلب سروران اهل بهشت هستیم؛ من و علی و جعفر و حسن و حسین و مهدی علیهم السلام».

هشتم: حقّ عالم بر متعلّم

در چند روایت از امام صادق علیه السلام آمده، که امام زمان و پدران طاهرینش راسخین در علم هستند، و نیز خداوند متعال دستور فرموده تا مردم هر چه می خواهند از خاندان وحی بپرسند که ایشان (اهل الذکر)اند: «فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُونَ»(۳۱)؛ پس از اهل ذکر سؤال کنید، اگر نمی دانید.

بخش چهارم: ویژگی ها و جهاتی که در امام زمان علیه السلام هست و مایه لزوم دعا برای آن حضرت است

اشاره

در اینجا اموری بیان می شود که اگر یکی از آنها در شخصی یافت گردد، به حکم عقل یا شرع یا فطرت انسانی بر ما واجب و لازم است که برای او دعا کنیم. در صورتی که تمام این امور در وجود مقدّس امام زمان - عجّل اللَّه فرجه الشریف - جمع است. که قسمتی از این امور به ترتیب حروف الفبا ذکر می شود.

حرف «الف»

۱ - ایمان به خداوند

شایسته است که مؤمن برای مؤمنینی که هم کیش و هم عقیده او هستند دعا کند. و این مطلب به حکم عقل و شرع ثابت است. [پس دعا کردن برای آن بزرگوار که سالار مؤمنین است بر ما لازم می باشد].

امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «هر مؤمنی برای مرد یا زن مؤمنی که از اوّل روزگار تا روز قیامت آمده یا خواهد آمد، دعا کند، خداوند متعال آنچه که او برای آنها خواسته است، مانند آن را به سوی او برگرداند. و چه بسا روز قیامت بنده مؤمنی را دستور دهند تا به آتش افکنده شود و او را می کشند تا به دوزخ ببرند، ولی مؤمنین و مؤمنات عرضه می دارند: پروردگارا! این همان شخصی است که برای ما دعا می کرد، شفاعت ما را درباره او بپذیر. پس خداوند شفاعت آنها را درباره او قبول می فرماید و او نجات می یابد».(۳۲)

و از عیسی بن ابی منصور روایت است که گفت: من و ابن ابی یعفور و عبد اللَّه بن طلحه خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که آن حضرت چنین فرمود: ای پسر ابی یعفور! رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده: شش خصلت است که در هر کس

باشد، در نزد

خداوند و طرف راست [عرش]او خواهد بود.

ابن ابی یعفور عرضه داشت: فدایت شوم، آنها چیست؟ فرمود: «فرد مسلمان برای برادردینی خود بخواهد آنچه برای عزیزترین خاندانش می خواهد، و بد بدارد آنچه برای عزیزترین خاندانش بد می دارد، و با پاکی و خلوص با او دوستی کند».

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «سه تا مربوط به شماست [همان که گذشت]و سه تا مربوط به ماست: اینکه فضیلت ما را بشناسید و دنبال ما گام بردارید و منتظر عاقبت امر وبرنامه [حکومت]ما باشید، هرکس چنین بود، درپیشگاه خدای - تعالی - خواهد بود و کسانی که در مراتب پایین تر هستند، از نور ایشان استفاده می کنند».(۳۳)

۲ – اجابت دعای ما به برکت آن حضرت علیه السلام

از جمله نعمت های بزرگ خداوند متعال بر ما این است که به ما اجازه داده تا او را بخوانیم و دعا کنیم. چون تمام نعمت های الهی به برکت وجود امام زمانمان به ما می رسد و پُر واضح است که اجابت دعا از بهترین نعمت هاست، زیرا به وسیله این نعمت به نعمت های دیگر دست می یابیم، اهمیت حقّ مولایمان امام زمان علیه السلام بر ما روشن می شود، پس بر ما واجب است که با دعا و یا کارهای دیگر جبران این لطف را بنماییم.

امام باقر علیه السلام فرموده که رسول خداصلی الله علیه وآله به امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: آنچه بر تو دیکته می کنم بنویس. علی علیه السلام عرضه داشت: ای پیامبر خدا! آیا می ترسی فراموش کنم؟ فرمود: نمی ترسم فراموش کنی، من از خداوند خواسته ام که تو را حفظ کند و فراموشت ننماید، ولی برای شریکانت بنویس. عرضه داشت: شرکای من کیانند؟ فرمود: «امامان از فرزندان تو که خداوند به سبب آنان بر امّت من باران می فرستد

و به سبب آنان دعای ایشان را مستجاب می کند و به سبب آنان بلا را از آنها دور می سازد و به سبب آنان رحمت از آسمان نازل می شود و این نخستین آنان است - به امام حسن علیه السلام اشاره کرد - سپس به امام حسین علیه السلام اشاره کرد و فرمود: امامان از فرزندان تواند».(۳۴)

۳ - احسان به ما

احسان امام زمان - عجّل اللّٰه فرجه الشریف - به ما نحوه های گوناگون دارد. و از جمله آنها دعا کردن آن حضرت در حقّ ما و دفع شرّ دشمنان و برطرف ساختن محنت ها و... می باشد. خداوند متعال می فرماید: «هَلْ جَزآءُ الإِحْسانِ إِلَّا الإِحْسانُ»(۳۵)؛ آیا پاداش احسان جز احسان است.

۴ - اباحه [و اجازه تصرّف در]حقوقی که از حضرت در دست ماست

مسمع از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «ای ابویسار! به تحقیق تمام زمین برای ما است و هر چه خداوند از آن برآرد، همه از برای ما است».

ابویسار می گوید: به آن حضرت عرض کردم: پس همه مال را برای شما بیاورم؟ فرمود: «ای ابویسار! البته ما آن را بر تو حلال کردیم و مباح گردانیدیم، پس مال خودت را برگیر و هر آنچه از زمین در دست شیعیان ما هست بر آنها حلال است تا هنگامی که قائم ما بپاخیزد و مالیات آن را از آنان بگیرد و زمین را در دست ایشان واگذارد. امّا آنچه در دست غیر شیعیان است هر سودی که از آن ببرند بر آنها حرام است و هنگامی که قائم ما بپاخیزد زمین را از دستشان بگیرد و آنها را به خواری از آن بیرون راند».(۳۶)

۵ - اغاثه [دادرسی]ستمدیدگان

در توقیع آن حضرت علیه السلام به شیخ مفیدرحمه الله آمده: «ما نظر خود را از شما برنمی گیریم [که به حال خود وا بمانید]و فراموشتان نمی کنیم، اگر چنین بود گرفتاری ها شما را از پای می انداخت و دشمنان، شما را از بین می بردند».(۳۷)

نمونه های فریادرسی و گره گشایی از کار شیعیان به دست آن حضرت علیه السلام به قدری مشهور است که نیاز به ذکر نیست و طالب آن می تواند به کتاب هایی که در این باره نوشته شده، مراجعه نماید.

۶ - ادا کردن قرض مؤمنین

امام باقر علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود: «... سپس به سوی کوفه می آید، منزلش در آنجا خواهد بود. پس هیچ برده مسلمانی را نخواهد گذاشت مگر اینکه او را بخرد و آزاد سازد، و هیچ قرض داری نماند مگر اینکه قرضش را ادا کند، و هیچ حقّ ضایع شده از کسی را وانگذارد تا اینکه به صاحبش برگرداند و هیچ شخصی کشته نشود مگر اینکه قرضش را ادا نماید». (۳۸)

و امام صادق علیه السلام فرمود: «اوّلین کاری که مهدی علیه السلام انجام می دهد، این است که در همه جای عالم ندا می

کنـد: توجّه کنیـد! هرکس برعهـده یکی از شـیعیان مـا قرضـی داشـته باشـد آن را بگویـد. تـا اینکه دانه سـیر و خردل را هم به صاحبان آنها برساند، چه رسد به طلاها و نقره ها و املاک زیاد که همه را ادا می کند».(۳۹)

۷– امنیت راه ها و شهرها با ظهور آن حضرت علیه السلام

امام صادق علیه السـلام فرمود: «هرگاه حضـرت قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – قیام کند، به عدالت حکم می کند و در زمان او ظلم و ستمگری برچیده می شود، به وسیله آن حضرت امنیت در راه ها برقرار می گردد و زمین برکاتش را برمی آورد و هر حقّی به حق دار می رسد».

۸ – احیاء و زنده کردن دین خدا

در دعای ندبه می خوانیم: «أَیْنَ مُحْیِی مَعالِمِ الدِّینِ وَأَهْلِهِ»؛ کجاست آنکه نشانه ها و آثار دین و اهل دین را زنده کند؟

و در تفسیر آیه: «لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ»(۴۰)؛ تا او را بر همه [مجموعه های]دین پیروز گردانـد. آمده است: با ظهور حضرت قائم علیه السلام این کار انجام خواهد شد.(۴۱)

پیغمبر اکرم صـلی الله علیه وآله فرمود: «نهمین آنها قائم خانـدان من و مهدی امّت من است، بعد از غیبتی طولانی ظاهر خواهد شـد و دین خـدا را آشـکار خواهـد کرد و با کمک الهی تأییـد و حمایت و به وسـیله فرشـتگان خداوند یاری خواهد شد. پس زمین را از عدل و داد پر کند، چنان که از ستم و بیداد پر شده باشد».(۴۲)

۹ – انتقام آن حضرت علیه السلام از دشمنان خدا

از جمله القاب امام زمان – عجّل اللّه فرجه الشریف – «المنتقم» است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه قائم ما بپاخیزد، برای خدا و رسول او و همه ما خاندان پیغمبر انتقام خواهد گرفت».(۴۳)

۱۰ – اقامه و برپا کردن حدود الهی

در دعایی که از آن حضـرت روایت شده، چنین آمده: «وَأَقِمْ بِهِ الحُدُودَ المُعَطَّلَةَ وَالأَحْکامَ المُهْمَلَةَ»؛ و به وسیله او حدود تعطیل شده و احکام کنار مانده را برپا کن.

امام صادق علیه السلام ضمن تشریح زمان ظهور آن حضرت فرمود: «و در آن زمان حدود الهی برپا می شود».(۴۴)

۱۱ – اضطرار و ناچاری آن حضرت علیه السلام

در دعای ندبه آمده است: «أَیْنَ المُضْطَرُّ الَّذِی یُجابُ إِذا دَعا»؛ کجاست آن مضطرّ که هرگاه دعا کند به اجابت می رسد؟

و امام صادق علیه السـلام در تفسیر آیه مبارکه: «أَمَّنْ یُجِیبُ المُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَیَکْشِفُ السُّوءَ وَیَجْعَلُکُمْ خُلَفَ آءَ الأَرْضِ»(۴۵)؛

آیا [جز خـدا]کیست که دعای مضـطرّ [ناچار]را به اجابت رسانـد و شـما را جانشـینان زمین قرار دهـد؟! فرمود: «این آیه درباره قـائم آل محمـدعلیهم السـلام نـازل شـده است، آن مضـطرّی که هرگاه در مقام [ابراهیم]دو رکعت نماز بگـذارد و خداونـد را بخواند و دعا کند، خداوند دعای او را اجابت فرماید و او را خلیفه در زمین قرار دهد».(۴۶)

حرف «ب»

۱ - برکات آن حضرت علیه السلام

در بخش سوم گفتیم: تمام نعمت های ظاهری و باطنی، آشکار و نهان که در زمان آن حضرت به بندگان می رسد، از برکات وجود اوست، احـادیث در این بـاره بیش از حـدّ تواتر است. و در توقیع آن حضـرت علیه السـلام آمـده است: «و امّا نحوه بهره وری از من به هنگام غیبتم همانند استفاده از خورشید است موقعی که ابر آن را از دیده ها پنهان کند».(۴۷)

حرف «ت»

۱ - تألیف قلوب

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند به وسیله آن حضرت بین دل های پراکنده و مخالف یکدیگر ائتلاف می بخشد».(۴۸)

در دعای امیر المؤمنین علی علیه السلام درباره آن حضرت آمده: «و پراکندگی امّت را با او جمع فرمای».(۴۹)

۲ - تلطّف آن حضرت علیه السلام نسبت به ما

زید شـحّام گوید: بر امام صادق علیه السـلام وارد شدم، به من فرمود: «ای زید! تو از شیعیان ما هستی، صراط و میزان و حساب شیعیان ما مربوط به ما است و البته که ما به شما از خودتان مهربان تریم».(۵۰)

و نیز آن حضـرت فرمود: «هرگاه روز قیامت شود، خداونـد حساب شـیعیان ما را برعهـده ما قرار می دهد، پس آنچه از گناهان بین آنها و بین خـدا باشد، محمدصـلی الله علیه وآله از درگاه الهی برایشان طلب بخشـش می کند و آنچه بین آنها و بین مردم بوده باشد از مظالم، محمدصلی الله علیه وآله آن را از طرف ایشان ادا خواهد ساخت و آنچه بین آنها با ما باشد، ما به آنها می بخشیم تا بدون حساب وارد بهشت شوند».(۵۱)

۳ - تحمل اذیت

در توقیعی از آن حضـرت روایت است که: «جاهلاـن شـیعه و احمق هـای آنان و کسانی که دینشان [ماننـد]بال پشّه ای هست، همانا ما را اذیّت کرده اند».(۵۲)

۴ - تشییع جنازه مردگان ما

در بحار نقل شده است که: «شـیعیان نیشابور - در زمان امامت حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام - جمع شدند، و شخصی

به نام محمـد بن علی نیشابوری را انتخاب کردند تا به مدینه برود و حقوق شـرعی و هدایای شـیعیان را به خدمت امام زمانشان بـبرد، در این میـان [یکی از بـانوان باایمـان به نـام]شـطیطه یـک درهم و یـک تکّه پـارچه پیش آورد و گفت: خداونـد از حقّ خجالت نمی کشد (یعنی حقوق امام علیه السلام را گرچه کم باشد، باید پرداخت).

آن گاه آن جمعیت جزوه ای آوردند و سؤالاتی نوشـتند تا جواب زیر آن نوشته شود. و آن را مهر زدند و گفتند: این جزوه را شب هنگام به خدمت امام علیه السـلام ببر و فردای آن باز گیر. مهرها را نگاه کن، اگر نشکسـته بود پنج تا از آنها را بشـکن و ببین آیا جواب سؤال ها را داده است یا نه، که اگر بدون شکسته شدن مُهرها جواب داده بود، او همان امام است و مستحقّ این اموال و گرنه اموال را به ما بازگردان.

محمـد بن علی نیشـابوری به مـدینه مشـرّف شـد و نزد عبـد اللّه افطـح رفت، او را امتحـان کرد و دانست که او شایسـتگی مقام امامت را ندارد، از خانه او بیرون رفت، در حالی که می گفت: «رَبِّ اهْدِنِی إِلی سَوآءِ الصِّراطِ»؛ خدایا مرا به راه راست هدایت فرما. همان طور که در حیرت ایستاده بود، کودکی آمد و گفت: کسی را که می خواهی اجابت کن. و او را به خانه

حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام برد، تا چشم حضرت بر او افتاد، فرمود: «ای ابوجعفر! چرا ناامید می شوی و چرا به سوی یهود و نصاری پناه می بری؟! به من روی کن که حجّت و ولیّ خدا هستم. سؤال هایی که در جزوه بود، دیروز جواب دادم. آنها را نزدم بیاور و درهم شطیطه را هم که در کیسه است و وزن درهمش یک درهم و دو دانق می باشد، برایم بیاور. و آن کیسه چهارصد درهم می باشد که از آن وی است و پارچه او با جامه دو برادر بلخی یک جا بسته شده».

می گوید: از سخنان آن حضرت عقلم حیران شد، رفتم و آنچه امر فرموده بود، آوردم و در پیشگاهش قرار دادم، درهم و پارچه شطیطه را برگرفت و رو به من کرد و فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لا یَسْتَحْیِی مِنَ الحَقِّ. ای ابوجعفر! سلام مرا به شطیطه برسان و این کیسه پول را - در آن کیسه چهل درهم بود - به او بده».

آن گاه فرمود: «قطعه ای از کفن هایم را نیز به او هدیه کردم، پنبه این کفن از روستای ما صیدا است، قریه فاطمه علیها السلام که خواهرم حلیمه آن را رشته است. به شطیطه بگو: تو از هنگام رسیدن ابوجعفر و پول و قطعه کفن، تا نوزده روز بیشتر زنده نمی مانی. پس شانزده درهم از این پول را برای خودت خرج کن و بیست و چهار درهم آن را صدقه و لوازم تجهیز برای خودت قرار بده و من بر جنازه تو نماز خواهم خواند. ای ابوجعفر هرگاه [در آن وقت]مرا دیدی، مطلب را مخفی بدار که برای حفظ جانت بهتر است».

سپس فرمود: «این اموال را

به صاحبانشان برگردان و مُهر از این جزوه بگشای و ببین آیا جواب سؤال ها را پیش از آنکه جزوه را بیاوری، داده ایم یا نه؟»

می گوید: به مُهرها نگاه کردم، دیدم دست نخورده است، یکی از مهرها را از وسطشان شکستم، دیدم حضرت جواب آن را نوشته. مهر دومی را گشودم دیدم جواب آن را هم نوشته اند. سومین مهر را گشودم دیدم جواب نوشته اند، تا پنجمین مهر.

هنگامی که ابوجعفر محمد بن علی نیشابوری به خراسان بازگشت، دید کسانی که آن حضرت اموالشان را رد کرده به مذهب فَطَحیه وارد شده اند، ولی شطیطه بر همان مذهب حقّ باقی مانده، سلام حضرت کاظم علیه السلام را به او رساند و کیسه پول و قطعه کفن را به او داد. پس همان طور که حضرت فرموده بود، به مدت نوزده روز شطیطه زنده ماند و چون از دنیا رفت، امام علیه السلام سوار بر شتری آمد. پس از پایان مراسم او بر شتر خود سوار شد و راه بیابان پیش گرفت و فرمود: «به اصحاب خودت مطلب را در میان بگذار و سلام مرا به آنها برسان و به ایشان بگو: من و امامان نظیر من باید که پای جنازه های شما حاضر شویم در هر جا که از دنیا بروید، پس تقوای خدا را در خود حفظ کنید».(۵۳)

۵ – تجدید بنای اسلام پس از کهنه و فرسوده شدن آن

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم بپاخیزد مردم را بار دیگر به اسلام دعوت کند و آنها را به امری که از بین رفته و عموم مردم از آن جدا گشته و به گمراهی افتاده اند، هدایت فرماید. برای این جهت حضرت قائم علیه السلام را مهدی نامیده اند که به امری که از آن وامانده اند،

هدایت می کند».(۵۴)

و نیز آن حضرت علیه السلام در پاسخ به سؤال کسی که از شیوه و شگرد حضرت مهدی – عجّل اللّه فرجه الشریف – پرسید، فرمود: «همان برنامه ای که پیامبر صلی الله علیه وآله پیش گرفت، حضرت قائم علیه السلام انجام می دهد. بنیادهای پیشین را منهدم و ویران می سازد، چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله نظام جاهلیت را ریشه کن کرد و اسلام را از نو آغاز نمود». (۵۵)

۶ – تعلیم و آموختن قرآنی که امیر المؤمنین علیه السلام جمع کرده بود

از امام باقر علیه السلام روایت است که فرمود: «چون قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – بپاخیزد، خیمه هایی نصب می شود برای کسانی، تا قرآن را همان گونه که خداوند – جلّ جلاله – آن را نازل فرموده، به مردم بیاموزند. پس دشوارترین کار برای کسانی است که آن را حفظ کرده اند، زیرا با این تألیف اختلاف دارد».(۵۶)

و در احتجاج آمده: هنگامی که رسول خداصلی الله علیه وآله وفات یافت، علی علیه السلام قرآن را جمع کرد و آن را نزد مهاجرین و انصار برد و بر آنان عرضه کرد، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله او را به این کار وصیّت فرموده بود. پس چون ابوبکر آن را گشود، در اوّلین صفحه ای که باز کرد، رسوایی های قوم آشکار شد. عمر برآشفت و گفت: ای علی! آن را بازگردان که ما را به آن نیازی نیست. پس حضرت امیرعلیه السلام آن را گرفت و رفت.

آن گاه زید بن ثابت را که قاری قرآن بود، احضار کردند. عمر به او گفت: علی قرآن را نوشته بود، آورد، ولی در آن رسوایی های مهاجرین و انصار بود و ما نظرمان بر این است که قرآن را جمع کنیم و فضیحت های مهاجرین و انصار را از

آن بینـدازیم. زید رأی موافق داد، ولی گفت: اگر من قرآن را آن طور که شـما می خواهید جمع کردم و بعد از آن علی قرآن خودش را آشکار کرد، آیا زحمت های شما هدر نمی رود؟ عمر گفت: چاره ای جز این نیست که او را بکشیم و از او راحت شویم. پس حیله ای به کار بردند تا به دست خالد بن ولید آن حضرت را بکشند ولی نتوانستند.

چـون عمر به خلافـت رسـید، از علی علیه السـلام خـواست آن قرآن را بیـاورد تـا میـان خودشـان آن را تحریـف کننـد. به آن حضرت گفت: یا اباالحسن! خوب بود قرآنی که نزد ابی بکر آوردی، حالا بیاوری تا بر آن اجتماع کنیم.

علی علیه السـلام فرمود: «هیهات! هیچ راهی به سوی آن نیست، من در آن موقع آن را آوردم تا حجّت بر شما تمام کرده، روز قیامت نگوییـد ما از این قرآن غافل بودیم، یا به من نگوییـد که تو آن را نیاوردی. البته قرآنی که نزد من است جز پاکیزگان و اوصیا از فرزندان من هیچ کس به آن دست نمی یابد».

عمر گفت: آیا وقت معیّنی برای آشکار ساختن این قرآن هست؟ فرمود: «آری؛ هنگامی که قائم از فرزندان ما قیام کند، آن را ظاهر نماید و مردم را بر آن وا می دارد، پس سنّت بر آن جاری می گردد».(۵۷)

حرف «ث»

۱ – ثائر خون امام حسین علیه السلام و شهیدانی که با آن حضرت بوده اند

ثـائر، کسـی است که به هیـچ وجه قرار و آرام نمی گیرد تـا اینکه خـون بهـای خویش را بگیرد.(۵۸) امام باقر علیه السـلام در تفسیر آیه: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُلْطاناً فَلا یُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کانَ مَنْصُوراً»(۵۹)؛ و هرکه مظلوم کشته شود، البته

ما برای ولیّ او تسلط و حکومت قرار داده ایم، پس در کشتن اسراف نکند که او یاری شده است. فرمود: «او حسین بن علی علیهما السلام است که مظلوم کشته شده و ما اولیای او هستیم، هنگامی که قائم ما بپاخیزد به خونخواهی حسین علیه السلام می پردازد، پس آن قدر می کشد تا جایی که گفته می شود: در کشتن اسراف کرد».(۶۰)

امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که جدّم حسین علیه السلام کشته شد، فرشتگان به درگاه خداوند - عزّوجلّ - صدا به گریه و ناله بلند کردند و عرضه داشتند: بار الها! صاحب اختیارا! آیا غفلت می ورزی از کسی که برگزیده تو و فرزند برگزیده ات و بهترین خلق را به قتل رسانیده است؟ پس خداوند - عزّوجلّ - به آنها وحی فرمود: ای ملائکه من! آرام باشید، به عزّت و جلالم سوگند! که حتماً از آنها انتقام خواهم گرفت، هرچند پس از مدت ها باشد. سپس خداوند - عزّوجلّ - برای فرشتگان از روی امامان از فرزندان حسین پرده برداشت، ملائکه خوشحال شدند و متوجّه شدند که یکی از آنها ایستاده نماز می خواند، خداوند فرمود: به این قائم، از آنها انتقام می گیرم».(۶۱)

حرف «ج»

۱ - جمال و زیبایی آن حضرت علیه السلام

مولای ما صاحب الزمان علیه السلام زیباترین و خوش صورت ترین مردم است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «مهدی طاووس اهل بهشت است».(۶۲)

و نیز فرمود: «مهدی، مردی از فرزندان من است، رنگ او رنگ مردم عرب و بدن او بدن بنی اسرائیل (قوی و درشت استخوان)، بر گونه راستش خالی است که مثل ستاره درخشنده است».(۶۳)

امام صادق علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله روایت کرده که فرمود: «مهدی از فرزندان من است، نام او نام من و کنیه اش

کنیه من است، از نظر خَلق و خُلق شبیه ترین مردم به من است».(۶۴)

و رسول خداصلی الله علیه وآله زیباترین و خوش صورت ترین مردم بوده است.

امام باقر علیه السلام فرمود: «پیامبر خداصلی الله علیه وآله رخسارش سپید آمیخته به سرخی و چشمانش سیاه و درشت و ابروانش به هم پیوسته، و کف دست و پایش پُرگوشت و درشت بود، بدان سان که گویی طلاـ بر انگشتانش ریخته باشد. استخوان دو شانه اش بزرگ بود، چون به کسی روی می کرد به خاطر مهربانی شدیدی که داشت با همه بدن به جانب او توجه می نمود. یک رشته موی از گودی گلو تا نافش روییده، انگار که میانه صفحه نقره خالص خطی کشیده شده باشد، و گردن و شانه هایش بسان گلاب پاش سیمین بود. بینی کشیده ای داشت که هنگام آشامیدن آب، نزدیک بود به آب برسد، هنگام راه رفتن محکم قدم برمی داشت که گویا به سرازیری فرود می آید. باری، نه قبل و نه بعد از پیغمبر خدا کسی مثل او دیده نشده است».(۶۵)

۲ – جهاد آن حضرت علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «او خونخواه است، با تأسف و غضبناک خروج می کند به خاطر غضب خداوند بر این خلق، پیراهنی که رسول خداصلی الله علیه وآله روز احد پوشیده بود بر اندام اوست، و عمامه سحاب و زره سابغه و شمشیر ذوالفقار پیغمبر با اوست، شمشیر بر شانه می گذارد و تا شش ماه از کشته پشته می سازد».(۶۶)

بشیر نبّال گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: آنها می گویند: «هرگاه مهدی علیه السلام قیام کند، خود به خود امور برایش درست می شود و به قدر یک حجامت هم خون نمی ریزد؟ فرمود: «نه، سوگند به آنکه جانم به دست

اوست! اگر برای کسی امور خود به خود درست می شد برای پیغمبرصلی الله علیه وآله این امر واقع می گشت که دندان هایش خون آلود و پیشانی اش شکسته شد، نه؛ سوگند به آنکه جانم در دست اوست [کار به جایی رسد که]ما و شما عرق و علق (< خون بسته شده) را از چهره پاک کنیم، و دستی به پیشانی کشید».(۶۷)

علق یعنی: خون، و پاک کردن عرق و خون کنایه از محنت ها و رنج ها است که باعث می شود انسان عرق کند، و یا جراحت هایی که خون ها را جاری می سازد.

۳ – جمع کلمه بر توحید و اسلام

در دعای ندبه آمده است: «أَيْنَ جامِعُ الكَلِمَهِ عَلَى التَّقْوى»؛ کجاست آنکه سخنان را به تقوا جمع می نماید.

امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره آیه: «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»(۶۸)؛ برای آنکه او را بر همه دین برتری بخشد، فرمود: «تا جایی که هیچ آبادی نماند مگر اینکه هر صبح و شام بانگ شهادت لا إله إلاّ اللَّه و محمّد رسول اللَّه در آن بلند شود».(۶۹)

و امام صادق علیه السلام درباره آیه: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمواتِ وَالأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً»(۷۰)؛ و هر آنکه در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه برای او تسلیم است. فرمود: «هنگامی که قائم – عجّل اللَّه فرجه الشریف – قیام کند هیچ زمینی باقی نمی ماند مگر اینکه در آن، شهادت لا اله الاّ اللَّه ومحمّد رسول اللَّه اعلام می شود».(۷۱)

۴ – جمع شدن یاران دین از فرشتگان و جنّیان و سایر مؤمنان

حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام فرمود: «به خدا قسم وقتی قائم ما بپاخیزد، خداوند از همه شهرها و بلاد، شیعیان ما را به سوی او جمع می نماید».(۷۲)

و امام صادق علیه السلام فرمود: «بر او سی هزار فرشته و ۳۱۳ فرشته فرود می آیند».

ابان بن تغلب عرضه داشت: تمام این فرشتگان؟ فرمود: «آری فرشتگانی که با نوح در کشتی بودند و فرشتگانی که با ابراهیم بودند هنگامی که به آتش افکنده شد، و آنهایی که با موسی بودند هنگامی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافت، و آنهایی که با عیسی بودند هنگامی که خداوند وی را به سوی خود بالا برد، و چهار هزار فرشته نشانداری که با پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله بودند، و هزار فرشته ای که پی در پی فرود آمدند و سیصد و سیزده فرشته ای که در بدر بودند و چهارهزار ملائکه که

فرود آمدنـد تـا به همراه حسـین بن علی علیهمـا السـلام بـا دشـمنان نبرد کننـد، ولی به آنهـا اجازه داده نشـد، آنها کنار قبر آن حضـرت پریشان و غبارآلود و گریان هسـتند تا روز قیامت. رئیس آنان فرشـته ای است که منصور خوانده می شود، هیچ کس آن حضـرت را زیـارت نکنـد مگر اینکه اینها به اسـتقبال او می رونـد و یا هنگام وداع او را مشایعت می کننـد، و هیـچ بیماری نیست مگر اینکه به عیادتش می رونـد، و هیـچ کس از دنیا نرود مگر آنکه بر بـدنش نماز می گزارنـد و پس از مرگ برای او طلب مغفرت می کننـد. و همه اینهـا در زمین منتظر قیام قائم - عجّل اللَّه فرجه الشـریف - هسـتند تا هنگام ظهورش فرا رسـد». (۷۳)

۵ - جمع عقول

امـام بـاقر علیه السـلام فرمود: «إِذا قـامَ ق آئِمُنـا وَضَعَ اللَّهُ یَدَهُ عَلی رُؤُوسِ العِبـادِ فَجُمِعَ بِهـا عُقُولُهُمْ وَكَمُلَتْ بِهِ أَحْلامُهُمْ»(۷۴)؛ هرگاه قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان قرار دهد، پس عقل هایشان جمع و بردباریشان کامل گردد.

حرف «ح»

۱ - حمایت آن حضرت علیه السلام از اسلام

امام باقر علیه السـلام فرمود: «گویا می بینم دین شـما پیوسـته رو به ضعف و از بین رفتن خواهد نهاد و در خون خود دست و پا خواهد زد و کسی آن را به شما باز نمی گرداند مگر مردی از ما اهل البیت».(۷۵)

۲ - حرب (جنگ) آن حضرت علیه السلام با مخالفین

امام صادق علیه السـلام فرمود: «سـیزده شـهر و طایفه است که قائم علیه السلام با آنها جنگ می کند، و آنها هم با آن حضرت می ستیزنـد: اهـل مکّه، اهـل مـدینه، اهـل شام، بنی امیّه، اهل بصـره، اهل دمیسان، کردها، اعراب، ضـبّه، غِنی، باهله، اَزْد و اهل ری».(۷۶)

و امـام بـاقر علیه السـلام فرمـود: «در صـاحب این امر شـیوه و سـنّتی از موسـی و سـنّتی از عیسـی و سـنّتی از یوسف و سـنّتی از محمدصلی الله علیه وآله هست: امّا سنّت از موسی، اینکه ترسان و برحذر است. و امّا از عیسی، اینکه درباره اش گفته می شود آنچه درباره عیسـی گفته شد. و امّا از یوسف، زندان و غیبت است. و امّا از محمّدصـلی الله علیه وآله قیام با شمشیر و روش آن حضـرت را پیروی می کنـد، و آثارش آشـکار گردد، آن گاه شمشـیر خود را تا هشت ماه با دست راست و بر شانه حمایل می نماید و پیوسته دشمنان را خواهد کشت تا خداوند - عزّوجلّ - راضی گردد».(۷۷)

اخبار در این باره بسیار است که بعضی از آنها در بحث «قتل کافرین» خواهد آمد، ان شاء اللَّه تعالی.

۳ - حجّ آن حضرت علیه السلام

از محمـد بن عثمـان عَمْری روایت شـده که گفت: «صـاحب این امر هر سال در مراسم حـج حاضـر می شود، پس مردم را می بیند، آنها را می شناسد و آنها او را می بینند، ولی نمی شناسند».(۷۸)

از جمله روایاتی که دلالت بر استحباب دعا کردن برای حُجّاج دارد، حدیثی است از امام صادق علیه السلام که فرمود: «هنگامی که شامگاه عرفه شود، خداوند متعال دو فرشته را می فرستد که چهره های مردم را جستجو کند، پس هر گاه کسی که خودش را به حج عادت داده بود نیابند،

یکی از آن دو فرشته به دیگری می گوید: فلان شخص در چه حال است؟ جواب می دهد: خدا بهتر می داند. پس می گوید: پروردگارا! اگر فقر مانع از آمدنش شده او را غنی گردان و اگر قرض دارد از او ادا فرمای و اگر بیماری سبب نیامدنش شده او را شفا بخش و اگر از دنیا رفته پس او را بیامرز و رحمتش فرمای».(۷۹) این حدیث دلالت می کند بر استحباب دعا کردن برای کسی که خودش را به حجّ عادت داده باشد.

۴ – حیات و زندگی زمین به ظهور آن حضرت علیه السلام

حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام درباره آیه «یُحْیِی الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها»؛ فرمود: «نه به وسیله باران، بلکه خداوند – عزّو جلّ – مردانی برمی انگیزاند، پس زمین به خاطر برپایی و زنده شدن عدالت، احیا می شود».(۸۰)

و امام صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند متعال: «اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یُحْیِی الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها» فرمود: «یعنی به وسیله عدالت پس از جور و ستم».(۸۱)

۵ – حلم آن حضرت علیه السلام

در ضمن بیان خلق و خوی آن حضرت خواهد آمد، ان شاء اللَّه تعالی.

۶ – حبّ (دوستی) آن حضرت علیه السلام نسبت به ما

از بحثی که درباره لطف آن حضرت نسبت به ما در حرف «تاء» گذشت، دوستی آن حضرت نیز واضح می شود، زیرا لطف، میوه محبّت است. همچنین در بخش سوم، حقّ پدر بر فرزند و تشییع مردگان ما، در این زمینه مطالبی گذشت.

به هر حال همه احسان آن حضرت در حقّ ما ثمره و نتیجه محبّتش نسبت به ما است ان شاء اللَّه تعالی. ولی نباید غافل بود که محبّت او در حقّ ما جز از جهت ایمان و اطاعت ما نسبت به خداوند – عزّوجلّ – نیست.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که به جابر جعفی فرمود: «بنده جز با اطاعت، به خداوند – تبارک وتعالی – نزدیک نمی شود، دوری از آتش با ما نیست، آنکه مطیع و فرمانبردار خدا باشد، دوست و ولیّ ماست. و هر که خداوند را معصیت کند، دشمن ماست. و ولایت ما جز با عمل و دوری از گناه به دست نمی آید».(۸۲)

۷ – حکم آن حضرت علیه السلام به حقّ و باطن

آن حضرت علیه السلام به مقتضای علمش، حکم به باطن می کند. از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: «چون قائم آل محمدعلیهم السلام قیام کند، در میان مردم به حکم حضرت داوودعلیه السلام حکم می فرماید، نیازی به شاهد و بیّنه ندارد، خدای تعالی او را الهام می کند؛ پس به علم خود داوری فرماید و هر قومی را به آنچه در باطن مخفی داشته اند، خبر می دهد و دوست خود را از دشمن، به نشانه تشخیص می دهد».(۸۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: «در مسجد شما – یعنی مسجد مکّه – سیصد و سیزده مرد خواهد آمد که اهل مکّه می دانند

آنها از پدران و اجدادشان نیستند، ... پس

خداوند – تبارک وتعالی – بادی می فرستد که به هر وادی ندا می کند: این مهدی است که به قضاوت داوود و سلیمان علیهما السلام قضاوت می کند و بر آن بیّنه و شاهد نمی طلبد».(۸۴)

و از امام ابوجعفر باقر علیه السلام منقول است که فرمود: «در قضایایی حضرت قائم علیه السلام قضاوت می کند، بعضی از کسانی که در خدمتش شمشیر زده اند، آن را رد و انکار می نمایند و آن قضاوت آدم است. پس دستور می دهد آنها را بیاورند و گردنشان را می زنند. سپس دوباره قضاوتی می کند که قضاوت داوود است و عدّه ای از کسانی که همراه آن حضرت شمشیر زده اند، اعتراض و انکار می کنند که آنها را پیش می آورد و گردنشان را می زند. سپس بار سوم قضاوتی می کند و آن قضاوت ابراهیم علیه السلام است، گروه دیگری از کسانی که در پیشاپیش آن حضرت شمشیر زده اند، اشکال و رد می کنند. پس آنها را جلو می آورد و گردنشان را می زند. آن گاه مرتبه چهارم قضاوتی می کند که قضاوت محمدصلی الله علیه وآله می باشد، پس هیچ کس علیه او انکار نمی نماید».(۸۵)

۸ – حکومت آن حضرت علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «قیامت بپا نشود تا اینکه مردی از خاندان من حکومت کند، قسطنطنیه و جبل الدیلم را فتح نماید. اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند متعال آن روز را آن قدر طولانی کند تا آن را فتح فرماید».(۸۶)

و امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم سیصد و نه سال حکومت می کند، همان مقدار که اهل کهف در غار ماندند، زمین را پر می کند از عدل و قسط، چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد. پس خداوند برای او شرق و غرب زمین را می گشاید

و مردم را می کشد تا اینکه جز دین محمدصلی الله علیه وآله باقی نماند. به شیوه سلیمان بن داوود سلوک نماید، آفتاب و ماه را صدا می کند، او را جواب می دهند، و زمین برای او نَوَردیده شود و به او وحی می رسد، پس به امر الهی به وحی عمل می کند».(۸۷)

حرف «خ»

۱ – خُلق آن حضرت علیه السلام

همـانطور که در بخش جمـال و زیبایی آن حضـرت گفته شـد، خُلق آن حضـرت ماننـد خُلق پیامبر صـلی الله علیه وآله است و شبـاهت آن حضـرت به پیـامبر صـلی الله علیه وآله در عموم صـفات و خوهـای پسـندیده است، و خداونـد متعال درباره اخلاق پیامبر می فرماید: «وَإِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ»(۸۸)؛ و تو در حقیقت بر نیک خلقی عظیمی آراسته ای. بنابراین اخلاق آن حضرت مانند جدّشان بهترین اخلاق ها است.

۲ – خوف (بیم) آن حضرت علیه السلام

امـام صـادق علیـه السـلام فرمـود: «برای آن جـوان پیش از قیـامش غیبـتی خواهـد بـود». گفتم: چرا؟ فرمـود: «می ترسـد – و به شکمش اشاره کرد – یعنی از کشته شدن می ترسد».

و نیز حضـرت موسـی بن جعفرعلیهمـا السـلام فرمود: «او پنجمین فرزنـد من است، او را غیبـتی است طولا‌نی به خـاطر ترس بر خودش».

و نیز امـام صـادق علیه السـلام فرمود: «هرگاه قائم علیه السلام بپاخیزد خواهـد گفت: «فَفَرَرْتُ مِنْکُمْ لَمَّا خِفْتُکُمْ فَوَهَبَ لِی رَبِّی حُکْماً وَجَعَلَنِی مِنَ الْمُرْسَلِینَ»(۸۹)؛ پس آن هنگـام از شـما فرار کردم وقـتی که از شـما ترسیدم، پس خداونـد به من حکمت آموخت و مرا از فرستادگان قرار داد.».

۳ – خلافت آن حضرت علیه السلام بر مسلمانان

از طریق عامّه از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله نقل شده که فرمود: «خلفای بعد از من دوازده نفرند، نُه تن آنان از نسل حسین هستند، نهمین ایشان قائم و مهدی آنان است، پس خوشا به حال دوستان و وای به حال دشمنانشان!».(۹۰)

و نیز از طریق عامّه از آن حضـرت صـلی الله علیه وآله نقل شـده که فرمود: «مهدی علیه السـلام خروج می کند در حالی که بر سرش ابری هست که در آن منادی ندا می کند: این مهدی خلیفه اللّه است از او پیروی کنید».(۹۱)

۴ – ختم علوم به آن حضرت علیه السلام

امیر المؤمنین علی علیه السـلام فرمود: «یـا کُمَیْلُ! ما مِنْ عِلْمٍ إِلّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ، وَما مِنْ سِرٍّ إِلّا وَالْقائِمُ یَخْتِمُهُ»(۹۲)؛ ای کمیل! هیچ علمی نیست مگر اینکه من افتتاح کننده آنم و هیچ سرّی نیست مگر اینکه قائم، آن را به پایان می رساند و خاتمه می دهد.

منظور از «سرّ» در این روایت، یا علم است به قرینه اوّل حدیث و یا تمام کمالات واخلاق نیک و علوم و معارف حقّه است که سایر امامان علیهم السلام بعضی از آنها را به مقتضای صلاح زمان خودشان آشکار کرده اند.

حرف «د»

۱ - دعای آن حضرت علیه السلام برای مؤمنین

سیّد اجل علی بن طاووس می گوید: من در سامرا بودم، پس سحرگاهان دعای آن بزرگوار را شنیدم، این مقدار از آن، که راجع به زندگان و مردگانی است که از آنها یادی به میان آورد، حفظ کردم: «وَأَبْقِهِمْ - أَوْ قالَ - وَأَحْيِهِمْ فِی عِزِّنا وَمُلْكِنا وَسُلْطانِنا وَدَوْلَتِنا»؛ و آنان را باقی بدار - یا فرمود - زنده بدار در (روزگار) عزّت ما و ملك ما و حکومت ما و دولت ما.

امام رضاعلیه السلام به موسی بن سیّار فرمود: «ای موسی بن سیّار! مگر نمی دانی که بر ما امامان، اعمال شیعیانمان هر صبح و شام عرضه می شود، پس هر تقصیری که در اعمال آنها باشد، از خداوند متعال گذشتِ از آن را خواهیم خواست، و هر کار خوب و پیشرفت در برنامه های دینی باشد، از خداوند پاداش برای صاحب آن عمل خواهیم خواست».(۹۳)

و نیز امیر المؤمنین علیه السلام به زمیله فرمود: «ای زمیله! هیچ مؤمنی نیست که بیمار شود مگر اینکه به مرض او مریض می شویم و اندوهگین نشود مؤمنی مگر اینکه به خاطر اندوه او اندوهگین گردیم و دعایی نکند

مگر اینکه برای او آمین گوییم و ساکت نماند مگر اینکه برایش دعا کنیم».(۹۴)

۲ – دعوت آن حضرت علیه السلام به سوی حقّ

در زیارت آن حضرت آمده: «سلام بر تو ای دعوت گر الهی! و ای مظهر و آئینه صفات ربّانی!».(۹۵)

امام رضاعلیه السلام فرمود: «امام، امین خداوند در خلق او است و حجّت او است بر بندگانش و خلیفه او در بلادش، و دعوت گر به سوی او و مدافع از حقوق او است».(۹۶)

و از امام باقر علیه السلام در خبر طولانی آمده: «... سپس می رود مردم را به کتاب خدا و سنّت پیغمبرصلی الله علیه وآله و ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان دعوت می کند».(۹۷)

۳ – دفع بلا از ما به برکت وجود آن حضرت علیه السلام

نصر خادم گوید: بر صاحب الزمان علیه السلام وارد شدم در حالی که در گهواره بود، پس به من فرمود: آیا مرا می شناسی؟ عرضه داشتم: آری، تو آقای من و فرزند سرورم هستی. فرمود: از این نپرسیدم. گفتم: برایم تفسیر فرمای. فرمود: «من خاتم اوصیا هستم و تنها به وسیله من بلا از خانواده و شیعیانم دفع می شود».(۹۸)

و امام حسین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمود: «آگاه باشید که اهل بیت من امان هستند برای شما، پس آنها را به خاطر دوستی من دوست بدارید و به آنان متمسّک شوید که هیچ گاه گمراه نخواهید گشت».(۹۹)

و از سیّد العابدین علیه السلام روایت شده که فرمود: «ما امامان مسلمین و حجّت های الهی بر عالمیان و سادات و آقایان مؤمنین و امیر روسفیدان و نیکویان جهان و سرور اهل ایمان و مایه ایمنی اهل زمین هستیم، چنان که ستارگان برای اهل آسمان ها امان هستند. خداوند به واسطه ما آسمان را نگه داشته تا بر زمین نیفتد مگر به اذن او، به سبب ما زمین را نگه داشته

تا اهلش را نلرزانـد مگر به اذن او، به خاطر ما باران فرو می فرسـتد و به واسـطه ما رحمت را منتشـر می سازد و برکات زمین را بیرون می آورد، و اگر در زمین حجّت ما نباشد زمین اهلش را فرو می برد».

سپس فرمود: «از روزی که خداوند آدم را آفریده زمین از حجّت الهی خالی نبوده که یا ظاهر است و مشـهود و یا غایب اسـت و [در پرده]مستور، و تا روز قیامت نیز از حجّت الهی خالی نخواهد ماند و گرنه خداوند پرستش نمی شود».(۱۰۰)

۴ – دفع بلا و عقاب از مردم به برکت شیعیان آن حضرت علیه السلام

از امـام بـاقر علیه السـلام روایت شـده که فرمود: «زمـانی بر مردم فرا می رسـد که امام آنها از نظرشان غایب می شود. خوشا به حـال آن کسـانی که در آن زمان بر امر ما ثابت بماننـد، کمترین چیزی که از ثواب به آنها می رسـد اینکه خداونـد جلّ جلاله آنان را نـدا می کنـد و می فرمایـد: ای بنـدگان و کنیزان من! به سرّ من ایمان آوردید و غیب مرا باور داشتید، پس بشارت باد شمـا را بـه نیکی و ثـواب از مـن کـه شـما به حقّ، بنـدگان و کنیزان من هستیـد، از شـما می پـذیرم و شـما را عفـو می کنم، و گناهانتان را می آمرزم، و به سبب شما باران به بندگانم می رسانم، و بلا را از ایشان دفع می کنم، اگر شما نبودید عذاب خود را بر آنان نازل می کردم».(۱۰۱)

۵ – دفع دشمنان از مؤمنان در غیبت و ظهور آن حضرت علیه السلام

این کار در زمان غیبت آن حضرت به دعای آن حضرت خواهد بود، چنان که گذشت. و امّا در حضور آن بزرگوار، در بحث جهاد و جنگ آن حضرت با دشمنان بیان گردید. و در بحث ذلت دشمنان بیشتر اشاره می شود.

حرف «ذ»

۱ – ذلّت دشمنان به دست آن حضرت علیه السلام بعد از ظهور

امام باقر علیه السـلام فرمود: «هرگاه قائم بپاخیزد، ایمان را بر هر ناصبی عرضه می کنـد، پس اگر به طور حقیقی آن را پذیرفت (که هیـچ) و گرنه گردنش را می زند، یا باید جزیه بدهد؛ چنان که امروزه اهل ذمّه جزیه می دهند و همیان بر کمر می بندد و آنها را از شهرها به سوی شهرهای بزرگ می راند».(۱۰۲)

و امام صادق علیه السـلام فرمود: «حقّ را دولتی و باطل را دولتی است و هر کدام از آنها در دولت دیگری ذلیل و خوار است». (۱۰۳)

و امام باقر علیه السـلام درباره آیه «تَرْهَقُهُمْ ذِلَّهٌ ذلِکَ الیَوْمُ الَّذِی کانُوا یُوعَدُونَ»(۱۰۴)؛ ذلّت آنان را فرا گیرد، این همان روزی است که [رسولان حق]به آنان وعده می دادند. فرمود: «یعنی روز خروج قائم علیه السلام».(۱۰۵)

حرف «ر»

۱ – راحتی خلایق در دولت آن حضرت علیه السلام

از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت شده که فرمود: «اگر قائم ما بپاخیزد، آسمان، بارانش را فرو می ریزد و زمین، گیاهانش را بیرون می دهد، و کینه ها و کدورت ها از دل های بندگان زایل می گردد، و درندگان و بهائم با هم سازگار می شوند تا به حدّی که یک زن، راه عراق و شام را طی می کند در حالی که جز بر سبزه و گیاه پا نگذارد و زینت های خود را بر سر دارد و هیچ درنده ای او را به وحشت نمی اندازد».(۱۰۶)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «... ساکنین زمین و آسمان از حکومت او راضی خواهند بود و اموال را به طور صحاح میان مردم تقسیم می کند». مردی پرسید: صحاح یعنی چه؟ فرمود: «یعنی به طور مساوی».(۱۰۷)

حرف «ز»

۱ – زحمت آن حضرت علیه السلام در راه دین خدا

از مطالبی که درباره جهاد و جنگ آن حضرت با دشمنان و کافرین گذشت، این معنی به دست می آید.

۲ – زهد آن حضرت علیه السلام

حمّاد بن عثمان گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، مردی به آن حضرت عرضه داشت: أصلحك اللّٰه! یاد کرده ای علی علیه السلام لباس خشن و زبر می پوشید، لباس چهار درهمی به تن می کرد و امثال اینها ... و حال آنکه لباس نو در برِ تو می بینم؟ فرمود: «علی علیه السلام در زمانی آن طور لباس می پوشید که انگشت نما و مورد انکار مردم نبود، ولی اگر امروز مثل آن لباس پوشیده شود انگشت نما می شود. پس بهترین لباس هر زمان لباس همان زمان است، مگر اینکه وقتی قائم ما اهل البیت علیهم السلام بپاخیزد لباس های علی علیه السلام را دربر می کند و روش او را پیش می گیرد».(۱۰۸)

و حضرت رضاعلیه السلام فرمود: «شما امروزه راحتی بیشتری دارید از آن هنگام». راوی عرضه داشت: چطور؟ فرمود: «اگر قائم علیه السلام بپاخیزد، جز خون و عرق و رنج چیزی نیست. مردم سوار بر اسب ها هر سوی خواهند تاخت. لباس قائم علیه السلام زبر و غذایش سخت خواهد بود».(۱۰۹)

۳ – زیارت آن حضرت علیه السلام از قبر حضرت ابی عبد اللّٰه الحسین و سایر معصومین علیهم السلام

در واقعه جزیره خضراء آمده: سیّد شمس الدین در پاسخ راوی که پرسید: آیا امام – عجّل اللّٰه فرجه الشریف – حج انجام می دهد؟ فرمود: «آری! او هر ساله حج بجا می آورد و پدرانش را در مدینه و عراق و طوس زیارت می کند».(۱۱۰)

امّا رجحان دعا برای زوّار قبور ائمه معصومین علیهم السلام؛

معاویه بن وهب گوید: امام صادق علیه السلام برای زائرین حسین علیه السلام با دعایی طولانی دعا کرد، و برای آنان ثواب جزیل از درگاه خداوند درخواست نمود. آن گاه فرمود: «ای معاویه! کسانی که در آسمان برای زائرین آن حضرت دعا می کنند، از کسانی که در زمین برای ایشان دعا می کنند بیشترند».(۱۱۱)

حرف «س»

۱ – سیره و روش آن حضرت علیه السلام

از آنچه درباره زهد آن حضرت گذشت، شیوه او نیز معلوم می شود. اضافه بر آن، از امام باقر علیه السلام در وصف امام قائم علیه السلام آمده که: «هرگاه قیام کند، شیوه پیغمبرصلی الله علیه و آله را پیش خواهد گرفت».(۱۱۲)

و از عبد اللّه بن عطا روایت شده که گفت: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: هرگاه قائم علیه السلام بپاخیزد، با چه شیوه ای در میان مردم عمل خواهد کرد؟ فرمود: «اساس پیش از خود را ویران می سازد، همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد و اسلام را از نو شروع می کند».(۱۱۳)

۲ – سخاوت آن حضرت علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «گویا می بینم که این دین شما از شما روی گردان و در خون خود غوطه ور است، و هیچ کس نتواند آن را به شما بازگرداند مگر مردی از اهل البیت علیهم السلام که هر سال دو بار بر شما بخشش خواهد کرد و هر ماه دو نوع روزی به شما خواهد داد».

و در حدیث دیگری از آن حضرت علیه السلام آمده که: «تمام اموال دنیا از ظاهر و باطن زمین به نزد آن حضرت جمع می گردد و به مردم گفته می شود: بیایید این چیزی است که شما به خاطر آن خویشاوندیتان را قطع کردید و خون های به ناحق ریختید و در راه به دست آوردن آن، حرام ها مرتکب شدید. پس آن حضرت ثروتی به آنها می بخشد که هیچ کس پیش از او چنین نبخشیده باشد».(۱۱۴)

و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله منقول است که فرمود: «مردی نزد مهدی می آید و می گوید: به من عطایی فرمای. پس به مقداری که آن شخص بتواند حمل نماید، لباسش را پر می کند».(۱۱۵)

حرف «ش»

۱ – شجاعت آن حضرت علیه السلام

از آنچه در بحث جنگ و جهاد آن حضرت آوردیم، و نیز در بحث قتل کافرین به دست آن حضرت بیان خواهیم داشت، این مطلب واضح می گردد.

۲ – شفاعت آن حضرت علیه السلام

از طریق اهل سنت از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من آورنده [و رساننده]شما به حوض [کوثر]هستم و تو ای علی! ساقی هستی و حسن حمایت کننده، و حسین فرمان دهنده، و علی بن الحسین تقسیم کننده، و محمد بن علی نشر دهنده، و جعفر بن محمد بسیج کننده، و موسی بن جعفر شمارنده محبان و

مبغضان و بازدارنده منافقان، و علی بن موسی زینت بخش مؤمنان، و محمد بن علی فرود آورنده اهل بهشت به منزلگاه هایشان و درجاتشان، و علی بن محمد خطیب و سخنور شیعیانش و تزویج کننده آنها با حور العین، و حسن بن علی چراغ اهل بهشت است که از آن روشنی می گیرند، و مهدی شفاعت کننده آنها است روز قیامت، روزی که خداوند اجازه نمی دهد شفاعت را جز به کسی که شفاعت او را بخواهد و به او راضی باشد».(۱۱۶)

۳ – شهادت آن حضرت علیه السلام برای ما

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «فَکَیْفَ إِذا جِئْنا مِنْ کُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِیدٍ وَجِئْنا بِکَ عَلی هؤُلآءِ شَهِیداً»(۱۱۷)؛ پس چگونه است حال، آن گاه که از هر طایفه ای گواهی آریم و تو را برایشان گواه آوریم. فرمود: «تنها درباره امّت محمدصلی الله علیه و آله نازل شده، در هر قرنی امامی از ما بر این امّت شاهد و ناظر است و محمدصلی الله علیه و آله گواه بر ما است». (۱۱۸)

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «ما شاهدان بر مردم هستیم، پس هر آنکه ما را تصدیق کند روز قیامت تصدیقش نماییم و هر آنکه ما را تکذیب کند روز قیامت تکذیبش نماییم».(۱۱۹)

۴ – شرافت آن حضرت علیه السلام

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: آیا قائم علیه السلام متولد شده است؟ فرمود: «خیر، البته اگر زمان او را درک می کردم در طول زندگی همراهی اش می نمودم».(۱۲۰)

خواننده عزیز! در این فرمایش دقّت کن و با این تأدیب تربیت شو تا مبادا – خدای ناکرده – به جای خدمت و همراهی در طول زندگی، آن حضرت علیه السلام را با کردارهای ناپسند و گفتارهای شمشیر مانند، اذیت کنی و آزار دهی.

حرف «ص»

۱ – صبر آن حضرت علیه السلام

در حدیث لوح، در وصف حضرت قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – آمده: کمال موسی، و درخشندگی عیسی، و صبر ایوب، در وجود اوست. و در بحث تحمل اذیت آن حضرت علیه السلام مطالبی در این زمینه گذشت و چه خوش گفته اند:

فَحُزْنِی ما یَعْقُوبُ بَثَّ أَقَلَّهُ

وَکُلُّ بَلا أَیُّوبَ بَعْضُ بَلِیَّتِی

اندوهی که من دارم کم ترین مقدارش را یعقوب نداشت، و همه بلای ایوب قسمتی از ابتلای من است.

زیرا که انواع بلا بر آن حضرت جمع شده و طولانی شدن آن موجب شدّت مصیبت و ابتلا می باشد. ساعتی بیندیشید، حقیقت

مطلب برایتان روشن می شود. پس بر شما باد که برای دل پرخون آن حضرت دعا کنید و فرجش را از خداوند متعال بخواهید.

حرف «ض»

۱ - ضیافت (مهمانی) آن حضرت علیه السلام

در دارالسلام نقل کرده که ابراهیم علیه السلام را ابوالضیفان کنیه داده بودند، او چنان بود که ناهار و شام جز با مهمان نمی خورد، و چه بسا یک فرسنگ یا دو فرسنگ و یا بیشتر راه می رفت تا مهمانی بیابد، و ضیافت او تا روز قیامت برپا است و همین شجره مبارکه ای که خداوند تعالی می فرماید: «یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ»(۱۲۱)؛ از درخت مبارکی روشنی می یابد.

البته این ضیافت و مهمانی، ضیافت به وسیله علوم و سنّت ها است(۱۲۲) که به وجود پیغمبر و امام تا روز قیامت برپا است. در زیارت روز جمعه چنین می خوانیم: «وَأَنَا یا مَوْلایَ فِیهِ ضَیْفُکَ وَجارُکَ»؛ و من، ای آقایم! در این روز مهمان تو و در پناه تو هستم. و در بخش سوم آنچه مناسب این معنی بود گذشت.

حرف «ط»

۱ - طهارت زمین از ستم به وسیله آن حضرت علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند - تبارک و تعالی - چهارده نور را، چهارده هزار سال پیش از خلقت خلق آفرید که آنها ارواح ما هستند».

عرض شد: یابن رسول اللّه! چهارده نور کیانند؟ فرمود: «محمّد، علی، فاطمه، حسن، حسین، و امامان از فرزندان حسین و آخرین آنها قائم است که پس از غیبت بپامی خیزد، آن گاه دجّال را می کشد و زمین را از هر گونه ستم و ظلمی پاک می کند».(۱۲۳)

۲ - طلب حقوق ائمه علیهم السلام و طلب خون آنها

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: «قسم به خدا که البتّه من و این دو فرزندم کشته می شویم و حتماً خداوند مردی از فرزندانم را در آخر الزمان برمی انگیزد که خون های ما را مطالبه می کند».(۱۲۴)

امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه: «وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ»(۱۲۵)؛ و هر آنکه پس از ظلمی که بر او رفته انتقام جویی کند. فرمود: «یعنی قائم و اصحاب آن حضرت، زیرا آنهایند که هیچ راهی علیه ایشان نیست، و هرگاه قائم علیه السلام بپاخیزد، از بنی امیه و تکذیب کنندگان و ناصبیان - او و اصحابش - انتقام خواهند گرفت».(۱۲۶)

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «أُذِنَ لِلَّذِینَ یُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَاِنَّ اللَّهَ عَلی نَصْرِهِمْ لَقَدِیرٌ»(۱۲۷)؛ به کسانی که در معرض جنگ قرار گرفته اند، اذن جهاد عطا شده است چون که مورد ستم واقع هستند و خداوند بر یاری شان توانا است. فرمود: «این آیه درباره ... قائم علیه السلام است که چون خروج کند برای حسین علیه السلام خونخواهی نماید، و این است

[معنی]فرمایش او که: ما اولیای خون و طالبان دیه هستیم».(۱۲۸)

حرف «ظ»

۱ – ظفر و پیروزی آن حضرت علیه السلام بر معاندین

امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که از ما امام پیروز مخفی هست که هرگاه خداوند – عزّوجلّ – بخواهد امرش را آشکار سازد».(۱۲۹)

و درباره آیه: «لَوْلا أَخَّرْتَنا إِلى أَجَلٍ قَرِيبٍ»(۱۳۰)؛ چرا تا مهلتی نزدیک این امر را به تأخیر نینداختی. فرمود: «تا زمان ظهور قائم که نصرت و پیروزی با اوست».(۱۳۱)

۲ – ظلم دشمنان بر آن حضرت علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام هنگامی که ظهور می کند، به بیت اللّه الحرام به پشت تکیه می زند و در حالی که پناهنده به آن شده باشد، ندا می کند: ... تا آنجا که می گوید: و شما را به حقّ خدا و به حقّ رسول او و حقّ من که حقّ قرابت و خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله است سوگند می دهم که ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ستم نمایند از ما دور سازید، زیرا ما ترسانیده شدیم و به ما ستم نمودند و از شهر و فرزندانمان دربدر شدیم و مورد سرکشی قرار گرفته ایم».(۱۳۲)

و امام حسین علیه السلام فرمود: «قائم این امّت، نهمین نسل از فرزندان من است، و اوست صاحب غیبت و اوست در حالی که زنده باشد، میراثش تقسیم می گردد».(۱۳۳)

۳ – ظهور کمالات ائمه علیهم السلام به ظهور آن حضرت علیه السلام

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف حضرت قائم علیه السلام است که فرمود: «نهمین آنان قائمشان می باشد و اوست ظاهر آنها و اوست باطن آنها(۱۳۴) و معنی آن – واللّه العالم – این است که: آن حضرت آشکار کننده علوم ظاهر و باطن است که خداوند متعال به پیغمبر و امامان علیهم السلام عطا فرموده و مظهر تمام کمالات و شؤون آنان است».

حرف «ع»

۱ – علم آن حضرت علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «علم به کتاب خدای – عزّوجلّ – و سنّت رسول او، در قلب مهدی ما رشد می کند، همچنان که گیاه به بهترین وجه می روید. پس هرکدام از شما باقی بماند تا او را دیدار نماید، هنگام دیدنش عرضه بدارد: سلام بر شما ای اهل خانه رحمت و نبوت و کانون علم و جایگاه رسالت!».(۱۳۵)

۲ – عزّت اولیا با ظهور آن حضرت علیه السلام

در دعای ندبه می خوانیم: «أَیْنَ مُعِزُّ الأَوْلِیاءِ وَمُذِلَّ الأَعْداءِ؛ کجاست عزیز کننده اولیا و خوار سازنده دشمنان».

امام باقر علیه السلام فرمود: «گویی یاران قائم علیه السلام را می بینم سراسر شرق و غرب عالم را پر کرده باشند، همه چیز حتی حیوانات درنده و پرندگان وحشی از آنان اطاعت خواهند کرد، و در هر چیزی رضایت ایشان را می جویند تا آنجا که سرزمینی بر سرزمین دیگر فخر می فروشد و می گوید: امروز یکی از یاران قائم بر من گذشت».(۱۳۶)

۳ – عذاب دشمنان آن حضرت علیه السلام

امام صادق علیه السلام درباره آیه: «وَلَئِنْ أَخَّرْنا عَنْهُمُ العَذابَ إِلى أُمَّهٍ مَعْدُودَهٍ»(۱۳۷)؛ و چنانچه عذاب را از آنان به تأخیر اندازیم تا به دست گروه معدود. فرمود: «عذاب، خروج قائم؛ و امت معدوده، اهل بدر و اصحاب آن حضرت علیه السلام می باشند».

امام باقر علیه السلام در مورد آیه: «سَأَلَ س آئِلٌ بِعَذابٍ واقِعٍ»(۱۳۸)؛ سؤال کننده ای از عذاب حتمی الوقوع پرسید. فرمود: «آتشی است که از سوی مغرب برمی آید، ... پس خانه ای برای بنی امیه باقی نمی گذارد مگر اینکه آن را و اهل آن را می سوزاند، و خانه ای که در آن خونی از آل محمدعلیهم السلام [ستمگری نسبت به آل محمد]باشد، رها نمی کند مگر اینکه آن را می سوزاند و او مهدی علیه السلام است».(۱۳۹)

۴ – عدالت آن حضرت علیه السلام

بارزترین صفات نیکویش «عدالت» است، لذا به «عدل» ملقب گردیده، چنان که در دعای افتتاح که از خود آن حضرت روایت شده، آمده است: «اَللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلی وَلِیِّ أَمْرِکَ الآقِئِمِ المُؤَمَّلِ و العدل المُنْتَظَرِ؛ پروردگارا و درود بفرست بر ولیّ امرت که قیام کننده است و امید مردم و عدل منتظر است».

و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در وصف امام قائم علیه السلام آمده: «أَوَّلُ العَدْلِ وَآخِرُهُ...؛ اوّل و آخر عدل است...». و کم تر حدیثی درباره آن حضرت آمده که عدلش در آن یادآوری نشده باشد.

۵ – عطف [و پیرو ساختن]هوای نفس بر هدایت

در سخنان امیر المؤمنین علی علیه السلام در وصف امام قائم علیه السلام آمده: «هرگاه مردم هدایت را معطوف هوی و هوس نمایند، او هوای نفس را مطیع و تابع هدایت می کند».(۱۴۰)

۶ – عزلت و گوشه گیری آن حضرت علیه السلام از مردم

امام صادق علیه السلام فرمود: «به ناچار صاحب این امر را غیبتی خواهد بود، در هنگام غیبت، ناچار از عزلت و گوشه گیری است».(۱۴۱)

و در قضیه علی بن مهزیار از آن حضرت آمده که فرمود: «پدرم از من پیمان گرفته که جز در سرزمین های پنهان و دور منزل

نگیرم، تا مخفی بمانم و جایگاهم از نیرنگ های اهل ضلالت و سرکشان امّت های تازه به دوران رسیده مصون باشد».(۱۴۲)

۷ – عبادت آن حضرت علیه السلام

امام موسی کاظم علیه السلام در وصف آن حضرت فرمود: «بر رنگ گندم گونش، از بیداری شب ها زردی نیز عارض می شود ... پدرم فدای آنکه شبش را با مراقبت ستارگان و در حال رکوع و سجود می گذراند».(۱۴۳)

مؤلف گوید: معنی فرمایش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که در وصفش فرمود: «وَجْهُهُ کالدینار؛(۱۴۴) چهره اش مانند طلا است». یعنی از بیداری شب.

حرف «غ»

۱ – غیبت آن حضرت علیه السلام

این غیبت از دیدگان، به حکم پروردگار واقع شده و پیغمبر اکرم و ائمه اطهارعلیهم السلام از وقوع این غیبت خبر داده اند.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مهدی از فرزندان من است... او را غیبت و حیرتی است که در آن امت ها گمراه می شوند».(۱۴۵)

و امام صادق علیه السلام فرمود: «از برای قائم ما غیبتی است که مدّتش طولانی خواهد بود...».

سپس فرمود: «هنگامی که قائم ما بپاخیزد برای هیچ کس در گردن او بیعتی نیست، لذا ولادتش مخفی و خودش غایب می گردد».(۱۴۶)

و از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام روایت شده که فرمود: «برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است».(۱۴۷)

اخبار ائمه اطهارعلیهم السلام درباره غیبت آن حضرت علیه السلام جدّاً زیاد است. در اینجا شایسته است چند نکته را ذکر کنیم:

نکته اوّل

سبب غیبت آن حضرت علیه السلام، که دو قسم است:

قسم اوّل: آن است که برای ما بیان نشده و پس از ظهور برای ما فاش خواهد شد. از عبد اللّه بن الفضل هاشمی روایت شده که گفت: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: «به تحقیق صاحب این امر را غیبتی طولانی است و گریزی از آن نیست که در زمان غیبت هر فرد باطل جویی به تردید می افتد».

عرض کردم: چرا؟ فدایت

شوم! فرمود: «به خاطر امری که فاش کردن آن به ما اذن داده نشده است».(۱۴۸)

قسم دوم: آنکه ائمّه معصومین علیهم السلام برای ما بیان کرده اند که چند وجه است:

۱ – ترس از کشته شدن: چنان که در بحث خوف و ترس آن حضرت گذشت. و این از علل خروج آن حضرت و قیام با شمشیر نیز هست، همان طور که در حدیث امیر المؤمنین علی علیه السلام آمده که فرمود: «اگر خروج نکند، گردنش را می زنند».

۲ – هیچ کدام از طاغوت ها بر گردن آن حضرت بیعتی نداشته باشند: که این وجه در توقیع آن حضرت و در حدیث امام صادق علیه السلام ذکر گردیده است.

۳ – امتحان و آزمایش بندگان: چنان که از حضرت رضاعلیه السلام مروی است که فرمود: «سوگند به خدا! آنچه چشم بدان دوخته اید نخواهد شد تا اینکه آزمایش شوید و مؤمن و منافق از هم جدا گردید، و تا اینکه از شما باقی نماند مگر نادرترین پس نادرترین».

۴ – سنن پیغمبران الهی را در آن حضرت جاری گرداند: امام صادق علیه السلام فرمود: «قائم ما را غیبتی است که مدّت آن به طول می انجامد». عرضه داشتم: چرا یابن رسول اللّه؟! فرمود: «زیرا خداوند – عزّوجلّ – می خواهد سنّت های پیغمبران را در غیبت هایشان بر او نیز جاری سازد».(۱۴۹)

۵ – ودایع خداوند ضایع نشود: یعنی مؤمنانی که از پشت کافران متولد می شوند، چنان که امام صادق علیه السلام در جواب شخصی که پرسید: چرا علی علیه السلام با مخالفین خود در ابتدای امر جنگ نکرد؟ فرمود: «به خاطر آیه ای که در کتاب خدای – عزّو جلّ – آمده: «لَوْ تَزَیَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْهُمْ عَذاباً أَلِیماً»(۱۵۰)؛ چنانچه [کافران از

مؤمنـان]جـدا می شدنـد، به راستی که کـافران از آنـان را عـذابی دردناک می نمودیم. عرضه داشـتم: منظور از (تزّیل > پاک شـدن) چیست؟ فرمود: «مؤمنانی که به امانت در اصـلاب و پشت های کافران بودنـد. و همین طور قائم علیه السـلام ظهور نمی کنـد تا اینکه ودایع خداونـد - عزّوجلّ - از پشت کافرین بیرون آینـد که چون خارج گردنـد بر دشـمنان خداوند - عزّوجلّ - چیره خواهد شد و آنها را می کشد».(۱۵۱)

۶ - قبایح و زشتی های اعمال ما: چنان که در توقیع حضـرت حجّت - عجّل اللّٰه فرجه الشـریف - به شـیخ مفید چنین آمده: «و اگر شـیعیان ما - که خداوند در اطاعتش آنان را یاری دهد - در وفای پیمانی که از ایشان گرفته شده، مصـمم و جدّی باشـند، نعمت لقای ما از آنان به تأخیر نمی افتـد و سـعادت دیدار ما با معرفت کامل و راستین نسـبت به ما تعجیل می گشت، پس تنها چیزی که مـا را از آنـان پوشـیده می دارد، همانـا چیزهـای ناخوشاینـدی است که از ایشان به ما می رسـد و از آنان انتظار نمی رود».(۱۵۲)

نکته دوم

برای غیبت کـبری وقت و انتهـای معیّنی نیست، بلکه فرمـان و حکم ظهور آن حضـرت - عجّل اللّٰه فرجه الشـریف - به دسـت خداوند است. اخبار زیادی بر این معنی دلالت دارد.

فضـیل گویـد: از امام باقر علیه السـلام پرسـیدم: آیا برای این امر وقتی هست؟ فرمود: «کَذِبَ الوَقّاتُونَ، کَذِبَ الوَقّاتُونَ، کَذِبَ الوَقّاتُونَ(۱۵۳)؛ کسانی که وقت آن را تعیین می کنند دروغ گفتند، دروغ گفتند، دروغ گفتند».

نکته سوم: اینکه غیبت آن حضـرت علیه السـلام با لطف الهی که موجب آشـکار کردن امام است، منافات ندارد. البته نسبت به مجرمین به خاطر اینکه خودشان سبب

مخفی شدنش هستند. و امّا نسبت به صالحان برای دو وجه:

۱ - اینکه خداوند متعال آن قدر عقل و فهم به آنان عطا فرموده که غیبت برای ایشان مانند مشاهده و دیدار است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «و البته خداوند می دانست که اولیایش به تردید نمی افتند و اگر می دانست که به تردید می افتند حجّت خود را از آنان یک چشم برهم زدنی مخفی نمی داشت».(۱۵۴)

۲ - اینکه دیدار آن حضرت علیه السلام برای بعضی از صالحان ممنوع نیست، چنان که فرمایش خود آن حضرت در توقیعی که در وجه ششم از علل غیبت آوردیم، این معنی را می رساند. اضافه بر این، مسلّم است که جمعی از گذشتگان صالح ما به فیض دیدار آن حضرت علیه السلام نایل شده اند، که بیان آن قضایا از محدوده بحث ما خارج است. و طالب آن می تواند به کتاب های «نجم الثاقب» و «جنّه المأوی» مراجعه کند.

۲ - غربت آن حضرت علیه السلام

بدان که غربت دو معنی دارد:

یکی، دوری از خاندان و وطن و شهر و دیار و دیگری، کمی یاران و اعوان.

و آن حضرت - روحی فداه - به هر دو معنی غریب است. پس ای بندگان خدا! یاری اش نمایید، و او را کمک کنید.

مطالبی که در عزلت آن حضرت علیه السلام آوردیم بر معنی نخستین غربت نیز دلالت می کند و آنچه امام جوادعلیه السلام فرمود: «هرگاه سیصد و سیزده نفر از اهل اخلاص برایش جمع شدند، خداوند امر او را ظاهر می سازد»(۱۵۵) بر معنی دوم غربت دلالت می کند. پس ای انسان خردمند! کمی تأمّل کن و ببین که چگونه سال ها و قرن ها گذشته و این تعداد برای آن حضرت میسّر و جمع نشده است که این قوی ترین

شاهد بر غربت اوست.

و فرمایش امیر المؤمنین علی علیه السلام بر هر دو معنی غربت دلالت می کند که فرمود: «صاحب این امر همان رانده شده فراری یگانه و تنهاست».(۱۵۶)

۳ – غلبه و پیروزی مسلمین با ظهور آن حضرت علیه السلام

امام باقر علیه السلام راجع به آیه: «وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ »(۱۵۷)؛ و تمام دین برای خداوند باشد. فرمود: «هنوز تأویل این آیه نرسیده است، و هرگاه قائم ما بپاخیزد، آنکه زمان او را دریابد آنچه از پی تأویل این آیه خواهد بود درک می کند و دین محمدصلی الله علیه و آله تا هر کجا که ......سایه افکند خواهد رسید، تا جایی که هیچ گونه شرکی بر روی زمین نخواهد ماند، همچنان که خداوند فرموده است».

۴ – غنا و بی نیازی مؤمنین به برکت ظهور آن حضرت علیه السلام

از امام صادق علیه السلام در حدیثی آمده: «... و یک مرد از شما در جس ???کسی خواهد شد که از مال خودش به او احسان کند و از زکات مالش به او بدهد، احدی را نخواهد یافت که از او بپذیرد. مردم به آنچه خداوند از راه تفضّل به آنان روزی فرموده بی نیاز می شوند...».

حرف «ف»

۱ – فصل و جداسازی آن حضرت علیه السلام بین حقّ و باطل

امام صادق علیه السلام فرمود: «روزها و شب ها به پایان نمی رسد تا اینکه منادی از جانب آسمان ندا می کند: ای اهل حق! جدا شوید. ای اهل باطل! جدا شوید. پس هر کدام از دیگری جدا می شوند».

راوی می گوید: عرض کردم: أصلحك اللّه! آیا پس از این ندا باز هم اینها به هم مخلوط خواهند شد؟ فرمود: «خیر، خداوند در کتاب خود می فرماید: «ما كانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلى ما أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ

الطَّیِّبِ»(۱۵۸)؛ چنین نیست که خداوند مؤمنان را بر این حال که هستید واگذارد تا پلید را از پاکیزه جدا سازد.(۱۵۹)

۲ – فرج مؤمنین به دست آن حضرت علیه السلام

در توقیع شریف آمده که: «وَأَکْثِرُوا الدُّع آءَ بِتَعْجِیلِ الفَرَجِ، فَإِنَّ ذلِکَ فَرَجُکُمْ(۱۶۰)؛ و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج، زیرا که آن فرج شماست».

و در زیارت روز جمعه می خوانیم: «وَهـذا یَوْمُ الجُمُعَهِ وَهُوَ یَوْمُکَ المُتَوَقَّعُ فِیهِ ظُهُورُکَ وَالفَرَجُ فِیهِ لِلمُؤْمِنِینَ عَلی یَدَیْکَ وَقَتْلُ الکافِرِینَ بِسَیْفِکَ؛ و امروز روز جمعه است که آن روز توست، و ظهور تو و فرج مؤمنان بر دست تو و کشته شدن کافران به شمشیر تو در این روز انتظار می رود».

ابراهیم کرخی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: «... ای ابراهیم او (حضرت ولی عصر – عجّل اللّه فرجه الشریف –)پس از سختی بسیار و آزمایش های طولانی و هراس و ترس، غم ها را از شیعیانش برطرف می سازد. پس خوشا به حال آنکه آن زمان را درک نماید».(۱۶۱)

۳ – فتح شهرها و کشورهای کافرین

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «امامان بعد از من دوازده نفرند، اولشان تو هستی یا علی و آخرینشان قائم است که خداوند – عزّوجلّ – به دست او شرق و غرب زمین را فتح می کند».(۱۶۲)

و نیز فرمود: «مهدی از فرزندان من است در چهره چهل سالگی، گویی صورتش ستاره درخشان است، در گونه راستش خال سیاهی است ... گنجینه ها را بیرون می آورد و کشورهای شرک را می گشاید».(۱۶۳)

حرف «ق»

۱ – قتل کافرین به شمشیر آن حضرت علیه السلام

روایات بسیار زیادی در این باره آمده، که به برخی اشاره می شود.

امام صادق علیه السلام به معاویه دُهنی درباره آیه «یُعْرَفُ المُجْرِمُونَ بِسِیماهُمْ فَیُؤْخَذُ بِالنَّواصِی وَالأَقْدامِ»(۱۶۴)؛ مجرمان از چهره هایشان شناخته می شوند که از موهای پیشانی و پاهای آنان گرفته می شوند [و به دوزخ افکنده شوند.]فرمود: ای معاویه! در این باره چه می گویند؟ گفتم: می پندارند خداوند در قیامت مجرمین را به چهره هایشان می شناسد، پس امر می کند از پیشانی و پاهایشان آنان را می گیرند و به آتش می افکنند. فرمود: چگونه خداوند به شناختن خلایقی که آنها را آفریده، نیاز دارد؟ گفتم: فدایت شوم پس [معنی]این [آیه]چیست؟ فرمود: «هرگاه قائم ما بپاخیزد، خداوند شناخت چهره ها را به آن حضرت عطا فرماید. آن گاه امر می کند کافران را با پیشانی هایشان و قدم هایشان بگیرند. سپس از دم شمشیر می گذراند».(۱۶۵)

و حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام در تفسیر آیه: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمواتِ وَالأرْضِ طَوْعاً وَکَرْهاً»(۱۶۶)؛ و هر آن کس که در آسـمان هـا و زمین است، خواه و نـاخواه فرمانبردار اوینـد. فرمود: «درباره قائم علیه السـلام نازل شـده، هنگامی که علیه یهود و نصاری و صابئین و زنادقه و اهل ارتداد و کفر که در شرق و غرب زمین هستند قیام می کند، و اسلام

را به آنها پیشنهاد می نماید. هر کس با طوع و رغبت مسلمان شود، او را دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بپردازد و آنچه بر هر مسلمان واجب است، انجام دهد و هر کس مسلمان نشد گردنش را می زند تا اینکه در مشارق و مغارب زمین یک نفر غیر موحّد باقی نماند».(۱۶۷)

و امام صادق علیه السلام درباره فرموده خداوند - عزّوجلّ - : «وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ العَذابِ الأَدْنى دُونَ العَذابِ الأَكْبَرِ»(۱۶۸)؛ و به آنان از عذاب نزدیک تر پیش از عذاب بزرگ می چشانیم. فرمود: «عذاب ادنی (>نزدیک تر) عذاب سقر است، و عذاب اکبر قیام مهدی علیه السلام با شمشیر است».(۱۶۹)

۲ – قتل شیطان رجیم

اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اینکه خداوند به شیطان تا وقت معلوم مهلت داد و در کتاب خود فرموده: «فَإِنَّكَ مِنَ المُنْظَرِينَ إِلى يَوْمِ الوَقْتِ المَعْلُومِ»(۱۷۰)؛ البته تو از مهلت یافتگانی تا روز هنگام معیّن. چه وقت است؟ فرمود: «وقت معلوم روز قیام قائم آل محمدعلیهم السلام است، هرگاه خداوند او را برانگیزد در مسجد کوفه باشد که ابلیس با خواری و زبونی می آید و می گوید: ای وای از این روزگار! آن گاه از پیشانی اش گرفته و گردنش زده می شود. آن هنگام روز وقت معلوم است که مهلت او به پایان می رسد».(۱۷۱)

۳ – قوّت یافتن ابدان و دل های مؤمنین هنگام ظهور

حضرت سیّد الساجدین علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم ما - عجّل اللّه فرجه الشریف - بپاخیزد، خداوند - عزّو جلّ - از شیعیان ما آفات را دور می سازد و دل هایشان را مانند قطعه ای از آهن قرار می دهد و نیروی هر یک از مردانشان را به مقدار چهل مرد می گرداند و آنها حکّام و سران زمین خواهند بود».(۱۷۲)

و امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه امر ما واقع شود و مهدی ما بیاید، هر مردی از شیعیان ما از شیر قوی تر و از نیزه بزّنده تر خواهد بود. دشمنان ما را با پاهای خود لگد می کند و آنها را با دست خود می زند. در این هنگام است نزول رحمت و فرج خداوند بر بندگان».(۱۷۳)

۴ – قضای حوائج مؤمنین

مطالبی که بر این معنی دلالت داشت، گذشت. در اینجا به بیان واقعه ای که برای مؤلّف کتاب واقع شده اکتفا می کنم: «سه سال پیش از تألیف کتاب، قرض های زیادی بر عهده ام جمع شد، پس در یکی از شب های ماه رمضان به آن حضرت و پدرانش علیهم السلام متوسل شدم و حاجتم را ذکر کردم، بعد از طلوع آفتاب که از مسجد مراجعت نمودم و خوابیدم، آن حضرت در خواب به من فرمود: قدری باید صبر کنی تا از مال دوستان خاصّ خود بگیریم و به تو برسانیم. خوشحال و مسرور از خواب بیدار شدم و شکر خدای را به جای آوردم و چون مدّت کوتاهی گذشت، یکی از برادران که او را به صلاح و خوبی می شناختم و از وی نسیم دل انگیز می شنیدم به نزد من آمد و مبلغی داد و گفت: این از سهم امام علیه السلام است. پس خیلی مسرور گشتم و با خود

گفتم: «هـذا تَأْوِيـلُ رُؤْيايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَها رَبِّي حَقّاً»(۱۷۴)؛ این تعبیر خـواب پیشـین من است که خداونـد آن را به حقیقت رسانید.

ای برادران دینی! شما را سفارش می کنم که: حوائج خودتـان را بر آن حضـرت عرضه کنیـد، هرچنـد که هیـچ امری بر وی پوشیده نیست. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «امام در شکم مادر می شنود و چون متولد شود بین دو شانه اش نوشته شـده: «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقاً وَعَدْلاً لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ العَلِيمُ»(۱۷۵)؛ و سـخن [وعـده]پروردگارت به درستی و عدل به انجام رسیده است، کلمات او را دگرگون کننده ای نیست و او شنوای داناست. و هنگامی که امر [امامت]به او واگذار می شود خداوند عمودی از نور برای او قرار می دهد که به وسیله آن، آنچه اهل هر شهر انجام می دهند، ببیند».(۱۷۶)

۵ – قرابت و خویشاوندی آن حضرت با پیغمبر صلی الله علیه و آله

دعـا از اقسام مودّت است و خداونـد متعال فرموده: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا المَوَدَّةَ فِي القُرْبى»(۱۷۷)؛ بگو: برای رسالت از شما مزدی نمی طلبم مگر دوست داری در حقّ نزدیکان [اهل بیتم].

و پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله فرمود: «من چهـار نفر [و گروه]را روز قیـامت شـفاعت می کنم، هرچنـد که به گناهـان اهل زمین به نزدم بیایند: کمک کننده به اهل بیت من و برآورنده حوائج آنها هنگامی که به آن ناچار باشند، و دوست دارنده آنها به دست و زبانش، و کسی که با دستش رنجی را از آنان دفع کرده باشد».(۱۷۸)

۶ – قسط (> دادگری) آن حضرت علیه السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بشارت می دهم شما را به مهدی که ... زمین را پر می کند از قسط و عدل، چنان که از جور و ظلم پر شده باشد. بنابراین ساکنان آسمان و زمین از او راضی می شوند».

–۷ – قتل دجّال – که رئیس گمراهان است – به دست آن حضرت علیه السلام

امـام صادق علیه السـلام فرمود: «خداونـد – تبارک وتعالی – چهارده نور را چهارده هزار سال پیش از آفرینش خلق آفریـد که آنها ارواح ما بودنـد: محمـد و علی و فاطمه و حسن و حسـین و امامانی از ذرّیه حسـین که آخرین آنها قائم – علیهم السـلام – است که پس از غیبتی بپاخیزد و دجّال را بکشد و زمین را از هرگونه جور و ظلمی پاک گرداند».(۱۷۹)

در اینجا چند فایده را شایسته است تذکر دهیم:

۱ – دجّال – علیه اللعنه – ساحر خواهـد بود، و دلیل بر آن، فرمایش آن حضـرت است که: [مردم خیال می کننـد نان است ۱]و اینکه می فرماید: زمین زیر پایش نَوَردیده می شود، به خاطر عظمت الاغ (مرکب) اوست! و این کنایه از سرعت سیر است.

۲ – از اینکه در حدیث دجّال آمده: چشم راستش مسخ شده...، وجه نامیده شدنش به مسیخ معلوم می شود.

۳ – در بعضـی از اخبار آمده که از اصـفهان خروج می کند و در اخبار بسـیاری آمده که او از سیستان خروج می نماید. و می

شود این اخبار را به این صورت جمع کرد که مکرّر خروج خواهد داشت، چنان که احوال مختلفی دارد.(۱۸۰)

۴ – از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «هرکس ده آیه از سوره کهف را از حفظ بخواند، فتنه دجّال به او ضرری نخواهد رساند و هرکس تمام سوره را بخواند، داخل

بهشت می شود».(۱۸۱)

حرف «ک»

توضیح

۱ – کشف علوم برای مؤمنین

این کشف و پرده برداری بی سابقه از علوم معارف جز در زمان ظهور نخواهد بود. امام صادق علیه السلام فرمود: «علم بیست و هفت حرف است، تمام آنچه پیغمبران آورده اند دو حرف است که مردم تا به امروز جز دو حرف ندانسته اند و چون قائم ما بپاخیزد، بیست و پنج حرف دیگر را برآورد؛ و به ضمیمه آن دو حرف دیگر در میان افراد بشر آشکار و پراکنده سازد».(۱۸۲)

و امام باقر علیه السلام فرمود: «... در زمان او به شما حکمت عطا می شود، به حدّی که زن در خانه خودش نشسته و از روی کتاب خدا وسنّت پیغمبرصلی الله علیه و آله حکم می نماید».

۲ – کشف و برطرف کردن ناراحتی ها از مؤمنین

امام عصر – ارواحنا له الفداء – با دعا کردن برای مؤمنین به طور عموم از آنها بدی ها و ناراحتی ها را دور می سازد.

۳ – کمالات آن حضرت علیه السلام

اگر بشنوی مردی که کمال یا کمالاتی دارد، به ناراحتی یا ناراحتی هایی دچار شده، عقل تو را وامی دارد که به یاری اش برخیزی و برای خلاصی او اقدام کنی. و اگر نتوانی این کار را انجام دهی، مبادرت به دعا می نمایی که برای او فرج و خلاصی حاصل آید، حال بدان که مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام تمام مرزهای کمال را احاطه کرده و به برترین مراتب جمال و جلال دست یافته است، با این همه او مبتلا به اهل ضلالت و گمراهی است و دور مانده از اهل و عیال و خانه و وطن، و عظمت مصیبت آن حضرت علیه السلام به مقدار عظمت خود اوست. و

امّا کمالاـتش، زبـان از بیـان آن الکن و انـدیشه هـا از پرواز به قله های رفیع آن ناتوان می باشـد. آن حضـرت مجموعه ای از کمالات پیامبران و امامان و مظهر آنان است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ معجزه ای از معجزات انبیا و اوصیا نیست مگر اینکه خداوند - تبارک وتعالی - مثل آن را به دست قائم علیه السلام ظاهر می گرداند تا بر دشمنان اتمام حجّت کند».(۱۸۳)

و چه خوش گفته اند: «آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری».

و نیز آن حضـرت علیه السـلام فرمود: «و در آن هنگام آقای ما قائم علیه السـلام پشت خود رابه خانه خدا تکیه زده، می گوید: ای مردم! هر کس می خواهد آدم و شـیث را ببیند، بداند که من آدم و شیث هستم، و هر کس می خواهد نوح و فرزندش سام را ببینـد، بدانـد کـه من همـان نـوح و سـامم. و هر کس مایـل است ابراهیم و اسـماعیل را ببینـد، بدانـد که من همـان ابراهیم و اسـماعیل می باشم. و هر کس می خواهد موسـی و یوشع را ببیند، من همان موسی و یوشع هستم. و هر کس می خواهد عیسی و شـمعون را ببینـد، من همان عیسـی و شـمعون هسـتم. و هر کس می خواهد محمد و امیر المؤمنین علی را ببیند، بداند که من همان محمد و علی هسـتم. و هر کس می خواهد حسن و حسـین را ببیند، بداند که من همان حسن و حسـین هستم. و هر کس می خواهد امامان از ذرّیه حسین را ببیند، بداند که من همان ائمه اطهار هستم [صلوات اللّه علیهم أجمعین].دعوتم را بپذیرید و به نزدم جمع شوید که هرچه گفته اند و هرچه نگفته اند را به شما خبر می دهم».(۱۸۴)

این حدیث دلالت دارد

بر اینکه تمام صفات انبیای عظام و مکارم ائمه اطهارعلیهم السلام در وجود امام زمان ما - ارواحنا له الفداء - جمع است و از آن حضرت آشکار می گردد. بنابراین خوب است این مطلب را در سه فصل بیان نماییم:

فصل اوّل: شباهت آن حضرت علیه السلام به پیغمبران

شباهت به آدم علیه السلام

شباهت اوّل: خداوند آدم را خلیفه خود در تمام زمین قرار داد و او را وارث آن ساخت و فرمود: «إِنِّی جاعِلٌ فِی الأَرْضِ خَلِیفَةً»(۱۸۵)؛ همانا من در زمین جانشینی قرار می دهم. و خداوند حضرت حجّت علیه السلام را نیز وارث زمین و خلیفه خود در زمین قرار خواهد داد، چنان که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الأَرْضِ»(۱۸۶)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده داده که آنان را در زمین خلافت بخشد. فرمود: «او قائم و اصحابش می باشند».

شباهت دوم: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آدم علیه السلام آن قدر بر فراق بهشت گریست تا اینکه اشک از دو گونه اش مانند آبراه جاری شد».(۱۸۷)

حضرت قائم علیه السلام نیز - مانند آدم - گریه بسیار دارد، چنان که در زیارت ناحیه از آن حضرت است که - خطاب به جدّش حسین علیه السلام - می گوید: «شب و روز برایت ندبه می کنم و به جای اشک بر تو خون می گریم».

شباهت سوم: خداوند تمام اسم ها را به آدم تعلیم فرمود.(۱۸۸) و امّا قائم - عجّل اللّه فرجه الشریف -؛ خداوند آنچه به آدم آموخت به او نیز آموخته و اضافه بر آن هم مطالب دیگری آموخته است، چه اینکه آدم علیه السلام بیست و پنج حرف از اسم اعظم را آموخته بود - چنان که در

حدیث آمده - و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هفتاد و دو حرف از آن را آموخت، و تمام اموری که خداوند متعال به پیامبرش داده، به اوصیای آن حضرت نیز داده شده است.

شباهت چهارم: آدم علیه السلام زمین را پس از آنکه جنّیان با کفر و طغیانشان میرانده بودند با عبادت خدا زنده کرد. قائم علیه السلام نیز زمین را با دین خدا و عبادت و عدالت و برپایی حدودش زنده خواهد کرد، بعد از مردن آن به کفر و معصیت اهل زمین. چنان که امام باقر علیه السلام درباره آیه: «يُحْيِي الأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها»(۱۸۹)؛ زمین را پس از مرگ آن زنده می سازد. فرمود: «خداوند - عزّوجلّ - به وسیله قائم علیه السلام زمین را بعد از مرگش زنده گرداند و منظور از مرگ آن، کفر اهل آن می باشد که کافر در حقیقت مرده است».(۱۹۰) با این همه تا چند، آدم و قائم را با هم مقایسه کنم، در حالی که آدم به خاطر قائم خلق شد.

شباهت به نوح علیه السلام

شباهت اوّل: نوح، شیخ الأنبیاء است. از امام صادق و امام هادی علیهما السلام روایت است که حضرت نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال عمر کرد. و حضرت قائم علیه السلام شیخ الأوصیاء است؛ در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری متولد شد(۱۹۱) و تاکنون زنده است.

و امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «در قائم علیه السلام، روشی از آدم و نوح است و آن طول عمر می باشد».(۱۹۲)

شباهت دوم: نوح علیه السلام زمین را با سخن خود از کافرین پاک کرد و گفت: پروردگارا! بر روی زمین احدی از کافران برجای مگذار.(۱۹۳) قائم - عجّل اللّه فرجه الشریف - نیز زمین را با شمشیر

از لوث وجود کافرین پاک می گرداند تا جایی که هیچ اثری از آنها باقی نماند.

شباهت سوم: نوح علیه السلام ۹۵۰ سال صبر کرد، قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – نیز از اوّل امامتش تاکنون صبر کرده و نمی دانم تا کی صبر خواهد کرد.

شباهت چهارم: هر که از نوح علیه السلام تخلّف جست، هلاک شد. هر که از قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – تخلّف جوید، نیز هلاک می شود.

شباهت پنجم: خداوند آن قدر فرج نوح علیه السلام و اصحابش را به تأخیر انداخت تا اینکه بیشتر معتقدین به آن حضرت از او برگشتند. فرج قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – را نیز خداوند آن قدر به تأخیر می اندازد که بیشتر معتقدین به آن حضرت از او بر می گردند.(۱۹۴)

شباهت ششم: ادریس علیه السلام به ظهور نوح علیه السلام بشارت داد، و خداوند تعالی به ظهور قائم علیه السلام فرشتگان را بشارت داد و پیغمبر و امامان علیهم السلام بلکه پیغمبران گذشته ظهورش را بشارت دادند.

شباهت هفتم: نداهای نوح علیه السلام به شرق و غرب عالم می رسید و این یکی از معجزات آن حضرت علیه السلام بود – چنان که در کتاب زبده التصانیف آمده – . قائم علیه السلام نیز هنگام ظهور، بین رکن و مقام می ایستد و فریادی بر می آورد و صدای آن حضرت به انصارش می رسد در حالی که در محراب ها و بر فرش ها و رختخواب هایشان باشند.(۱۹۵)

شباهت به ادریس علیه السلام

شباهت اوّل: خداوند ادریس علیه السلام را بر بال فرشته ای نشانید که در فضای آسمان او را به پرواز درآورد، چنان که علی بن ابراهیم قمی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «خداوند – تبارک وتعالی – بر فرشته ای از فرشتگان غضب کرد و بال هایش را بُرید،

و او را در یکی از جزیره های دریا افکند؛ پس زمانی طولانی در آن دریا ماند. چون خداوند ادریس علیه السلام را به رسالت برانگیخت، آن فرشته نزد وی آمد و گفت: ای پیغمبر خدا! دعا کن خداوند از من راضی شود و بال هایم را برگرداند. ادریس فرمود: آری، [چنین خواهم کرد].آن گاه از پروردگار درخواست نمود، و خداوند بال های آن فرشته را بازگرداند و از او راضی شد، سپس آن فرشته به ادریس گفت: آیا حاجتی داری؟ فرمود: آری. دوست دارم مرا به آسمان بالا ببری تا به ملک الموت نگاه کنم، چون با یاد او زندگی ندارم. پس فرشته او را برگرفت و بر بال های خود به آسمان ها برد تا به آسمان چهارم رسید که ناگهان دید ملک الموت سر خود را از روی تعجّب حرکت می دهد. ادریس بر ملک الموت سلام کرد و به او گفت: چرا سرت را تکان می دهی؟ گفت: چون خداوند به من امر فرمود که تو را بین آسمان چهارم و پنجم قبض روح کنم. گفتم: پروردگارا! چگونه این کار را انجام دهم و حال آنکه غلظت آسمان چهارم به مقدار پانصد سال راه است و از آسمان چهارم تا آسمان سوم مقدار پانصد سال راه است و هر آسمان از مابین آن به همین ترتیب است، این چگونه شدنی است؟ سپس او را بین آسمان چهارم و پنجم قبض روح نمود. و همین است که خداوند می فرماید: «وَرَفَعْناهُ مَکاناً عَلِیّاً»(۱۹۶)؛ و ما او را به جایگاه بلندی رسانیدیم.».

قائم علیه السلام را هم روح القدس بر بال خود گرفت و به آسمان ها برد. در حدیثی آمده است: «... پس امام حسن

عسـكری علیه السـلام فرزنـدش را گرفت، در حالی که کبوترها بالای سـرش پرواز می کردند، آن گاه امام به یکی از کبوترها بانـگ زد: او را بردار و حفـظ کن و هر چهـل روز به مـا برگردان. آن کبـوتر او را برگرفت و به سوی آسـمان پرواز کرد؛ بقیه کبوترها نیز پیروی کردند...». حکیمه گوید: عرض کردم: این پرنده چیست؟ فرمود: این روح القدس است.(۱۹۷)

شباهت دوم: هنگامی که خواسـتند ادریس علیه السلام را بکشند، از قومش غایب شد، قائم علیه السلام نیز هنگامی که دشمنان می خواستند او را بکشند، غایب شد.

شباهت سوم: غیبت ادریس علیه السـلام به طول انجامید به حدّی که شـیعیان و پیروان او در سختی و شدّت و فشار واقع شدند. قائم علیه السلام نیز غیبتش طولانی است تا جایی که شیعیانش به مُنتهای سختی و فشار و مشقّت واقع شوند.

شباهت به هودعلیه السلام

شبـاهت اوّل: نـوح علیـه السـلام ظهـورش را بشـارت داد.(۱۹۸) قـائم علیه السـلام، پـدران بزرگـوارش نیز ظهـورش را بـا تمـام خصوصیات مژده داده اند.

شبـاهت دوم: خداونـد - عزّوجـلّ - کـافرین را هنگام ظهور هود با باد هلاک کرد.(۱۹۹) قـائم علیه السـلام نیز چنان است که خداوند متعال به وجود او جمعی از کافرین را به وسیله باد سیاهی نابود می کند.

شباهت به ابراهیم علیه السلام

شباهت اوّل:ابراهیم علیه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود. قائم علیه السلام نیز حمل و ولادتش مخفی بود.

شباهت دوم: ابراهیم علیه السـلام در یک روز به قـدری رشـد می کرد که دیگران در یک هفته رشد می کنند، و در یک هفته آن قـدر رشـد داشت که دیگران در یک ماه رشـد می نماینـد، و در یک ماه به مقـداری که دیگران در یک سال رشد دارند.(۲۰۰) قائم علیه السلام نیز چنین بود.(۲۰۱)

شباهت سوم: ابراهیم علیه السلام از مردم عزلت گزید.(۲۰۲) قائم علیه السلام نیز از مردم اعتزال جسته است.

شباهت چهارم: ابراهیم علیه السلام دو غیبت داشته، قائم علیه السلام نیز دو غیبت دارد.

شبـاهت پنجم: ابراهیم علیه السـلام هنگامی که در آتش افکنـده شـد، جبرئیل برایش جامه ای از بهشت آورد. قائم - عجّل اللّٰه فرجه الشریف - نیز همان جامه را هنگامی که قیام کند، خواهد پوشید.(۲۰۳)

شباهت شـشم: ابراهیم علیه السلام خانه کعبه را بنا کرد و حجر الأسود را در جایش نصب فرمود.(۲۰۵).(۲۰۴) قائم علیه السلام نیز مانند آن را دارد.(۲۰۶)

شباهت هفتم: ابراهیم علیه السـلام را خداونـد از آتش نجات داد.(۲۰۷) قائم علیه السـلام نیز به همین ترتیب خواهـد شد، چنان که از امام صادق علیه السـلام منقول است که فرمود: «وقتی قائم علیه السلام خروج می کند، شخصی نزد آن حضرت می آید، و معجزه حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام را تقاضا می کند. پس آن حضرت دستور می دهد آتش

عظیمی برافروزند ... سپس داخل آتش می شود و آن گاه به سلامت از آن بیرون می آید».

شباهت به اسماعیل علیه السلام

شباهت اوّل: اسـماعیل علیه السـلام چشمه زمزم از زمین برایش جوشید. قائم علیه السلام نیز آب از سنگ سخت برایش خواهد جوشـید - چنان که در بحث شـباهت آن حضـرت به موسـی علیه السـلام خواهـد آمد - و چندین بار نیز آب از زمین برای آن بزرگوار جوشیده است.(۲۰۸)

شباهت دوم: اسماعیل علیه السلام گوسفند چرانی می کرد. قائم علیه السلام نیز این برنامه را خواهد داشت.(۲۰۹)

شباهت به لوط علیه السلام

شباهت اوّل: فرشتگان برای یاری اش نازل شدند.(۲۱۰) قائم علیه السلام نیز، فرشتگان برای یاری اش فرود خواهند آمد.(۲۱۱)

شباهت دوم: لوط علیه السلام از بلاد فاسقین بیرون رفت، قائم علیه السلام نیز، از بلاد فاسقین بیرون رفته است.

شباهت به یعقوب علیه السلام

یعقوب علیه السـلام برای یوسف آن قدر گریست تا اینکه چشـمانش از اندوه سفید شد در حالی که خشم خود را فرو می برد.(۲۱۲) قـائم علیه السـلام نیز برای جـدّش حسـین علیه السـلام گریسـته [و می گریـد]و در زیـارت ناحیه فرموده است: «وَلَأَبْكِيَنَّ عَلَيْكَ بَدَلَ الدُّمُوعِ دَماً»(۲۱۳)؛ به جای اشک بر تو خون می گریم.

شباهت به یوسف علیه السلام

شباهت اوّل: یوسف علیه السلام زیباترین اهل زمان خود بود. قائم علیه السلام نیز زیباترین اهل زمان خود می باشد.

شباهت دوم: یوسف علیه السـلام مدّتی طولانی غایب شد تا اینکه برادران بر او داخل شدند پس آنان را شـناخت در حالی که آنها او را نشناختند.(۲۱۴) قـائم علیه السـلام نیز از خلق غـایب شـده، در عین حـالی که در میان آنها راه می رود و آنان را می شناسد، ولی آنها او را نمی شناسند.

شباهت سوم: خداونـد امر یوسف را یک شـبه اصـلاح فرمود، که پادشاه مصـر آن خواب را دید. قائم علیه السـلام نیز امرش را خداوند متعال در یک شب اصلاح می فرماید.(۲۱۵)

شباهت چهارم: یوسف علیه السـلام دچار زنـدان شد. و در حدیثی از امام باقر علیه السـلام آمده که فرمود: «در صاحب این امر سنّتی از موسـی و سـنّتی از عیسی و سنّتی از یوسف و سنّتی از محمد - صلوات اللّٰه علیهم أجمعین - هست - تا آنجا که فرمود - : ... و امّا سنّت از یوسف، زندان و غیبت است».(۲۱۶)

ای دوست خاندان عصمت! در این روایت دقّت کن و در عظمت مصیبت و محنت مولایت اندیشه کن که دنیا با همه فراخی و زمین با همه پهناوری اش برای او زنـدان شده، به طوری که از سـتم معاندین و مخالفتشان ایمن نیست. از درگاه خداوند متعال می خواهیم که فرجش را تعجیل و

خروجش را سهل و آسان گرداند.

شباهت به خضرعلیه السلام

شباهت اوّل: خداوند عمر ایشان را طولانی نموده. قائم علیه السلام نیز، خداوند عمرش را طولانی قرار داده، بلکه از بعضی روایات استفاده می شود که حکمت اینکه عمر حضرت خضرعلیه السلام طولانی شده این است که دلیل بر طول عمر قائم علیه السلام باشد.(۲۱۷)

شباهت دوم: خداوند متعال به او قدرت و نیرویی عنایت فرموده که به هر شکل که بخواهد، در می آید. چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده(۲۱۸)، خداوند به قائم علیه السلام نیز همین قدرت را عنایت فرموده، روایات و حکایاتی که بر این معنی دلالت می کند، بسیار است.

شباهت سوم: خضرعلیه السلام مأمور به علم باطن بود، چنان که به موسی علیه السلام گفت: «إِنّکَ لَنْ تَسْتَطِیعَ مَعِی صَبْراً وَکَیْفَ تَصْبِرُ عَلی ما لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْراً»(۲۱۹)؛ قائم علیه السلام نیز مأمور به علم باطن است، چنان که در علم و حکم آن حضرت گذشت.

شباهت چهارم: خضرعلیه السلام هر سال در مراسم حج شرکت می کند و تمام مناسک را انجام می دهد. قائم علیه السلام نیز، هر سال در مراسم حج شرکت می کند.

شباهت به الیاس علیه السلام

شباهت اوّل: خداوند عمر آن حضرت را همچون خضرعلیه السلام طولانی کرد.

شباهت دوم: هر سال به حج می رود.

شباهت سوم: هفت سال غایب شد.

شباهت چهارم: الیاس علیه السلام به اذن خدای تعالی برایش از آسمان مائده آمده.(۲۲۰) قائم علیه السلام نیز برایش مائده از آسمان نازل شد.(۲۲۱)

شباهت پنجم: خداوند متعال به دعایش حضرت یونس علیه السلام را در حالی که کودک بود، بعد از چهارده روز از فوتش زنده کرد - چنان که در حدیث آمده - . قائم علیه السلام نیز، خداوند متعال به برکتش و به دعایش مردگان بسیاری را پس از گذشت سال ها از مرگشان زنده خواهد کرد، از جمله اصحاب کهف، و

بیست و پنج نفر از قوم موسی، و یوشع بن نون وصیّ حضرت موسی علیه السلام، و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مالک اشتر، که در بحار و غیر آن از امام صادق علیه السلام روایت شده است.(۲۲۲)

شباهت به شعیب علیه السلام

شعیب علیه السلام قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد تا اینکه عمرش طولانی و استخوان هایش کوفته شد، سپس از نظرشان غایب گشت و دوباره به صورت جوانی به آنها بازگشت.(۲۲۳) قائم علیه السلام نیز با وجود طول عمر به صورت جوانی ظاهر می شود که کمتر از چهل سال دارد.(۲۲۴)

شباهت به موسی علیه السلام

شباهت اوّل: موسی علیه السلام دوران حملش مخفی بود، قائم علیه السلام نیز همین طور.

شباهت دوم: موسی علیه السلام ولادتش مخفیانه بود، قائم علیه السلام نیز همین طور.

شباهت سوم: موسی علیه السلام از قومش دو غیبت داشت که یکی از دیگری طولانی تر بود، غیبت اوّل از مصر بود و غیبت دوم هنگامی که به سوی میقات پروردگارش رفت.

شباهت چهارم: خداوند تعالی با او سخن گفت، قائم علیه السلام نیز همین طور.(۲۲۵)

شباهت پنجم: موسی علیه السلام از قوم خود از ترس دشمنانش غایب شد.(۲۲۶) قائم علیه السلام نیز همین طور.

شباهت ششم: موسی علیه السلام وقتی غایب شد، قومش در محنت ها و فشار و مشقت و ذلّت واقع شدند. قائم علیه السلام نیز شیعیان و دوستانش در زمان غیبتش در مُنتهای سختی و فشار و ذلّت می افتند.(۲۲۷)

شباهت هفتم: خداوند متعال درباره اش می فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنا مُوسَى الكِتابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ»(۲۲۸)؛ ما به موسی کتاب را دادیم پس در آن اختلاف شد. یعنی در صحّت کتابی که بر او فرود آمد.(۲۲۹) قائم علیه السلام نیز همین طور. در کتابی که با او است - یعنی قرآنی که امیر المؤمنین علیه السلام جمع کرد - اختلاف می شود.(۲۳۰)

شباهت هشتم: امام صادق علیه السلام فرمود: «اصحاب موسی به نهری آزمایش شدند که خداوند تعالی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ»(۲۳۱)؛ همانا خداوند شما را به نهر آبی خواهد آزمود. اصحاب قائم علیه السلام نیز به مانند آن مبتلا خواهند شد.(۲۳۲)

شباهت نهم: موسی علیه السلام،

خداوند دشمنش - قارون - را به زمین فرو برد.(۲۳۳) قائم علیه السلام نیز، لشکر سفیانی را به زمین فرو خواهد برد.

شباهت دهم: موسی علیه السلام، از سنگ برایش دوازده چشمه جوشید. قائم علیه السلام نیز، از سنگ برایش آب و غذا بیرون می آید.(۲۳۴)

شباهت یازدهم: خداوند متعال به منظور امتحان قومش، ظهور آن حضرت را تأخیر انداخت. تا آنان که گوساله پرستیدند از خداپرستان جدا شوند. در مورد قائم علیه السلام نیز، خداوند به همین منظور ظهورش را به تأخیر انداخته است.

شباهت دوازدهم: خداوند متعال به موسی علیه السلام عصایی عنایت فرمود، و آن را معجزه آن حضرت قرار داد. قائم علیه السلام، به همان عصا اختصاص یافته است.(۲۳۵)

چنین گفته اند: عصای موسی دو سر داشت که بیخ هر یک از آنها کژی داشت و نیزه آهنینی در انتهایش بود، پس هرگاه موسی علیه السلام شب هنگام به بیابانی وارد می شد و مهتاب نبود، دو سر عصا تا آنجا که چشم کار می کرد روشنایی می داد، هرگاه با کمبود آب مواجه می شد، آن را در چاه وارد می کرد که تا ژرفای چاه امتداد می یافت، و سر آن مانند دلو می شد، و هر وقت به غذا نیاز داشت، با عصای خود به زمین می کوفت خوردنی ها از آن بیرون می آمد و چنان بود که هرگاه میوه ای اشتها می کرد آن را در زمین می نشاند، پس غنچه های همان درختی که موسی اشتها کرده بود در آن ظاهر می شد و همان موقع میوه می داد.

و گفته می شود: عصای موسی از چوب بادام بود، هرگاه گرسنه می شد آن را در زمین می نشاند برگ و میوه می داد و از آن بادام می خورد، و هرگاه با دشمن خود مقاتله می کرد بر دو شاخه

عصا دو مار آشکار می شد که با هم نبرد می کردند، عصا را بر کوه سخت ناهموار و نیز به درخت ها و خارها و گیاه ها می زد راه باز می شد، و هر وقت می خواست از رودی بدون کشتی عبور کند عصا را بر آن می زد، راه وسیعی برایش باز می شد که در آن می رفت.

آن حضرت علیه السلام گاهی از یک شاخه عصا شیر می نوشید و از دیگرش عسل، و چون در راه خسته می شد بر آن می نشست و به هرجا می خواست بدون دویدن و پا زدن او را می رساند، و نیز راه را نشانش می داد و با دشمنانش مقابله می کرد. هنگامی که موسی علیه السلام به بوی خوش نیازمند می شد، از آن عصا بوی خوشی بیرون می زد تا جایی که لباس های او را خوشبو می کرد، اگر در راهی بود که دزدانی داشت که مردم از آنها ترس داشتند، عصا با او تکلم می کرد و به او می گفت: به فلان سمت راهت را تغییر ده. به وسیله آن برگ های درختان را بر گوسفندان خود فرو می ریخت، با آن درندگان و مارها و حشرات را از خود دفع می کرد. چون به سفر می رفت آن را بر گرده می نهاد و وسائل و لباس و غذا و آب و... را به آن می آویخت.(۲۳۶)

شباهت به داودعلیه السلام

شباهت اوّل: خداوند آهن را برایش نرم کرد.(۲۳۷) قائم علیه السلام نیز، خداوند آهن را برایش نرم کرده، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «مردی به خدمت صاحب الزمان علیه السلام می آید و عرض می کند: آهن برای داودعلیه السلام نرم شد اگر تو هم مانند او [معجزه]بیاوری تصدیقت می کنیم. پس آن حضرت معجزه داودعلیه السلام را به او نشان می دهد، ولی آن شخص منکر می شود،

پس قائم علیه السلام عمود آهنینی به گردن او می اندازد که هلاك می شود و می فرماید: این سزای کسی است که آیات خدا را دروغ انگارد».

شباهت دوم: سنگ با او سخن گفت و صدا زد: ای داود! مرا بگیر و جالوت را با من به قتل برسان. قائم علیه السلام نیز، علم و شمشیرش او را صدا می کنند و می گویند: ای ولیّ خدا! خروج کن و دشمنان خدا را به قتل برسان.(۲۳۸)

شباهت سوّم: داودعلیه السلام به الهام در میان مردم حکم می کرد. قائم علیه السلام به حکم داوود قضاوت خواهد کرد و از بیّنه و شاهد نمی پرسد و نیازی به آن ندارد.

شباهت به سلیمان علیه السلام

شباهت اوّل: حضرت داودعلیه السلام، سلیمان را جانشین خود قرار داد در حالی که هنوز به سنّ بلوغ نرسیده بود.(۲۳۹) قائم علیه السلام را خداوند - عزّوجلّ - خلیفه خود قرار داد و حال آنکه کودکی تقریباً پنج ساله بود.

شباهت دوم: خداوند به سلیمان علیه السلام ملکی عنایت کرد که برای هیچ کس بعد از او از نظر کیفیت نبود. چه اینکه سلاطین جهان حکومتشان آمیخته به جور و فساد است، ولی سلیمان می خواست حکومتش آن طور نباشد، و نیز سلطنت و حکومت پادشاهان و امرای زمین تنها بر انسان ها است، ولی حکومت سلیمان بر جنّ و انس و پرندگان بود.(۲۴۰) همچنین خداوند متعال مُلك و حکومتی به قائم علیه السلام عنایت خواهد فرمود که برای احدی از اولین و آخرین - از نظر کمّیت و کیفیت - مانندش نبوده. امّا کمّیت: برای اینکه آن حضرت مابین شرق و غرب را می گیرد. و امّا کیفیت: برای اینکه محض عدالت است.

شباهت به ایوب علیه السلام

شباهت اوّل: ایوب علیه السلام هفت سال بر بلا صبر کرد.(۲۴۱) قائم علیه السلام نیز، از هنگام وفات پدرش تاکنون صبر کرده و نمی دانم تا کی این صبر ادامه خواهد داشت!

شباهت دوم: ایوب علیه السلام یک یا دو چشمه از زمین برایش جوشید.(۲۴۲) قائم علیه السلام نیز، برایش چشمه از زمین جوشیده است.(۲۴۳)

شباهت سوم: خداوند - عزّوجلّ - مردگانی را برایش زنده کرد.(۲۴۴) قائم علیه السلام نیز، خداوند مردگانی را برایش زنده می کند.

شباهت به یحیی علیه السلام

شباهت اوّل: یحیی علیه السلام، پیش از ولادت به آمدنش بشارت و مژده داده شده بود. قائم علیه السلام نیز چنین بود.

شباهت دوم: یحیی علیه السلام در شکم مادر سخن گفت.(۲۴۵) قائم علیه السلام نیز، در شکم مادر سخن گفت و سوره قدر را قرائت کرد.(۲۴۶)

شباهت به عیسی علیه السلام

شباهت اوّل: عیسی علیه السلام، فرزند بهترین زنان زمانش می باشد. قائم علیه السلام نیز، فرزند بهترین زنان زمانش می باشد.

شباهت دوم: عیسی علیه السلام در شکم مادر تکلم کرده. قائم علیه السلام نیز همین طور.

شباهت سوم: عیسی علیه السلام در گهواره سخن گفت. قائم علیه السلام نیز همین طور.(۲۴۷)

شباهت چهارم: عیسی علیه السلام، خداوند حکمت و ویژگی های نبوّت را در کودکی به او عنایت فرمود. قائم علیه السلام نیز، خداوند حکمت و ویژگی های امامت را در کودکی به حضرت عنایت کرد.

شباهت پنجم: عیسی علیه السلام، خداوند متعال او را به سوی خود بالا برد. قائم علیه السلام نیز، خداوند او را به سوی خود بالا برد.

شباهت ششم: عیسی علیه السلام به اذن خداوند متعال مرده زنده می کرد.(۲۴۸) قائم علیه السلام نیز، مردگانی را زنده خواهد کرد. چنان که گذشت.

شباهت به خاتم النبیین صلی الله علیه و آله

سخن جامع در این باب فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که فرمود: «مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من، و کنیه اش کنیه من، از نظر خَلق و خُلق شبیه ترین مردم به من است...».(۲۴۹)

فصل دوم: شباهت به ائمه معصومین

نظر به اینکه بیان کردن هر یک از این ویژگی ها و صفات و احوال و معجزات پدران پاک آن حضرت و تطبیق آنها با صفات و حالات و معجزات آن حضرت، شرحی طولانی و میدان وسیعی می خواهد، به ناچار در ذکر هر یک از امامان علیهم السلام به آشکارترین و مشهورترین اوصاف اکتفا می کنیم:

شباهت به امیر المومنین علیه السلام

اظهر صفاتش علم و زهد و شجاعت می باشد، و تمام آنها در حضرت قائم علیه السلام نمودار است، که گذشت.

شباهت به امام حسن علیه السلام

بـارزترین صـفاتش حلم و بردباری است، و از جمله آثار این صـفت: سـکون و آرامش داشـتن و سبکسـری نکردن در مواقعی است که شخص از دیگران نارواها ببیند.

و اگر در نـاراحتی ها و ابتلاهای شدیـد مولا حضـرت حجّت – صـلوات اللَّه علیه – از دست رعیّتش تأمل کنی، حلم و بردباری آن بزرگوار برایت روشن می شود، به طوری که از احدی به این کیفیت، این صفت ظاهر نگردیده است.

شباهت به امام حسین علیه السلام

شباهت به آن حضرت در فصل آینده خواهد آمد، ان شاء اللَّه تعالی.

شباهت به امام سجّادعلیه السلام

بارزترین صـفاتش عبادت می باشـد که به زین العابـدین و سیّد العابـدین و ذو الثفنات نامیـده شـد، وجه نامیـده شدنش به ذو الثفنات، این بود که بینی آن حضرت ساییده، و پیشانی و زانوها و کف دست هایش از اثر عبادت مداوم، برآمدگی پیدا

کرده بود، چنان که از فاطمه بنت علی بن ابی طالب علیهما السلام آمده که از یکی از کنیزان امام سجادعلیه السلام راجع به حالات آن حضرت پرسید، در جواب گفت: مختصر کنم یا مفصل بگویم؟ گفت: مختصر کن. گفت: هیچ گاه در روز برایش غذا نبرده و در شب رختخواب نگستردم.(۲۵۰)

و مولای ما حضرت حجّت - عجّل اللّه فرجه الشریف - از جدّ بزرگوارش سیّد العابدین علیه السلام الگوی خوبی دارد، که حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام در وصف حضرت قائم علیه السلام فرمود: «با آن چهره گندمگون، زردی بی خوابی شب نیز آمیخته است، پدرم فدای آن کس که شبش را در حال سجود و رکوع و ستاره شماری (کنایه از بیداری) خواهد گذراند...».(۲۵۱)

شباهت به امام باقر علیه السلام

بارزترین صفاتش، شباهت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. لذا جابر انصاری هنگامی که نگاهش به آن حضرت افتاد گفت: به پروردگار کعبه قسم! شمایل پیغمبرصلی الله علیه و آله است.(۲۵۲) با اینکه جابر پیش از امام باقر، حسن و حسین و علی بن الحسین - علیهم السلام - را دیده، ولی چنین سخنی درباره آنها نگفته بود. مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیز شبیه به پیغمبر است، بلکه شباهتش به پیغمبر بیشتر و کامل تر می باشد.

شباهت به امام صادق علیه السلام

بارزترین صفاتش، کشف علوم و بیان احکام برای مردم بود به طوری که برای امامان پیش از آن حضرت این امر میسّر نشد. یکی از اهل حدیث گفته: چهار هزار نفر از افراد مورد اعتماد از آن حضرت روایت کرده اند.(۲۵۳) با این حال تمام علومی که نزد آن حضرت بود، کشف نشده و

برای ظهور قـائم علیه السـلام به تـأخیر افتاده که آن حضـرت تمام احکام را بیان خواهـد ساخت و آنچه گذشـتگان از امامان و پیغمبران، اهلیّت و شایسـتگی آن را در مردم ندیدند فاش خواهد کرد. امیر المومنین علیه السـلام گاهی به سـینه خود اشاره می کرد و می فرمود: «إِنَّ هیهُنا لَعِلْماً جَمّاً لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حَمَلَةً...»؛ در اینجا علم بسیاری هست اگر برای آن حاملانی بیابم... .

شباهت به امام کاظم علیه السلام

آن حضـرت علیه السـلام دچار تقیّه و شـدّت ترس از دشـمنان بود - بیش از آنچه پدران گرامی اش بدان دچار بودند - و این مطلب برای کسـی که در احوال زندگی آن حضـرت دقّت کند، واضح است. مولای ما حضرت قائم علیه السلام نیز همین طور است، - چنان که به آن اشاره شد - .

شباهت به امام رضاعلیه السلام

خداوند ریاست و مقام ظاهری را برای آن حضـرت قرار داد، به طوری که برای پدران طاهرینش واقع نشده بود، و تقیّه و ترس در زمان آن حضـرت تا حدودی برداشته شد، قائم علیه السلام نیز خداوند متعال ترسش را به امنیت بدل خواهد ساخت و او را در زمین اقتدار و تسلّطی خواهد داد که برای احدی از پیشـینیان میسّر نشده است، و غلبه آن حضرت بر تمام جهان مانند غلبه سلطان روز است بر سلطان شب تار.

از امـام باقر علیه السـلام درباره آیه: «وَالنَّهارِ إِذا تَجَلّی»(۲۵۴)؛ سوگنـد به روز آن گاه که تجلّی نمایـد. آمـده که فرمود: «روز، همان قائم ما اهل البیت است که هرگاه بپاخیزد، بر دولت باطل پیروز می شود...».(۲۵۵)

شباهت به امام جوادعلیه السلام

وقتی امامت به آن حضرت رسید که به سنّ مردان

نرسیده و عمرش از هشت بهار نگذشته بود، حضرت حجّت علیه السلام نیز همین طور بود، که در سنین طفولیّت لوای امامت را به دست گرفت.

شباهت به امام هادی علیه السلام

هیبتی داشته که نظیر آن را احدی نداشته، به طوری که دشمنان آن حضرت احترام ها و تعظیم هایی برای آن حضرت انجام می دادند که برای هیچ کس آن احترام ها را انجام نمی دادند، که این امر بر اثر هیبت آن حضرت بود، نه از روی محبت و علاقه به آن بزرگوار، قائم علیه السلام نیز همین طور است که - به ویژه در دل دشمنان - هیبت و رعب خاصی دارد.

شباهت به امام حسن عسکری علیه السلام

آن حضرت علیه السلام نیز، همین صفت را داشته است که بجاست این بحث را با بیان روایت شریفی که در بحار آمده به پایان بریم.

مرحوم مجلسی رحمه الله آورده: عباسیان و صالح بن علی و گروهی از منحرفین از مسیر اهل بیت علیهم السلام بر صالح بن وصیف - هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام نزد او زندانی بود - بر او وارد شدند و به او گفتند: بر آن حضرت سخت بگیر و در وضع او رفاه و آسایشی فراهم مکن. در جواب گفت: با او چه کار کنم در حالی که از بدترین افرادی که توانسته ام بر او گماشته ام، ولی آنان در نماز و عبادت به جایگاه بلندی رسیده اند. سپس آن دو نفر گماشته را احضار کرد و به آنها گفت: وای بر شما! درباره این شخص چه فکر می کنید؟ گفتند: چه بگوییم درباره مردی که روزش را روزه دار و شبش به عبادت می گذرد، نه سخن می گوید و نه غیر عبادت به کاری

مشغول می شود. هرگاه به ما نظری بیفکند، لرزه بر اندام ما افتد، و به طوری هیبت او در دلمان واقع شود که خودداری نتوانیم کرد. هنگامی که عباسیان این گفتار را شنیدند با خواری و سرافکندگی رفتند.(۲۵۶)

فصل سوم: شباهت به حضرت سید الشهداءعلیه السلام

در امور بسیاری این شباهت وجود دارد، از جمله:

شباهت اوّل

شدّت اهتمام در یاد شدن آنها در قرآن کریم و سنّت پیغمبران و کتاب های آسمانی.

شباهت دوم

اهتمام پیغمبران گذشته به گریستن برای امام حسین علیه السلام و برپا نمودن مجالس سوگواری و مرثیه پیش از شهادت آن حضرت، نظیر اهتمام امامان گذشته است در دعا کردن برای فرج مولی حجّه بن الحسن - عجّل اللّه فرجه الشریف - و طلب ظهور آن بزرگوار پیش از وقوع غیبت.

شباهت سوم

شدّت اهتمام هر دو (امام حسین و امام عصرعلیهما السلام) در امر به معروف و نهی از منکر.

شباهت چهارم

نبودن بیعت طاغوت زمان بر آن دو، که در اوصاف امام حسین علیه السلام آمده که روز عاشورا به آن حضرت عرض شد: به حکم و حکومت عموزادگانت سر فرود آور. فرمود: «به خدا قسم! هرگز دستم را از روی خواری و ذلّت به شما ندهم و مانند بردگان فرار نمی کنم». در بحث علل غیبت حضرت حجّت علیه السلام مطالبی که دلالت بر مقصود داشت، گذشت.

شباهت پنجم

فرشتگان هر دو بزرگوار (امام حسین و حضرت قائم علیهما السلام) را به اذن خداوند متعال به آسمان بالا بردند.

شباهت ششم

آرزو و تصمیم به یاری کردن امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، ثواب شهید شدن با آن حضرت را دارد. آرزوی بودن با امام قائم علیه السلام در زمان ظهور و قصد یاری کردن آن

حضرت و جهاد با دشمنانش در رکابش نیز ثواب شهادت را دارد، چنان که درباره هر دو روایت آمده است که ان شاء اللّه تعالی خواهد آمد.

شباهت هفتم

امام حسین علیه السلام ترسان از مدینه بیرون رفت و در مکّه نزول کرد، سپس به سوی کوفه حرکت فرمود. حضرت حجّت علیه السلام نیز نظیر همین برایش اتفاق می افتد.(۲۵۷)

شباهت هشتم

مصیبت آن دو بزرگوار سخت ترین مصیبت هاست. امّا مصیبت امام حسین علیه السلام، در گفتگوی آدم و جبرئیل آمده که گفت: ای آدم این فرزند تو به مصیبتی دچار می گردد که مصیبت ها در کنار آن کوچک خواهد بود.(۲۵۸) و امّا قائم علیه السلام از این جهت که مصیبتش طولانی و محنتش شدید است.

حرف «ل»

۱ - لوای آن حضرت علیه السلام

از جمله امور مهم، دعا کردن برای برافراشته شدن پرچم و لوای آن حضرت است که به خاطر آن، دل ها مسرور و تمام غصّه ها دور می گردد، چنان که از حضرت امیر المومنین علیه السلام آمده که فرمود: «مردی از فرزندانم در آخر الزمان ظهور می کند ... نام مخفی اش احمد و نام آشکارش محمد است، هرگاه پرچم خود را به اهتزاز درآورد شرق و غرب را روشن سازد، دست بر سر بندگان خدا کشد، پس هیچ مؤمنی باقی نماند مگر اینکه دلش از کوه آهنین هم محکم تر گردد و خداوند متعال قوّت چهل مرد به او بدهد، و هیچ میّتی نماند مگر آنکه در قبر اثری از خوشحالی ظهور به او برسد که مؤمنین در قبر از هم دیدن کنند و به ظهور قائم علیه السلام یکدیگر را مژده دهند».(۲۵۹)

حرف «م»

۱ - معجزات آن حضرت علیه السلام

شدّت اهتمام وکوشش آن حضرت در ترویج دین خدا وهدایت بندگان الهی باعث ابراز معجزات می شود. دعا کردن برای چنین کسی که در ترویج دین و ارشاد بندگان کوشش و سعی بلیغ دارد، عقلاً و نقلاً ممدوح و مطلوب است.

و امّا معجزات آن حضرت علیه السلام؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ معجزه ای از معجزات پیغمبران و اوصیا نیست مگر اینکه خداوند متعال مثل آن را بر دست قائم ما آشکار خواهد کرد، برای اتمام حجّت بر دشمنان».(۲۶۰)

۲ - محنت آن حضرت علیه السلام

فضـیل گویـد: از امـام صـادق علیه السـلام شـنیدم که فرمود: «به درستی که وقتی قائم ما - عجّل اللّٰه فرجه الشریف - بپاخیزد، بیشتر از آنچه پیغمبر اکرم صلی الله

علیه و آله از مردم جاهلیت دید به ناراحتی ها برخورد می کند». گفتم: چطور؟ فرمود: «پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی مردم مبعوث شد در حالی که سنگ و چوب و تخته ای به صورت بت می تراشیدند و پرستش می کردند، ولی قائم ما - عجّل اللّه فرجه الشریف - در حالی بپاخیزد و به سوی مردمی آید، که همگی آنها علیه او کتاب اللّه را تأویل نموده و احتجاج می کنند».(۲۶۱)

و در روایت دیگری از همان حضرت آمده: «پس علیه آن حضرت، کتاب اللّه را تأویل و بر مبنای آن با آن حضرت مقاتله می کنند».(۲۶۲)

۳ - مصایب آن حضرت علیه السلام

مصایب آن حضرت بسیار است، مانند مصایب پدران و اجداد بزرگوارش - به ویژه حضرت سید الشهداء علیه السلام - بر او نیز وارد است، که ولیّ خون آنها است - چنان که در تفسیر آمده - . دعا کردن برای مصیبت دیده مستحبّ است، چنان که در اخبار و احادیثی که از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده منقول است.

۴ - محبّت متقابل آن حضرت علیه السلام

محبّت آن حضرت علیه السلام به مؤمنان و محبّت مؤمنان به آن حضرت از مهم ترین انگیزه های دعا کردن برای آن حضرت و درخواست تعجیل فرج آن حضرت از پروردگار متعال است. و امّا محبّت آن حضرت علیه السلام نسبت به مؤمنین: دسته های مختلفی از اخبار بر آن دلالت دارد، از جمله:

۱. احادیثی که دلالت می کند امام نسبت به مؤمنین به منزله والد مهربان و پدر شفیق، بلکه برای آنها از پدر هم مهربان تر است.

۲. روایاتی آمده که امام به خاطر حزن شیعیانش محزون و در مصایب آنها

متأثّر و در بیماری آنها متألّم می گردد.

۳. احادیثی که دلالت می کند امام علیه السلام برای شیعیانش دعا می کند.

۴. اخباری دلالت می کند که امام علیه السلام برای دوستانش دادرسی می کند.

۵. آنچه دلالت می کند که امام علیه السلام در تشییع جنازه مؤمن حاضر می شود.

۶. احادیثی که حاکی از گریستن امامان علیهم السلام هنگام گرفتاری دوستانشان و هنگام وفاتشان و غیر اینها می باشد.

حرف «ن»

۱ - نفع آن حضرت علیه السلام

بدان که منافع وجود مبارک آن حضرت بر چند گونه است:

قسم اوّل: منافع آن حضرت - چه غایب و چه ظاهر - ، و آن بر دو نوع است:

نوع اوّل: تمام خلایق در آن شریک هستند، مانند: زندگی و بقای در جهان و... که همه اش از برکات و فیوضات وجود شریف آن حضرت است.

نوع دوم: افاضات علمی و عنایات ربّانی که به مؤمنین اختصاص دارد، مانند: واضح نمودن وقت نمازهای یومیه و مانند آن است.(۲۶۳)

قسم دوم: منافع زمان غیبت آن حضرت علیه السلام که آن هم بر دو نوع است:

نوع اوّل: مخصوص به مؤمنین است و آن بسیار است، از جمله: ثواب های بسیاری که بر انتظار زمان ظهور آن حضرت مترتّب است و نیز آنچه از ثواب ها بر صبر و شکیبایی آنان در عصر غیبت مترتّب است که در بخش هشتم خواهیم آورد، و نیز دو برابر شدن ثواب کارهای نیک آنها در چنین زمانی، چنان که از امام صادق علیه السلام روایت شده.(۲۶۴)

نوع دوم: مخصوص کافرین و منافقین است، و آن مهلت دادن و تأخیر عذاب آنها است، چنان که در تفسیر آیه شریفه: «فَمَهِّلِ الکافِرِینَ أَمْهِلْهُمْ رُوَیْداً»(۲۶۵)؛ آمده است.(۲۶۶)

قسم سوم: منافع زمان ظهور او و آن بر دو نوع است:

نوع اوّل: شامل تمام

خلایق و موجودات می شود، مثل انتشار نور، ظهور عـدل، امنیت راه های بلاد، ظهور برکات زمین، صـلح و آشتی درندگان و چارپایان، آزار نرساندن هیچ نیش داری به کسی، برکات فراوان و منافع بی کران دیگر... .(۲۶۷)

نوع دوم: مخصوص مؤمنین است و آن بر دو گونه است:

گونه اوّل: برای زندگان آنها، و آن انتفاع و بهره وری از شـرف حضور آن حضـرت و اسـتفاده از نور آن جناب و فراگرفتن از علوم آن بزرگوار و برطرف شدن بیماری ها و گرفتاری ها و بلاها از بدن های ایشان است.(۲۶۸)

گونه دوم: برای مردگـان ایشـان، از جمله: خوشـحالی و فرح ظهور آن حضـرت به قبرهایشـان داخل می شود. امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه: «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ»(۲۶۹) فرمود: «در قبرهایشان به ظهور قائم علیه السلام».(۲۷۰)

و از جمله منافع زمان ظهور آن حضرت برای اموات مؤمنین، زنده شدن آنها است بعد از مرگشان.(۲۷۱)

۲ – نور آن حضرت علیه السلام

نور آن حضرت علیه السلام

از مهم ترین اموری که انگیزه دعا کردن برای آن حضرت می شود، نور اوست، دلیل بر آن عقل است. به این بیان که: اگر در شب تاریکی در راه پر پیچ و خمی بودید و در آن راه، لغزندگی های هولناک و خلاصی از آن جز به وسیله چراغی که راه را روشن کند، میسّر نبود. آن گاه کسـی برای شـما چراغی آورد که به وسیله آن خلاص شدید و از گمراهی رهایی یافتید، عقل بلکه – طبع و فطرت – شما را برمی انگیزد که برای او دعا کنید، چون کار او سبب خلاصی و هدایت شما شد.

«نور» اسم است برای چیزی که خودش ظـاهر است و اشـیاء غیر خودش را ظـاهر می کنـد. امام علیه السـلام نور است. و هر دو خصوصیت

نور را دارد. زیرا امـام علیه السـلام به حسب کمالات و دلالاتی که دارد آشـکارترین و ظاهرترین مخلوقات است. البته شـخص امـام گـاهی ممکن است از گروهی غـایب شود، ولی او در عین حال که غایب است در منتهای ظهور و آشـکاری است، همان طور که امـام صـادق علیه السـلام به مفضّـل بن عمر - هنگـامی که از آن حضـرت شـنید که پرچم هـای مشـتبه در زمان غیبت افراشـته می گردد گریه کرد - فرمود: «این آفتـاب را می بینی؟ عرض کرد: آری. فرمود: «واللّٰه! امر مـا از این آفتـاب روشن تر است».

و امّا دلیل بر ظهور موجودات دیگر به وجود امام علیه السـلام، روایتی است از امام صادق علیه السلام که فرمود: «محمد و علی - صلوات اللّٰه علیهما - از دو هزار سال پیش از آفرینش خلق، در پیشگاه خداوند - عزّوجلّ - نور بودند، هنگامی که فرشتگان آن نور را دیدنـد، ریشه و شاخه درخشـنده ای برایش مشاهـده کردند، پس گفتند: ای پروردگار و خدای ما! این نور چیست؟ خداوند - عزّو جلّ - به وحی فرمود که: این نوری از نور من است، اصل آن نبوّت و شاخه آن امامت است، نبوّت برای محمد صلی الله علیـه و آله بنـده و پیغمـبر من، و امـامت برای علی علیه السـلام، حجّت و ولیّ من خواهـد بـود، و اگر این دو نبودنـد، آفریدگانم را خلق نمی کردم».(۲۷۲)

روایات صریحی نیز در این باره هست که بعضی از آنها را می آوریم:

۱ - ابوخالد گوید: از امام باقر علیه السـلام درباره آیه شریفه: «فَ آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِی أَنْزَلْنا»(۲۷۳)؛ پس به خداوند و پیامبرش و نوری که ما نازل کردیم، ایمان آورید. پرسیدم،

فرمود: «ای ابوخالـد! این نور، به خـدا قسم! نور امامان از آل محمدعلیهم السـلام است تا روز قیامت، آنان - به خدا سوگند! - نوری هستند که نزول یافته، به خدا قسم که نور خدا در آسمان ها و زمین آنها هستند».(۲۷۴)

۲ - همچنین امام صادق علیه السلام راجع به فرموده خداوند متعال «وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِکَ هُمُ المُفْلِحُونَ»(۲۷۵)؛ و از نوری که با او نزول یافت، پیروی کردند، آنان رستگارند. فرمود: «نور در اینجا امیر المؤمنین و امامان علیهم السلام هستند». (۲۷۶)

البته امامـان علیهم السـلام به طـور عمـوم نور هسـتند، ولی در برخی موارد بر وجود حضـرت بقیه اللّه - ارواحنـا فـداه - به طور خصوص نور اطلاق شده است. که به آن اشاره می شود:

۱ - در زیارت روز جمعه آن حضرت آمده: سلام بر تو ای نور خداوند که هدایت جویان به وسیله او هدایت می شوند.(۲۷۷)

۲ - جابر انصاری گوید: داخل مسـجد کوفه شدم دیدم امیر المومنین علیه السـلام با انگشت چیزی می نویسد و تبسّم می کند. عرض کردم: یا امیر المؤمنین! چه چیز موجب خنـده شـما شده؟ فرمود: «در شـگفتم از کسـی که این آیه را می خواند، ولی به معنی آن بـه طـوری کـه شایسـته است، معرفت نـدارد». عرض کردم: کـدام آیه یـا امیر المـؤمنین؟! فرمـود: «اَللَّهُ نُـورُ السَّمـواتِ وَالأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکوهٍ - مشـکوه محمد صلی الله علیه و آله است - فِیها مِصْباحٌ - مصباح من هستم (امیر المؤمنین) - فِی زُجاجَهٍ - حسن و حسـین علیهما السـلام می باشند - کَأَنَّهُ کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ - علی بن الحسین علیهما السلام است - یُوقَدُ مِنْ شَجَرهٍ مُبارَکَهٍ - محمد بن علی علیهما السلام است

- زَيْتُونَةٍ - جعفر بن محمد عليهما السـلام است - لا شَرْقِيَّةٍ - موسـى بن جعفر عليهما السلام است - وَلا غَرْبِيَّةٍ - على بن موسى عليهمـا السـلام است - يَكادُ زَيْتُها يُضِىءُ - محمـد بن على عليهما السـلام است - وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ - على بن محمـد عليهما السلام است - نُورٌ عَلى نُورٍ - حسن بن على عليهما السلام است - يَهْدِى اللَّه لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ - قائم مهدى عليه السلام است - وَيَضْرِبُ اللَّهُ الأَمْثالَ لِلنّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ».(۲۷۸)

نكته جـالب اينكه: همـان گـونه كه وجود آن حضـرت نور است و او از نور است و به نور هـدايت مى كنـد و پيروانش در نور هستند، تاريخ ولادتش هم از نظر عدد حروف به حساب ابجد مطابق كلمه نور است.(۲۷۹)

اكنون كه نور بودن حضـرت ولى عصـر - عجّل اللّه فرجه الشريف - مشخص شد، به اشراقات ظاهرى و باطنى نور آن حضرت عليه السلام مى پردازيم.

امّا اشـراقات نور آن حضـرت عليه السلام به دو گونه است: يكى نور آن حضرت در دنيا و ديگرى نور آن حضرت در آخرت. كه هر كدام را جداگانه ذكر مى كنيم.

درخشندگى نور آن حضرت عليه السلام در دنيا

درخشندگى نور شريف آن حضرت در دنيا چند قسم است:

اوّل: قبل از ولادت

دوم: هنگام ولادت

سوم: قبل از غيبت

چهارم: زمان غيبت

پنجم: زمان حضور

قسم اوّل: قبل از ولادت

در عالم ملكوت اشـراق نور آن حضـرت براى ابراهيم عليه السـلام آشـكار گرديد، هنگامى كه ملكوت آسمان ها براى ابراهيم عليه السـلام كشف شد. و نيز نور آن حضـرت براى فرشتگان آشكار شد، هنگامى كه امام حسين عليه السلام به شهادت رسيد. همچنين شب معراج براى حضرت خاتم الانبياءصلى الله عليه

وآله آشکار شد.(۲۸۰)

قسم دوم: هنگام ولادت

نور آن حضرت علیه السلام هنگام ولادت به طوری بود که تا آسمان رسید. چنان که از محمد بن عثمان عَمْری قدس سره روایت شده که گفت: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام متولد شد، نوری از بالای سرش تا بر فراز آسمان ساطع گشت، سپس به رو به سجده افتاد و برای پروردگار متعال سجده به جا آورد.(۲۸۱)

و در روایت دیگری از کنیز امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده: وقتی سیّدعلیه السلام متولد شد، نوری از آن حضرت دید که تا افق آسمان ساطع است، و پرندگان سفیدی نیز دید که از آسمان فرود می آیند و بال های خود را بر سر و صورت و سایر قسمت های بدنش می کشند، سپس پرواز می کنند. وقتی به جناب ابومحمد این مطلب را خبر دادیم، خندید و فرمود: «آنها ملائکه بودند، به خاطر تبرک به این نوزاد فرود آمدند، و هنگامی که خروج نماید یاران او هستند».

قسم سوم: قبل از غیبت

جمعی از مؤمنین که تشرّف دیدار آن حضرت قبل از غیبت نصیبشان شده، درخشندگی نور آن حضرت را مشاهده نموده اند. از جمله آنان ابراهیم بن محمد نیشابوری است که می گوید: هنگامی که عمرو بن عوف قصد کشتن مرا کرد، ترس شدیدی بر من عارض گردید، می خواستم فرار کنم، به خانه امام عسکری علیه السلام رفتم، وقتی بر آن حضرت وارد شدم نوجوانی دیدم در کنارش نشسته بود، چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشید، از آن نور و روشنایی تعجب کردم، و نزدیک بود وضع و حال خودم را هم فراموش نمایم که به من فرمود: ای ابراهیم! فرار مکن که خداوند شرّ او را از تو

دور خواهد ساخت. بر حیرتم افزود، به ابومحمدعلیه السلام عرض کردم: ای فرزند پیغمبر! مولای من! این کیست که از باطن من خبر داد؟ فرمود: او پسر و خلیفه من است.(۲۸۲)

قسم چهارم: اشراق نور آن حضرت در زمان غیبت

بر دو قسم است: باطنی و ظاهری.

اشراق باطنی: اشراق باطنی در دل مؤمنین است که امام خود را با حقایق ایمان مشاهده می کنند. چنان که از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «واللَّه، نور امام در دل های مؤمنین از خورشید تابان در روز نورانی تر است، و آنان (> امامان) به خدا سوگند دل های مؤمنین را نورانی می کنند، و خداوند - عزّوجلّ - نور ایشان را از هر که بخواهد منع می کند که دلشان تاریک گردد».(۲۸۳)

اشراق ظاهری: اشراق ظاهری نور آن حضرت برای بعضی از اخیار اتفاق افتاده که ما به ذکر جریانی بسنده می کنیم:

در کتاب جنه المأوی - به نقل از شخصی که خدمت حضرت رسیده - آمده:

شنیده بودم هرکس چهل شب چهارشنبه متوالی در مسجد سهله به نیّت دیدن حضرت قائم علیه السلام بماند، این توفیق برایش حاصل می شود، من هم به این امر اشتیاق یافتم و نیّت کردم که هر شب چهارشنبه این عمل را انجام دهم تا اینکه نزدیک به یک سال از مداومت من گذشت.

عصر روز سه شنبه ای بود که برحسب عادت پیاده راه افتادم، ایام زمستان بود و هوا خیلی تاریک، ابرهای تیره آسمان را پوشانده بود و باران نم نم می بارید. من با اطمینان به اینکه مردم به عادت همیشگی خواهند آمد، حرکت کردم، ولی هنگامی که به در مسجد رسیدم، آفتاب غروب کرده و هوا تاریک شده و رعد و برق شدّت یافته

بود. ترس زیادی مرا گرفت، چون اصلاً هیچ کس نبود، حتی خادمی که هر شب چهارشنبه می آمد، هم نبود. خیلی وحشت کردم، ولی بعد با خود گفتم: لازم است نماز مغرب را بخوانم و مراسم مخصوص را بجای آورم و زودتر به مسجد کوفه بروم. برای نماز مغرب برخاستم، پس از نماز مغرب شروع به انجام مراسم مخصوص نمودم.

در اثنای نماز به مقام شریف معروف به مقام صاحب الزمان علیه السلام ملتفت شدم، روشنایی کاملی در آن دیدم و قرائت نمازگزاری را شنیدم، دلم خوش و خاطرم کاملاً ـ آسوده و مطمئن گشت، پس برنامه ام را با کمال اطمینان به پایان رساندم. سپس به سوی مقام شریف رفتم، هنگامی که داخل شدم روشنایی عظیمی دیدم ولی هیچ چراغی به چشمم نخورد، اما از اندیشیدن در این باره غفلت داشتم، سیّدی جلیل با هیبتی در لباس اهل علم دیدم که ایستاده نماز می خواند، دلم به وجود او آسایش یافت. به زیارت مولی حضرت حجّت علیه السلام مشغول شدم و نماز زیارت را خواندم. وقتی فراغت یافتم، چهره گرامی اش را با رأفت و تبسّم به سویم گرداند و به من فرمود: دوست داری به مسجد کوفه بروی؟ عرض کردم: آری سرورم! عادت ما اهل نجف این است.

برخاست و فرمود: برخیز برویم، با او بیرون رفتم. در روشنایی و هوای خوش و زمین خشک راه می رفتیم، و من از وضع باران و تاریکی که پیش تر دیده بودم غفلت داشتم، تا اینکه به آن مسجد رسیدیم و آن حضرت - روحی فداه - با من بود و من در نهایت خوشحالی و ایمنی در خدمتش نه تاریکی دیدم نه باران.

درِ خروجی مسجد

را – که قفل بود – کوبیـدم. خادم گفت: کیست کوبنده در؟ گفتم: در را باز کن. گفت: در این تاریکی و باران شدید از کجا آمدی؟ گفتم: از مسـجد سهله، وقتی خادم در را گشود به سوی آن سیّد جلیل ملتفت شدم، ولی او را ندیدم و ناگهان همه جا تاریکی شدید بود و باران خوردم، شـروع کردم صدا کردن: آقای ما! مولانا! بفرمایید در باز شد، و به پشت سـر، در جستجوی او برگشـتم و صـدا می زدم، ولی اصـلاً کسـی را ندیـدم و در همان مقـدار کم هوای سـرد و باران ناراحتم کرد. داخل مسـجد شدم، آن وقت از غفلت بیرون آمدم، گویی خواب بودم و بیدار شدم، از امور عجیب که از آن سیّد دیدم برایم یقین شد که او حضـرت حجّت صاحب الزمان علیه السـلام است که از فضل الهی تمنّا داشتم به دیدارش مشرّف شوم پس شکر خداوند متعال را بر این توفیق بزرگ بجای آوردم، والحمد للّه.(۲۸۴)

قسم پنجم: اشراق نور آن حضرت علیه السلام در زمان ظهور

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها»(۲۸۵)؛ و زمین به نور پروردگارش روشنی یافت. فرمود: ربّ الأرض یعنی امـام الأرض؛ پروردگـار [مربی]زمین یعنی امـام زمین. راوی عرض کرد: هرگـاه ظهـور کنـد چه می شـود؟ فرمود: «آن هنگام مردم از نور آفتاب و نور ماه بی نیاز می شوند و به نور امام اکتفا می کنند».(۲۸۶)

و آن حضـرت فرمود: «وقتی قـائم علیه السـلام بپاخیزد، زمین به نور پروردگار درخشان می شود و بنـدگان از نور خورشـید بی نیاز می گردند و شب و روز یکی می شود».(۲۸۷)

و امّا اشراق نور آن حضرت علیه السلام در آخرت

امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: «یَسْعی نُورُهُمْ بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَبِأَیْمانِهِمْ»(۲۸۸)؛ نور آنان پیشاپیش

و در سـمت راسـتشان در حرکت است. فرمود: «ائمه معصومین علیهم السـلام روز قیـامت پیشـاپیش و سـمت راست مؤمنین می روند تا به منازل اهل بهشت آنان را منزل دهند».(۲۸۹)

۳ – نعمت های آن حضرت علیه السلام

در بخش سوم معلوم شـد، آنچه از نعمت ها که بنـدگان در آن غوطه ورند از نعمت های ظاهری و باطنی همه به برکت وجود شریف حضرت حجّت علیه السلام است، و این امر از عظیم ترین چیزهایی است که موجب دعا کردن برای آن حضرت است.

امام صادق علیه السـلام درباره آیه مبارکه: «ثُمَّ لَتُسْـئَلُنَّ يَوْمَئِـذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ آن گاه در آن روز از آن نعمت [ویژه]بازپرسـی می شویـد. فرمود: «این امّت، از نعمت هـایی که خـدا به واسـطه پیـامبر و اهـل بیتش به ایشان ارزانی داشـته، بازخواست می شود». (۲۹۰)

و نیز درباره همین آیه فرمود: «آن نعیم (< نعمت / نعمت خاص) ما هستیم».(۲۹۱)

البته نعمت های آن حضـرت علیه السـلام در زمان ظهورش ویژگی خاصی دارد، چنان که اخباری در این باره وارد شده است، از جمله از پیغمبر اکرم صـلی الله علیه وآله منقول است که فرمود: «امّت من در زمان مهدی علیه السلام به نعمتی متنعّم خواهند شـد که هیـچ گاه به مثل آن متنعم نگشـته انـد، آسـمان باران رحمتش را بر آنها می بارد و زمین هیـچ گیاهی را رها نمی کند مگر اینکه آن را برآورد».(۲۹۲)

۴ – نصرت اسلام و نهی از منکر و امر به معروف آن حضرت علیه السلام

هرکدام از این امور به حکم عقل و شرع موجب دعا کردن برای انجام دهنده آنها می باشد، چون آمران به معروف و ناهیان از منکر پاسداران دین و دژهای مسلمین هستند، و آیات و روایات در انگیزش به امر به معروف و نهی از منکر بسیار است.

امـام بـاقر علیه السـلام ضـمن حـدیثی طولاـنی فرمود: «امر به معروف ونهی از منکر راه انبیا و روش صـلحا است، فریضه مهمی است که به وسـیله آن فرائض برپا، گرایش ها ایمن و کسب ها حلال می شود، مظالم دفع می گردد و زمین آباد می گردد، از دشمنان – به طریق

انصاف – انتقام گرفته می شود و امرِ دین استقامت می یابد، پس با دل هایتان انکار کنید و به زبان آورید و به روی اهل گناه بزنید و در راه خدا از ملامت و سرزنش کسی نترسید».(۲۹۳)

و پوشیده نیست که سعی و کوشش آن حضرت در امر به معروف و نهی از منکر، آن چنان است که هیچ کس مانندش نیست، زیرا امام عصرعلیه السلام از جانب خداوند متعال مأمور است که تمام منکرات را از همه جای دنیا بردارد، به طوری که دیگر احدی باقی نماند که برای فعل منکر خود پناهی داشته باشد.

در تفسیر آیه شریفه: «اَلَّذِینَ إِنْ مَکَّنّاهُمْ فِی الأَرْضِ أَقامُوا الصَّلاةَ وَآتَوْا الزَّکاةَ وَأَمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْکَرِ...»(۲۹۴)؛ کسانی که هرگاه در زمین، آنان را توانایی دهیم، نماز را بپادارند، و زکات [به مستحق]برسانند، و امر به معروف و نهی از منکر نمایند، از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «این برای آل محمدعلیهم السلام است، خدای متعال مشارق ومغارب زمین را به تصرف مهدی و اصحابش درآورد، ودین را آشکار سازد و خدای متعال به وسیله او و یارانش بدعت ها و باطل را از بین می برد ... تا جایی که اثری از ظلم دیده نشود و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود».

۵ – نصیحت آن حضرت علیه السلام برای خدا و رسول و برای مؤمنین

در زیارت آن حضرت آمده که: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الوَلِیُّ النّاصِحُ»؛ سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه.

و در یکی از توقیعات شریف آن حضرت چنین است: «تقوای خدا را پیشه کنید و به ما تسلیم شوید... تمایل به راست و انحراف به چپ نداشته باشید، و ما را مقصد خود سازید با دوستی بر مبنای سنّت

روشن، که من شما را نصیحت و خیرخواهی کردم و خداوند بر من و شما شاهد و گواه است».(۲۹۵)

حرف «و»

۱ - ولایت آن حضرت علیه السلام

ولایت آن حضرت برای خداوند و ولای ما نسبت به آن حضرت ونیز ولایت آن حضرت بر ما، از مهم ترین اموری است که به دلیل عقلی و شرعی موجب و انگیزه دعا برای آن حضرت است. در اینجا سه موضوع بحث می شود:

موضوع اوّل، ولایت آن حضرت علیه السلام نسبت به خداوند: وَلایت دراینجا - به فتح واو - به معنی محبّت است، پس هرکه خداوند او را دوست می دارد، ولیّ خداست، بنابراین همه مؤمنینِ شایسته و صالح، اولیای خداوند - عزّوجلّ - می باشند به دلیل این آیه که می فرماید: «أَلا إِنَّ أَوْلِی آءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلا هُمْ یَحْزَنُونَ الَّذِینَ آمَنُوا وَکانُوا یَتَّقُونَ»(۲۹۶)؛ آگاه باشید که اولیای خدا نه ترسی بر آنان هست و نه اندوهگین شوند، آنان که ایمان آورده و تقوی پیشه ساختند.

موضوع دوم: ولایت ما نسبت به آن حضرت علیه السلام: دوستی ما مقتضی این است که در دعا کردن برای آن حضرت کوشش و جدّیت داشته باشیم. چون دعا کردن برای محبوب در نهاد افراد بشر نهفته و با سرشت آنان آمیخته است، و این امر کاملاً واضح است. حتی لازم است دعا برای آن حضرت را بر هر دعایی مقدم بداریم. زیرا تمام منافع و بهره ها به برکت وجود آن حضرت به خلایق می رسد، اضافه بر منافع و آثار مخصوصی که متوقف بر ظهور آن حضرت است، و هر که معرفتش نسبت به خیرات وجود شریف آن حضرت بیشتر باشد، دعا کردن در نظر او مهم تر

است، زیرا اهتمام و کوشش در دعا از کمال محبّت و دوستی سرچشمه می گیرد، و کمال محبّت از کمال معرفت حاصل می شود و این یکی از وجوه شدّت اهتمام ائمّه علیهم السلام در دعا کردن برای آن حضرت و درخواست تعجیل فرجش از درگاه خداوند می باشد.

نتیجه اینکه: دوستی و محبّت و ولای ما نسبت به آن حضرت موجب اهتمام و کوشش ما در دعا برای فرجش می باشد، که بیشتر و پیش تر از دعا کردن برای خودمان و آنچه مربوط به ما است، لازم است برای آن حضرت دعا کنیم ان شاء اللّٰه تعالی.

موضوع سوم: ولایت آن حضرت علیه السلام بر ما: وِلایت در این جا - به کسر واو - به معنی سلطه و استیلاء و سرپرستی است، و منظور از ولایت آن حضرت بر ما همان است که در آیه شریفه: «اَلنَّبِيُّ أَوْلى بِالمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛ پیامبر صلی الله علیه وآله نسبت به مؤمنان از آنان نسبت به خودشان سزاوارتر است. به آن تصریح شده، و هرگاه یقین و باور داشته باشیم که آن حضرت در تمام آنچه متعلق به ما است، از خود ما شایسته تر و اولی است، بر خود لازم خواهیم دانست که در همه چیزهایی که مورد علاقه ما است، از جمله دعا کردن که کلید هر خیر و صلاح است، آن حضرت را اولی و شایسته تر بدانیم و مقدّم بداریم.

۲ - وصال آن حضرت علیه السلام

وصال اهمّ حوائج دوستان و آخرین آرزوی مشتاقان، و نهایت خواسته عارفان است، که بیشترین دعاهای آنان و مهم ترین حوائج ایشان پیرامون مسأله تعجیل در وصال امام زمان حجّه بن الحسن - عجّل اللّٰه فرجه الشریف -

دور می زند، چه خوش گفته اند:

فُؤادِی وَطَرْفِی یَأْسِفانِ عَلَیْکُمُ

وَعِنْدَکُمُ رُوحِی وَذِکْرُکُمُ عِنْدِی

وَلَسْتُ أَلُذُّ العَیْشَ حَتّی أَراکُمُ

وَلَوْ کُنْتُ فِی الفِرْدَوْسِ أَوْ جَنَّهِ الخُلْدِ

دل و دیده ام بر شما اسف بار است، و جان و دلم پیش شما و یاد شما نزد من است.

من از زندگی لذّت نمی برم تا اینکه شما را ببینم، هرچند که در فردوس یا بهشت جاودان باشم.

حرف «ه»

۱ – همّ آن حضرت علیه السلام

همّ و اندوه آن حضرت به خاطر ضعف و ناتوانی اهل اسلام و به تردید افتادن دل های مردم و گناهانی که مرتکب می شویم و اصراری که بر معاصی داریم می باشد، چنان که این امر از بعضی توقیعات آن حضرت معلوم می شود. پس بر ما باد که برای برطرف شدن اندوه آن بزرگوار دعا کنیم.

۲ – هدم بناهای کفر و شقاق و نفاق

از جمله موجبات دعا کردن برای آن حضرت می باشد، زیرا از لوازم بغض دشمنان است. در دعای ندبه – که از امام صادق علیه السلام مروی است – آمده: «کجاست ویران کننده بناهای شرک و نفاق».

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام پس از آنکه شرق و غرب زمین را زیر پا می گذارد، به کوفه و مسجد آن می آید و مسجدی که یزید بن معاویه – لعنه اللّه علیه – پس از کشتن حسین بن علی علیهما السلام بنا کرده، ویران می سازد. و نیز مسجدی که برای خدا نیست، هرکه آن را بسازد ملعون است ملعون».(۲۹۷)

۳ – هدایت بندگان

هدایت و راهنمایی بندگان خدا به راه صحیح و روش استوار، از عظیم ترین حقوقی است که موجب دعا برای آن حضرت علیه السلام می باشد، زیرا این امر از مهم ترین انواع احیا و زنده کردن بندگان است، چنان که در حدیثی که از امام باقر علیه السلام روایت شده به این معنی تصریح گشته است.(۲۹۸)

۴ – هجران آن حضرت علیه السلام

هجران، از شدیدترین انواع شکنجه و فشار برای دوستان مخلص آن حضرت است، از همین روی برای صبر و تحمل این فشار در زمان غیبت، پاداش بسیار وعده فرموده اند. البته تردیدی نیست که جدّیت و اهتمام در دعا برای برطرف شدن عذاب و ناراحتی، فطری خردمندان است. و در بعضی از احادیث است که: «دل مؤمن از آنچه در زمان غیبت می بیند، آب می شود».

حرف «ی»

۱ - یُمن آن حضرت علیه السلام

میمنت وجود امام عصرعلیه السلام از آنچه در این کتاب آوردیم، معلوم می گردد.

بخش پنجم: نتایج دعا برای فرج

نتایج دعا برای فرج

هدف اصلی در این بخش این است که هرچه خوبی و ثمره و فایده مهم بر مسأله تعجیل فرج مولی صاحب الزمان - عجّل اللَّه فرجه الشریف - مترتب است، اینجا بیاوریم، البته نمی توان گفت که فواید این دعا منحصر در همین مطالبی است که می آوریم، بلکه چه بسا اضافه بر آنچه آورده ایم، مطالبی یافته شود.

امّا قبل از اینکه به ذکر این نتایج بپردازم، لازم می دانم شُبهه ای که ممکن است به نظر بعضی افراد برسد، را جواب بدهم.

ممکن است برای بعضی توهّم شود که چون امام زمان علیه السلام وسیله رسیدن برکات به مخلوقات است، بنابراین از مردم بی نیاز و مستغنی است، بنابراین چه نیازی به دعای مردم هست؟

به این توهّم به چند وجه پاسخ می دهیم:

الف) اینکه دعای ما برای آن حضرت از باب هدیه شخص حقیر فقیری به رادمرد بزرگواری است، و تردیدی نیست که این نشانه نیاز این فقیر به بخشش آن بزرگ است و این شیوه بندگان نسبت به ارباب می باشد.

چه خوش گفته اند:

به عیدی مورچه ران جرادی

نمودی هدیه از بهر سلیمان

چه خوش گفتا که قدر خویش هرکس

نماید هدیه ای تقدیم سلطان

ب) چون تـأخیر ظهور مولای مـا صـاحب الزمان علیه السـلام به سـبب موانعی است که از ناحیه خود ما سرچشـمه گرفته، بر ما است که از خداونـد متعـال برطرف کردن آن موانـع را بخـواهیم. پس دعـا کردن برای تعجیـل فرج امـام عصـرعلیه السـلام در حقیقت دعا برای خودمان و سودمند به حالمان می باشد. خود آن حضرت هم به این معنی اشاره فرموده. در

توقیعی از آن حضرت آمده است: «و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که آن فرج شما است».(۲۹۹) و این اشاره به بی نیازی آن حضرت علیه السلام از ما می باشد.

ج) تردیدی نیست که امامان علیهم السلام - به مقتضای وضع انسانی خود - به بیماری ها و غم ها و اندوه ها دچار می شوند که برای رفع آنها وسایلی است که برخی از آن وسایل از اهل ایمان ساخته است، و از مهم ترین وسایل دفع بلا و گرفتاری، جدّیت و اهتمام در دعا کردن و از خدا خواستن است.

اکنون به بیان آثار و فواید و ویژگی هایی که بر دعا کردن برای تعجیل فرج مترتب است، می پردازیم:

۱ - عمل به فرموده امام علیه السلام در توقیع

در توقیع شریفی که از آن حضرت روایت شده، چنین آمده است: «و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که آن فرج شما است». (۳۰۰)

قبل این گفتار چنین است: و امّا علّت آنچه از غیبت واقع شده، پس خداوند - عزّو جلّ - می فرماید: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْی آءَ إِنْ تُبْدَ لَکُمْ تَسُوءْکُمْ»(۳۰۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید سؤال نکنید از چیزهایی که اگر برایتان افشا شود، به ضرر شما است. به درستی که هیچ یک از پدرانم نبودند مگر اینکه بیعتی از طاغوت زمانش بر گردنشان قرار داشت، و حال آنکه من هنگامی که خروج می کنم، هیچ کدام از طاغوت ها بر گردنم بیعتی ندارند. و امّا نحوه بهره وری از من در دوران غیبتم همانند بهره وری از خورشید است هنگامی که ابر آن را از دیدگان پوشانده باشد. و من البتّه مایه ایمنی اهل زمین هستم همچنان که ستارگان مایه ایمنی اهل آسمانند، پس از آنچه برای شما فایده ای ندارد مپرسید،

و برای آگاه شدن از آنچه تکلیف ندارید خود را به زحمت میندازید، و بسیار دعا کنید برای تعجیل فرج که آن فرج شماست، و سلام برتو ای اسحاق بن یعقوب وبر هرکه پیرو راه حق باشد».(۳۰۲)

۲ – زیاد شدن نعمت

سخن در این باره در چند فصل بیان می گردد:

الف) اینکه وجود آن حضرت علیه السلام نعمت است.

ب) شکر نعمت واجب است.

ج) شکر نعمت مایه فزونی آن است.

د) اقسام شکر و اینکه دعا کردن از اقسام شکر است.

الف) وجود آن حضرت علیه السلام نعمت است.

تردیدی نیست که مهم ترین و ارزنده ترین نعمت ها آن است که مایه رستگاری به شناختن معارف ربّانی و علوم سودمند، و رسیدن به درجات والا و نعمت های جاودانه اخروی می شود، و این نعمت همان امام است که به واسطه او خداوند شناخته می شود و عبادت می گردد، و بندگان به سبب او به آنچه بخواهند از مقامات عالیه و عنایات خاصّه نایل می آیند.

لذا حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام درباره آیه: «وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَةً وَباطِنَةً»(۳۰۳)؛ و خداوند نعمت های ظاهر و باطن خویش را بر شما عنایت کرد. فرمود: «نعمت ظاهر امام ظاهر و نعمت باطن امام غایب است».

ب) شکر نعمت واجب است.

گذشته از اینکه عقل سلیم به وجوب شکر نعمت حکم می کند، آیاتی از قرآن نیز بر این معنی دلالت دارد از جمله: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلا تَكْفُرُونِ»(۳۰۴)؛ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و برای من شکر گزارید و [نعمت های مرا]کفران مکنید.

«وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيّاهُ تَعْبُدُونَ»(۳۰۵)؛ و شکر خدای را به جای آورید، اگر او را عبادت می کنید.

و آیات بسیار دیگر... .

ج) شکر نعمت مایه فزونی آن است.

علاوه بر آیه شریفه: «لَئِنْ

شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکَمْ وَلَئِنْ کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذابِی لَشَدِیدٌ»(۳۰۶) روایات بسیار بر این معنی دلالت می کند. از جمله اینکه از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: «در تورات نوشته شده: هرکه تو را نعمتی داد، سپاسگزاری کن و به هرکه تو را سپاس گفت ،انعام بنمای. که اگر نعمت ها شکرگزاری شوند، از بین نمی روند و اگر ناسپاسی گردند، پایدار نمانند، شکر مایه فزونی نعمت ها و ایمنی از دگرگونی ها است».(۳۰۷)

د) اقسام شکر و اینکه دعا کردن از اقسام شکر است.

پُر واضح است که شکر احسان، احسان است، و احسان انواع و اقسام مختلفی دارد، و ریشه آنها، شکر قلبی و شکر زبانی و شکر با اعضای بدن است. شکر قلبی با شناختن نعمت و دانستن اینکه از سوی خداوند است تحقق می پذیرد، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکه خداوند نعمتی به او داد، پس به قلب و دل خود آن را شناخت، شکرش را ادا کرده است». (۳۰۸)

البته از آثار این شناخت، در صدد تعظیم آن نعمت بودن، و آشکار نمودن مقصود به زبان و بدن - که دو قسم دیگر از اقسام شکرند - می باشد، و از آثار شکر به زبان، حمد و ثنا گفتن و بازگو نمودن نعمت و دعا کردن برای پایداری آن است. و از آثار شکر بدنی، جدّیت و اهتمام به اطاعت و عبادت می باشد. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «شکرانه نعمت، دوری از محرّمات است و تمام شکر آن است که کسی بگوید: «الحمد للّه ربّ العالمین»».

از ظاهر این حدیث چنین بر می آید که اصل شکر با دوری از محرّمات حاصل می شود و حمد به زبان آن را کامل می کند.

حال

که وجوب شکر نعمت و اقسام شکر معلوم شد، بدان که وجود مولای ما حضرت حجّت علیه السلام از مهم ترین نعمت های الهی بر ماست، ومعرفت داشتن ما نسبت به این نعمت خود نعمت بزرگی است، بلکه نعمتی است که هیچ نعمتی با آن مقایسه نمی شود، زیرا جزء تکمیل کننده ایمان و علّت تامّه آن می باشد، و بیان کردیم که تمام نعمت های ظاهری و باطنی از شاخه های این نعمت بزرگ - یعنی وجود امام علیه السلام - است، پس بر ما واجب است که بیشترین کوشش و اهتمام را در اداء شکر این نعمت به کار بندیم، تا به نعمت های بزرگ دیگر هم نایل شویم، زیرا خداوند - عزّوجلّ - وعده داده که هرکس شکر نعمت به جای آورد نعمتش افزون کند، و وعده الهی تخلّف ناپذیر است.

البته ادا کردن تمام حقوق این بزرگ نعمت الهی برای ما مقدور نیست؛ ولی آنچه از دست ما ساخته است باید انجام دهیم که به چند امر حاصل می شود:

۱ - شناخت قلبی و معرفت این نعمت والای الهی

۲ - بیان کردن فضایل و نشر دلایل آن بزرگوار

۳ - صدقه دادن برای سلامتی وجود آن حضرت

۴ - روی آوردن به سوی او، با انجام دادن کارهایی که مورد پسند و مایه نزدیک شدن به درگاهش می باشد.

۵ - درخواست معرفت او از خداوند تا از اهل شکر و اقبال به سوی او گردیم.

۶ - اهتمام به دعاهای خالصانه برای تعجیل فرج آن حضرت و برچیده شدن پرده ابتلای غیبت. و این یکی از اقسام شکر نعمت است.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «هرکس به شما نیکی کرد، به او پاداش دهید، اگر پاداشی نداشتید، در

حقّ او دعا کنید تا از خود بدانید که نیکی او را پاداش داده اید».(۳۰۹)

و از امام سجّادعلیه السلام در رساله الحقوق آمده است که فرمود: «و امّا حقّ کسی که درباره ات نیکی نماید آن است که او را سپاس گویی و کار نیکش را بازگو نمایی و جایگاهش را والا شماری و با اخلاص بین خود و خدایت در حقّش دعا کنی، پس اگر این کار را کردی شکر او را در سرّ و علن به جای آورده ای، و اگر روزی توانستی پاداشش را بده».(۳۱۰)

۳ - اظهار محبّت قلبی

بدان که محبّت، گرچه امری پوشیده و مخفی است، ولی آثار بسیار دارد که بعضی از آثار آن در زبان، و بعضی در اعضا و جوارح انسان آشکار می گردد و همان طور که نمی توان درخت را از بروز دادن گل هایش منع کرد، نشاید که صاحب محبّت را از اظهار آثار آن منع نمود.

گویند که در سینه غم عشق نهان ساز

در پنبه چسان آتش سوزنده بپوشم؟!

از آثار محبّت در چشم، بی خوابی و اشکباری است. و از نشانه های محبّت در زبان، یاد کردن محبوب است همیشه و همه جا و نیز یادآوری خوبی ها و زیبایی های محبوب - به هرگونه که خوشایند باشد - از همین روی روایات متعددی در فضیلت شعر گفتن در مدح ائمه اطهارعلیهم السلام وارد شده است.

همچنین از دلایل فضیلت اظهار محبّت به زبان، روایاتی است که در آداب معاشرت با برادران دینی وارد شده است. امام صادق علیه السلام به هشام بن سالم فرمود: «اگر کسی را دوست داشتی او را از این امر مطّلع ساز که دوستی بین شما را محکم تر می گرداند».(۳۱۱)

و مخفی نیست که اهتمام ورزیدن به

دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام اظهار محبت نسبت به آن حضرت است و سبب می شود که آن حضرت نیز نسبت به دعا کننـده دوستی بیشتری پیـدا کند بلکه موجب محبت پدران بزرگوارش هم می شود. چون دعا کردن برای امام عصـر - ارواحنا له الفداء - ابراز دوستی نسبت به تمام این خاندان است.

۴ – نشانه انتظار

دعا کردن برای تعجیل فرج نشانه انتظار است که در بسیاری از روایات به آن دستور داده شده است.

۵ – زنده کردن امر ائمه اطهارعلیهم السلام

این دعا زنده کردن امر امامان معصوم علیهم السـلام است، حضـرت رضاعلیه السـلام فرمود: «هرکس در مجلسـی که امر ما در آن احیا می شود بنشیند، روزی که دل ها می میرد دل او نخواهد مرد».(۳۱۲)

۶ – رنجش و وحشت شیطان

دعا کردن برای تعجیل فرج، مایه فزع و ناراحتی شـیطان لعین و دوری او از دعا کننـده می شود. چون این عمل شـریف عبادت ارزنـده ای است که موجب کمـال و تقرب به درگاه پروردگار سـبحان می باشـد، و پُر واضـح است که هر چه مؤمن به درگاه خداوند نزدیک تر شود، شیطان از او دورتر و بیزارتر می گردد.

امام صادق علیه السـلام می فرماید: پیغمبر اکرم صـلی الله علیه وآله به اصـحاب خود فرمود: «آیا خبر دهم شـما را به چیزی که اگر آن را انجام دهید شیطان از شما دور می شود، دوری مشرق از مغرب؟» گفتند: آری. فرمود: «روزه رویش را سیاه می کند و صدقه کمرش را می شـکند و دوستی کردن در راه خدا و همکاری در راه نیک، دنباله اش را قطع می نماید و اسـتغفار رگ حیاتش را می بُرد».(۳۱۳)

و تردید نیست که دعا برای آن حضرت علیه السلام دوستی در راه خداست.

۷ – نجات از فتنه های آخر الزمان و ایمنی از دام های شیطان

احمد بن اسـحاق می گوید: امام حسن عسـکری علیه السـلام فرمود: «ای احمد بن اسـحاق! او در این امّت بسان خضـر و بسان ذوالقرنین است، به خدا قسم! غایب می شود غایب شدنی که در آن زمان از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسـی که خداوند - عزّوجلّ - او را بر اعتقاد به امامتش ثابت بدارد و در دعا کردن برای تعجیل فرجش توفیق دهد».

۸ – ادا کردن بعضی از حقوق آن حضرت علیه السلام

به حکم عقـل، ادای حقوق کسـانی که حق بر گردن انسان دارنـد، از مهم ترین امور است و این واضـح است. و به حکم شـرع نیز، ادای حقوق از مهم ترین امور می باشـد و روایـات متعـددی بر آن دلالـت دارد، از جمله: امـام صـادق علیه السـلام فرمود: «خداوند به چیزی بهتر از ادای حقّ مؤمن عبادت نشده است».(۳۱۴)

و از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن دیگر دعا کردن برای او است. امام رضاعلیه السلام فرمود: «بدان! خداوند تو را رحمت کند، حق برادران واجب و فرض است. - تا اینکه فرمود: - و توجه به سوی خدا به وسیله دعا کردن برای آنها...».(۳۱۵)

و نیز از معلّی بن خُنَیس روایت شده که: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حقّ مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود: «هفت حقّ واجب دارد، هیچ کدام غیر واجب نیست. اگر از این حقوق چیزی را ضایع کند از ولایت و طاعت خداوند خارج شده است و خدای را در او قسمتی نخواهد بود».

گوید: عرض کردم: فدایت شوم! این حقوق چیست؟ فرمود: «ای معلّی! من به تو مهربانم، می ترسم آنها را تضییع نموده و رعایت نکنی، بدانی و عمل ننمایی».

عرض کردم: لا قوّه إلاّ باللَّه! به خواست و قوه الهی عمل خواهم کرد.

فرمود: «آسان ترین حق آن است که آنچه برای خود دوست می داری برای برادرت دوست بداری و آنچه برای خود بد می دانی برای او هم نپسندی.

حقّ دوم: از خشمگین ساختن او اجتناب ورزی و موجبات خرسندی اش را فراهم آوری و امرش را اطاعت نمایی.

حقّ سوم: او را با جان و مال و زبان و دست و پایت کمک نمایی.

حقّ چهارم: چشم او و راهنما و آینه او باشی.

حقّ پنجم: سیر نشوی در حالی که او گرسنه بماند و سیراب نگردی در حالی که او تشنه باشد و نپوشی در حالی که او برهنه و نپوشیده باشد.

حقّ ششم: اگر خدمت گذاری داشتی و برادرت نداشت، واجب است خادمت را بفرستی که لباس هایش را بشوید و غذا برایش فراهم سازد و جایش را آماده سازد.

حقّ هفتم: سوگندش را باور کنی، دعوتش را اجابت نمایی، در بیماری به عیادتش روی، در تشییع جنازه اش حاضر شوی، اگر بدانی حاجتی دارد به انجام آن مبادرت ورزی پیش از آنکه ناچار شود از تو درخواست کند، بلکه پیش از آنکه به تو اظهار نماید به انجامش سرعت کنی. اگر این کارها را انجام دهی، ولایتت به ولایت او، و نیز ولای او به ولایت تو متّصل گردیده است».(۳۱۶)

بدون تردید این حقوق برای مولای ما صاحب الزمان علیه السلام بر تمام اهل ایمان ثابت است. و دعا کردن برای آن حضرت از مصادیق یاری با زبان است.

۹– دعا کردن امام علیه السلام در حقّ او

بدون شک دعا برای آن حضرت و برای تعجیل فرجش، تبعیت و نصرت است، چون یکی از اقسام نصرت صاحب الزمان علیه السلام، یاری کردن به زبان است، و اگر مؤمن برای مولای خود خالصانه دعا کند مولایش هم برای او خالصانه

دعا می نماید، و دعای آن حضرت کلید هر خیر و داس هر شرّ است.

در کتاب خرایج آمده است: شخصی به نام عبد الرحمن مقیم اصفهان شیعه بود. از او پرسیدند: چرا به امامت حضرت علی النقی علیه السلام معتقد شدی؟ گفت: چیزی دیدم که موجب شد من این چنین معتقد شوم، من مردی فقیر ولی زبان دار و پُرجرأت بودم، در یکی از سال ها اهل اصفهان مرا با جمعی دیگر برای شکایت به دربار متوکّل بردند، در حالی که در آن دربار بودیم دستوری از سوی او بیرون آمد که علی بن محمد بن الرضا - علیهم السلام - احضار شود. به یکی از حاضران گفتم: این مرد کیست که دستور احضارش داده شده؟ گفت: او مردی علوی است که رافضیان معتقد به امامتش هستند. سپس گفت: چنین می دانم که متوکّل او را برای کشتن احضار می کند. گفتم: از اینجا نمی روم تا این مرد را ببینم چگونه شخصی است؟ گوید: آن گاه او سوار بر اسب آمد و مردم از سمت راست و چپ راه، در دو صف ایستاده به او نگاه می کردند. هنگامی که او را دیدم، محبّتش در دلم افتاد، بنا کردم در دل برای او دعا کردن که خداوند شرّ متوکّل را از او دفع نماید، او در بین مردم پیش می آمد و به کاکل اسبش نگاه می کرد، و به چپ و راست نظر نمی افکند. من در دل پیوسته برایش دعا می کردم. هنگامی که کنارم رسید صورتش را به سویم گردانید، آن گاه فرمود: «خداوند دعایت را مستجاب کند، عمرت را طولانی و مال و فرزندت را زیاد سازد». از هیبت او به خود لرزیدم و

در میـان رفقایم افتادم، پرسـیدند: چه شـد؟ گفتم: خیر است و به هیـچ مخلوقی نگفتم. پس از این ماجرا به اصـفهان بازگشتیم، خداونـد به برکت دعـای او راه هایی از مال بر من گشود، به طوری که امروز من تنها هزار هزار درهم ثروت در خانه دارم غیر از مـالی که خـارج از خـانه ملـک من است، و ده فرزنـد دارا شـدم، و هفتاد و چنـد سال از عمرم می گـذرد، من به امامت این شخص قائلم که آنچه در دلم بود دانست و خداوند دعایش را درباره ام مستجاب کرد.(۳۱۷)

ای خردمند! نگاه کن چگونه امام هادی علیه السلام دعای این مرد را پاداش داد به اینکه در حقّ او دعا کرد به آنچه دانستی. با اینکه در آن هنگام او از اهل ایمان نبود، حال چگونه درباره حضرت صاحب الزمان علیه السلام فکر می کنی؟

۱۰ – رستگاری به شفاعت آن حضرت علیه السلام در قیامت

برای رستگاری به شفاعت شافعان روز قیامت لازم است رابطه ای میان شفاعت کننده و مشفوع له در دنیا بوده باشد، مثل اینکه خدمت یا کمک یا برآوردن حاجت یا دعا کردن یا اظهار محبّت خالصانه یا دفع اذیّت نسبت به وی انجام گردد.

امیر المؤمنین علیه السـلام فرمود: «خداونـد نسبت به بنـدگانش مهربان است، ازجمله مهربانی هایی که در حقّ آنها دارد اینکه صـد رحمت خلق کرده و یـک رحمت را در میـان تمـامی خلایق قرار داده که به سـبب آن مردم بر یکـدیگر رحم آرنـد و به واسطه آن، مادر فرزندش را رحم ک ?و حیوانات بر فرزندانشان مهر ورزند، پس چون روز قیامت شود این رحمت را به نود و نه رحمت دیگر بیفزاید و با آن، امّت محمدصلی الله علیه وآله را رحم کند و به آنها

در حقّ ......کس که بخواهند – از اهل آیین اسلام – شفاعت دهد، تا جایی که یک نفر نزد مؤمن شیعه می آید و می گوید: برای من شفاعت کن. می پرسد: چه حقّی بر من داری؟ می گوید: یک روز به تو آب نوش ??? پس یادش می آید و درباره اش شفاعت می کند. و یکی دیگر و می آید می گوید: در یک روز گرم ساعتی از سایه دیوار من استفاده کردی. پس برایش شفاعت می نماید، و پیوسته شفاعت می کند تا اینکه درباره همسایگان و دوستان و آشنایانش شفاعت می نماید. مؤمن از آنچه شما گمان می کنید نزد خدا گرامی تر است».(۳۱۸)

امام صادق علیه السلام فرمود: «به درستی که مؤمن از شما روز قیامت، مردی را که در دنیا با او آشنا بوده از کنارش می گذرانند، در حالی که امر شده به سوی آتش ببرند، فرشته او را می برد، او به این مؤمن می گوید: به فریادم برس که در دنیا به تو نیکی می کردم و در حوائجی که به من رجوع می کردی یاری ات می نمودم، آیا امروز پاداشی برای من داری؟ پس مؤمن به فرشته گماشته او می گوید: او را رها کن».

امام صادق علیه السلام فرمود: «پس خداوند سخن مؤمن را می شنود، به آن فرشته امر می کند که فرمان مؤمن را بپذیرد، و آن شخص را آزاد می سازد».(۳۱۹)

وقتی وضع مؤمن با کسی که رابطه جزئی با او دارد چنین باشد، بدون تردید مولای ما صاحب الزمان علیه السلام در حقّ کسی که پیوسته برای آن حضرت دعا نماید، شفاعت می کند و او را روز قیامت در عذاب رها نمی سازد.

۱۱ – رستگاری به شفاعت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «من برای چهار گروه شفاعت می کنم، هرچند با گناهان اهل

دنیا بیایند: مردی که ذرّیه ام را یاری کرده باشد، مردی که مال خودش را هنگام سختی به ذرّیه ام بذل نماید، مردی که ذرّیه مرا با زبان و دل دوست بدارد، مردی که در نیازهای ذرّیه ام اهتمام ورزد هنگامی که رانده و فراری شوند».(۳۲۰)

پُر واضح است که سه عنوان از اینها بر دعا برای تعجیل فرج مولی صاحب الأمر - عجّل اللّه فرجه الشریف - صدق می کند، زیرا دعا نوعی یاری کردن، محبّت زبانی و برآوردن حاجت است.

۱۲ - وسیله به سوی خداوند متعال

خدای - عزّوجلّ - فرموده: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَیْهِ الوَسِیلَهَ وَجاهِدُوا فِی سَبِیلِهِ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»(۳۲۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله برگیرید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

در این آیه سه چیز سبب رستگاری و نجات معرفی شده که هر سه در دعا برای حضرت صاحب الزمان - عجّل اللّه فرجه الشریف - جمع است، زیرا اوّلین مراتب تقوی ایمان است و بدون تردید دعا برای آن حضرت نشانه ایمان و سبب کمال آن است، و نیز از اقسام جهاد با زبان است، همچنین وسیله به سوی پروردگار رحمان می باشد، زیرا منظور از وسیله - در آیه شریفه - همان امام علیه السلام است، چنان که امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد این آیه فرمود: «من وسیله او هستم». (۳۲۲)

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «امامان از آل محمدعلیهم السلام وسیله به سوی خداوند و رشته اتصال به عفو و گذشت او هستند».(۳۲۳)

۱۳ - مستجاب شدن دعا

هرگاه دعا کننده دعایش را با دعا برای مولی صاحب الزمان علیه السلام مقرون گرداند، به سبب دعا برای آن حضرت، دعای خودش نیز مستجاب می شود.چون بدون شک دعای بنده برای مولایش صاحب الزمان - عجّل اللّه فرجه الشریف - مستجاب است، زیرا مقتضی موجود و مانع مفقود می باشد، پس اگر شخص آغاز و فرجام دعایش را به حضرت صاحب الامرعلیه السلام اختصاص دهد، مقتضای کرم خداوند اکرم الأکرمین آن است که ما بین آنها را نیز به هدف اجابت برساند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس به درگاه خداوند حاجتی داشته باشد، باید اوّل با درود بر محمد

و آل او آغاز کند، سپس حاجت خود را بطلبد و آن گاه با درود بر محمد و آل او دعایش را پایان برد، که خداوند گرامی تر از آن است که دو طرف را بپذیرد و وسط آن را رها کند، زیرا از استجابت صلوات و درود بر محمد و آل او هیچ مانعی نیست».(۳۲۴)

علاوه بر این، از فواید دعا برای امام زمان علیه السلام آن است که آن حضرت در حقّ دعا کننده دعا می نمایند، و بدون تردید دعای آن حضرت برای برآورده شدن حاجت های آن دعا کننده، مقتضی استجابت هر دعایی است که او از درگاه الهی مسألت نموده است.

۱۴ – ادای اجر رسالت پیغمبرصلی الله علیه وآله

خداوند در سوره شوری می فرماید: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى» (۳۲۵ [ای پیامبر!]بگو من از شما بر انجام آن [رسالت چیزی درخواست نمی کنم مگر مودّت و دوستی خاندانم.

تردیدی نیست که نزدیک ترین ذی القربی در زمان ما کسی جز حضرت صاحب الزمان علیه السلام نیست. پس مودّت آن حضرت بر همگان واجب است و منظور از مودّت همان محبّت قلبی است، که از آثار آن، دوستی به زبان است و دعا کردن یکی از اقسام دوستی با زبان است.

۱۵ و ۱۶ – دفع بلا و وسعت روزی

امام صادق علیه السلام فرمود: «دعای مرد برای برادرش در غیاب او، روزی را فراوان و ناگواری ها را دور می سازد».(۳۲۶)

و نیز فرمود: «دعا برای برادرت در غیاب او، روزی را به سوی دعا کننده سوق می دهد و بلا را از او برمی گرداند و فرشته به او می گوید: مثل همین برای تو است».(۳۲۷)

۱۷ – آمرزش گناهان

در تفسیر امام عسکری علیه السلام، از رسول خداصلی الله علیه وآله آمده که فرمود: «سوگند به آن که مرا به حق، به پیامبری برانگیخت که مردی که از پیروان ما گناهان و خطاهایی دارد که از کوه های احد و از زمین و آسمان چندین برابر بزرگ تر است، به مجرّد اینکه توبه می کند و بر خودش ولایت ما را تجدید می نماید، گناهانش به زمین زده می شود، شدیدتر از کوبیدن عمّار، این صخره را بر زمین است».(۳۲۸)

ظاهراً منظور از تجدید ولایت اظهار اموری است که بر التزام انسان به ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و توجه او نسبت به آنان دلالت کند و این امر با دعا برای فرج مولی صاحب الزمان – عجّل اللّه فرجه الشریف – حاصل می شود.

۱۸ – مبدّل شدن سیّئات به حسنات

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «هیچ قومی به ذکر خدای – عزّو جلّ – ننشینند مگر اینکه فرشته ای از آسمان، آنان را

آواز دهد که: برخیزید! به تحقیق که سیئات شما مبدّل به حسنات شد و همگی تان آمرزیده شدید».(۳۲۹)

و دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام از اقسام ذکر خداوند است. امام باقر علیه السلام فرمود: «ذکر ما از [اقسام]ذکر خدا است، و یاد دشمنان ما از [مصادیق]یاد شیطان می باشد».(۳۳۰)

۱۹ – تشرّف به دیدار آن حضرت علیه السلام در بیداری یا خواب

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اَللّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلایَ صاحِبَ الزَّمانِ...، امام م ح م د بن الحسن – علیه وعلی آبائه السلام – را در خواب یا بیداری خواهد دید».(۳۳۱)

۲۰ – بازگشت به دنیا در زمان ظهور

در کتاب حدیقه الشیعه روایتی از امام صادق علیه السلام آورده که مضمون آن چنین است: «هر مؤمنی آرزوی خدمتش را داشته باشد و برای تعجیل فرجش دعا کند، کسی بر قبر او می آید و او را به نامش صدا می زند که: فلانی! مولایت صاحب الزمان علیه السلام ظهور کرده، اگر می خواهی بپاخیز و به خدمت امام شرفیاب شو، و اگر می خواهی تا روز قیامت بیارام. پس عدّه بسیاری به دنیا باز می گردند و فرزندانی از آنها متولد می شود».

۲۱ – برادری پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله

امام باقر علیه السلام فرمود: «روزی رسول خداصلی الله علیه وآله در حالی که جمعی از اصحابش در خدمتش بودند، دو بار گفت: خدایا! برادرانم را به من بنمایان. اصحابی که دور و برش بودند عرض کردند: ما برادران تو نیستیم یا رسول اللّه؟ فرمودند: نه، شما اصحاب من هستید و برادرانم قومی در آخر الزمان می باشند که به من ایمان آورند در حالی که مرا ندیده باشند، خداوند نام های آنان و نام های پدرانشان را به من شناسانده پیش از آنکه آنان را از پشت پدران و رَحِم مادرانشان بیرون آورده باشد. نگهداری هریک از آنان از دین خود بیشتر و شدیدتر از دست کشیدن بر بوته خار در شب تاریک و یا به دست گرفتن آتش فروزان می باشد، آنان چراغ هایی در تاریکی هستند، خداوند آنان را از هر فتنه و آشوب تیره ظلمانی نجات می دهد».(۳۳۲)

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در این حدیث برادری را شاخه و فرع کمال ایمان معرفی کرده است و قبلاً ذکر کردیم که دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام نشانه ایمان و مایه کمال ایمان در انسان است.

۲۲ – تعجیل در امر فرج صاحب الزمان علیه السلام

اهتمام و مداومت در دعا برای تعجیل فرج مولای ما صاحب الزمان علیه السلام با شرایط آن به قدر امکان، سبب می شود که این امر زودتر واقع گردد و ظهور سریع تر تحقق یابد.

زیرا ظهور حضرت صاحب الزمان – عجّل اللّه فرجه الشریف – از اموری است که قابل تقدیم و تأخیر است که به سبب بعضی

از علـل و جهـات، زودتر یا دیرتر واقع می شود. و از جمله اسـبابی که زمینه جلو افتادنش را فراهم می سازد؛ اهتمام مؤمنین در دعا برای تعجیل ظهور

و فرج است.

امام صادق علیه السـلام فرمودند: پس هنگامی که فشارها و شـکنجه ها بر بنی اسرائیل طول کشید، چهل روز به درگاه خداوند ضجّه و ناله کردند. خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از فرعون خلاص نمایند پس صد و هفتاد سال را از آنها برداشت.سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: «هكَذا أَنْتُمْ لَوْ فَعَلْتُمْ لَفَرَّجَ اللَّهُ عَنَّا فَأَمَّا إِذْ لَمْ تَكُونُوا فَإِنَّ الأَمْرَ يَنْتَهِى إِلى مُنْتَهاهُ»؛ همچنین شـما، اگر انجام دهیـد هرآینه خداوند بر ما فرج خواهد داد ولی اگر چنین نباشـید البته این امر تا آخرین مرحله را طی خواهد کرد.(۳۳۳)

۲۳ – پیروی از پیغمبران و امامان علیهم السلام

دعا برای تعجیل فرج مولای غایب ما حضـرت ولی عصـر – ارواحنا له الفداء – تأسّـی جسـتن به پیغمبر اکرم و امامان – صلوات اللَّه علیهم اجمعین – می باشد.

امـام صـادق علیه السـلام فرمود: چون شب جمعه شود پروردگار متعال فرشـته ای را به آسـمان دنیا می فرسـتد، وقتی فجر طالع گشت آن فرشـته روی عرش بر فراز بیت المعمور می نشـیند، و برای محمد و علی و حسن و حسـین علیهم السـلام منبرهایی از نور نصب می شود که بر آنهـا بالاـ می رونـد، و فرشـتگان و پیـامبران و مؤمنین برای آنهـا جمع می گردنـد، و درهـای آسـمان گشوده می شود، هنگامی که خورشید به وقت زوال می رسد رسول خداصلی الله علیه وآله می گوید: پروردگارا! وعده ات را که در کتـاب خود آن را آورده ای وفا کن و آن این آیه است: «وَعَـدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْـتَخْلِفَنَّهُمْ فِى الأَرْضِ كَمَا اسْـتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِى ارْتَضـى لَهُمْ وَلَيُبَـدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً»(۳۳۴)؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و

عمل صالـح انجام داده باشـند، وعـده کرده که در زمین خلافت دهـد، همچنان که به کسانی که پیش از شـما بوده اند خلافت بخشید و دینشان را که پسندیده، تمکین و تسلط خواهد داد و ترسشان را به امنیت مبدّل خواهد ساخت.

فرشـتگان و پیغمـبران هـم همین را می گوینـد. سـپس محمـد و علی و حسن و حسـین علیهم السـلام به سـجده می افتنـد و می گویند: پروردگارا! غضب کن که به تحقیق حرمتت درهم شکسته و برگزیدگانت کشته شده و بندگان صالحت خوار گردیده اند، پس خداوند آنچه بخواهد می کند و آن روز معلوم است.(۳۳۵)

۲۴ – وفا به عهد الهی

دعا کردن برای فرج مولای ما حضرت صاحب الزمان علیه السلام وفا نمودن به عهد و پیمان الهی است که از اهل ایمان گرفته شـده. و تردیـدی نیست که وفای به عهـد خداونـد واجب است، خداونـد – عزّوجلّ – می فرماید: «وَأَوْفُوا بِالعَهْدِ إِنَّ العَهْدَ کانَ مَسْؤُولاً»(۳۳۶)؛ وفای به عهد کنید که از عهد پرسیده می شود.

در روایات متعددی عهد، به ولایت امامان تفسیر گردیده است، چنان که از امام صادق علیه السلام آمده که فرمودند: و ما ذمّه و حرمت خـدا هستیم و مـا عهـد الهی هستیم، پس هرکه به پیمـان ما وفا کنـد عهـد الهی را وفا نموده، و هرکس آن را بشـکند حرمت و عهد الهی را شکسته است.(۳۳۷)

وفای به عهد یاد شده با شش امر حاصل می گردد:

۱ – یقین قلبی به امامت و ولایت آنها و تسلیم به آنچه از آنها وارد شده است.

۲ – مودّت قلبی نسبت به آنان.

۳ – بغض دشمنانشان و کسانی که خلافت را غصب کردند.

۴ – اطاعت و پیروی از آنان در تمام اوامر و نواهی ایشان.

۵ – اظهار اعتقاد قلبی به آنان

به وسیله زبان و اعضای بدن - به مقدار توانایی و استطاعت - .

۶ - یاری کردن آنها در هر حال به مقتضای آن.

و این عناوین شش گانه در دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام و درخواست تعجیل فرج آن حضرت از خداوند تحقق می یابد.

۲۵ - آثار نیکی به والدین برای دعا کننده

تمام آثار و فواید و نتایج دنیوی و اخروی که بر نیکی به والدین هست، برای دعا کننده به حضرت قائم علیه السلام خواهد بود.

زیرا امام علیه السلام پدر حقیقی تمام مردم است، پس هرکه بر او ظلم کند عاق پدر حقیقی خویش گشته، و هرکه به او نیکی نماید به تمام آنچه بر نیکی کردن به پدر ظاهری مترتب است رستگار می شود. و تردیدی نیست که والد حقیقی حقّش عظیم تر و مقامش بالاتر است.

از تفسیر امام عسکری علیه السلام روایت شده که فرمودند: و البتّه حقّ ما بر شما عظیم تر است از حقّ پدر و مادری که از آنها متولد شده اید، که ما - اگر اطاعتمان کنید - شما را از آتش به سوی خانه آرام و جاویدان نجات می دهیم... .

امّا آثار و فواید نیکی به والدین از موضوع بحث ما در این کتاب خارج است، طالبین به کتاب های علمای بزرگ از قبیل کافی و بحار مراجعه کنند.

۲۶ - رعایت و اداء امانت

امام علیه السلام امانت الهی است، چنان که در ضمن زیارت جامعه آمده: شمایید روشن ترین مسیر و... امانت حفاظت شده. (۳۳۸)

امام باقر علیه السلام فرمودند: ماییم آن امانتی که بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه شد... .(۳۳۹)

و رعایت امانت ها - به حکم عقل و آیات و روایات - واجب است. البته رعایت ها و حفاظت ها نسبت به انواع و اصناف گوناگون امانت ها مختلف می باشد. بنابراین هر امانتی به نحوه خاصّ خودش رعایت می گردد، و رعایت این امانت الهی به اظهار محبّت و جدّیت در نصرت و اطاعت است. و چون این عناوین با مداومت و جدّیت در دعا برای تعجیل فرج مولای ما صاحب الزمان علیه السلام تحقق می یابند، به طور حتم با

این عمل رعایت این امانت انجام می گیرد.

۲۷ – اشراق نور امام علیه السلام در دل دعا کننده

برای انسان به سبب اعمالی که از او صادر می شود، حالت ها و تغییرات مختلفی در دل او حاصل می گردد، و این را با وجدانمان درک می کنیم. هر قدر که عمل صالح نزد خداوند ارزنده تر و عظیم تر باشد، تأثیرش هم در روشنایی دل بیشتر و تمام تر است. لذا بعد از معرفت خداوند و معرفت پیغمبرصلی الله علیه وآله چیزی مهم تر از محبّت و ولایت امیر المؤمنین و اولاد طاهرینش علیهم السلام نیست. به همین جهت امام باقر علیه السلام به ابوخالد کابلی فرمود: «ای ابوخالد! به خدا سوگند! که نور امام در دل های مؤمنین از آفتاب درخشنده در روز، روشن تر است و آنها (امامان) به خدا قسم! دل های مؤمنین را نورانی می کنند. خداوند – عزّو جلّ – نورشان را از هر که بخواهد باز می دارد، پس دل های آن کسان تاریک می گردد. واللّه ای ابوخالد! هیچ بنده ای ما را دوست ندارد و به ما تولّی نجوید مگر آنکه خداوند دلش را پاک سازد، و خداوند دل هیچ بنده ای را پاک نمی نماید تا اینکه تسلیم ما شود و با ما سازگاری کند، پس هرگاه چنین شد که با ما سازگاری نمود، خداوند او را از سختی حساب نگه دارد و از هراس بزرگ روز قیامت ایمنی بخشد».(۳۴۰)

و چون دعا برای حضرت ولی عصر – ارواحنا له الفداء – تولّی آن حضرت است بنابراین موجب پاکی دل و مایه زیاد شدن اشراق نور امام علیه السلام در دل دعا کننده خواهد شد. ان شاء اللّه تعالی.

۲۸ – مایه طول عمر

اهتمام و مداومت در دعا برای حضرت قائم علیه السلام و تعجیل فرج و ظهور شریفش، مایه طول عمر، و نیز سایر آثار و فواید صله

رحم است، زیرا به طور عام در فضیلت صله رحم و احسان به نزدیکان رسیده که مایه طول عمر است، به ضمیمه آنچه در روایات آمده که صله نزدیکان پیغمبر و امیر المؤمنین - علیهم السلام - از صله خویشاوندان نسبی بهتر است. پس هرگاه صله رحم و محترم شمردن پیوندهای نسبی موجب طول عمر باشد، احسان به نزدیکان پیغمبرصلی الله علیه وآله به طریق اولی این اثر را دارد، و در نزدیکان پیغمبر و امیر مؤمنان - علیهم السلام - کسی بهتر از مولای ما صاحب الزمان علیه السلام نیست. بنابراین آن حضرت از مهم ترین مصادیق این عنوان است.

و دعا از مصادیق صله و احسان است. به این بیان که: احسان و صله به دو امر حاصل می شود: یکی: منفعت رساندن به دیگری. دوم: دفع زیان از غیر، و این دو با دعا کردن حاصل می گردد، زیرا از منافع بزرگ و ارزشمند احترام است، و بدون تردید دعا کردن نوعی احترام است، همچنین قبلاً ـ گذشت که دعا برای تعجیل ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام با شروطی که مقرّر شده، سبب جلو افتادن آن است و با آن، همه گونه خیر وبرکت آشکار می گردد و همه ضررها از بین می رود. و نیز از جمله آثار دعا مسرّت و خرسندی کسی است که برایش دعا می شود، و سرور آن حضرت خود منفعتی عظیم است.

۲۹ - تعاون در نیکی ها و تقوی

دعا کردن برای تعجیل فرج حضرت قائم علیه السلام کمك و تعاون بر نیکی و تقوی است که خداوند متعال به آن امر فرموده است: «تَعاوَنُوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقْوى»(۳۴۱)؛ در نیکی و تقوی یکدیگر را یاری کنید.

۳۰ - یاری خداوند متعال

دعا از اقسام نصرت و یاری به زبان است، امام رضاعلیه السلام به دعبل فرمود: «مَرْحَباً بِناصِرِنا بِيَدِهِ وَلِسانِهِ(۳۴۲)؛ آفرین به یاری کننده ما به دست و زبانش».

و نیز از حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السلام آمده که در شب عاشورا فرمود: «جدّم به من خبر داد که فرزندم حسین علیه السلام در تَف کربلا غریب، تنها و تشنه کشته می شود، پس هرکه او را یاری کند مرا یاری کرده و فرزندش قائم علیه السلام را نیز یاری نموده است، و هرکس با زبان ما را یاری کند روز قیامت در حزب ما خواهد بود».

بنابراین دعا برای آن حضرت علیه السلام نوعی نصرت و یاری ایشان است که همان نصرت خداوند است، که موجب نصرت و یاری خداوند برای دعا کننده، و پیروزی او بر دشمنانش می باشد، زیرا خدای تعالی فرموده: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»(۳۴۳)؛ و به تحقیق هرکه خدا را یاری کند، خدای متعال او را کمك خواهد کرد.

۳۱ - هدایت به نور قرآن مجید

قبلاً ـ بیان داشتیم که اهتمام در دعا برای مولایمان حضرت صاحب الزمان - عجّل اللّه فرجه الشریف - از اموری است که مایه کمال ایمان است، و شکّی نیست که هرقدر ایمان کامل تر و تمام تر باشد، استفاده شخص از قرآن و بهره وری اش از آثار آن بیشتر و بهتر است، زیرا خدای - عزّوجلّ - می فرماید: «ذلِكَ الكِتابُ لا رَيْبَ فِيهِ هُدىً لِلْمُتَّقِينَ»(۳۴۴)؛ آن کتاب که هیچ

تردیدی در آن نیست، روشنگر راه تقوی پیشگان است. بنابراین هدایت شدن کامل به قرآن مترتّب بر دعا بر آن حضرت علیه السلام می باشد.

۳۲ – شناخته شدن نزد اصحاب اعراف

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: «وَعَلَى الأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلاًّ بِسِيماهُمْ»(۳۴۵)؛ و بر اعراف رجالی هستند که هریک را به چهره هایشان می شناسند. فرمود: «اعراف بلندی ای است بین بهشت و جهنّم، و رجال امامان علیهم السلام می باشند...». (۳۴۶)

و نیز ابن الکوّا درباره آیه «وَعَلَى الأَعْرافِ...» از امیر المؤمنین علیه السلام پرسید. آن حضرت فرمود: «خدا بر تو رحم آرد ای ابن الکوّا! ما روز قیامت بین بهشت و جهنم می ایستیم، پس هرکه ما را [در دنیا]یاری کرده از چهره اش می شناسیم و او را وارد بهشت می کنیم و هرکه ما را دشمن داشته از چهره اش می شناسیم و به جهنم روانه می سازیم».(۳۴۷)

گفتیم دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام از اقسام یاری آن حضرت به زبان است، و طبق این روایت وسیله رستگاری به شفاعت و شناخته شدن نزد اصحاب اعراف است.

۳۳ – ایمنی از عقوبت های اخروی

امام صادق علیه السلام فرمود: «خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش منتظر ظهورش باشند و در زمان ظهور، فرمان بردار و مطیع او، آنان هستند اولیای خدا که نه ترسی بر ایشان هست و نه محزون می شوند».(۳۴۸) و پوشیده نیست که دعا کردن برای تعجیل فرج نشانه انتظار است.

و امام باقر علیه السلام درباره آیه: «اَلَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ»(۳۴۹)؛ آنان که ایمان آورده و کارهای نیک انجام دادند. فرمود: «یعنی آنان که ایمان آوردند به خدا و به رسول او و امامان اولی الامرعلیهم السلام و ایشان را اطاعت کردند که آن، ایمان و عمل صالح است...».(۳۵۰)

و شکی نیست که دعا کننده برای تعجیل ظهور حضرت صاحب الزمان علیه السلام در هر دو عنوان داخل است.

۳۴ – بشارت و مدارا هنگام مرگ

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس به مؤمنی سروری رساند، خداوند – عزّوجلّ – از آن سرور مخلوقی می آفریند که به هنگام مرگ دیدارش کند و به او گوید: مژده باد تو را ای دوست خدا به کرامت و رضوان او! و همچنان با او خواهد بود تا اینکه داخل قبرش شود، باز همان سخن را گوید و چون از قبرش برخیزد، باز آن سخن را تکرار نماید. سپس همواره با او بماند و در مواقع ترس او را مژده دهد و همان سخن را بگوید. مؤمن از او پرسد: تو کیستی خدایت رحمت کند؟! می گوید: من آن سرور و شادمانی هستم که بر فلانی وارد ساختی».(۳۵۱)

بدون تردید مولایمان صاحب الزمان و پدران گرامی اش علیهم السلام از این دعا خرسند و مسرور می شوند، پس این ثواب به طور کامل بر آن مترتب است.

۳۵ – قرار گرفتن در درجه امیر المؤمنین علیه السلام

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «قائم ما را غیبتی است که مدتش طول می کشد، گویی شیعه را می بینم که در دوران غیبت او بسان گوسفندی که دنبال چراگاه می گردد، دنبال چراگاهند، امّا آن را نمی یابند. توجّه کنید که هریک از آنان بر دین خود ثابت بماند و دلش بر اثر طول غیبت امامش قساوت نگیرد، روز قیامت با من در درجه ام خواهد بود».(۳۵۲) و دعا برای آن حضرت علیه السلام سبب ثابت ماندن ایمان در زمان غیبت است. که موجب می شود دعا کننده در درجه امیر المؤمنین علیه السلام باشد.

۳۶ – محبوب ترین خلایق نزد خداوند

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «خلایق عیال خداوند هستند، پس محبوب ترین افراد نزد خداوند آن است که به عیال خداوند نفع رساند و خاندانی را مسرور نماید».(۳۵۳)

بنابراین دعا کننده برای مولای ما صاحب الزمان علیه السلام و برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت محبوب ترین افراد نزد خدای تعالی است، زیرا که او به عموم مؤمنین نفع رسانیده، چون تمام اهل عالم به ظهور آن حضرت نفع می برند، پس دعا برای تعجیل آن، سودرسانی به اهل جهان است. اضافه بر اینکه شادمانی و سرور را بر ائمه اطهار و آل رسول علیهم السلام وارد ساخته است.

۳۷ – گرامی ترین خلایق نزد رسول خداصلی الله علیه وآله

از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را دریابد در حالی که پیش از قیامش به او اقتدا کرده باشد، دوست او را دوست بدارد و ازدشمنش بیزاری جوید و ولایت امامان هدایت کننده پیش از او را داشته باشد. آنها رفقای من و اهل دوستی و مودّت من و گرامی ترین افراد امّتم بر من و گرامی ترین خلق خدا نزد من می باشند».(۳۵۴)

۳۸ – داخل شدن به بهشت به ضمانت رسول خداصلی الله علیه وآله

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «هرکس پنج چیز را برای من ضامن شود، بهشت را برای او ضمانت کنم». گفته شد: یا رسول اللَّه! آنها چیست؟ فرمود: «نصیحت برای خداوند – عزّوجلّ –، و نصیحت [و خیرخواهی]برای رسول او، و نصیحت برای کتاب خدا، و نصیحت برای دین خدا، و نصیحت برای جامعه مسلمین».(۳۵۵)

نصیحت، خیرخواهی است. و تردیدی نیست که تمام اقسام پنج گانه فوق با دعا کردن برای تعجیل فرج مولایمان صاحب الزمان علیه السلام حاصل می شود، زیرا با ظهور آن حضرت، غم و ناراحتی از اولیای خدا برطرف شده و رسول خداصلی الله

علیه وآله مسرور گشته و احکام کتاب الهی آشکار می شود. و دین خدا بر جهان غالب، و فرج برای جامعه مسلمین حاصل خواهد گشت.

۳۹ – مشمول دعای رسول خداصلی الله علیه وآله

روایت شده که رسول اکرم صلی الله علیه وآله پس از یاد کردن ائمه اطهارعلیهم السلام، دست های خود را به دعا برداشت و گفت: «خدایا! دوست بدار هرکس خلفای مرا دوست بدارد و ولای امامان امتم را پس از من داشته باشد، و دشمن بدار هر آنکه با آنها دشمنی کند. و هرکه آنها را یاری کند یاری اش کن و هرکس خواری شان را بخواهد خوارش گردان...».(۳۵۶)

و بدون شک دعا برای مولی صاحب الزمان علیه السلام، موالات و یاری آن حضرت و تمام امامان برحق است. [و چنین کسی مشمول دعای خیر رسول خداصلی الله علیه وآله می شود].

۴۰ – مشمول تأیید خداوند در عبادت

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «خداوند سبحان می فرماید: هرگاه بدانم اشتغال به من در بنده ام غالب است، شهوتش را در سؤال و مناجات خودم قرار می دهم، و هرگاه بنده ام چنین شد، پس اگر خواست اشتباه کند، بین او و اشتباه کردنش حایل شوم. حقّا که آنان اولیای من هستند، حقّا که آنان قهرمانان اند».(۳۵۷)

آیات و روایات دلالت دارند که دعا از مهم ترین اقسام عبادت ها می باشد و شکّی نیست که ارزنده ترین و عظیم ترین انواع دعا آن است که برای کسی باشد که خداوند حقّش را بر تمام خلایق واجب ساخته و به برکت وجود او فیض به همه موجودات رسیده است. و نیز بدون تردید مراد از اشتغال به خداوند، مشغول بودن به عبادت او است، و همان است که مداومت بر آن سبب می شود که خداوند انسان را در عبادت تأیید و مدد نماید و او را از اولیای خود قرار دهد.

نتیجه اینکه: مواظبت و مداومت در دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام و درخواست فرج و ظهور آن حضرت

از خداوند موجب حصول این فایده عظیم می گردد.

۴۱ – دفع عقوبت از اهل زمین

خداوند متعال به برکت دعا کنندگان برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام عذاب و عقوبت را از اهل زمین دفع می نماید.

امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی بر مردم خواهد آمد که امام آنها از نظرشان غایب می گردد، خوشا به حال پایداران بر امر ما در آن زمان. به درستی که کمترین ثوابی که برای آنان خواهد بود، آن است که آفریدگار – عزّوجلّ – ایشان را ندا خواهد کرد: بندگان من! به سرّ من ایمان آوردید و غیب مرا تصدیق کردید، پس مژده باد شما را به ثواب نیکو از سوی من، شمایید به حق بندگان و کنیزان من، از شما می پذیرم و شما را می بخشم و می آمرزم، و به خاطر شما باران بر بندگانم می بارم و بلا را از آنان دفع می نمایم، و اگر شما نبودید، هرآینه عذاب را بر ایشان فرو می فرستادم...».(۳۵۸)

و مخفی نیست اهتمام و مداومت در دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام سبب پایدار ماندن بر سنّت و شیوه امامان علیهم السلام است.

۴۲ – ثواب کمک و یاری مظلوم

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس به فریاد برادر مؤمن ستمدیده خود برسد – به قدر توانش – و غم او را برطرف سازد و او را در برآورده شدن حاجتش یاری نماید، بدین کار نزد خداوند هفتاد و دو رحمت برای او خواهد بود، یکی از آنها را به زودی به او رساند که زندگی اش را سامان دهد و هفتاد و یک رحمت را برای احوال و صحنه های ترسناک قیامت ذخیره نماید».(۳۵۹)

بر کسی پوشیده نیست که امام عصر – ارواحنا له الفداء – مظلوم است، بنابراین دعا کننده برای آن حضرت و تعجیل فرج و ظهور آن حضرت، شامل

این روایت می شود، چون دعا از اقسام اعانت و کمک می باشد.

۴۳ - آثار تواضع و تجلیل بزرگتر

تواضع آن است که شخص پیش خودش نسبت به غیر حقیر باشد. و تکبر آن است که شخص در پیش خود نسبت به دیگری بزرگ جلوه کند و دیگری را نسبت به خودش حقیر بداند. و این از جهل سرچشمه می گیرد که شخص، بدی های خودش و خوبی های دیگران را نشناسد یا از آنها غفلت ورزد.

امّا آثار و فواید تواضع

۱ - تجلیل خدای تعالی

امام صادق علیه السلام فرمود: «از اقسام تجلیل خداوند - عزّوجلّ - احترام مؤمن محاسن سفید است، و هرکس مؤمنی را گرامی بدارد به کرامت خداوند آغاز کرده است، و هرآنکه مؤمن موسفیدی را سبک کند، خداوند کسی را به سوی او فرستد که پیش از مرگش او را سبک شمارد».(۳۶۰)

البته باید توجه داشت که چون شرافت و عظمت اسلام از هر شرفی بالاتر و بزرگ تر است، آنان که سابقه بیشتری در آن دارند تعظیم و احترامشان نزد خدا شایسته تر است.

۲ - ایمنی از ترس روز قیامت

امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «هرکس امتیاز و برتری شخص بزرگی را به خاطر سنّش بشناسد و او را احترام کند، خداوند وی را از ترس روز قیامت ایمن نماید».(۳۶۱)

۳ - تقرب به درگاه خداوند متعال

امام صادق علیه السلام فرمود: «از جمله چیزهایی که خداوند به داوودعلیه السلام وحی فرمود، این بود که: ای داوود! همان طور که نزدیک ترین مردم نزد خداوند متواضعان هستند، دورترین مردم از خداوند متکبران می باشند».(۳۶۲)

۴ - رفعت و بزرگی در پیشگاه خداوند

امام صادق علیه السلام از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل

کرده که فرمود: «... تواضع به صاحبش رفعت و بلندی بیشتری دهد، پس تواضع کنید که خداوند شما را رفعت بخشد».(۳۶۳)

حال که آثار و فوایـد تواضع معلوم شـد، بدان که تواضع برای امام علیه السـلام بر دو گونه است: قلبی و بدنی. تواضع قلبی آن است که مؤمن معتقد باشد که امام علیه السـلام از خودش و از تمام ماسوی اللّه بعد از حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه وآله افضـل و اشـرف است، ازفرشـتگان و پیغمبران گرفته تا دیگران. و نیز باور داشـته باشـد که خـدای - عزّوجلّ - مخلوقی برتر از رسول خدا و خاندان طاهرینش - علیهم السلام - نیافریده، این اعتقاد ما است، که اخبار متواتره قطعیه بر آن دلالت دارد.(۳۶۴)

و امّا تواضع بدنی برای امام علیه السلام بر دو قسم است: واجب و مستحبّ.

تواضع واجب، آن است که ترک آن مـایه هتـک حرمت امـام علیه السـلام و اسـتخفاف به سـاحت مقـدّس آن حضـرت است. مانند: ترک به پا ایسـتادن هنگام ذکر نام قائم علیه السلام در مجلس عمومی به قصد استخفاف و سبک شمردن - العیاذ باللّه - با وجود به پا خاستن اهل مجلس(۳۶۵)، زیرا که سـبک شـمردن امام علیه السلام مستلزم سبک شمردن خدای - عزّوجلّ - می باشد.

و اما تواضع مسـتحب مانند: به پا خاسـتن هنگام ذکر نام مقدّسش و درود فرستادن بر او و نیز دعا کردن برای او، زیرا دعا برای تعجیل فرج و ظهور مولا صاحب الزمان علیه السلام توقیر وتعظیم و احترام آن حضرت در غیاب وحضور است.

۴۴ - ثواب خونخواهی امام حسین علیه السلام

از جمله اموری که بـا دعـا کردن برای تعجیـل فرج مولاـ صاحب الزمان علیه السـلام حاصل می شود: ثواب خونخواهی مولای مظلوم غریب شهیدمان حضرت سید الشهداء

حسین بن علی علیهما السلام است، و خونخواهی آن حضرت وظیفه هر مؤمن است، زیرا آن حضرت پدر حقیقی آنان می باشد و این امری است که احدی جز خدا ثواب آن را نمی تواند شماره کند. زیرا عظمت شأن خون به مقدار عظمت صاحب آن است. پس همان طور که کسی جز خدا نمی تواند بر شؤون حسینی احاطه یابد، همچنین کسی غیر او نمی تواند ثواب خونخواهی او را احصا نماید، زیرا حسین علیه السلام همان است که در زیارتش آمده: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثارِهِ»؛ سلام بر تو ای آنکه خونخواه او خداوند است، و فرزند کسی که خونخواهش خدا است.

و اگر در دعا برای تعجیل فرج مولا صاحب الزمان علیه السلام جز این ثواب نبود، همین در فضیلت و شرافت آن کافی بود، و حال آنکه فضل و ثواب بی شماری در آن هست.

و امّا بیان اینکه با این دعا ثواب خونخواهی امام حسین علیه السلام حاصل می شود؛ خونخواهی مراتب متعدّد و درجات چهارگانه ای دارد:

اوّل: ولیّ خون قوّت و حکومت و استیلا داشته باشد، که به زیردستانش دستور می دهد قاتل را بکشند، و بدین ترتیب خون بهای مظلوم را می گیرد.

دوم: خودش قاتل آن مظلوم را بکشد.

سوم: کسی که خونخواه است ضعیف باشد و نتواند خونخواهی کند، مگر با تظلّم و شکایت نزد سلطان و زمامدار مقتدری که حقّ او را از ظالمش بگیرد، و این نیز واضح است که نوعی خونخواهی محسوب می گردد.

چهارم: به خاطر ضعیف بودن نتواند خونخواهی کند، مگر با کمک گرفتن از دیگرانی که قدرتی دارند که با یاری یکدیگر این کار را انجام دهند. به عبارت دیگر: کمک در آمادگی وسایل خونخواهی، نوعی از خونخواهی می باشد.

و

چون ما در این زمان قدرت نداریم برای مولایمان حسین علیه السلام خونخواهی کنیم، جز به این دو قسم اخیر، لازم است - به حکم وظیفه ای که بر ما هست - به همین دو قسم مبادرت ورزیم. و این دو با دعا برای تعجیل فرج و ظهور مولاـ صاحب الزمان علیه السلام حاصل می گردد، که خدای قادر منتقم از هر سلطانی قدرتمندتر، و انتقام گیرنده از هر ظالم و ستمگر است. زیرا با اخبار متواتری دانسته ایم که خداوند قادر متعال مولای ما صاحب الامرعلیه السلام را برای این خونخواهی ذخیره نموده است. پس بر ما لازم است که شب و روز به درگاه الهی تضرّع و استغاثه کنیم که ظهور و فرج آن حضرت را تعجیل فرماید تا خونخواهی نماید و از جبّاران کافر انتقام بگیرد، زیرا در زمان غیبت آن حضرت راه دیگری به جز این قسم از خونخواهی نداریم.

۴۵ - درخشندگی نور او در قیامت

بیان این مطلب به دو وجه تقریر می شود:

اوّل: مؤمن روز قیامت نورش درخشان می گردد.

و روایات بسیاری بر این امر دلالت دارد. از جمله امام صادق علیه السلام فرمود: «برای مردم به مقدار ایمانشان در قیامت نور تقسیم می گردد، و به منافق هم تقسیم می شود پس نور او بر ابهام پای چپش خواهد بود، نورش خاموش می شود و [به مؤمنین]می گوید: به جای خود باشید تا از نورتان بهره گیرم. گفته شود: بازگردید پشت سر و نوری درخواست کنید. یعنی از همانجا که نور تقسیم شده. پس وقتی برمی گردند بین آنان حجابی قرار داده می شود».(۳۶۶)

و گفتیم که دعا برای حضرت ولی عصرعلیه السلام موجب کمال ایمان می گردد، بنابراین موجب درخشندگی بیشتر نور مؤمن در قیامت خواهد شد.

دوم: امام

صادق علیه السلام فرمود: «ای پسر یعفور! رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: شش خصلت در هرکس باشد، در پیشگاه خداوند و سمت راست او خواهد بود».

ابن ابی یعفور عرضه داشت: فدایت شوم آنها چیست؟ فرمود: (۱. مرد مسلمان دوست بدارد برای برادرش آنچه را که برای عزیزترین خاندانش دوست می دارد. ۲. و اکراه دارد برای برادرش آنچه را که برای عزیزترین خاندانش خوش ندارد. ۳. و در دوستی با او صمیمیت داشته باشد».

ابن ابی یعفور گریه کرد و گفت: چگونه با او صمیمیت کند؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه به آن مرتبه برسد، همه آنچه در دل دارد به او می گوید، پس اگر خوشحال باشد، او هم مسرور می گردد و هرگاه اندوهگین باشد، او نیز محزون می شود و اگر بتواند ناراحتی هایش را برطرف می سازد و گرنه برای او به درگاه خداوند دعا کند».

سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «سه چیز از آن شما و سه چیز از آن ما است، و آن ۱. شناختن فضیلت ما. ۲. و گام برداشتن در پی ما ۳. و انتظار داشتن عاقبت ما می باشد. پس هرکس چنین باشد در پیشگاه خدای - عزّوجلّ - خواهد بود، و کسانی که درجه شان پایین تر از ایشان است، از نور اینان پرتو گیرند».(۳۶۷)

از این حدیث معلوم می شود که دعا کننده برای تعجیل فرج حضرت صاحب الزمان علیه السلام، مصداق این سه عنوان است، زیرا دعا در حقّ آن حضرت نشانه معرفت او و پدران گرامی اش می باشد، و علامت پیروی از آنها در این امر ارزنده و دلیل انتظار عاقبت امر ایشان و انتظار دولت ایشان است.

۴۶ - شفاعت او درباره هفتاد هزار تن از گناه کاران

امام صادق علیه السلام از امیر

مؤمنان علیه السلام نقل می کند که فرمود: «بهشت را هشت در است، از یک در پیغمبران و صدّیقین داخل می شوند، و از در دیگر شهدا و صالحین و از پنج در شیعیان و دوستان ما داخل می شوند، پیوسته بر صراط خواهم ایستاد. دعا می کنم و می گویم: پروردگارا! شیعیان و دوستان و یاران مرا و کسانی که در دنیا از من پیروی کردند، به سلامت بدار. پس از باطن عرش ندا می رسد: دعایت را مستجاب کردم ودرباره شیعیانت شفاعت دادم. پس هر مرد از شیعیانم و کسانی که از من پیروی کرده اند و مرا یاری نموده و با آنها که با من سر جنگ داشته اند، به عمل یا قول جنگ کرده است در حقّ هفتاد هزار تن از همسایگان و نزدیکانش شفاعت می کند. و از در دیگر سایر مسلمانان - کسانی که شهادت لا إله إلاّ اللَّه را می گفته اند و در دلشان ذرّه ای بغض ما اهل بیت نبوده - داخل می شوند».(۳۶۸)

مخفی نیست دعا کردن در حقّ مولاـ صاحب الزمان علیه السلام و خواستن فرج آن حضرت، از اقسام نصرت و یاری امیر مؤمنان علیه السلام به زبان است. زیرا یاری حضرت حجّت علیه السلام یاری پدر بزرگوارش می باشد، و چون صاحب الزمان علیه السلام انتقام گیرنده از دشمنان و ستمگران نسبت به امیر المؤمنین علیه السلام است، پس هر آنچه در گرفتن این انتقام مؤثّر باشد، در اقسام نصرت آن حضرت داخل است، که از آن جمله دعا است.

۴۷ - بی حساب داخل بهشت شدن

امام صادق علیه السلام در آخر وصایای خود به عبد اللَّه بن جندب فرمود: «... پس باقی نمی ماند احدی از کسانی که مؤمنی از دوستان ما را با یک کلمه کمک کرده باشد، مگر

اینکه خداوند او را بدون حساب داخل بهشت گرداند».(۳۶۹)

به توضیح اینکه مکرّر گفته ایم: دعا از جمله اقسام یاری کردن به زبان است، بنابراین دعا برای تعجیل فرج مولای ما صاحب الزمان علیه السلام در کامل ترین افراد این عنوان داخل می باشد.

۴۸ – در امان بودن از تشنگی قیامت

چون از کسانی خواهد بود که رسول خداصلی الله علیه وآله آنان را سیراب می نماید، چنان که در حدیث پرچم هایی که روز قیامت بر آن حضرت وارد می شود، چنین آمده که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «سپس پرچمی بر من وارد می شود که (افراد آن) رخسارشان از نور برق می زند، به آنها می گویم: شما کیستید؟ می گویند: ما اهل کلمه توحید و تقوی از امّت محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله هستیم، و ماییم بازماندگان اهل حق، کتاب پروردگارمان را برگرفتیم و حلال آن را حلال و حرامش را تحریم نمودیم، و ذرّیه پیغمبرمان صلی الله علیه وآله را دوست داشتیم، و آنان را با همه وسایلی که برای خودمان به کار می بردیم یاری کردیم، و در خدمت آنان با دشمنانشان جنگ نمودیم. پس به آنها خواهم گفت: بشارت باد شما را که من پیامبر شما محمدصلی الله علیه وآله هستم و به تحقیق که در دنیا همین طور بودید که گفتید. سپس از حوض خودم به آنان آب می دهم. آن گاه سیراب می روند و به یکدیگر اظهار سرور و بشارت می کنند، بعد از آن داخل بهشت می شوند و تا ابد در آن جاودان خواهند ماند».

می گویم: وجه دلالت اینکه گفتیم دعا از اقسام نصرت و یاری است، و نیز این حدیث بر مکرمت دیگری - که خلود در بهشت است - نیز دلالت دارد.

۴۹ – خراش صورت ابلیس

امام صادق علیه السلام به اسحاق بن عمّار فرمود: «ای اسحاق! تا می توانی به دوستانم نیکی کن که هیچ مؤمنی به مؤمن دیگر احسان یا کمک نکند، مگر اینکه صورت ابلیس را خراشیده و به دلش زخم زده است».(۳۷۰)

کمک و احسان است، و آن حضرت اصل ایمان و رییس اهل دین است، پس این فایده بر اعانت و احسان به آن حضرت به نحو اکمل حاصل می گردد.

۵۰ – تحفه و هدیه ویژه در قیامت

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا مؤمن به برادرش تحفه می دهد». عرض کردم: تحفه چیست؟ فرمود: «از قبیل جای نشستن و متکا و غذا و پوشاک و سلام، پس بهشت برای پاداش او گردن می کشد، و خدای – عزّوجلّ – به بهشت وحی فرماید: من خوراک تو را بر اهل دنیا حرام کردم مگر بر پیغمبر و وصی پیغمبر. و چون روز قیامت شود، خداوند به بهشت وحی فرماید که دوستانم را در برابر تحفه هایشان پاداش ده».

و دعا برای تعجیل فرج و ظهور مولا صاحب الزمان علیه السلام هم از مصادیق تحفه است. چنان که پوشیده نیست.

۵۱ – خدمتگزاران بهشتی

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «هر بنده ای در امّت من به برادرش در راه خدا مهربانی و لطفی انجام دهد، خداوند از خدمت گزاران بهشتی به خدمتش خواهد گمارد».(۳۷۱)

۵۲ – سایه گسترده خداوند

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «هرکس برادر مسلمانش را با کلمه ای گرامی بدارد که به وسیله آن کلمه به او لطف کند و غصّه اش را برطرف سازد، پیوسته در سایه گسترده خداوند خواهد بود و تا وقتی که در آن حال باشد، رحمت بر او فرود می آید».(۳۷۲)

بنابراین دعا کننده برای فرج مولا صاحب الزمان علیه السلام زیر سایه گسترده خداوند قرار می گیرد و مادامی که به دعاگویی آن حضرت مشغول باشد، رحمت بر او نازل می گردد.

۵۳ – ثواب خیرخواهی مؤمن

امام صادق علیه السلام فرمود: «بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب، خیرخواه مؤمن باشد».(۳۷۳)

و نیز رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «عظیم ترین مردم از لحاظ منزلت نزد خداوند در روز قیامت کسی است که برای نصیحت و خیرخواهی آفریدگان در زمین بیشتر تلاش نماید».(۳۷۴)

پُر واضح است که درخواست تعجیل فرج و ظهور برای مولاـ صاحب الزمان علیه السلام اخلاص و خیرخواهی برای بهترین مؤمنین و نیز برای همه است.

۵۴ – حضور فرشتگان

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «اگر به بوستان های بهشت گذرتان افتاد، در آنها به گردش و تنعم بپردازید». عرض کردند: یا رسول اللَّه! بوستان های بهشت چیست؟ فرمود: «حلقه های ذکر، خداوند را کاروان هایی از فرشتگان است که در پی حلقه های ذکر می گردند. پس وقتی به آنها برسند پیرامونشان را می گیرند».(۳۷۵)

و امام صادق علیه السلام فرمود: «سه نفر به بالا از مؤمنین جمع نشوند، مگر اینکه به مثل آنها از فرشتگان حاضر گردند. پس اگر دعای خیر کنند، آمین گویند، و اگر از شرّی به خدا پناه ببرند، فرشتگان از خداوند می خواهند که آن شرّ را از آنان دور نماید و اگر حاجتی بخواهند، به درگاه الهی شفاعت کنند و قضای آن را تقاضا نمایند...».(۳۷۶)

بنابراین مجلسی که در آن برای حضرت قائم علیه السلام دعا شود، جایگاهی برای حضور فرشتگان گردد، و فرشتگان اهل آن مجالس را در دعا یاری می دهند.

۵۵ – مباهات خداوند متعال

امام صادق علیه السلام به داود بن سرحان فرمود: «ای داود! سلام مرا به دوستان و پیروانم برسان. و اینکه می گویم: خداوند رحمت کند بنده ای را که با دیگری جمع بشود پس امر ما را مذاکره نمایند که سومی آنان فرشته ای خواهد بود که برای آن دو طلب مغفرت کند، و هیچ گاه دو نفری بر یاد ما جمع نشوند مگر اینکه خدای تعالی به جهت [اجتماع]آنان به فرشتگانش مباهات می نماید. پس هرگاه اجتماع کردید به یادآوری و گفت و شنود امر ما بپردازید، که در جمع شدن و مذاکره شما احیای امر ما است و بهترین مردم بعد از ما کسی است که امر ما را مذاکره کند و به یاد ما دعوت نماید».(۳۷۷)

۵۶ – اطاعت اولی الأمر

امام صادق علیه السلام در مورد آیه: «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الأَمْرِ مِنْکُمْ»(۳۷۸) فرمود: «خصوص ما منظور هستیم».(۳۷۹)

و امام باقر علیه السلام درباره این آیه فرمود: « [اولی الأمر]امامان از فرزندان علی و فاطمه – علیهم السلام – تا روز قیامت». (۳۸۰)

بنابراین عمل به روایاتی که از امامان علیهم السلام در امر به دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام رسیده، اطاعت از اولی الأمر است. و اطاعت اولی الأمر بهترین چیزی است که بندگان به سوی خدا بدان تقرّب می جویند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «بهترین چیزی که بندگان به وسیله آن به خداوند تقرّب جویند، اطاعت خداوند و اطاعت فرستاده او و اطاعت اولی الأمر است».(۳۸۱)

۵۷ – خرسندی خداوند متعال و رسول او

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «هر کس مؤمنی را مسرور سازد، همانا مرا مسرور کرده،

وهرکس مرا مسرور کند، همانا خدا را مسرور نموده است».(۳۸۲)

بنابراین، این دعا از موجبات سرور و رضای الهی و رسول او است، زیرا که وقتی مؤمن در حقّ امام خود دعا کند امام خویش را مسرور نموده است، و خرسندی امام علیه السلام مایه سرور خدا و رسول اوست.

۵۸ – محبوب ترین اعمال

این دعا بهترین اعمال به سوی خدای تعالی است، زیرا موجب خوشحالی امام و پیشوای مؤمنین و افضل آنان می باشد. از رسول خداصلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود: «همانا محبوب ترین کارها نزد خداوند – عزّوجلّ – خوشی رساندن به مؤمنین می باشد».(۳۸۳)

۵۹ – حکومت در بهشت

امام باقر علیه السلام فرمود: «از جمله چیزهایی که خداوند – عزّوجلّ – با بنده اش موسی علیه السلام مناجات کرد این بود که فرمود: همانا بندگانی برای من هستند که بهشت خود را بر آنها مباح نمایم و در آن ایشان را حکومت دهم.

موسی گفت: پروردگارا! اینها کیانند که بهشت را بر آنها مباح نمایی و در آن حکومتشان دهی؟ فرمود: هرکس به مؤمنی خوشحالی برساند...».(۳۸۴)

۶۰ – به آسانی به حساب او رسیدگی می شود

امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی طولانی فرمود: «هنگامی که خداوند مؤمن را از قبرش برانگیزد، صورتی با او خارج شود که پیشاپیش وی راه رود، که هرگاه مؤمن یکی از اهوال قیامت را بنگرد، آن مثال به او گوید: هراسان و غمگین مباش، مژده باد تو را به خوشی و کرامت خداوند متعال، تا اینکه در پیشگاه خدا بایستد، پس به آسانی او را محاسبه نماید و به سوی بهشتش فرمان دهد، در حالی که آن صورت پیش روی اوست. مؤمن به آن گوید: خدا رحمت کند! چه خوب کسی بودی که از قبر همراهم درآمدی و همواره مرا به شادمانی و کرامت الهی مژده دادی تا آن را دیدم. پس از آن گوید: تو کیستی؟ می گوید: من همان شادمانی و سروری هستم که در دنیا بر برادر مؤمنت وارد کردی. خدای تعالی مرا از آن سرور آفرید تا تو را مژده دهم».(۳۸۵)

بدون تردید مولای ما صاحب الزمان و پدران بزرگوارش – علیهم السلام – بر اثر دعای مؤمن برای تعجیل ظهور و فرج مولا صاحب الزمان علیه السلام خوشحال و مسرور می شوند. بنابراین به نحو تامّی تمام آثاری که بر خرسند کردن مؤمنین مترتب است بر این دعای شریف مترتّب می گردد.

۶۱ – دعا در عصر غیبت بهتر از زمان ظهور امام علیه السلام است

امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا قسم! صدقه در سرّ از صدقه آشکارا بهتر است. همین طور به خدا قسم! عبادت شما در

پنهانی با امام پنهانتان در زمان دولت باطل و با ترس از دشمنتان و یا صلح با او بهتر است از کسی که خدا را در زمان ظهور حق با امام برحقّ ظاهر در دولت حق عبادت نماید. وعبادت توأم با ترس از

دولت باطل همچون عبادت و امنیت در دولت حق نیست».(۳۸۶) شایـان ذکر اینکه دعا از بهترین ومهم ترین عبادت ها است، (۳۸۷) به خصوص دعا در حق صاحب الزمان علیه السلام.

۶۲ – دعای فرشتگان در حقّ او

امـام بـاقر علیه السـلام فرمود: «نزدیـک ترین دعـایی که زود به اجـابت برسـد دعای برادر دینی برای برادر خویش در غیاب او است، اینکه با دعا برای برادرش آغاز کنـد، پس فرشـته ای که موکل بر او است بگویـد: آمین و برای تو دو چنـدان آن باشد». (۳۸۸)

و نیز حضـرت سیّد الساجدین علیه السلام فرمود: «همانا فرشتگان اگر بشنوند که مؤمن برای برادر مؤمنش در غیاب او دعا می کنـد یـا به خوبی یادش می نمایـد، گوینـد: خوب برادری هستی برای برادرت، برایش به نیکی دعا می کنی در حالی که از تو غایب است، و از او به خوبی یاد می آوری، خـدای - عزّوجلّ - دو برابر آنچه برایش خواستی به تو عنایت فرماید، و دوچندان که او را به نیکی یاد کردی بر تو ثنا گوید...».(۳۸۹)

۶۳ – دعای حضرت سجّادعلیه السلام برای دعا کنندگان

امام سـجّادعلیه السـلام در دعای روز عرفه پس از دعا کردن درباره مولایمان صاحب الزمان علیه السلام چنین دعا کرده است: «بارالهـا! درود و صـلوات فرست بر دوسـتان، آنـان که مقامشان را اعتراف دارنـد و از روش ایشان تبعیت نماینـد، و از آثارشان پیروی کننـد، و به آنـان دست یابنـد، و به ولایتشـان تمسّـک جوینـد، و به امامتشـان اقتـدا کننـد، و تسـلیم امرشان باشـند، و در اطاعتشان کوشـش نماینـد، و منتظر روزگار حکومتشان باشـند، و دیـده ها به سوی ایشان بدوزند، صـلوات های مبارک پاکیزه نمو کننده در هر صـبح و شام، بر آنان و ارواح ایشان سـلام فرست، و امرشان را بر تقوی جمع گردان، و وضـعشان را به سامان برسان، و توبه ایشان را بپذیر که تویی توبه پذیر و مهربان، و بهترین آمرزندگان، و ما را در دارالسـلام (سـرای سلامت بهشت) با آنان قرار ده، به رحمت

خودت ای مهربان ترین مهربانان».

و البته هرگاه مؤمن برای تعجیل فرج مولایش دعا کند، از مصادیق یاد شدگان در این دعا می شود، و این دعا درباره اش به اجابت می رسد.

۶۴ – تمسّک به ثقلین

از امیر المؤمنین علی علیه السلام درباره معنی فرموده رسول خداصلی الله علیه وآله: «إِنِّی مُخَلِّفٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ کِتابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِی»؛ من در میان شما ثقلین – دو شی ء نفیس – را ترک می گویم، کتاب خدا و عترتم را. سؤال شد: عترت پیامبر کیانند؟ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «من و حسن و حسین و امامان نه گانه از فرزندان حسین، نهمین مهدی و قائم ایشان است. از کتاب خداوند جدا نشوند و آن نیز از ایشان جدا نشود تا اینکه بر کنار حوض (کوثر) بر رسول خداصلی الله علیه وآله باز گردند».

تمسّک به عترت با متابعت از ایشان حاصل می گردد، و چون دعا کردن برای تعجیل ظهور حضرت صاحب الزمان – عجّل اللَّه فرجه الشریف – متابعت با زبان از ایشان است و از اعتقاد به آنان و ثابت بودن بر آن سرچشمه می گیرد، بنابراین دعا کننده از مصادیق متمسّک به ثقلین است.

۶۵ – چنگ زدن به ریسمان الهی

از امام صادق علیه السلام روایت آمده که فرمود: «ماییم ریسمان خداوند، که خدای تعالی فرموده: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِیعاً وَلا تَفَرَّقُوا»(۳۹۰)».(۳۹۱)

۶۶ – کمال ایمان

نظر به اینکه دعا برای تعجیل فرج حضرت ولی عصر – ارواحنا له الفداء – اظهر محبّت زبانی نسبت به امیر مؤمنان علیه السلام است، مایه کمال ایمان می باشد. در روایات متعدّدی آمده است: هر کس آن حضرت را به زبان دوست بدارد، یک سوم ایمان در او کامل می گردد.(۳۹۲)

و نیز امام رضاعلیه السلام از جدّ بزرگوارش علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «برادرم رسول خداصلی الله علیه وآله به من فرمود: هر کس دوست دارد خدای – عزّوجلّ – را در حالی ملاقات کند که به او روی نموده و از او اعراض نکرده باشد، باید ولایت علی را دارا شود،... (تا جایی که فرمود:) و هر کس دوست می دارد خدای – عزّوجلّ – را در حالی ملاقات کند که ایمانش کامل و اسلامش نیکو باشد، ولای حجّت صاحب الزمان منتظَر را پیشه کند...».(۳۹۳) مراد از تولّی هر یک از امامان علیهم السلام – که در این حدیث آمده – اظهار محبّت نسبت به ایشان می باشد، و تردیدی نیست که دعا از مصادیق بارز اظهار محبت است.

۶۷ – ثواب عبادت کنندگان

رسول اکرم صلی الله علیه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «همانا مثل تو همچون «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» است، هر کس آن را یک بار بخواند، مانند آن است که یک سوم قرآن را خوانده باشد، و هر کس آن را دو بار بخواند مثل این است که دو سوم قرآن را خوانده باشد، و هر کس آن را سه بار بخواند، مانند کسی است که تمام قرآن را خوانده باشد. تو نیز چنین هستی که هر کس در دل دوستت بدارد، یک سوم ثواب بندگان را خواهد داشت،

و هر کس به دل و زبانش دوستت بدارد، دو سوم ثواب بندگان را خواهد داشت، و هر کس به دل و زبان و دستش دوستت بدارد، ثواب تمام بندگان را خواهد داشت».

بنابر این حدیث، هر کس به خاطر محبّت نسبت به امیرمؤمنان علیه السلام، برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام درخواست یاری و فرج کند و دست هایش را به سوی آسمان بردارد و از خداوند این حاجت بزرگ را تقاضا نماید، از مصادیق دوست داران امیر المؤمنین علیه السلام است و دوستی آن حضرت را با دست و زبان ابراز می دارد.

۶۸ – ثواب شهادت در رکاب رسول خداصلی الله علیه وآله و زیر پرچم قائم علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود: «آنکه از شما این امر را شناخته و منتظر آن باشد و خوبی را در آن ببیند، مانند کسی است که به خدا قسم در رکاب قائم آل محمد – علیهم السلام – با شمشیر خود جهاد کرده باشد». سپس فرمود: «بلکه واللَّه مثل کسی است که در خدمت رسول خداصلی الله علیه وآله با شمشیرش جهاد کرده باشد». و بار سوم فرمود: «بلکه به خدا قسم همچون کسی است که در خیمه رسول خداصلی الله علیه وآله شهید شده باشد».

۶۹ – ثواب گرامی داشت و ادای حقّ عالم

امیر المؤمنین علیه السلام در بیان حقّ عالم فرمود: «باید در حضور و غیاب، احترام او حفظ شود و حقّ او شناخته گردد، که عالم از روزه داری که شب ها را به عبادت به سر برد و در راه خدا جهاد کند أجرش بیشتر است».

بنابراین چون دعا کردن حفظ حرمت آن حضرت است در حضور و غیاب، بر مؤمن لازم است که به آن اهتمام ورزد.

۷۰ – محشور شدن در زمره امامان علیهم السلام

حضرت سیّد الشهداءعلیه السلام در شب عاشورا فرمود: «به تحقیق که جدّم خبر داد که فرزندم حسین علیه السلام در طفّ کربلا غریب، تنها و تشنه کشته خواهد شد، پس هرکس او را یاری کند، مرا یاری کرده و فرزندش قائم علیه السلام را یاری نموده و هرکس به زبانش ما را یاری کند روز قیامت در حزب ما خواهد بود».

۷۱ – بالا رفتن درجات در بهشت

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «اگر می خواهید محمد و علی – علیهما السلام – نزد خداوند منزلت های شما را والا سازند، پس شیعیان محمد و علی – علیهما السلام – را دوست بدارید و در برآوردن حوائج مؤمنین جدّیت نمایید...» [تا آنجا که فرمود:]هر کدام که محبتش نسبت به شیعه بیشتر و در ادای حقوق برادران مؤمن پیش قدم تر بوده، درجاتش در بهشت بالاتر خواهد بود، تا آنجا که در بین آنان کسی باشد که از دیگری به مقدار پانصد سال راه در کاخ ها و بهشت های بالاتری قرار گیرد».(۳۹۴)

و مخفی نیست که دعا برای امام زمان علیه السلام ادای قسمتی از حقوق زیاد آن حضرت است.

۷۲ – ایمنی از سختی حساب قیامت

زیرا ایـن دعـا صـله رحم آل محمـدعلیهم السـلام می باشـد، و خـدای تعـالی فرمـوده: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مـاأَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخـافُونَ سُوءَ الحِسابِ»(۳۹۵)؛ و آنـان کـه به پیونـدی که خداونـد به آن أمر فرمـوده می پیوندنـد و از عـذاب پروردگارشان و سختی حساب می ترسند.

عمر بن مریم گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَالَّذينَ يَصِلُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ» سؤال کردم. فرمود: «از جمله آن، صله رحم است و نهایت تأویل آن این که با ما پیوند داشته باشی».

۷۳ – رستگاری به عالی ترین درجات شهدا

حضـرت موسـی بن جعفرعلیهما السـلام فرمود: «از برترین درجه داران شـهدا در روز قیامت، کسی است که خدا و رسول او را در غیاب یاری نموده و از خدا و رسولش دفاع کرده باشد».

۷۴ – رستگاری به شفاعت صدّیقه کبری علیها السلام

پیغمبرصلی الله علیه وآله ضمن حدیثی طولانی فرمود: «... جبرئیل می گوید: ای فاطمه! حاجات خود را بخواه، پس می گویی: خدایا! شیعیانم. خدای تعالی خواهد فرمود: آنان را آمرزیدم. پس می گویی پروردگارا! شیعیان فرزندانم. خداوند فرماید: البته آنان را آمرزیدم. پس خواهی گفت: پروردگارا! پیروان شـیعیانم. آنگاه خداوند خواهد فرمود: برو! هرکس به تو پناه جسته، با تو در بهشت باشد. در آن هنگام است که خلایق آرزو کنند کاش که فاطمی می بودند».

بدون تردید دعا درباره صاحب الزمان علیه السـلام از واضح ترین اقسام پناه جسـتن به سیده زنان است، اضافه بر اینکه از نشانه های تشیّع و محبت می باشد.

۷۵ – ثواب احسان به مولا صاحب الزمان علیه السلام

این مطلب به چند وجه قابل بیان است:

اوّل: دعا، تعظیم و گرامی داشت افراد و از اقسام احسان و نیکی است.

دوم: دعـا کردن در تعجیل فرج و ظهور، تأثیر و مـدخلیت دارد، لـذا اهتمام ورزیـدن به تمام آنچه در این امر عظیم مؤثّر است، احسان به مولای خائف و غائب از نظرمان می باشد.

سوم: این دعـا، اطـاعت از امر آن حضـرت است، و فرمان برداری نسـبت به مولا، به هرگونه که باشـد، احسان به او است. بلکه دعا برای آن حضـرت احسان به خاتم انبیا و امامان معصوم و تمام پیغمبران و رسولان – علیهم السـلام – و همه مؤمنان است. و نظر به اینکه دعـا در پیش افتـادن فرج و ظهـور مؤثّر است، بنـابراین در روا شـدن حـاجت ایشـان نیز مـدخلیت دارد. زیرا تمـام حوایج ایشان در گرو اسـتجابت این دعا است. بنابراین تمام ثواب ها و نتایجی که در روایات برای برآوردن حاجت مؤمن ذکر

شده، بر دعا برای تعجیل فرج مولا حضرت صاحب الزمان علیه السلام به نحو اتمّ و اکمل

مترتب می باشد. به همین مناسبت اموری که در روایات برای برآوردن حاجت مؤمن ذکر شده در ذیل می آوریم:

الف) ثواب حجّ و عمره و اعتکاف و روزه دو ماه

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس که در برآوردن حاجت برادر مسلمان خود گام بردارد و در آن جدّیت کند، و خداوند برآورده شدن آن حاجت را به دست او قرار دهد، خدای - عزّوجلّ - برایش ثواب یک حج و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام و روزه آنها را می نویسد، و اگر در آن تلاش کند ولی خداوند برآورده شدن آن حاجت را بر دست او قرار ندهد، خدای - عزّوجلّ - ثواب یک حج و یک عمره برای او خواهد نوشت».(۳۹۶)

ب) قبول شدن شفاعت و روا شدن هزار حاجت او در قیامت

امام صادق علیه السلام به مفضّل فرمود: «ای مفضّل! بشنو چه می گویم و بدان حقّ است و آن را انجام ده و برادران بزرگوارت را از آن خبر کن».

عرض کردم: فدایت شوم برادران بزرگوارم کیانند؟ فرمود: «آنان که در رواساختن حوایج برادران خود راغب هستند». سپس فرمود: «و هر کس برای برادر مؤمن خود حاجتی روا سازد، خداوند برای او روز قیامت صد هزار حاجت برآورده سازد، از جمله اوّلین آنها بهشت است و اینکه خویشاوندان و آشنایان و برادرانش را - به شرط اینکه ناصبی نباشند - داخل بهشت گرداند ...».(۳۹۷)

ج) ثواب ده طواف خانه کعبه

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس هفت شوط خانه کعبه را طواف کند، خداوند برایش شش هزار حسنه می نویسد و شش هزار سیّئه از او محو می سازد».

سپس فرمود: «برآوردن حاجت مؤمن

بهتر است از طوافی و طواف دیگر، تا ده طواف برشمرد».(۳۹۸)

د) ثواب آزاد کردن بردگان

امام صادق علیه السلام فرمود: «برای من گام برداشتن در راه حاجت برادر مسلمانم خوش تر است که هزار برده آزاد کنم و هزار اسب زین و لجام کرده فرستم».(۳۹۹)

ه) حمایت هفتاد و پنج هزار فرشته

امام باقر علیه السلام فرمود: «هرکس درراه رواساختن حاجت برادر مسلمانش قدم بردارد، خداوند او را با هفتاد و پنج هزار فرشته سایه می دهد، و هیچ گامی بر نمی دارد مگر اینکه به خاطر آن حسنه ای برایش نوشته شود و گناهی از او دور گردد و درجه ای بالاـ رود، پس هرگاه از انجام حاجت او فراغت یافت، خدای - عزّوجلّ - برای او به خاطر آن، پاداش یک حج و یک عمره می نویسد».(۴۰۰)

و) ثواب هزار سال خدمت پروردگار

از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «هرکه در جهت روا ساختن حاجت برادر مؤمن خویش که رضای خدای - عزّوجلّ - در آن باشد و برای او مصلحتی در آن هست، تلاش کند، مثل آن است که خدای - عزّوجلّ - را هزار سال خدمت کرده که یک چشم برهم زدن در معصیت او نیفتاده باشد».(۴۰۱)

ز) ثواب نُه هزار سال نماز و روزه

میمون بن مهران گوید: در محضر مولایم حضرت حسن بن علی علیهما السلام بودم که مردی آمد و عرضه داشت: ای پسر رسول خداصلی الله علیه وآله! فلانی از من پولی طلب کار است و می خواهد مرا زندان کند. فرمود: «به خدا سوگند! مالی ندارم که از سوی تو بپردازم».

عرضه داشت: پس با او سخن بگو. فرمود: «من که با او

دوستی و انسی ندارم، لیکن از پدرم شنیدم از جدّم رسول خداصلی الله علیه وآله حدیث گفت که آن جناب فرمود: هر کس در روا ساختن حاجت برادر مؤمن خود سعی کند، چنان است که نه هزار سال خداوند را عبادت کرده، روزها روزه دار و شب ها به نماز اشتغال داشته باشد».(۴۰۲)

بخش ششم: اوقات و حالات تأکید شده برای دعا

اوقات و حالات تأکید شده برای دعا

در این بخش مواردی که دعا برای حضرت صاحب الزمان علیه السلام و درخواست ظهور آن جناب از درگاه خداوند، در آن وقت سفارش و تأکید بیشتری شده، و از آیات و روایات و دلیل عقل، شواهدی بر آنها هست، بیان می شود:

۱ - بعد از هر نماز واجب

امام صادق علیه السلام فرمود: «از جمله حقوق ما بر شیعیان این است که بعد از فریضه، دست بر چانه بگیرند و سه مرتبه بگویند: «یا رَبَّ مُحَمَّدٍ! عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، یا رَبَّ مُحَمَّدٍ! احْفَظْ غَیْبَهَ مُحَمَّدٍ، یا رَبَّ مُحَمَّدٍ! انْتَقِمْ لاِبْنَهِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»(۴۰۳)؛ ای پروردگار محمد! فرجِ آل محمدعلیهم السلام را زودتر گردان. ای پروردگار محمد! [دینت را در]پنهانی محمدصلی الله علیه وآله حفظ کن. ای پروردگار محمد! برای دختر محمد - علیها السلام - انتقام بگیر.

جمیل بن درّاج گوید: مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: ای آقای من! سنّم بالا رفته و خویشانم مرده اند، و من می ترسم که مرگ مرا دریابد در حالی که کسی را نداشته باشم، تا با او انس بگیرم و به او مراجعه نمایم.

امام علیه السلام فرمود: «از برادران ایمانی تو کسی هست که از قرابت نسب یا سبب به تو نزدیک تر است، و انس تو به او از انس به خویشانت بیشتر است، با این حال بر تو باد دعا، و اینکه پس از هر نماز بگویی: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اَللَّهُمَّ إِنَّ الصّادِقَ الأَمِینَ علیه السلام قالَ: إِنَّکَ قُلْتَ: ما تَرَدَّدْتُ فِی شَیْ ءٍ أَنَا فاعِلُهُ کَتَرَدُّدِی فِی قَبْضِ رُوحِ عَبْدِیَ المُؤْمِنِ یَکْرَهُ المَوْتَ وَأَکْرَهُ مَس آئَتَهُ. اَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ لِأَوْلِی آئِکَ الفَرَجَ وَالنَّصْرَ وَالعافِیَهَ وَلا تَسُؤْنِی فِی

نَفْسِی وَلا فِی أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِی» و اگر خواهی یک یک بستگانت را نام ببر، و یا به طور پراکنده یا همه را یک جا یاد کن». آن مرد می گوید: به خدا قسم! آن قدر عمر کردم تا اینکه از زندگی خسته شدم.

ابومحمد هارون بن موسی گوید: محمد بن الحسن بن شمون بصری این دعا را می خواند و صد و بیست و هشت سال با فراخی عمر کرد. تا از زندگی ملول شد و این دعا را ترک کرد، سپس از دنیا رفت، خدایش رحمت کند.(۴۰۴)

تذکّر: سرّ مطلب [تاکید بر دعا بعد از نماز]در این است که حقیقت عبادت و اصل آن و شرط قبولی اش معرفت امام علیه السلام و دوستی او است، پس لازم است که مؤمن بعد از هر نماز، حقیقت ایمان خود و راستی ولایش را نسبت به مولایش ابراز دارد، و با دعا برای او و تقاضای تعجیل فرجش از درگاه خدای عزّ و جلّ ارادتش را اظهار نماید، تا نمازش با سبب قبولی مقترن گردد.

۲ - بعد از نماز ظهر

از اوقاتی که دعا برای تعجیل فرج مولا صاحب الزمان - عجّل اللّه فرجه الشریف - تأکید بیشتری دارد، بعد از نماز ظهر است. امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»، نمی میرد تا اینکه قائم علیه السلام را دیدار کند».(۴۰۵)

و نیز از عبّاد بن محمد روایت شده که گفت: بر امام صادق علیه السلام در مدینه وارد شدم، هنگامی که از نماز واجب ظهر فراغت یافت، در حالی که دست هایش را به سمت آسمان بلند کرده بود، می گفت: «أَیْ سامِعَ کُلِّ صَوْتٍ، أَیْ جامِعَ

كُلِّ فَوْتٍ، أَیْ بارِئَ کُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ المَوْتِ، أَیْ باعِثُ، أَیْ وارِثُ، أَیْ سَیِّدَ السّاداتِ، أَیْ إِلهَ الآلِهَهِ، أَیْ جَبّارَ الجَبابِرَهِ، أَیْ مالِکَ (مَلِکَ) الدُّنْیا وَالآخِرَهِ، أَیْ رَبَّ الأَرْبابِ، أَیْ مَلِکَ المُلُوکِ، أَیْ بَطّاشُ، أَیْ ذَا البَطْشِ الشَّدیدِ، أَیْ فَعّالاً لِما یُریدُ، أَیْ مُحْصِیَ عَدَدَ الأَنْفاسِ وَنَقْلَ الأَقْدام، أَیْ مَنِ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلانِیَهٌ، أَیْ مُبْدِئُ، أَیْ مُعِیدُ! أَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ عَلی خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِی أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلی نَفْسِکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ وَأَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ السّاعَهَ بِفَکاکِ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ وَأَنْجِزْ لِوَلِیِّکَ وَابْنِ نَبِیِّکَ الدّاعِی إِلَیْکَ بِإِذْنِکَ وَأَمِینِکَ فِی خَلْقِکَ وَعَیْنِکَ فِی عِبادِکَ وَحُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ عَلَیْهِ صَلَواتُکَ وَبَرَکاتُکَ وَعْدَهُ، اَللَّهُمَّ أَیِّدْهُ بِنَصْرِکَ وَانْصُرْ عَبْدَکَ وَقَوِّ أَصْحابَهُ وَصَبِّرْهُمْ وَافْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصِیراً وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَمْکِنْهُ مِنْ أَعْدآئِکَ وَأَعْدآءِ رَسُولِکَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ»(۴۰۶)؛

راوی گفت: فدایت شوم! آیا چنین نیست که برای خودت دعا کردی؟ فرمود: «برای نور آل محمدعلیهم السلام و سابق ایشان و انتقام گیرنده از دشمنانشان به امر خداوند، دعا کردم». عرضه داشتم: خداوند مرا فدایت سازد، چه هنگام خروجش خواهد شد؟ فرمود: «هرگاه کسی که خلق و امر به دست او است (خدا) بخواهد».

۳ – بعد از نماز عصر

سومین وقتی که دعا برای تعجیل فرج حضرت صاحب الامر – عجّل اللّه فرجه الشریف – تأکید شده بعد از نماز عصر است.

یحیی بن الفضل نوفلی گوید: بر حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام وارد شدم، هنگامی که نماز عصر را پایان داده بود، آن گاه دست هایش را به سوی آسمان بلند کرد و شنیدم که می گفت: «أَنْتَ اللّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ الأَوَّلُ وَالآخِرُ وَالظّاهِرُ وَالباطِنُ، وَأَنْتَ اللّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ إِلَیْکَ زِیادَهُ الأَشْیآءِ

وَنُقْصانُها، وَأَنْتَ اللَّهُ لا ـ إِلهَ إِلّا أَنْتَ خَلَقْتَ الخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَلا ـ حاجَةٍ إِلَيْهِمْ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ مِنْكَ المَشِيَّةُ وَإِلَيْكَ البَدْءُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ قَبْلَ القَبْلِ وَخالِقَ القَبْلِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ بَعْدَ البَعْدِ وَخالِقَ البَعْدِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ تَمْحُو ما تَشاءُ وَتُثْبِتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الكِتابِ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ غايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَوارِثُهُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ لا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَلَا الجَلِيلُ، وَأَنْتَ اللَّهُ لا ـ إِلهَ إِلّا أَنْتَ لا تَخْفى عَلَيْكَ اللُّغاتُ وَلا تَتَشابَهُ عَلَيْكَ الأَصْواتُ، كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ لا ـ يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عالِمُ الغَيْبِ وَأَخْفى، دَيّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الأُمُورِ، باعِثُ مَنْ فِي القُبُورِ، مُحْيِي العِظامِ وَهِيَ رَمِيمٌ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ المَكْنُونِ اَلْمَخْزُونِ الحَيِّ القَيُّومِ الَّذِي لا ـ يُخَيِّبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ المُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدآئِكَ وَأَنْجِزْ لَهُ ما وَعَدْتَهُ، يا ذَا الجَلالِ وَالإِكْرامِ»؛

راوی می گوید: عرض کردم: دعا برای چه کسی بود؟ فرمود: «او مهدی آل محمدعلیهم السلام است». سپس فرمود: «پدرم قربان آن فربه شکم، پیوسته ابرو، باریک ساق که شانه هایش پهن است، گندمگونی که با وجود آن از اثر شب زنده داری به زردی نیز آمیخته است، پدرم فدای کسی که شب خود را با رکوع و سجود به شمارش ستارگان می گذراند، پدرم قربان کسی که در راه خدا ملامت هیچ ملامت کننده ای بر او اثر نمی کند، چراغ تاریکی، پدرم فدای کسی باد که قائم به امر خداوند است».(۴۰۷)

۴ – بعد از نماز صبح

یکی دیگر از مواقعی که دعا برای تعجیل فرج تأکید بیشتری دارد، پس از نماز صبح است. در

تعقیب نماز صبح آمده : پس از نماز صبح پیش از آنکه حرفی بزند صدبار بگوید: «یا رَبِّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْتِقْ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ»؛ پروردگارا! بر محمد و آل او درود فرست و گشایش کار آل محمد را زودتر برسان و گردنم را از آتش [دوزخ]رهایی بخش.

۵ – در قنوت نمازها

سید اجل علی بن طاووس قدس سره در کتاب «مهج الدعوات» قنوت تعدادی از ائمه علیهم السلام را در مورد دعا برای تعجیل فرج حضرت ولی عصر – ارواحنا له الفداء – آورده است. که ما به ذکر قنوت حضرت حجّت علیه السلام اکتفا می نمائیم:

مولای عزیزمان حضرت حجّت علیه السلام در قنوت فرمود: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَکْرِمْ أَوْلِیآئَکَ بِإِنْجازِ وَعْدِکَ وَبَلِّغْهُمْ دَرْکَ ما یَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِکَ، وَاکْفُفْ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ الخِلافَ عَلَیْکَ وَتَمَرَّدَ بِمَنْعِکَ عَلی رُکُوبِ مُخالَفَتِکَ وَاسْتَعانَ بِرِفْدِکَ عَلی فَلِّ حَدِّکَ وَقَصَدَ لِکَیْدِکَ بِأَیْدِیکَ وَوَسِعْتَهُ حِلْماً لِتَأْخُذَهُ عَلی جَهْرَةٍ أَوْ تَسْتَأْصِلَهُ عَلی غِرَّةٍ، فَإِنَّکَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُکَ الحَقُّ: حَتّی إِذا أَخَذَتِ الأَرْضُ زُخْرُفَها وَازَّیَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ عَلَیْها أَتاها أَمْرُنا لَیْلاً أَوْ نَهاراً فَجَعَلْناها حَصِیداً کَأَنْ لَمْ تُغْنَ بِالأَمْسِ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الآیاتِ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ، وَقُلْتَ: فَلَمّا آسَفُونَا انْتَقَمْنا مِنْهُمْ وَإِنَّ الغایَةَ عِنْدَنا قَدْ تَناهَتْ وَإِنّا لِغَضَبِکَ غاضِبُونَ، وَإِنّا عَلی نَصْرِ الحَقِّ مُتَغاضِبُونَ، وَإِلی وُرُودِ أَمْرِکَ مُشْتاقُونَ، وَلِإِنْجازِ وَعْدِکَ مُرْتَقِبُونَ، وَلِحُلُولِ وَعِیدِکَ بِأَعْدآئِکَ مُتَوَقِّعُونَ. اَللَّهُمَّ فَأْذَنْ بِذلِکَ وَافْتَحْ طُرُقاتِهِ وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ وَوَطِّئْ مَسالِکَهُ وَاشْرَعْ شَرایِعَهُ وَأَیِّدْ جُنُودَهُ وَأَعْوانَهُ وَبادِرْ بَأْسَکَ القَوْمَ الظّالِمِینَ، وَابْسُطْ سَیْفَ نَقِمَتِکَ عَلی أَعْدآئِکَ المُعانِدِینَ، وَخُذْ بِالثّارِ إِنَّکَ جَوادٌ مَکّارٌ»؛ خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و اولیائت را با منجّز نمودن وعده ات گرامی بدار،

و آنها را به آنچه از یاری ات امید دارند برسان، و زیان کسانی را که برخلاف تو برخیزند از ایشان دور گردان، و اذیت کسی را که بر ممنوعیت ارتکاب مخالفتت سرکشی نموده و با کمک عنایات و نعمت های تو در صدد از هم گسستن حدّ تو برآمده و با همان نعمت های تو قصد نیرنگ با تو کرده از آنها بازدار، که تو او را با بردباری فرا گرفته ای تا او را آشکارا برگیری، یا در حالی که مغرور شده باشد از ریشه برآوری، که البتّه ای پروردگار! تو فرموده ای وفرموده ات حقّ است: «تا اینکه وقتی زمین سبزی و زینت به خود گرفت و اهل آن پنداشتند که بر آن توان دارند، امر ما در شب یا روز آن را فرا رسید، پس آن را درو کردیم انگار که دیروزش هیچ سبزه ای نداشته، این چنین آیات را برای قومی که اندیشه کنند تفصیل می دهیم» و نیز فرموده ای: «پس چون ما را به خشم آوردند، از آنها انتقام گرفتیم» و به راستی که آخرین فرصت نزد ما به سر آمده و ما برای خشم تو غضبناک هستیم، و ما بر یاری حق هم داستانیم و به آمدن فرمانت مشتاقیم و برای تحقّق یافتن وعده ات در انتظاریم و حلول عذابت را بر دشمنانت متوقّعیم. بار الها! پس در آن امر ما را اذن بده و راه هایش را بگشای و نحوه بیرون شدنش را آسان کن وزمینه های پیمودنش را فراهم ساز و راه های آیین هایش را بگشای و سپاهیان و یاورانش را تأیید فرمای و عذابت را به ستمگران زودتر برسان و شمشیر نقمتت را بر دشمنان معاندت بگستران و خونخواهی کن که تو بخشنده

بسیار مکر کننده ای.

۶ – در حال سجده

ششمین هنگامی که دعا برای تعجیل فَرَج تأکید بیشتری دارد، حالت سجده برای خدای متعال است، زیرا نزدیک ترین حالات به خدای قاضی الحاجات است، پس شایسته است که بنده درحال سجده مهم ترین حاجت ها را بخواهد و به آن اهتمام ورزد، به خصوص در سجده شکر به جهت توجه داشتن و ملتفت بودن به اینکه هر چه خداوند به ما نعمت بخشیده به برکت مولایمان صاحب الزمان علیه السلام است.

در کتاب «تحفه الابرار» در خصوص سجده شکر آمده: «اَللَّهُمَّ إلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَبِكَ اعْتَصَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اَللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَرَج آئِي فَاكْفِنِي ما أَهَمَّنِي وَما لَمْ يُهِمُّنِي وَما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، عَزَّ جارُكَ وَجَلَّ ثَن آؤُكَ وَلا إلهَ غَيْرُكَ، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ...»؛ پروردگارا! به سوی تو روی آوردم و به تو پیوستم و بر تو تکیه و اعتماد کردم. پروردگارا! تو پناه و امید منی، پس کفایت کن آنچه مرا اندوهگین ساخته و آنچه اندوهگین نساخته و آنچه تو بهتر از من، آن را می دانی. پناهنده به تو عزّت یافت وثنای تو والا است و هیچ خدایی جز تو نیست، بر محمد و آل محمدعلیهم السلام درود فرست و گشایش امر آنها را زودتر برسان... .

۷ – هر صبح و شام

در توقیع رسیده از ناحیه مقدّسه آن حضرت است که: «وَأَكْثِرُوا الدُّع آءَ بِتَعْجِيلِ الفَرَجِ»؛ و برای زودتر رسیدن فرج بسیار دعا کنید.

۸ – آخرین ساعت از هر روز

باید توجّه داشت که هر روز به دوازده قسمت تقسیم می شود و هر قسمت را یک ساعت نامیده اند که هر ساعت آن منسوب به یکی از امامان برحق علیهم السلام است، و به جهت توسّل و عرض حاجت به آن امامی که ساعت منسوب به او است دعای مخصوصی دارد، این دعاها در کتاب هایی که برای بیان اعمال شب و روز تألیف شده آمده، که ساعت آخر به امام عصر و پیشوای غایب از نظر – عجّل اللّه فرجه الشریف – اختصاص دارد و این دعا را برای آن ساعت ذکر کرده اند: «يا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنْ خَلْقِهِ...»(۴۰۸)؛ ای آنکه به خود از خلقش یگانه است!

۹ – روز پنج شنبه

سیّد ابن طاووس در کتاب «جمال الأسبوع» آورده: ... و از وظایف روز پنج شنبه اینکه مستحبّ است انسان بر پیغمبرصلی الله علیه وآله هزار بار صلوات بفرستد، و مستحبّ است که بگوید: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»؛ خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و گشایش امر حکومتشان را زودتر برسان.

وی افزوده: و در روایت دیگری است که صد بار می گویی که فضیلت بسیار دارد: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ

فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الجِنِّ وَالإِنْسِ مِنَ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ»؛ بار خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج آنها را زودتر برسان و دشمنانشان را از جنّ و انس از اوّلین و آخرین هلاک گردان.(۴۰۹)

۱۰ - شب جمعه

از جمله اعمال شب جمعه آن است که صد بار گفته شود: «اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَأَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ الجِنِّ وَالإِنْسِ مِنَ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِين».(۴۱۰)

۱۱ - روز جمعه

در تمام ساعت های آن به طور عموم و به خصوص پس از نماز صبح وهنگام ظهر و هنگام رفتن به مسجد و بعد از نماز عصر و در قنوت نماز ظهر آن روز و در قنوت نماز جمعه و در خطبه نماز جمعه و در آخرین ساعت روز جمعه، گواه بر آنچه گفتیم آن است که دعا برای آن حضرت در آن اوقات مخصوص، از امامان معصوم علیهم السلام وارد شده است.

تکمیل: بدان که روز جمعه از چند جهت به مولایمان حضرت حجّت علیه السلام اختصاص و انتساب دارد، که مقتضی اهتمام ورزیدن بیشتر در این روز به دعا کردن برای آن بزرگوار است.

اول: واقع شدن ولادت باسعادت آن حضرت در این روز.

دوم: در این روز مقام مقدّس امامت به او منتقل گردیده.

سوم: ظهور و آشکار شدن آن جناب در این روز واقع خواهد شد.

چهارم: در این روز بر دشمنانش پیروز می گردد.

پنجم: روزی است که خداوند آن حضرت را، به لقب قائم اختصاص داد.

۱۲ - روز نوروز

روز نوروز هم از جمله اوقاتی است که در آن، دعا برای آن حضرت علیه السلام و درخواست ظهور و فرجش از درگاه خداوند تأکید گردیده است، که در بحار(۴۱۱) و زاد المعاد(۴۱۲) مذکور می باشد.

۱۳ - روز عرفه

شاهد بر آن، دعای امام چهارمین حضرت سیّد الساجدین علیه السلام، و نیز دعای مولایمان امام صادق علیه السلام است. (۴۱۳)

۱۴ - روز عید فِطر و عید قربان

شاهد بر آن، دعایی است که هنگام مهیا شدن برای رفتن به نماز عید فطر یا قربان روایت شده است(۴۱۴). و نیز استحباب خواندن دعای ندبه در آن روز، بر این مطلب دلالت دارد.

از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «هیچ روز عید فطر و اضحی (قربان) نیست مگر اینکه اندوهی برای امامان علیهم السلام تجدید می گردد، چون که حقّ خود را در دست غصب کنندگان می بینند».(۴۱۵)

۱۵ – روز غدیر

شاهد بر تأکید دعا در روز غدیر، ورود آن به طور خاصّ در دعایی است که در کتاب های اقبال و زاد المعاد(۴۱۶) یاد شده، اوّل آن دعا چنین است: «اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَعَلِیٍّ وَلِیِّکَ وَالشَّأْنِ وَالقَدْرِ الَّذِی خَصَصْتَهُما بِهِ دُونَ خَلْقِکَ»؛ خدایا! به حقّ محمد پیامبرت و علی ولیّت و شأن و منزلتی که از بین خلایقت به آنها اختصاص داده ای از تو می خواهم... .

و در آخر آمده: «اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أهلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَاکْشِفْ عَنْهُمْ وَبِهِمْ عَنِ المُؤْمِنِینَ الکُرُباتِ. اَللّٰهُمَّ امْلَاءِ الأَرْضَ بِهِمْ عَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً وَأَنْجِزْ لَهُمْ ما وَعَدْتَهُمْ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ المِیعادَ»؛ خدایا! بر خاندان محمد پیامبرت فَرَج و گشایش دِه و از آنها و نیز از مؤمنین به سبب آنها محنت ها و غم ها را برطرف ساز، خداوندا! زمین را به وجود آنها پر از عدل کن چنان که از ظلم و جور پر شده است، و آنچه به ایشان وعده فرموده ای تحقق بخش، به درستی که تو خُلف وعده نمی کنی.

۱۶ – روز دحو الارض (گسترده شدن زمین)

روز بیست و پنجم ماه ذی القعده است، و دلیل بر اهتمام به دعا برای مولایمان صاحب الزمان علیه السلام در این روز دعایی است که در کتاب های «اقبال» و «زاد المعاد»(۴۱۷) نقل شده است.

۱۷ – شب و روز نیمه شعبان

زیرا میلاد مسعود حضرت صاحب الزمان علیه السلام است، پس شایسته است اهل ایمان در آن شب به دعاگویی برای آن جناب اشتغال ورزند، و در روایات هم آمده که در این شب دعاها مستجاب می شود. اضافه بر اینکه دعا کردن در شب و روز نیمه شعبان اقتدا کردن به آن حضرت و تأسی جستن به او است، که هنگامی که از مادر متولّد شد، سر به سجده نهاد و برای این امر دعا کرد: «اَللّٰهُمَّ أَنْجِزْ لِی وَعْدِی وَأَتْمِمْ لِی أَمْرِی وَثَبِّتْ وَطْأَتِی وَامْلَأِ الأَرْضَ بِی عَدْلاً وَقِسْطاً»؛ خداوندا! وعده ام را تحقّق بخش و امرم (قیامم) را تمام گردان و گامم را استوار ساز و زمین را به (ظهور) من پر از عدل و داد کن.

۱۸ – تمام ماه رمضان

شاهد بر آن، دعاهایی است که از ائمه معصومین علیهم السلام در ماه مبارک رمضان وارد شده است که بر متأمّل مخفی نیست. از جمله دعایی که در کتاب «اقبال» و «زاد المعاد» از امام چهارم سید العابدین علیه السلام روایت شده که اوّلش چنین است: «اَللّٰهُمَّ هذا شَهْرُ رَمَضانَ...» و در آن آمده: «أَسْأَلُکَ أَنْ تَنْصُرَ خَلِیفَهَ مُحَمَّدٍ وَوصِیَّ مُحَمَّدٍ وَالآقِمَ بِالقِسْطِ مِنْ أَوْصِیٰ آءِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ أَعْطِفْ عَلَیْهِمْ نَصْرَکَ...»؛ خدایا! این ماه رمضان است... از تو می خواهم که جانشین محمد و

وصیّ محمـد و قیام کننده به عدالت از اوصـیاء محمد - که درودهایت بر او و ایشان باد - را یاری نمایی، یاری ات را بر آنان معطوف بدار.

و نیز از امامان علیهم السلام آمده که فرمودند: «این دعا را شب بیست و سوم ماه رمضان در حال سجده و برخاستن و نشستن و در هر حال تکرار می کنی، و

نیز هر قدر که می توانی و هرگاه که به یادت آمد در دوران زندگی ات، پس از حمد خدای تبارک و تعالی و درود بر پیغمبرصلی الله علیه وآله بگو: «اَللّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّکَ فُلانِ بْنَ فُلانٍ فِی هذِهِ السّاعَهِ وَفِی کُلِّ ساعَهٍ وَلِیّاً وَحافِظاً وَناصِراً وَدَلِیلاً وَق آئِداً وَعَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ أَرْضَکَ طَوْعاً وَتُمَتِّعَهُ فِیها طَوِیلاً»(۴۱۸)؛ خداوندا! برای ولیّ خودت فلان فرزند فلان(۴۱۹) در این ساعت و هر ساعت سرپرست و نگهدار و یاور و راهنما و پیشوا و مددکار باش، تا اینکه او را در زمین خویش (فرمانروای) مطاع گردانی و در آن دوران بهره مند سازی.

۱۹ – پس از گریستن از ترس خدای تعالی

منصور بن یونس بزرج گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم درباره کسی که در نماز واجب، خودش را به گریستن بزنند تا اینکه گریه کند [چه صورت دارد؟]فرمود: «به خدا سوگند! روشنی چشم است»، و فرمود: «اگر چنین حالی دست داد، مرا در آن حال یاد کن».

پوشیده نیست که این امر، به خاطر آن است که امام زمان او بود و بر وی حق داشت، پس برای هر مؤمنی شایسته است که این را نسبت به امام زمان خودش عمل کند، تا با دل و زبان، حقّ آن امام علیه السلام را ادا کرده باشد.

۲۰ – چهل روز مداومت به دعا برای فرج

امام صادق علیه السلام می فرمود: «چون اذیت و رنج بر بنی اسراییل به طول انجامید، چهل روز به درگاه خداوند ناله و گریه کردند، پس خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از دست فرعون خلاص کند، که صد و هفتاد سال آزار را از آنها کاست». سپس فرمود: «همچنین شما هم اگر انجام دهید البته خداوند بر ما گشایش خواهد داد، ولی اگر این گونه نباشید، این امر تا آخرین حدّ خود به طول خواهد انجامید».

مکان هایی که دعا در آنها بیشتر تأکید شده

همان طور که دعا برای تعجیل فرج مولایمان حضرت حجّت علیه السلام در زمان های مخصوصی تأکید شده، در جاهای معیّنی نیز مؤکّد است، یا از جهت تأسّی جستن و اقتدا کردن به آن حضرت علیه السلام و یا به خاطر روایت شدن آن از امامان بزرگوار. از جمله:

۱ – مسجد الحرام

عبد اللَّه حمیری گوید: از محمد بن عثمان عَمْری رحمه الله پرسیدم: آیا صاحب این امر را دیده ای؟ گفت: آری. و آخرین باری که او را

دیـدم کنار بیت اللّه الحرام بود، در حالی که می گفت: «اَللّهُمَّ أَنْجِزْ لِی ما وَعَدْتَنِی»؛ خداونـدا! وعـده ای را که به من داده ای، تحقّق بخش.

اضافه بر اینکه گمان مستجاب شدن دعا در آن مکان قوی است.

۲ – عرفات

از امام صادق علیه السلام روایت شده که در آنجا دعایی خوانده شود، این دعا در کتاب «زاد المعاد» مذکور است.

۳ – سرداب

یعنی سرداب غیبت در شهر سامرّا، و شاهد بر اهتمام به دعا در آن محل مقدّس، ادعیه و زیاراتی است که در کتب وارد شده.

۴ – حرم حضرت سید الشهداءعلیه السلام

از جمله جاهایی که دعا برای تعجیل فرج در آنها مؤکّد است، حرم مطهر مولای شـهید مظلوممان حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السـلام است. از امام صادق علیه السـلام درباره زیارت آن حضـرت علیه السلام آمده که فرمود: «پس از درود فرستادن بر حسین علیه السلام، بر همه امامان علیهم السلام درود می فرستی، همچنان که بر حسن و حسین علیهما السلام درود فرستادی، و می گویی: خداوندا! به واسطه آنها کلمات خویش را تمام گردان و وعده ات را به ایشان تحقق بخش...».(۴۲۰)

و در جای دیگر، از همان زیارت فرموده: «... سـپس گونه ات را بر آن بگذار و بگو: «اَللّهُمَّ رَبَّ الحُسَیْنِ اِشْفِ صَدْرَ الحُسَیْنِ. اَللّهُمَّ رَبَّ الحُسَیْنِ اُطْلُبْ بِدَمِ الحُسَیْنِ...»(۴۲۱)؛ خداوندا! ای پروردگار حسین! سینه حسین را شفا بده. خداوندا! ای پروردگار حسین! برای حسین خونخواهی کن.

۵ – حرم مولایمان حضرت رضاعلیه السلام

در «کامل الزیارات»(۴۲۲) روایت گردیـده که پس از درود فرسـتادن بر یکایـک امامـان علیهم السـلام آمـده: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی حُجَّتِکَ وَوَلِیِّکَ وَالآقِئمِ فِی خَلْقِکَ صَلوهً نامِیَهً باقِیَهً تُعَجِّلُ بِها فَرَجَهُ وَتَنْصُرُهُ بِها...»؛ خداوندا! بر حجّت و ولیّ

و قائم در خلقت درود فرست، درودی روزافزون و پایدار که به آن فرجش را زودتر کنی و به آن پیروزش گردانی.

۶ - حرم عسکریین علیهما السلام

در زیارتی که در همان کتاب(۴۲۳) برای ایشان روایت آمده: «اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِیِّکَ وَابْنَ وَلِیِّکَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنا مَعَ فَرَجِهِمْ یا أَرْحَمَ الرّاحِمِینَ»؛ پروردگارا! فرج و گشایش [امر حکومت]ولیّ ات و فرزند ولیّ ات را زودتر برسان و گشایش وضع ما را با فرجِ ایشان قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان.

۷ - جاهای منسوب به آن حضرت علیه السلام

اماکن شریف و مقدّسی که آن جناب در آنها توقف کرده و به آنجا قدم نهاده مانند حرم ائمه، مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه، مسجدجمکران و غیر آنها. چون شیوه اهل مودّت و عادت صاحبان محبت است که هر گاه جای درنگ و محلّ توقّف محبوب خویش را بنگرند، به یاد خوبی های او افتند و از فراقش متألّم شوند، و درباره اش دعا کنند، بلکه به محلّ توقّف و منزلگاه او مأنوس گردند.

بخش هفتم: چگونگی دعا برای تعجیل فرج امام عصرعلیه السلام

این بخش از کتاب مشتمل بر سه مقصد است:

در یادآوری مطالبی که سزاوار است پیش از شروع به مقصود توجّه داده شوند:

اوّل: دست یابی به تمام فواید، ثواب ها ونتایجی که در بخش پنجم یاد شده، متوقّف بر مداومت و بسیار دعا کردن برای تعجیل فرج مولایمان می باشد. زیرا قسمتی از فواید یاد شده، مترتّب بر امتثال و اطاعت فرمان مطاع آن حضرت در توقیع شریف گذشته است که: «وَأَکْثِرُوا الدُّع آءَ بِتَعْجِیلِ الفَرَجِ...».

دوم: شایسته و مؤکّد است که دعا کننده خودش را از آنچه مانع از قبولی عبادت است پاک نماید، و نَفْس خویش را از خوی ناپسند و رفتار زشت و کارهای ناروا تهذیب

کنـد، و از محبّت دنیای پست و تکبر و حسـد و غیبت و سـخن چینی و مانند آنها بپرهیزد، زیرا دعا بهترین عبادت های شـرعی است، به ویژه دعـا برای تعجیل فَرَج مولایمان حضـرت حجّت – عجّل اللّه فرجه الشـریف – و خواسـتن ظهور وعافیت برای آن جناب. و می بایست نیّت شـخص در دعا از تمام آلایش های نفسانی و هواهای شـیطانی خالص باشد، زیرا خلوص نیّت از مهم ترین اموری است که رعایتش بر انسان واجب است.

سوم: کمـال ثواب هـا و مکـارم یـاد شـده، بسـتگی به تحصـیل تقوی دارد، به جهت فرموده خـدای تعـالی: «إِنَّمـا یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِینَ»(۴۲۴)؛ خداوند فقط از تقواپیشگان می پذیرد. و همان گونه که تقوی درجات و مراتب مختلفی دارد، پذیرش و قبولی نیز درجاتی دارد.

چهارم: دعا به آنچه از امام معصوم علیه السـلام روایت گردیده، بهتر و سـزاوارتر است. و شـرافت سـخن به شرافت گوینده آن بستگی دارد، و از همین روی گفته اند: سخن بزرگان، بزرگِ سخنان است.

پنجم: مسـتحبّ است در دعا برای تعجیل فرجِ حضرت خاتم الأوصیا امام زمان علیه السلام صدا بلند گردد، به ویژه در مجالسی که برای دعا فراهم شده باشد؛ زیرا نوعی از تعظیم شـعائر خداوند است: «وَمَنْ یُعَظِّمْ شَع آئِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ»(۴۲۵)؛ و هر آن کس که شـعائر خداونـد را تعظیم کنـد، همانا آن از تقوای دل ها است. و به جهت فرموده امام علیه السـلام در دعای ندبه: «إِلی مَتی أَحارُ فِیکَ یا مَوْلایَ وَإِلی مَتی»؛ تا کی برای تو ای سرورم با صدای بلند [دعا کنم و]استغاثه و زاری نمایم.

ششم: مستحب است که دعا کردن در حال اجتماع باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ گروه چهل نفری نیستند

که با هم جمع شونـد، پس به درگاه خدای - عزّوجلّ - درباره امری دعا کنند، مگر اینکه دعایشان مستجاب می گردد، و اگر چهل تن نباشـند، پس چهار نفر خداوند - عزّوجلّ - را ده بار بخوانند دعایشان مستجاب می شود، و اگر چهار نفر هم نباشند، پس هرگاه یک شخص چهل بار خداوند را بخواند، خدای عزیز جبّار دعایش را به اجابت می رساند».(۴۲۶)

هفتم: مستحبّ است که ثواب دعا برای آن حضرت علیه السلام را به مردگان هدیه کند. چون از امام صادق علیه السلام نقل شـده که فرمـود: «هرکس از مؤمنین عملی را از [طرف]مر......ای انجام دهـد، خداونـد دو برابر اجر آن را به او می دهـد و مرده هم به آن عمل متنعّم می گردد».(۴۲۷)

مقصد دوم

در چگونگی دعا برای تعجیل فرج و ظهور آن حضرت علیه السلام

اوّل: اینکه به صراحت از خدای تعالی این امر را مسألت نمایـد و به زبان فارسی یا عربی یا هر زبان دیگری تقاضایش را باز گویـد، مثل اینکه چنین دعا کنـد: «اَللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ مَوْلانا صاحِبَ الزَّمانِ علیه السلام»؛ بار خدایا! فرجِ مولای ما صاحب الزمان علیه السلام را زودتر برسان. یا بگوید: «عَجَّلَ اللَّهُ تَعالی فَرَجَهُ وَظُهُورَهُ»؛ خدای تعالی فرج و ظهور آن حضرت را تعجیل فرماید. یا اینکه درخواست نماید که موانع ظهور آن حضرت علیه السلام رفع و برطرف گردد. و شبیه آن.

دوم: اینکه بر دعـای کسی که چنین دعایی کنـد آمین بگویـد، چون واژه «آمین: مستجاب کن» نیز دعا است، و دعا کننـده و آمین گو، به طوری که در خبر آمده، هر دو در دعا شریکند.

مقصد سوم

در ذکر بعضی از دعاهای روایت شده از امامان علیهم

السلام

لازم به ذکر است دعاهایی که ذکر می شود، مؤلف محترم در کتاب خود ذکر نموده است، ولی ما به جهت اختصار به ذکر آدرس اکتفا می کنیم.

۱ - دعای صلوات: در کتاب الغیبه، از حضرت صاحب الامرعلیه السلام روایت شده و حکایتی طولانی دارد که به منظور رعایت اختصار آن را ترک کردیم.(۴۲۸)

۲ - دعای امام رضاعلیه السلام: از جمله دعاهایی که در این باب روایت شده دعایی است که سید بن طاووس رحمه الله روایت کرده، که اوّل آن دعا چنین است: «اَللّهُمَّ ادْفَعْ عَنْ وَلِیِّکَ وَخَلیفَتِکَ عَلی خَلْقِکَ...»(۴۲۹)؛ خداوندا! دور گردان هرگونه بلا را از ساحت ولیّ و خلیفه و حجّت بر مخلوقات... .

۳ - دعای عصر غیبت: شیخ صدوق رحمه الله این دعا را در کتاب خود آورده که اوّل دعا این است: «اَللّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ...»(۴۳۰)؛ بار الها! خودت را به من بشناسان... .

۴ - دعای قنوت: و از جمله دعاهای رسیده در طلب فرجِ مولایمان حضرت مهدی علیه السلام دعای قنوت است که از مولایمان امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده، که با این عبارات شروع می شود: «اَلحَمْدُ للّهِ شُکْراً لِنَعْم آئِهِ...»(۴۳۱)؛ حمد مخصوص خداوند است به جهت شکر نعمت هایش... .

۵ - دعای ندبه: از جمله دعاهای ارزنده ای که در این باب روایت شده دعای ندبه است، که در کتاب «زاد المعاد»(۴۳۲) از امام صادق علیه السلام روایت گردیده و خواندن آن در چهار عید - جمعه و فطر و قربان و غدیر - تأکید شده است.(۴۳۳)

۶ - دعای دیگر: و از دعاهای روایت شده، دعایی است که سید بن طاووس رحمه الله ضمن حدیثی که غیبت حضرت مهدی علیه السلام ذکر گردیده، چنین آورده: به امام علیه السلام

عرضه داشتم: شیعیان تو چه کار کنند؟ فرمود: «بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج کشیدن...» تا آنجا که راوی گوید: عرضه داشتم: چه دعایی بکنیم؟ فرمود: «می گویی: اَللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِی نَفْسَکَ وَعَرَّفْتَنِی رَسُولَکَ وَعَرَّفْتَنِی مَلآئِکَتَکَ وَعَرَّفْتَنِی نَبِیَّکَ وَعَرَّفْتَنِی وُلاةَ أَمْرِکَ. اَللَّهُمَّ لا آخُذُ إِلّا ما أَعْطَیْتَ وَلا أَوقِی إِلّا ما وَقَیْتَ. اَللَّهُمَّ لا تُغَیِّبْنِی عَنْ مَنازِلِ أَوْلِی آئِکَ وَلا تُزِغْ قَلْبِی بَعْدَ إِذْ هَدَیْتَنِی. اَللَّهُمَّ اهْدِنِی لِوِلایَهِ مَنِ افتَرَضْتَ طاعَتَهُ»؛ بار خدایا! تو خودت را به من شناساندی و فرستاده ات را به من معرفی فرمودی و فرشتگانت را به من شناساندی و پیغمبرت را به من شناساندی و والیان امرت را به من شناساندی. بار خدایا! من نمی پذیرم جز آنچه تو فرمایی و نپرهیزم جز از آنچه تو پرهیز داده ای. بار خدایا! از منازل دوستانت مرا دور مدار و دلم را پس از آنکه هدایتم کرده ای منحرف مگردان. خداوندا! به ولایت کسی که اطاعتش را بر من واجب ساخته ای، هدایتم فرمای.

و از دعاهای مهمّی که برای روا شدن حاجت روایت شده که مشتمل بر دعا برای تعجیل فرجِ آخرین امامان می باشد و توسّل به آن حضرت، برای دفع هر نوع گرفتاری است، دعایی است که حضرت صاحب الزمان علیه السلام به ابوالحسن محمد بن احمدرحمه الله، هنگامی که به مقابر قریش فرار کرده و از ترس کشته شدن به آن جا پناهنده شده بود، تعلیم فرمود، پس به برکت این دعا از کشته شدن نجات یافت. ابوالحسن گوید: آن حضرت علیه السلام به من آموخت که بگویم: «اَللَّهُمَّ عَظُمَ البَلآءُ وَبَرِحَ الخَفآءُ وَانْقَطَعَ الرَّجآءُ وَانْکَشَفَ الغِطآءُ وَضاقَتِ الأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمآءُ، وَإِلَیْکَ یا رَبِّ المُشْتَکی وَعَلَیْکَ المُعَوَّلُ

فِی الشِّدَّهِ وَالرَّخ آءِ. اَللّٰهُمَّ فَصِلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أولِی الأمْرِ الَّذِینَ فَرَضْتَ عَلَیْنا طاعَتَهُمْ فَعَرَّفْتَنا بِذلِکَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً کَلَمْحِ البَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ اِکْفِیانِی فَإنَّکُما کافِیایَ وَانْصُرانِی فَإنَّکُما ناصِرایَ، یا مَوْلایَ یا صاحِبَ الزَّمانِ الغَوثُ الغَوثُ الغَوثُ أَدْرِکْنِی أَدْرِکْنِی أَدْرِکْنِی».

بخش هشتم: تکالیف بندگان نسبت به آن حضرت علیه السلام

بخش هشتم: تکالیف بندگان نسبت به آن حضرت علیه السلام

۱ – تحصیل شناخت صفات و آداب و ویژگی های آن جناب

به دلیل عقلی و نقلی شناخت صفات و آداب امام علیه السلام لازم می باشد.

امّا به دلیل عقل: چون آن حضرت علیه السلام امامی است که اطاعتش فرض و واجب می باشد، و هر کس که اطاعتش واجب است باید صفاتش را شناخت، تا با شخص دیگری که مقام او را به دروغ و ستم مدّعی گردد اشتباه نشود، بنابراین شناخت و دانستن صفات مولایمان حضرت حجّت علیه السلام واجب است.

و امّا به دلیل نقل: حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام فرمود: «هرکس در چهار چیز شک کند، به تمام آنچه خدای – تبارک و تعالی – نازل فرموده کفر ورزیده است... یکی از آنها شناختن امام در هر زمان از جهت شخص و صفات او می باشد».

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «امام خودت را بشناس که اگر او را شناختی بر تو زیان نرساند که این امر پیش بیفتد یا تأخیر یابد».(۴۳۴)

توجّه: در آغاز این کتاب، بخشی را در مورد وجوب شناخت آن حضرت قرار دادیم، و در آنجا، منظور بیان وجوب شناخت شخص آن حضرت بود که باید نام و نسب شریفش را بشناسیم، و اینکه اعمال جز با معرفت امام علیه السلام تمام نمی گردد، و در اینجا مقصود، اثبات وجوب شناخت صفات و آداب آن جناب فی الجمله می باشد.

۲ – رعایت ادب نسبت به یاد او

یعنی مؤمن، آن حضرت علیه السلام را با القاب شریف مبارکش یاد کند، مانند: حجّت، قائم، مهدی، صاحب الامر، صاحب الزمان و غیر اینها، و تصریح به نام شریف اصلی آن حضرت که اسم رسول خداصلی الله علیه وآله «م ح م د» است، نکند. و علمای ما – رحمهم الله – در حکم نام بردن مولایمان حضرت

مهـدی علیه السـلام به نام اصـلی، اختلاف کرده انـد، بعضـی از آنها به طور کلّی - جز در حال تقیه - آن را جایز شـمرده اند، برخی به طور مطلق آن را ممنوع دانسـته اند، بعضـی به طور مطلق آن را حرام شـمرده اند مگر در دعاهای رسـیده از معصومین علیهم السلام، و برخی آن را جایز ولی مکروه دانسته اند.

بدون تردید شایسـته تر و محتاطانه تر آن است که آن حضرت علیه السلام با القاب شریفش یاد گردد و اسم معهود ذکر نشود، تـا از شـبهه مخـالفت بـا دسـتور شـرع خلاص شویم و نیز این خود، نوعی احترام و تعظیم امام است، بلکه این روش در سـخنان امامان و پیروان ایشان متداول بوده است.(۴۳۵)

۳ - محبّت او به طور خاصّ

در وجوب محبّت تمام ائمّه معصومین علیهم السـلام تردیدی نیست، و اینکه دوستی ایشان بخشی از ایمان و شرط قبولی اعمال است. و در این باره اخبار متواتری وجود دارد، ولی در اهتمام به محبّت مولا یمان حضرت حجّت علیه السلام خصوصیتی هست که سبب شده به طور خصوص به آن امر گردد و این از دو جهت است؛

اوّل: عقل

توضـیح اینکه: فطرت و سـرشت انسان بر محبّت کسـی که به او نیکی کند و یا واسـطه احسان به او باشد، ساخته شده است، از همین رو در حـدیث از تفسـیر امام علیه السـلام آمـده که: «خدای تعالی به موسـی وحی فرمود که مرا نزد خلقم محبوب کن و خلقم را نزد من محبوب گردان. موسی گفت: ای پروردگار! چگونه این کار را انجام دهم؟ فرمود: به آنان نعمت ها و بخشش های مرا یادآوری کن تا مرا دوست بدارند».

و رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «خداوند را به جهت آنچه از نعمت های خویش به شما می دهد

دوست بدارید و مرا به جهت دوستی خدای - عزّوجلّ - دوست بدارید و اهل بیتم را به خاطر دوستی من دوست بدارید».

از آنچه در بخش های این کتاب آوردیم، پاره ای از احسان مولایمان حضرت حجّت علیه السلام نسبت به ما و حقوقش بر ما دانسته شد و اینکه تمام آنچه از نعمت های فراوان و عناوین بی پایان خداوند ما را فرا گرفته به برکت مولایمان و به واسطه او است، پس عقل حکم می کند که او را دوست بداریم، بلکه فطرت ما بر محبّت او سرشته شده است.

دوم: نقل

از رسول خداصلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود: «خداوند تعالی در شب معراج به من وحی فرمود: ای محمد! چه کسی را در زمین بر امّتت جانشین کرده ای؟ - و حال آنکه او بهتر می دانست - گفتم: ای پروردگار! برادرم را. فرمود: علی بن ابی طالب را؟ گفتم: آری پروردگارا!. فرمود: ای محمد! من به زمین نظری افکندم، پس تو را از آن برگزیدم، پس من یاد نمی شوم تا اینکه تو با من یاد شوی، من محمود هستم و تو محمّد هستی. پس بار دیگر بر آن نظر افکندم و از آن علی بن ابی طالب را برگزیدم، پس او را جانشین تو قرار دادم، که تو سیّد پیغمبرانی و علی سیّد اوصیا و برای او اسمی از اسم هایم را قرار دادم که من اعلی هستم و او علی است.

ای محمد! اگر بنده ای از بندگانم آن قدر مرا پرستش نماید تا اینکه به هلاکت رسد، سپس در حالی که منکر ولایتتان باشد مرا ملاقات کند، او را به جهنم خواهم برد، سپس فرمود: ای محمد! آیا می خواهی آنان را ببینی؟ گفتم:

آری. فرمود: در پیش رویت بپاخیز. چون پیش رفتم، ناگاه دیدم علی بن ابی طالب را و حسن بن علی و حسین بن علی و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجّت قائم - : - که همچون ستاره درخشانی در میان آنها بود.

گفتم: ای پروردگار! اینان کیستند؟ فرمود: اینان امامان هستند و این قائم است، حلالم را حلال و حرامم را حرام می نماید و از دشمنانم انتقام می گیرد. ای محمد! او را دوست بدار، که من او را و دوست دارنده او را دوست دارم».

مؤلف گوید: این حدیث دلالت دارد بر اینکه در محبّت آن حضرت ویژگی ای هست که مقتضی امر مخصوص از سوی خداوند گردیده، با اینکه محبّت همه امامان علیهم السلام واجب است و سرّ این مطلب چند چیز است، ازجمله؛

۱. محبّت و شناخت آن حضرت از محبّت و معرفت امامان دیگرعلیهم السلام جدا نمی گردد، ولی عکس آن چنین نیست (یعنی ممکن است کسی نسبت به امامان دیگر محبّت و معرفت داشته باشد، ولی نسبت به آن حضرت معرفت و محبّت نداشته باشد).

۲. چیره شدن دین و غالب گردیدن مسلمین بر کافرین به دست آن حضرت و با ظهور آن جناب به طور کامل انجام می گردد، و این چیزی است که موجب محبّت آن حضرت به طور خاصّ می باشد.

۴ – محبوب نمودن او در میان مردم

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند رحمت کند بنده ای که ما را نزد مردم محبوب نماید و ما را در معرض دشمنی و کینه توزی آنان قرار ندهد. همانا به

خدا سوگند! اگر سخنان ما را برای مردم روایت می کردند، به سبب آنان عزیزتر می شدند».(۴۳۶)

و نیز از آن حضرت آمده که فرمود: «خداوند رحمت کند بنده ای را که مودّت مردم را به سوی ما کشاند و به آنچه می شناسند، با آنان سخن بگوید و آنچه را منکرند، واگذارد».(۴۳۷)

۵ – انتظار فرج و ظهور آن حضرت علیه السلام

سخن در این باره در چند مبحث واقع می شود؛

مبحث اوّل: فضیلت انتظار و ثواب منتظِر

روایات بسیاری بر فضیلت انتظار دلالت دارد، از جمله؛

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس از شما بر این امر در حال انتظار آن بمیرد، همچون کسی است که در خیمه قائم علیه السلام بوده باشد».(۴۳۸)

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «خوشا به حال کسی که درک کند قائم اهل بیت مرا در حالی که هنگام غیبت و پیش از قیامش به او اقتدا کند و دوستانش را دوست بدارد و از دشمنانش بیزاری جوید، که او از همراهان و دوستان و گرامی ترین امّتم در روز قیامت خواهد بود».(۴۳۹)

۳. امام صادق، از پدرانش – علیهم السلام – نقل می کند که فرمودند: «منتظر امر (حکومت) ما بسان آن است که در راه خدا در خون غلتیده باشد».(۴۴۰)

و در این باره همین بس که حضرت سید الساجدین علیه السلام در دعای عرفه بر منتظران درود فرستاده و برای آنان دعا کرده است.

مبحث دوم: در وجوب انتظار حضرت قائم علیه السلام بر همه افراد

اسماعیل جعفی گوید: مردی بر امام باقر علیه السلام وارد شد و صفحه ای در دست داشت، امام باقر علیه السلام به او فرمود: «این نوشته مناظره کننده ای است که پرسش دارد از دینی که عمل در آن مورد قبول است». عرض کرد: رحمت خداوند بر

تـو بـاد! همین را خواسـته ام. امـام بـاقر علیه السـلام فرمود: «گواهی دادن به اینکه هیـچ معبود حقّی جز خداونـد نیست و اینکه محمـد بنـده و رسول او است و اینکه اقرار کنی به آنچه از سوی خداونـد آمـده و ولایـت مـا خانـدان و بیزاری از دشـمنمان و تسلیم به امر ما و پرهیزکاری و فروتنی و انتظار قائم ما، که ما را دولتی است که هر وقت خداوند بخواهد آن را خواهد آورد». (۴۴۱)

مبحث سوم: معنی انتظاری که در این اخبار به آن امر گردیده است

انتظـار، حالتی است نفسانی که آمادگی برای آنچه انتظارش را می کشـیم، از آن بر می آیـد و ضـدّ آن یأس و ناامیـدی است، پس هرقـدر که انتظـار شدیـدتر باشـد، آمادگی و مهیّا شـدن قوی تر خواهـد بود، بنابراین مؤمنی که منتظر آمـدن مولایش می باشد، هرقدر که انتظارش شدیدتر است، تلاشش در آمادگی برای آن به وسیله پرهیز از گناه و کوشش در راه تهذیب نفس و پاکیزه کردن درون از صفات نکوهیده و به دست آوردن خوی های پسندیده بیشتر می گردد، تا به فیض دیدار مولای خویش و مشاهـده جمال انورش در زمان غیبتش رسـتگار شود، همچنان که برای عده بسـیاری از نیکان اتفاق افتاده است. و لذا امامان معصوم علیهم السـلام به پاکیزگی صـفات و مقیّد بودن به انجام طاعات امر فرموده اند. چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس بخواهـد از یـاران قائم علیه السـلام شود، بایـد منتظر باشـد و بایـد در حال انتظار به پرهیزکاری و خوی های پسـندیده عمـل نمایـد، که هرگـاه بمیرد و قـائم به پس از مردنش بپـاخیزد، پاداش او همچون کسـی خواهـد بود که دوران حکومت آن حضرت را درک کرده باشد

...».

و بی تردید هرقدر انتظار شدیدتر باشد، صاحب آن، مقام و ثواب بیشتری نزد خدای - عزّوجلّ - خواهد داشت. خدای تعالی ما را از مخلصان منتظرین مولایمان صاحب الزمان - عجّل اللّه فرجه الشریف - قرار دهد.

۶ - اظهار اشتیاق به دیدار آن بزرگوار

و این از نشانه های دوستان و موالیان آن جناب است. و در دعاهای روایت شده برای آن حضرت، این معنی آمده است. علاوه بر این امیر المؤمنین علیه السلام اشتیاق به دیدارش را داشت، چنان که در حدیث روایت شده از آن حضرت در وصف حضرت مهدی علیه السلام پس از آنکه قسمتی از صفات و نشانه های او را بیان فرمود و به بیعت کردن با او و اجابت نمودن دعوتش امر کرد، اظهار داشت: «بار خدایا! با تحقّق بخشیدن بیعت او غم و اندوه را از میان بردار و پراکندگی امّت را به سبب او جمع گردان». آن گاه اشاره به سینه خود کرد و با آه کشیدن، شدّت اشتیاق خود را بازگو نمود.(۴۴۲)

۷ - ذکر مناقب و فضایل آن حضرت علیه السلام

میسر گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «آیا با هم خلوت می کنید [و دور از چشم دشمنان می نشینید]و برای هم حدیث می گویید و آنچه معتقد هستید، برای هم بازگو می نمایید؟» عرضه داشتم: آری. به خدا سوگند! ما با هم در خلوت می نشینیم و برای هم حدیث می گوییم و آنچه معتقدیم برای هم باز می گوییم. امام باقر علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند! من دوست داشتم در بعضی از آنجاها با شما می بودم، به خدا سوگند! من بوی شما و جان های شما را دوست می دارم و البته شما بر دین خداوند و دین فرشتگان او هستید، پس با پرهیز از گناه و جدیت در امر دین [ما را]یاری کنید».(۴۴۳)

و از امام موسی کاظم علیه السلام آمده که فرمود: «هیچ چیز بر ابلیس و لشکریانش دشوارتر نیست از اینکه برادران ایمانی با یکدیگر دیدار کنند و همانا دو مؤمن با یکدیگر دیدار می نمایند که به یاد

خدا باشند، آن گاه فضایل ما را یادآوری کنند، در این حال گوشت سالمی بر صورت ابلیس باقی نمی ماند، تا جایی که روح پلیدش به التماس می افتد از فرط آنکه درد می کشد».(۴۴۴)

۸ – تشکیل مجالس فضایل و مناقب آن حضرت علیه السلام

امام صادق علیه السلام به فُضیل فرمود: «آیا می نشینید و حدیث می گویید؟» فضیل عرضه داشت: آری. فدایت شوم! امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا من آن مجالس را دوست می دارم، پس امر ما را احیا کنید. ای فضیل! خداوند رحمت کند کسی که امر ما را احیا نماید».(۴۴۵)

و از رسول اکرم صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود: «همانا خداوند کسی را که در مجلس اهل ذکر می نشیند، می آمرزد و او را از آنچه می ترسد، ایمن می دارد. پس فرشتگان گویند: [پروردگارا!]فلانی در میان آنان است و او تو را یاد نکرد، خداوند می فرماید: او را به خاطر همنشینی با آنان آمرزیدم، زیرا یاد کنندگان حق چنین هستند که همنشین ایشان از جهت آنها بدبخت نگردد».(۴۴۶)

۹ – اندوهگین بودن مؤمن از فراق آن حضرت علیه السلام

اندوهگین و مهموم بودن از فراق آن حضرت علیه السلام از نشانه های دوستی و اشتیاق به آن حضرت است. در دیوان منسوب به سرور و سالارمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان دلایل و نشانه های دوستی راستین چنین آمده:

وَمِنَ الدَّلائِلِ أَنْ یُری مِنْ شَوْقِهِ

مِثْلَ السَّقِیمِ وَفِی الفُؤادِ غَلآئِلُ

وَمِنَ الدَّلائِلِ أَنْ یُری مِنْ أُنْسِهِ

مُسْتَوْحِشاً مِنْ کُلِّ ما هُوَ شاغِلُ

وَمِنَ الدَّلائِلِ ضِحْکُهُ بَیْنَ الوَری

وَالقَلْبُ مَحْزُونٌ کَقَلْبِ الثّاکِلِ

و از نشانه ها [ی دوستی ۲]این است که از شدّت شوقش همچون بیماری دیده شود که دلش از شدّت درد می جوشد. و از نشانه ها، این است که از فرط اُنس گرفتن با محبوب دیده شود که از هر چه او را از وی مشغول می دارد وحشت کند [و گریزان باشد].و از نشانه ها، خندیدنش در میان مردم است، در حالی که دلش مالامال از اندوه است همچون زن جوان از دست داده.

امام صادق

علیه السلام فرمود: «شخصِ مهموم به خاطر ما، که غم و اندوهش از جهت ظلمی باشد که بر ما رفته، نَفَس کشیدنش تسبیح گویی است و هَمّ او به خاطر امر ما عبادت است».(۴۴۷)

۱۰ – سرودن و خواندن شعر در فضایل آن حضرت علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس درباره ما یک بیت شعر بگوید، خداوند برای او خانه ای در بهشت خواهد ساخت». (۴۴۸) و نیز فرمود: «هیچ کس درباره ما بیت شعری نگوید، مگر اینکه به روح القدس تأیید و یاری شده باشد».(۴۴۹)

و از حضرت رضاعلیه السلام روایت است که فرمود: «هر فرد مؤمنی که درباره ما شعری بسراید که ما را به آن مدح گوید، خداوند برای او در بهشت منزلگاهی خواهد ساخت که هفت برابر وسعت دنیا باشد، که هر فرشته مقرّب و هر پیغمبر فرستاده شده ای او را در آن جا دیدار خواهد کرد».(۴۵۰)

۱۱ – قیام، هنگام یاد شدن نام یا القاب آن حضرت علیه السلام

روایت شده: روزی در مجلس امام صادق علیه السلام از صاحب الزمان علیه السلام یاد شد، پس امام صادق علیه السلام به منظور تعظیم و احترام اسم آن حضرت به پا ایستاد.(۴۵۱)

۱۲ – گریستن و گریاندن و خود را به گریه کنندگان شبیه نمودن بر فراق آن حضرت علیه السلام

امام رضاعلیه السلام فرمود: «هرکس مصیبت ما را متذکّر شود، پس به خاطر آنچه بر ما وارد شده است بگرید و بگریاند، روز قیامت با ما، در درجه مان خواهد بود و هرآنکه مصیبتمان برایش یادآوری شود، پس بگرید و بگریاند، روزی که چشم ها اشکبار خواهند بود دیدگانش گریان نشود».

و امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس ما را یاد کند یا نزد او یاد شویم، پس از چشمش همچون بال پشه ای اشک بیرون آید، خداوند گناهانش را می آمرزد هرچند که همچون کف دریا باشد».(۴۵۲)

۱۳ – درخواست معرفت امام عصر – ارواحنا له الفداء – از خداوند

امام صادق علیه السلام درباره فرموده خدای – عزّوجلّ – : «وَمَنْ يُؤْتَ الحِكْمَهَ فَقَدْ أُوتِىَ خَيْراً كَثِيراً»؛ و هرکس که حکمت به او داده شود، خیر بسیار به او داده شده. فرمود: « [حکمت یعنی]طاعت خداوند و معرفت امام علیه السلام».(۴۵۳)

و از ابوبصیر نقل شده که امام باقر علیه السلام به من فرمود: «آیا امام خود را شناخته ای؟» عرضه داشتم: آری. به خدا سوگند! پیش از آنکه از کوفه بیرون بیایم. فرمود: «همین تو را کفایت می کند».(۴۵۴)

و از امام باقر علیه السلام آمده که فرمود: «بلندی و رکن و کلید امر و در اشیا و خشنودی خدای – تبارک وتعالی – بعد از معرفت او اطاعت امام است».(۴۵۵)

۱۴ – مداومت به خواندن دعای غریق

امام صادق علیه السـلام فرمود: «پس از این، شبهه ای شما را خواهد رسید، که بدون نشانه دیده شدنی و امام هدایت کننده ای خواهیـد مانـد و از آن نجات نمی یابد، مگر کسـی که دعای غریق را بخواند». راوی گوید: عرضه داشـتم: دعای غریق چگونه است؟ فرمـود: «چنین بگویـد: یـا اَللَّهُ یـا رَحْمنُ یـا رَحِیمُ یـا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِی عَلی دِینِکَ؛ ای خداونـد! ای رحمـان! ای مهربان! ای دگرگون کننده دل ها! دل مرا بر دینت پایدار کن».

۱۵ – شناختن علامت های ظهور آن حضرت علیه السلام

شناختن علامت های ظهور آن حضرت علیه السلام به ویژه علایم حتمی که امامان بر حق علیهم السلام آنها را خبر داده اند، از وظایف مهمّ شیعیان است؛ زیرا اطاعت از دسـتورات آن حضـرت علیه السـلام بر ما واجب است، به دلیل فرموده خدای تعالی: «أَطِیعُوا اللَّهَ وَأَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الأَـمْرِ مِنْکُمْ»(۴۵۶)؛ اطاعت کنیـد خداوند را و اطاعت کنید فرسـتاده خداوند را و والیان امر را. بنـابراین بر مؤمن واجب است علاـئم ظهور آن حضـرت را بشـناسد، تا هرگاه ظاهر شـد او را اطاعت کنـد و حق را از باطل تشخیص دهد.

امـام صادق علیه السـلام فرمود: «علامت را بشـناس، پس هرگاه آن را شـناختی، پیش افتادن یا تأخیر کردن این امر تو را ضـرر نرساند...».(۴۵۷)

علامت های ظهور آن حضرت علیه السلام

در اینجا قسمتی از آنچه در کتاب الغیبه(۴۵۸) روایت شده، می آوریم:

امام صادق علیه السـلام فرمود: «نـدا [صدای آسـمانی]از نشانه های حتمی است و سـفیانی از نشانه های حتمی است و یمانی از علائم حتمی است و کشـته شـدن نفس زکیّه از علائم حتمی است و کفِ دستی که از آسـمان بیرون می آید، از علائم حتمی است». سپس فرمودند: «و امر ترسناکی که در

ماه رمضان پیش می آید، شخص خوابیده را بیدار می کند و بیدار را می ترساند و دوشیزه را از پرده حجاب بیرون می اندازد».

و امام باقر علیه السلام فرمود: «سفیانی و قائم علیه السلام در یک سال خواهند بود».

و از امام باقر علیه السلام آمده که فرمود: «هرگاه آتشی از سوی مشرق همچون هُردی عظیم [بسیار زرد]مشاهده کردید، که سه یا هفت روز برمی آید منتظر فرج قائم آل محمدعلیهم السلام باشید. ان شاء اللّه که خداوند توانا و حکیم است». سپس فرمود: «صیحه جز در ماه رمضان نخواهد بود...».

آن گاه فرمود: «ندا کننده ای از آسمان به نام حضرت قائم علیه السلام بانگ می زند، پس هرکه در مشرق است و هرکه در مغرب، آن را خواهد شنید، هیچ خوابیده ای نخواهد ماند، جز اینکه بیدار شود و هیچ ایستاده ای، مگر اینکه بنشیند و هیچ نشسته ای، مگر اینکه بپا خواهد ایستاد بر اثر ترس از آن صدا...».

و فرمود: «صدا در ماه رمضان، شب جمعه شب بیست و سوم خواهد بود، درباره آن تردید مکنید و بشنوید و اطاعت نمایید و در آخر روز صدای ابلیس لعین است که بانگ بر می آورد: توجّه کنید که فلانی مظلوم کشته شد، تا مردم را به شکّ اندازد و آنها را فریب دهد. در آن روز، چه بسیار افراد به شک و حیرت خواهند افتاد که در آتش سقوط کنند، پس هرگاه صدا را در ماه رمضان شنیدید، در آن تردید مکنید که آن صدای جبرئیل است و نشانه اش آن است که او به نام حضرت قائم علیه السلام و نام پدرش ندا می کند، تا آن جا که دوشیزه پس پرده هم آن را می شنود و پدر و برادرش را

تشویق می نماید که خروج کنند».

و فرمود: «ناچار باید که این دو صدا پیش از خروج حضرت قائم علیه السلام انجام گردد، صدایی از آسمان که صدای جبرئیل است به نام صاحب این امر و نام پـدرش، و صدای دوم که از زمین است صدای ابلیس لعین می باشد، به نام فلانی ندا می کند که مظلـوم کشـته شـد، منظـورش از این کـار فتنه گری است. پس از صـدای اوّل پیروی کنیـد و مبـادا به صـدای بعـدی فریفته شوید».

بـدر اسـدی گویـد: در خـدمت ابوجعفر محمـد بن علی بـاقر علیه السـلام بودم، پس آن جنـاب دو نشـانه ای که پیش از ظهور حضـرت قائم علیه السـلام خواهد بود و از هنگام فرود آمدن آدم به زمین هیچ گاه واقع نشده را بیان فرمود، اینکه خورشید در نیمه ماه رمضان و ماه در آخر آن خواهند گرفت.

۱۶ – تسلیم بودن و عجله نکردن

عبد الرحمن گوید: در محضـر امام صادق علیه السلام بودم که مهزم بر آن حضرت وارد شد و عرضه داشت: فدایت شوم! خبر ده مرا از این امری که منتظرش هسـتیم، چه وقت خواهـد بود؟ امـام صـادق علیه السـلام فرمود: «ای مهزم! وقت گـذاران دروغ گویند و عجله کنندگان هلاک گردند و تسلیم شدگان نجات یابند».(۴۵۹)

و نیز آن حضـرت علیه السـلام فرمود: «همانا دین خداونـد با عقل های ناقص و آرای باطل و معیارهای فاسد درک نمی شود و جز با تسـلیم به دست نمی آید، پس هرکس به ما تسلیم گردد، [از هلاکت دین]سالم ماند و هر آنکه به ما اقتدا نماید، هدایت یابـد و هرکس به قیـاس و رأی خود عمـل کنـد، هلاک می گردد و هر کس از آنچه ما می گوییم یا حکم می کنیم در سـینه خود تنگی احساس کند،

به آن [خدایی]که سبع مثانی و قرآن عظیم را نازل فرموده کافر شده است، در حالی که خود متوجه نیست».(۴۶۰)

۱۷ – صدقه دادن به نیابت از آن حضرت علیه السلام

علی بن ابی حمزه گوید: به حضرت موسی بن جعفرعلیهما السلام عرضه داشتم: از سوی زندگان و مردگان از خویشاوندان و دوستانم حج به جای آورم و نماز بگزارم و صدقه بدهم؟ فرمود: «آری، از سوی او صدقه بده و نماز بگزار و به سبب صله و پیوندت نسبت به او پاداش دیگری برایت خواهد بود».(۴۶۱)

باید توجّه داشت که اگر شخصی به سبب صله یکی از برادران مؤمن خود و صدقه دادن از سوی او استحقاق ثواب یابد، پس چرا آن کس که از سوی صاحب الامرعلیه السلام صدقه بدهد، مستحق ثواب و پاداش بزرگ تری نباشد؟ آری استحقاق آن را دارد و به برترین ثواب صدقه دهندگان نایل می شود.

۱۸ – حج رفتن به نیابت از آن حضرت یا فرستادن نایب که از طرف آن جناب حج کند

این کار بین شیعیان در روزگار قدیم متداول و مرسوم بوده. امام صادق علیه السلام فرمود: «برای کسی که از سوی شخص دیگری حج به جای می آورد، اجر و ثواب ده حج هست، و او و پدر و مادر و پسر و دختر و برادر و خواهر و عمه و عمو و دایی و خاله اش آمرزیده می شوند، خدای تعالی رحمتش وسیع و او کریم است».(۴۶۲)

البته نیابت در حج از سوی مولایمان صاحب الزمان علیه السلام قدرش بالاتر و ثوابش برتر است؛ زیرا آن حضرت مقامش از همه اهل ایمان بالاتر و شأن و اجرش از تمامی آنان برتر است، به خصوص با ملاحظه روایاتی که تصریح دارند بر اینکه رعایت خویشاوندان رسول اکرم صلی الله علیه وآله مهم تر و برتر و عظیم تر است. و این چنین است طواف بیت اللّه الحرام به نیابت از امام علیه السلام و نایب ساختن دیگری تا از طرف آن حضرت طواف نماید.

۱۹ – زیارت مشاهد رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام به نیابت از آن حضرت علیه السلام

این عمل از اقسام صله امام است و خواهد آمد که از مهم ترین کارهای بندگان می باشد. در بحار حکایت شده که امام هادی علیه السلام زیارت کننده ای را از سوی خود به مشهد حضرت ابی عبد اللّه علیه السلام فرستاد، پس فرمود: «برای خداوند جاهایی است که دوست می دارد در آنها دعا شود که اجابت فرماید، و البته حائر امام حسین علیه السلام از آن جاها است». (۴۶۳) حال که استحباب نیابت کردن از آن حضرت علیه السلام در زیارت حائر امام حسین علیه السلام معلوم شد، پس بدون تردید بین آن حَرَم و مشاهد دیگر امامان علیهم السلام تفاوتی نخواهد بود.

۲۰ – سعی در خدمت کردن به آن حضرت علیه السلام

به مقتضای روایات بیان گردید که زندگی ما بلکه همه موجودات به برکت آن حضرت علیه السلام است، بنابراین باید تا جایی که می توانیم خدمت گزار آن حضرت باشیم تا کمی از حق آن حضرت را بجا آورده باشیم. علاوه بر این روایاتی دلالت دارند بر اینکه فرشتگان خدمت گزاران امامان علیهم السلام هستند و دستوراتشان را انجام می دهند، و در محضر ایشان

جز با اجازه شان نمی نشینند. بنابراین خدمت به آن حضرت تأسّی به فرشتگانی است که مأمورند خدمتگزار حضرتش باشند.

امام صادق علیه السلام در بیان شرافت آن حضرت علیه السلام فرمود: «اگر دوران او را دریابم تمام مدت زندگانی ام در خدمت او خواهم بود».

از این سخن معلوم می شود که اهتمام به خدمت کردن حضرت قائم علیه السلام برترین طاعات و بالاترین وسایل تقرّب به خداوند است. چون امام صادق علیه السلام که عمر شریفش را جز در انواع طاعت و عبادت خداوند سپری ننمود، و شب و روز خویش را در این راه گذرانید، بیان می کند که اگر قائم علیه السلام را

درک می کرد عمر خود را در خدمت کردن به او صرف می نمود.

بنابراین معلوم می شود که پیروان امام قائم علیه السلام بهترین پیروان هستند، و برترین افراد هر زمان می باشند. همچنان که امّت حضرت خاتم النّبیّین صلی الله علیه وآله افضل امّت ها می باشند، و شواهد بسیاری در روایات براین مطلب می باشد:

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله آمده که ضمن حدیثی طولانی در سفارش به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: ای علی! و بدان که شگفت آورترین مردم در ایمان و مهم ترین ایشان از لحاظ یقین مردمانی در آخرالزمان هستند که پیغمبر را ندیده اند [و حجّت از آنان محجوب گردیده]و دلیل روشن از میانشان رفته است، [در عین حال]به سیاهی بر روی سفیدی [که از آثار گذشتگان بر جای مانده]ایمان آورده اند.(۴۶۴)

حضرت سیّد الساجدین علیه السلام به ابوخالد کابلی فرمود: «ای ابوخالد! به درستی که اهل زمان غیبت او که معتقد به امامتش و منتظر ظهورش باشند برتر از اهل هر زمانند، زیرا خداوند - تعالی ذکره - به آنان از عقل ها و فهم ها و معرفت آن قدر عطا فرموده که غیبت نزد ایشان همچون مشاهده گردیده، و آنان را در آن زمان در منزلت و مرتبه مجاهدان شمشیر زده در پیش روی رسول خداصلی الله علیه وآله قرار داده است، آنان به حق مخلصانند و شیعیان راستین ما، دعوت کنندگان به دین خداوند مخفیانه و آشکارا می باشند»(۴۶۵).

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «به زودی قومی پس از شما خواهند آمد که یک مرد از آنان پاداش پنجاه تن از شما را خواهد داشت». گفتند: یا رسول اللّه ما در غزوات بدر و اُحد و

حنین با تو بودیم و قرآن درباره ما نازل گشت. آن حضرت صلی الله علیه وآله فرمود: «همانا اگر آنچه بر آنان وارد می شود بر شما وارد گردد، همچون آنان صبر نخواهید کرد».(۴۶۶)

ای برادران من! اکنون که قسمتی از فضیلت و برتری اتباع و سعی کنندگان در خدمت مولایمان صاحب الزمان علیه السلام را دانستید، پس بر شما باد که در اطاعت و خدمت آن جناب سعی و کوشش کنید، و آن نعمت بزرگ و موهبت سترگ را سپاسگزاری نمایید، و با جدّیت و تلاشتان به آن دوام بخشید، و یاد آن حضرت را با طولانی شدن مدّت آن فراموش نکنید. خداوند تعالی به فضل و کرمش ما را از چنین کسانی قرار دهد.

۲۱ – اهتمام ورزیدن به یاری آن جناب علیه السلام

هر کس آن حضرت را یاری نماید، در حقیقت خدای – عزّوجلّ – را یاری نموده، و خدای تعالی فرموده است: «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»(۴۶۷)؛ و به تحقیق که خداوند یاری می کند کسی که او را یاری نماید، همانا خداوند در منتهای قدرت و توانایی است.

البته منظور از یاری نمودن آن حضرت علیه السلام، اقدام کردن و همکاری نمودن در هر کاری است که شخص بداند مورد نظر و خواست آن بزرگوار است، و لذا چگونگی یاری کردن برحسب زمان ها و احوال و مکان ها متفاوت می شود. گاهی یاری کردن به وسیله تقیه انجام می شود، و گاهی با دعوت به اوست، و گاهی با جهاد کردن در رکاب او، و گاهی هم به دعا کردن برای تعجیل فَرَج و ظهورش، و گاهی با ذکر فضایل و صفات و دلایل و معجزات و نشانه های آن جناب علیه السلام.

۲۲ – تصمیم قلبی بر یاری آن جناب در زمان حضور و ظهور

مولای متّقیان امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «در آنچه خداوند آن را زود برایتان نیاورده شتابزدگی مکنید، که هر یک از شما هرگاه حق پروردگار و حق رسول خداصلی الله علیه وآله و خاندان او را شناخته باشد چنانچه بر رختخواب خود بمیرد، شهید مرده است، و پاداش او با خدا است، و شایستگی ثواب عمل صالحی را که در نیتش بوده خواهد یافت، و این نیت به جای شمشیر کشیدن او خواهد بود، و به درستی که هر چیزی را مدت و زمان معیّنی هست».(۴۶۸)

و از عبد الحمید واسطی روایت شده که به امام باقر علیه السلام عرضه داشتم: ... اگر پیش از آن که قائم علیه السلام را درک کنم، بمیرم چه؟ فرمود: «به درستی

که هر کس از شما نظرش این باشد که هرگاه قائم آل محمدعلیهم السلام را دریابد، او را یاری خواهد کرد، مانند کسی است که در حضور او با شمشیر خود جهاد کرده باشد، و شهادت در رکاب آن حضرت دو شهادت است».(۴۶۹)

۲۳ – تجدید بیعت با حضرت بعد از فرایض همه روزه و هر جمعه

بیعت و مبایعت به معنی هم عهدی و عقد بستن با یکدیگر به کار می رود.(۴۷۰) بنابراین بیعت با امام علیه السلام یعنی تصمیم قلبی محکم و ثابت بر اطاعت امر ایشان و یاری کردن او با نثار جان و مال، چنان که در آیه شریفه فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَری مِنَ المُؤْمِنِینَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْولَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الجَنَّهَ»(۴۷۱)؛ خداوند از مؤمنین جان ها و اموالشان را خریداری فرمود تا در مقابل بهشت را به آنها عطا کند... .

بیعت به این معنی بر همه افراد از مرد و زن، برده و آزاد واجب است، بلکه ایمان جز به آن تحقّق نمی یابد، چون اصل ایمان همان التزام به اطاعت فرمان پیغمبر و امام و تسلیم بودن به ایشان و یاری نمودن آنان با جان و مال می باشد و مستحب است بیعت یاد شده هرروز تجدید گردد. لذا سید اجلّ ابن طاووس دعایی را ذکر کرده که هر روز بعد از نماز صبح خوانده شود که با این عبارات شروع می شود: «اَللّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلایَ صاحِبَ الزَّمانِ...؛ بار خدایا بر مولایم صاحب الزمان علیه السلام درودها و سلام ها فرست».(۴۷۲) که در حقیقت نوعی تجدید بیعت با امام زمان علیه السلام است.

مرحوم مجلسی گوید: در بعضی از کتب قدیمه دیده ام که بعد از این دعا، دست راست خود را بر دست چپ بزنند مثل دست زدن به بیعت.(۴۷۳)

و از جمله دعاهای رسیده که مشتمل بر تجدید

بیعت برای حضـرت صاحب الامرعلیه السـلام است، دعای عهد می باشد که از امام صادق علیه السـلام روایت شده، و فرموده: «هر کس چهل روز این دعا را بخواند، از یاوران حضـرت قائم علیه السـلام خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خدای تعالی او را زنده خواهد کرد تا در رکاب آن جناب جهاد نماید و به شـماره هر کلمه از آن هزار حسنه برایش نوشته می شود و هزار کار بد از او محو می گردد، که ابتدای آن دعا چنین است: «اَللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ العَظِیمِ، وَرَبَّ الکُرْسِیِّ الرَّفِیعِ...؛ خدایا! ای پروردگار نور با عظمت، و ای پروردگار کرسی با رفعت ...».(۴۷۴)

۲۴ – صله آن حضرت علیه السلام به وسیله مال

صله به این است که مؤمن بخشـی از دارایی خود را برای امام زمانش هدیه کند، یعنی در مصارف و مخارجی که می داند آن حضـرت علیه السـلام به آنها رضایت دارد و محبوب اوست مصرف کند، و هر سال به این عمل مداومت نماید، و در این عمل شریـف، غنی و فقیر و حقیر و شـریف یکساننـد، جز اینکـه هر کس به مقـدار اسـتطاعت خـود وظیفه دارد. ظـاهراً این عمـل از مستحبّات مؤکّده ای است، چون در سخنان امامان علیهم السلام به عنوان «فریضه» از آن تعبیر آمده است.

از امام صادق علیه السـلام روایت شده که فرمود: «هیچ چیز نزد خداوند محبوب تر از اختصاص دادن درهم به امام علیه السلام نیست، و همانا خداوند درهم را برای او (پرداخت کننده) در بهشت همچون کوه احد قرار دهد». سپس امام صادق علیه السلام فرمود: «خداونـد در کتـابش فرموده است: «مَنْ ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضـاً حَسَـناً فَیُضاعِفَهُ لَهُ أَضْـعافاً کَثِیرَهً»(۴۷۵)؛ چه کسـی به خداوند وامی نیکو می دهد تا

خداوند [عوض]وام را چندین برابر، بسیار سازد. امام فرمود: «به خدا سوگند! که این در خصوص صله امام است».(۴۷۶) و از آن حضرت در حدیث دیگری آمده که فرمود: «همانا خداوند آنچه را که مردم در اختیار دارند، از جهت نیاز به آن قرض نخواسته است و هر حقّی که خداوند دارد برای ولیّ اوست».(۴۷۷)

و نیز از آن حضرت علیه السلام روایت شده که فرمود: «یک درهم که امام به وسیله آن صله شود از یک ملون درهم که در مورد دیگری در راه خدا صرف گردد بهتر است». و در باب فضایل حج روایت آمده: «یک درهم خرج کردن در راه حج از یک ملون درهم در غیر آن بهتر است، و یک درهم که به امام برسد مانند خرج کردن یک ملون درهم در حج است».(۴۷۸)

شایسته است در اینجا دو نکته را تذکر دهیم:

نکته اوّل: اینکه صله امام علیه السلام در مثل این زمان از صله امام در زمان ظهور دولت حقّه و تسلّط یافتن آن جناب بهتر است. عمّار اسباط گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: کدام یک بهتر است، عبادت پنهانی با امام پنهان شده شما در دولت باطل یا عبادت در دوران ظهور حق و دولت آن با امام آشکار از شما؟ فرمود: «ای عمّار! به خدا که صدقه در سرّ از صدقه آشکارا بهتر است، همین طور به خدا قسم! عبادت شما در پنهانی با امام پنهانتان در زمان دولت باطل و با ترس از دشمنتان و یا در حال متارکه [مخالفان]با او بهتر است از کسی که خدای - عزّوجلّ - را در زمان ظهور حق با امام برحق

ظاهر در دولت حق عبادت نماید، و عبادت توأم با ترس در دولت باطل همچون عبادت و امنیت در دولت حق نیست».

نکته دوم: صله شیعیان و دوستان صالح امامان علیهم السلام بمنزله صله امام است.

امام کاظم علیه السلام فرمود: «هرکس نتواند ما را زیارت کند، پس صالحین از دوستان ما را دیدار نماید، ثواب زیارت ما برایش نوشته می شود، و هرکس نتواند ما را صله نماید، صالحین از دوستان ما را صله کند، ثواب صله ما برای او نوشته می شود».(۴۷۹)

۲۵ – خیر خواهی برای آن حضرت علیه السلام

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «خدای – عزّوجلّ – به هیچ دوست خود که جانش را به اطاعت و خیرخواهی امامش به زحمت انداخته نظر بیفکند مگر اینکه او در رفیق اعلی [دسته پیغمبران و صدیقین و شهدا و صالحین که در بهشت قرینه هم باشند]با ما باشد».(۴۸۰)

و از امام صادق علیه السلام آمده که رسول خداصلی الله علیه وآله در مسجد خلف برای مردم سخنرانی کرد و فرمود: «خداوند خرّم بدارد بنده ای را که سخن مرا بشنود و آن را در دل جای دهد و حفظ نماید و به کسی که آن را نشنیده برساند... سه چیز است که دل هیچ فرد مسلمانی در آنها خیانت نکند: اخلاص عمل برای خدا، و نصیحت و خیراندیش برای امامان و پیشوایان مسلمین، و ملازمت جماعت آنها».(۴۸۱)

۲۶ – زیارت کردن آن حضرت علیه السلام

به وسیله توجه نمودن به آن جناب و سلام کردن بر او در هر مکان و زمان به طور عموم، و در بعضی از مکان ها و زمان ها به طور خاص.

۲۷ – درود فرستادن بر آن حضرت علیه السلام

درود و صلوات از اقسام دعا کردن است و صلوات از ناحیه ما درخواست رحمت از خداوند – عزّوجلّ – است، و با رحمت او امور دنیا و آخرت سامان می گیرد. بنابراین هرگاه ما بر امام زمانمان علیه السلام درود فرستیم، به اینکه بگوییم: «اَللّهُمَّ صَلِّ علی مَوْلانا وَسَیِّدِنا صاحِبِ الزَّمانِ» یا با امثال این عبارت صلوات بفرستیم، این کار طلب رحمت برای آن حضرت است در تمام اموری که در دنیا و آخرت متعلق به اوست. پس در این خواسته از خداوند – عزّ اسمه – حفظ آن جناب و حفظ یاران و دوستانش از هرگونه گزند، و زدودن هرگونه همّ و غم از قلب مقدّسش و دل دوستانش و تعجیل فَرَج و ظهورش و... را می خواهیم.

۲۸ – هدیه کردن ثواب نماز به آن جناب علیه السلام

از امامان علیهم السلام نقل شده که فرمودند: «هر کس ثواب نماز خود را برای رسول خدا و امیر المؤمنین و اوصیای بعد از آن

حضرت - علیهم السلام - هدیه کند، خداوند ثواب نمازش را آن قدر افزایش می دهد که از شمارش آن نَفَس قطع می گردد و پیش از آنکه روحش از بـدنش برآیـد به او گفته می شود: ای فلان! هـدیه تو به مـا رسـید، پس امروز روز پـاداش و تلافی کردن [نیکی های]تو است، دلت خوش و چشمت روشن باد به آنچه خداوند برایت مهیّا فرموده، و گوارایت باد آنچه را به آن رسیدی».

راوی گویـد: [به امام علیه السـلام]عرض کردم: چگونه نمازش را هدیه نماید و چه بگوید؟ فرمود: «نیّت می کند ثواب نمازش را برای رسول خداصلی الله علیه وآله...».(۴۸۲)

۲۹ - اهدای قرائت قرآن به آن حضرت علیه السلام

علی بن المغیره گویـد: به امـام کـاظم علیه السـلام عرض کردم: هرگاه روز فطر شود، برای رسول خداصـلی الله علیه وآله یک ختم قرآن، و برای علی علیه السـلام ختمی دیگر، و برای فـاطمه علیها السـلام ختمی دیگر، سـپس برای ائمه علیهم السـلام تا به شمـا رسـد، قرار می دهم، که از آن هنگام که در این حال بوده ام یک ختم قرآن برای شـما قرار داده ام. به سـبب این کار چه پاداشـی برایم هست؟ امـام کاظم علیه السـلام فرمود: «پاداش تو آن است که روز قیامت با آنان باشـی». عرض کردم: اللّه اکبر! چنین پاداشی برای من است؟ سه مرتبه فرمود: «آری»(۴۸۳).

۳۰ - توسل و طلب شفاعت و عرض حاجت بر آن حضرت علیه السلام

امام رضاعلیه السـلام فرمود: «هرگاه سـختی و گرفتاری بر شـما وارد شود، به وسـیله ما از خداوند کمک بخواهید، و این اسـت [معنی]فرموده خدای - عزّوجلّ - : «وَللَّه ِ الأَسْم آءُ الحُسْـنی فَادْعُوهُ بِها»(۴۸۴)؛ و برای خداونـد نیک ترین نام ها است، او را با آنها بخوانید.

و از سـلمان فارسـی آمده که شـنیدم رسول خداصـلی الله علیه وآله فرمود: «همانا خداوتد می فرماید: ای بندگان من! آیا چنین نیست که هر کس حاجت های بزرگی از شـما بخواهـد آنها را برای او برآورده نمی سازیـد مگر اینکه به وسـیله محبوب ترین افراد نزد شـما واسـطه بیاورد که آن حاجت را به گرامیداشت شـفاعت کننده برای ایشان بر می آورید، توجه کنید و بدانید که گرامی ترین و برترین مخلوق نزد من محمدصـلی الله علیه وآله و برادر او علی علیه السـلام است و بعـد از او امامانی که وسائل به سوی خداوند هسـتند، همانا هر کس حاجتی برایش اهمیت دارد که نفع آن را خواستار است یا حادثه بزرگی بر آن پدیدار شود که می خواهد ضرر آن

از او دفع گردد، باید که مرا به [وسیله]محمد و خاندان معصوم او دعا کند، به بهترین گونه ای که عزیزترین کسانش را نزد او شفیع می برید آن را بر می آورد، آن حاجت را برای او خواهم برآورد».

۳۱ – دعوت کردن مردم به آن حضرت علیه السلام

و این کار از مهم ترین طاعات و واجب ترین عبادات است. امام هادی علیه السلام فرمود: «اگر نبودند کسانی از علما که بعد از غیبت قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – به او دعوت کنند و بر او دلالت نمایند، از دین او با دلایل خداوند دفاع کنند، و بندگان ضعیف خداوند را از دام های ابلیس و سرکشان او رها سازند، و از شبکه های ناصبیان خلاص نمایند، [اگر اینان نبودند]هیچ کس نمی ماند مگر اینکه از دین خدا برمی گشت، ولی اینان هستند که زمام دل های شیعیان ضعیف را به دست می گیرند، همچنان که ناخدای کشتی سکّان آن را در دست دارد، آنان برترین کسان نزد خدای – عزّوجلّ – می باشند.

و در این مقام همین بس که امام حسن عسکری علیه السلام در تفسیر فرموده خدای تعالی: «وَإِذْ أَخَذْنا مِیثاقَ بَنِی إِسْرائِیلَ لا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَذِی الْقُرْبی وَالْیَتامی»(۴۸۵)؛ و یاد آرید هنگامی که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدای را نپرستید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان احسان و نیکی کنید. فرمود: «و امّا فرموده خدای – عزّوجلّ – : (و یتیمان) همانا رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: خداوند نیکی به یتیمان را تأکید فرموده چون از پدرهایشان جدا شده اند، پس هر آنکه آنان را حفظ و نگهداری کند خداوند او را مصون خواهد ساخت... و هر کس از روی مهر دست خود

را بر سر یتیمی بکشد، خداوند برای او در بهشت به هر مویی که از زیر دستش گذشته، کاخی قرار دهد که از دنیا و هر چه در آن است بزرگ تر باشد».

و امام علیه السلام فرمود: «و سخت تر از این یتیمی، حال آن یتیم است که از امامش جدا گردد، نتواند به حضور او برسد و نداند حکم او در آنچه از شرایع و احکام دینش دچار می گردد چیست؟ توجّه کنید! هر آنکه از شیعیان ما علوم ما را بداند، و کسی که نسبت به شریعت ما جاهل، و از دیدن ما محروم مانده را هدایت نماید، یتیمی بر دامان نشانیده است، آگاه باشید هر کس او را هدایت و ارشاد کند و شریعت ما را به او بیاموزد، در رفیق اعلی [منزلگاه مخصوص بهشت]با ما خواهد بود، این را پدرم از پدرانش از رسول خداصلی الله علیه وآله برایم حدیث گفت».

حضرت علی علیه السلام فرمود: «یک زن به حضور صدّیقه کبری فاطمه زهراعلیها السلام شرفیاب شد، و به آن حضرت عرضه داشت: من مادر ناتوانی دارم که در امر نمازش مسایلی بر او مشتبه گردیده، مرا به خدمت شما فرستاده تا آنها را از شما بپرسم. پس حضرت فاطمه علیها السلام از سؤال اوّلش پاسخ فرمود. سؤال دیگر مطرح کرد و آن حضرت جواب داد. سپس سومین بار سؤال کرد و پاسخ شنید تا ده سؤال مطرح نمود و جواب گرفت. آن گاه از کثرت سؤال خجالت کشید و عرضه داشت: ای دخت رسول خداصلی الله علیه وآله دیگر زحمتتان ندهم.

حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: «بگو و آنچه می خواهی سؤال کن، آیا اگر کسی یک روز اجیر شود

که بـار سـنگینی را به بـام ببرد و کرایه اش صـد هزار دینـار باشـد، آیـا بر او سـنگینی می کنـد؟» دختر گفت: هرگز. حضـرت زهراعلیها السـلام فرمود: «من برای هر مسأله [که جواب می دهم]بیش از مقـدار مرواریـدی که زمین تا عرش را پُر کنـد اُجرت دارم، پس سزاوار است که بر من سـنگینی نکند، شـنیدم پدرم فرمود: همانا علمای شـیعیان ما محشور می شوند پس بر آنها از خلعت هـای کرامت به قـدر بسیاری علومشان و کوششـشان در راه ارشاد بنـدگان خـدا عنایت می شود، تا آنجا که بر یکی از ایشان یک میلیون حُلّه از نور پوشانیده می شود».

سپس فرمود: «ای کنیزِ خداونـد به درستی که یک تار از آن خلعت ها از آنچه آفتاب بر آن می تابد (دنیا) یک میلیون بار بهتر و برتر است، زیرا این [امور دنیا]به کم شدن و ناراحتی آمیخته است».

و حضـرت موسـی بن جعفرعلیهما السـلام فرمود: «یک فقیه که یتیمی از یتیمان ما که از ما و دیـدن ما جـدا شـده انـد را نجات دهـد، به اینکه آنچه را به آن نیاز دارد، به او بیاموزد، از هزار عابد بر ابلیس مؤثرتر است، زیرا عابد فقط همّ خودش را دارد، و آن عـالِم اضافه بر خودش همّ بنـدگان خـدا را نیز دارد که از چنگال ابلیس و سرکشان او برهانـد، لـذا او نزد خداونـد از یک میلیون عابد بهتر است».

۳۲ – رعایت حقوق آن حضرت علیه السلام و مواظبت بر ادای آنها

حق امام علیه السـلام پس از خـدا و رسول از همه حقوق بر تمامی اهل عالم مهم تر است، نظر به مراتبی که خـدای تعالی به او اختصاص داده، و او را از سایر خلایق برگزیده است، و او واسطه رسیدن هرگونه فیض به آفریدگان می باشد.

از امامان علیهم السلام

روایت آمده: «هر حقّی که برای خدای تعالی هست از آنِ ما می باشد».(۴۸۶) و نیز حاصل روایتی چنین است که: قدر و منزلت مؤمن نزد امام علیه السلام به حسب منزلت امام نزد او است.

۳۳ – عالم باید علمش را آشکار سازد

پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «هرگاه بدعت ها در امّت من ظاهر شد، پس باید عالِم دانش خود را آشکار نماید، و هر کس این کار را نکند لعنت خدا بر او باد».(۴۸۷)

۳۴ – تهذیب نفس

پاکسازی درون از صفات پلید، و زیور دادن آن به وسیله اخلاق پسندیده، و این امر در هر زمان واجب است، ولی یاد کردن آن به طور خاص در وظایف زمان غیبت حضرت ولی عصر – ارواحنا فداه – از این جهت است که درک فضیلت صحبت او و قرار گرفتن در عداد اصحاب آن جناب بستگی به آن دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس دوست می دارد از اصحاب قائم علیه السلام باشد باید که منتظر باشد و در این حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو رفتار نماید، پس چنانچه بمیرد و پس از مردنش قائم علیه السلام بپاخیزد، پاداش او همچون پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده است، پس کوشش کنید و در انتظار بمانید، گوارا باد شما را ای گروه مشمول رحمت خداوند!».(۴۸۸)

۳۵ – پیوسته به یاد آن حضرت بودن و به آدابش عمل کردن

تردیدی نیست که امام علیه السلام ناظر و شاهد بر ماست، و بر حالات و حرکات و سکنات ما اطلاع دارد، و روایات متواتر از اهل بیت علیهم السلام براین مطلب دلالت دارد. حال اگر این را دانستی و یقین داشتی که تو در پیش چشم و جلو رویش قرار داری، حتماً آن جناب را در جلو چشمت قرار می دهی، و با دیده دل به او نظر می نمایی که در این صورت همّتت در جهت رعایت آداب آن جناب، و مراسم ادب و انجام وظایفی که نسبت به آن حضرت داری به حسب مراتب معرفت مصروف خواهد شد، هر چند که با چشم سر آن بزرگوار را نبینی.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «... اگر شخص او [امام علیه السلام]از مردم در حال صلح و متارکه با مخالفین غایب ماند، به

درستی که علم و آداب او در دل های مؤمنین ثبت است که آنان به آنها عمل می کنند».(۴۸۹)

۳۶ – مقدّم داشتن خواسته آن حضرت بر خواسته خود

منصور بزرج گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: ای سرور من، چه بسیار یاد سلمان فارسی را از شما می شنوم؟ فرمود: «مگو سلمان فارسی، بلکه بگو: سلمان محمدی، آیا می دانی چرا بسیار از او یاد می کنم؟» عرض کردم: نه. فرمود: «برای سه صفت: مقدم داشتن خواسته امیر مؤمنان علیه السلام بر خواسته خودش. دوست داشتن فقرا و برگزیدن آنها بر اهل ثروت و مکنت. و دوست داشتن علم و علما، همانا سلمان بنده صالح درستکار مسلمانی بود و از مشرکین نبوده است».(۴۹۰)

۳۷ – احترام کردن نزدیکان و منسوبین به آن حضرت علیه السلام

خواه قرابت و خویشاوندی و وابستگی آنان جسمانی باشد و خواه روحانی، مانند: سادات علوی، و علمای دینی و برادران ایمانی؛ زیرا احترام و تجلیل ایشان در حقیقت احترام و توقیر آن جناب علیه السلام است.

۳۸ – بزرگداشت اماکنی که به قدوم آن حضرت علیه السلام زینت یافته اند

مانند: مسجد سهله، و مسجد اعظم کوفه، و سرداب مبارك در شهر سامره، و مسجد جمکران و غیر اینها از مواضعی که بعضی از صُلحا، آن حضرت را در آنجاها دیده اند، یا در روایات آمده که آن جناب در آنجا توقف دارد، مانند: مسجد الحرام، و تعظیم و احترام سایر چیزهایی که به او اختصاص دارد و منتسب می باشد، مانند: نام ها و القاب و کلمات و توقیعات آن حضرت علیه السلام و کتاب هایی که احوالات آن بزرگوار و آنچه متعلق به اوست یا در آنها یاد گردیده، و مانند اینها.... چون این کارها از مصادیق تعظیم شعائر است و خداوند - عزّوجلّ - فرموده: «وَمَنْ یُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَی الْقُلُوبِ»(۴۹۱)؛ و هر کس شعائر خداوند را بزرگ و محترم دارد، پس به درستی که این از [صفات]دل های باتقوا است.

از امیر المؤمنین علی علیه السلام نقل شده که فرمود: «نَحْنُ الشَّعائِرُ وَالأَصْحابُ(۴۹۲)؛ ماییم شعائر و اصحاب».

البته تعظیم این مواقف و مشاهد گونه های مختلفی دارد. مانند نماز تحیّت و ذِکر و دعا، و یا زینت کردن و بوسیدن و پای برهنه در آنها داخل شدن و امثال اینها ... .

۳۹ – وقت ظهور را تعیین نکردن و تکذیب وقت گذاران

مفضَّل بن عمر گوید: از سرورم امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا ظهور مهدی منتظر وقت معیّنی دارد که مردم آن را بدانند؟ فرمود: «حاشا که خداوند برای آن وقتی تعیین کرده باشد یا شیعیان ما برای آن وقتی معین کنند».

و ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم: فدایت گردم، خروج قائم علیه السلام کی خواهد بود؟ فرمود: «ای ابومحمد! ما خاندانی هستیم که وقت نمی گذاریم، و همانا حضرت محمدصلی الله علیه وآله فرمود:

وقت گذاران دروغ گویند».

و نیز آن حضرت علیه السلام فرمود: «خداوند جز این نخواهد کرد که خلاف وقتی را که وقت گذاران تعیین کنند ظاهر سازد».(۴۹۳)

از این روایات معلوم می شود که علم به وقت ظهور مولایمان صاحب الامرعلیه السلام از اسرار خداوند است و حکمت الهی بر این است که وقت ظهور صاحب الامرعلیه السلام را پیش از فرا رسیدن آن از بندگانش مخفی بدارد، به خاطر اموری که بر ما پوشیده است، ولی آنچه از کلمات ائمه علیهم السلام در مورد عدم تعیین وقت ظهور استفاده می شود، چند وجه است:

وجه اوّل: بندگان نمی توانند آن را تحمل کنند و بر کتمانش صبر نمایند. بیان مطلب اینکه: مؤمنین طبقات مختلفی دارند: بعضی از آنان به خاطر ضعف ایمان از تحمل اسرار ناتوان هستند، چنین کسی نمی تواند بر آن اسرار مطلّع شود، بلکه هرگاه بعضی از اسرار برایش یاد شود، به سبب ضعف ایمان شک ها و شبهه هایی به دلش راه می یابد.

وجه دوم: حکمت الهی مقتضی آن است که مؤمنین در همه زمان ها منتظر ظهور مولایمان صاحب الزمان علیه السلام باشند، پس اگر وقت ظهور آن حضرت را بدانند، پیش از رسیدن وقت معیّن از ظهورش مأیوس می شوند، و این مصالح متعددی را از بین می برد.

وجه سوم: بررسی و امتحان مردم می باشد، همین حکمت مقتضی مخفی داشتن علم به وقت ظهور حضرت حجّت علیه السلام از ایشان است، و گرنه بررسی و امتحان نسبت به بسیاری از افراد که به ایمان داشتن تظاهر می کنند ناتمام می بود، تا اینکه شتاب زدگان از دیگران جدا شوند.

وجه چهارم: این کار (< مخفی داشتن وقت ظهور) تفضّل کامل و عنایت خاص ّنسبت به مؤمنانی است که در

زمان غیبت صاحب الزمان علیه السلام هستند.

توضیح اینکه: ظاهر از روایات آن است که وقت ظهورِ فَرَج از امور بدائیه است که ممکن است به سبب بعضی از مصالح و حکمت ها، و به سبب تحقّق یافتن یا نیافتن بعضی از شرایط که بر مردم مخفی است، زودتر یا دیرتر شود، پس اگر امامان علیهم السلام وقتی را به مردم خبر می دادند، سپس آن وقت به خاطر بعضی از اسباب و حکمت ها تأخیر می افتاد، بسیاری از مردم به تردید می افتادند، چون به نظرشان می آمد که آن برخلاف وعده خداوند - تعالی شأنه - می باشد یا شک ها و شبهه ها به دل هایشان راه می یافت.

فضیل بن یسار گوید: به امام باقر علیه السلام عرضه داشتم: آیا برای این امر وقتی هست؟ فرمود: «وقت گذاران دروغ گویند، دروغ گویند، دروغ گویند، همانا موسی علیه السلام وقتی به دعوت پروردگارش رفت، قوم خود را سی روز وعده داد، و چون خداوند ده روز بر آن سی روز افزود، قوم او گفتند: وعده ای که موسی داده بود، بر خلاف شد، و کردند آنچه کردند».(۴۹۴)

۴۰ - تکذیب مدعیان نیابت خاصّه در زمان غیبت کبری

شیعه امامیه متّفقند که با فوت شیخ جلیل علی بن محمد سمری قدس سره وکالت منقطع شده و نیابت خاصّه ختم گردیده است، شیخ سمری چهارمین تن از نُوّاب چهارگانه است که در زمان غیبت صغری مرجع شیعیان بوده اند، و پس از درگذشت سمری تا زمان ظهور حضرت حجّت - عجّل اللّه فرجه الشریف - نایب خاصّی از آن حضرت در میان شیعیانش نخواهد بود، و مرجع شیعیان در زمان غیبت کبرای آن جناب علمای عامل هستند که حافظ احکام الهی می باشند، و هر کس نیابت خاصّه را ادعا کند دروغگو و

مردود است، بلکه این مطلب از ضـروریات مذهب امامیه است که به آن شناخته می شوند، و هیچ یک از علمای ما در این باره مخالفت ننموده است.

حسن بن احمـد مکتّب می گویـد: در سالی که شـیخ علی بن محمد سـمری رحمه الله وفات یافت من در بغداد بودم، چند روز پیش از فوت او نزدش حضور یافتم، پس او برای مردم توقیعی بیرون آورد که صورت آن چنین بود: «بسم اللّٰه الرحمن الرحیم. ای علی بن محمـد سـمری! خداونـد پـاداش برادرانت را در [فقـدان]تو بزرگ فرمایـد، که تو از این تاریـخ تا شـش روز دیگر خواهی مُرد، پس امر خود را فراهم سـاز، و به کسـی وصـیت مکن که پس از فوت تو جانشـینت شود که همانا غیبت دوم واقع شـد، و ظهوری نخواهد بود مگر به اذن خداوند – عزّوجلّ –، و آن بعد از طولانی شدن مدت و قساوت دل ها و پر شدن زمین از جور و سـتم خواهد بود، و در شـیعیان من کسـی – یا کسانی – خواهد آمد که مدّعی شود مرا مشاهده می کند، آگاه باشید هر کس پیش از خروج سـفیانی و صـیحه آسـمانی ادّعای مشاهده کرد دروغگوی تهمت زننده است، ولا حول ولا قوّه إلّا باللّٰه العلیّ العظیم».

[مکتّب]گویـد: پس ما از روی این توقیع نسـخه برداشتیم و از نزد او بیرون رفتیم، و چون روز شـشم بار دیگر بر او وارد شدیم، در حال احتضار بود، به او گفته شـد: وصـیّ تو بعـد از تو کیست؟ فرمود: خداونـد را امری است که خود آن را به آخر خواهد رساند، و پس از گفتن این جملات درگذشت، که این آخرین سخنی

بود که از وی شنیده شد، رحمت و رضوان الهی بر او باد.(۴۹۵)

۴۱ – درخواست دیدار آن حضرت با عافیت و ایمان

در دعای عهـدی که از امام صادق علیه السـلام روایت گردیـده، چنین می خوانیم: «اَللَّهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشِـیدَهَ وَالغُرَّهَ الحَمِیدَهَ؛ بار خدایا! آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به من بنمای...».(۴۹۶)

و در دعای عَمْری که از حضـرت صاحب الامرعلیه السـلام روایت شـده، چنین آمده: «اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْـئَلُکَ أَنْ تُرِیَنِی وَلِیَّ أَمْرِکَ ظاهِراً نافِذَ الأَمْرِ(۴۹۷)؛ بار خدایا! از تو مسئلت دارم که ولیّ امرت را به من بنمایی در حالی که فرمانش نافذ باشد...».

و در دعای ندبه است: «و [ای خدا]سرور این بنده کوچکت را به وی بنمایان».

امام صادق علیه السـلام فرمود: «هرگاه کسـی از شـما تمنّای [دیدن]قائم علیه السـلام را داشت پس آرزویش چنین باشد که در عافیت آن جناب را ببینـد، زیرا خداونـد حضـرت محمدصـلی الله علیه وآله را رحمت فرسـتاد و آمـدن قائم علیه السـلام نقمت خواهد بود».(۴۹۸)

و در بعضـی از اخبار است که آن حضـرت علیه السلام در میان مردم آمد و شد می کند، پس او را می بینند ولی نمی شناسند. و برای من و بعضی از اخیار، بعضی از اسرار اتّفاق افتاده است.

از سَدیر آمده که گفت: شـنیدم امام صادق علیه السـلام فرمود: «همانا در صاحب این امر سنّتی از یوسف هست». راوی گوید: عرضه داشـتم: گویی مـا را از غیبت یا حیرتی خبر می دهیـد؟ فرمود: «چه انکار می کننـد این خلق ملعون خوک صـفت از این امر؟ همانا برادران یوسف افراد عاقل و چیز فهم بودند بر یوسف وارد شدند و با او سـخن گفتند و با او معامله کردند و رفت و آمد نمودند و او برادر آنان بود با وجود

این تا خودش را به آنان معرفی نکرد او را نشناختند و وقتی گفت من یوسف هستم، او را شناختند. بنابراین امّت سرگردان چه انکار می کنند که خدای - عزّوجلّ - در وقتی از اوقات بخواهد حجّت خودش را بر آنان مخفی بدارد، یوسف پادشاهی مصر را داشت و فاصله بین او و پدرش هیجده روز راه بود، اگر خداوند می خواست با حجّت خویش همان کند که با یوسف کرد، و اینکه صاحب مظلوم شما که حقّش انکار شده صاحب این امر در میان آنها آمد و شد کند، و در بازارهایشان راه برود، و بر فرش هایشان پا بگذارد، ولی او را نشناسند؟ تا هنگامی که خداوند او را اذن دهد که خودش را معرفی کند، چنان که به یوسف اجازه داد، وقتی برادرانش گفتند: تو یوسفی؟ گفت: من همان یوسفم».(۴۹۹)

تذکّر: بین فرموده امام علیه السلام در توقیع شریف به اینکه: «در شیعیان من کسی یا کسانی خواهد آمد که مدعی شود مرا مشاهده می کند، آگاه باشید هرکس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادّعای مشاهده کرد، دروغگوی تهمت زننده است» و بین داستان هایی که دلالت دارد بعضی افراد خدمت حضرتش رسیده اند، منافاتی نیست؛ چون منظور امام از ادّعای مشاهده، گونه مخصوص آن است که برای سفرای چهارگانه آن حضرت علیه السلام در زمان غیبت صغری صورت گرفته بود، نه مطلق مشاهده. مانند فرموده خدای - عزّوجلّ - : «قُولُوا آمَنّا بِاللَّهِ وَما أُنْزِلَ إِلَيْنا وَما أُنْزِلَ إِلى اِبْراهِيمَ وَاِسْماعِيلَ وَاِسْحاقَ وَيَعْقُوبَ وَالأَسْباطَ»(۵۰۰)؛ بگو [ای پیغمبر]ما ایمان آورده ایم به خدا و شریعت و کتابی که بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق

و یعقوب و اسباط نازل گردیده است. در این آیه اسباط لفظ عامّی است و مقصود از آن خاصّ است؛ زیرا بر همه اسباط (= نوادگان یعقوب) کتاب و وحی وحکم نازل نگشت، بلکه فقط بر بعضی از آنها نازل شد.

۴۲ – اقتدا و تأسّی جستن به اخلاق و اعمال آن حضرت علیه السلام

حقیقت مأموم بودن و شیعه بودن در پیروی کردن از آن جناب و الگو قرار دادن او در اخلاق و اعمال است.

از حضرت زین العابدین علیه السلام آمده که فرمود: «آگاه باشید که مبغوض ترین مردم نزد خداوند کسی است که به سنّت و مذهب امامی بوده باشد و به اعمالش إقتدا نکند».(۵۰۱)

۴۳ – حفظ زبان از غیر یاد خداوند و مانند آن

و این کار هرچند در هر زمان خوب و پسندیده است، ولی چون انسان در زمان غیبت حضرت صاحب الزمان علیه السلام بیشتر در معرض خطر و زیان و فتنه و امتحان است، اهتمامش به این امر مؤکّدتر و مهم تر از سایر زمان هاست.

امام باقر علیه السلام فرمود: «زمانی بر مردم فرا می رسد که امام آنها از نظرشان غایب می شود، خوشا به حال آن کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت بمانند...» جابر گوید: عرضه داشتم: ای زاده رسول خداصلی الله علیه وآله! بهترین کاری که مؤمن در آن زمان انجام دهد، چیست؟ فرمود: «حفظ زبان و خانه نشینی».(۵۰۲)

۴۴ – نماز آن حضرت ۷

نماز حجّت قائم – عجّل اللّه فرجه الشریف – دو رکعت است، در هر رکعت سوره حمد را تا «إِیّاکَ نَعْبُدُ وَإِیّاکَ نَسْتَعِینُ» می خوانی، سپس صد بار می گویی: «إِیّاکَ نَعْبُدُ وَإِیّاکَ نَسْتَعِینُ» آن گاه بقیه سوره حمد را می خوانی، و بعد از آن سوره اخلاص «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را یک بار می خوانی و پس از نماز می گویی: «اَللَّهُمَّ عَظُمَ البَلاَءُ وَبَرِحَ الخَفآءُ...؛ بار الها! فتنه و بلا بزرگ شد و مخفی بودن (امام علیه السلام یا راه چاره) سخت گردید...».(۵۰۳)

۴۵ – گریستن در مصیبت حضرت ابی عبد اللّه الحسین علیه السلام

زیرا این کار از اموری است که به وسیله آن حقّ امام علیه السلام ادا می گردد، و بدون تردید ادای حقّ آن حضرت از عظیم ترین و مهم ترین وسایل تقرّب یافتن به اوست. امام صادق علیه السلام فرمود: «... و هیچ دیده و هیچ اشکی نزد خداوند محبوب تر از چشمی نیست که بر او بگرید و اشک بریزد، و هیچ گریه کننده ای بر او نگرید، مگر اینکه فاطمه علیها السلام را صله کرده و حقِّ ما را ادا نموده است، و هر بنده ای [روز قیامت]با دیدگان گریان محشور می شود، مگر گریه کنندگان بر جدّم حسین علیه السلام که [هر آنکه بر او گریسته]در حالی محشور می گردد که دیده اش روشن است و مژده به او می رسد و شادمانی بر چهره اش نمودار است، و خلایق در بیم و هراس هستند در حالی که اینان [گریه کنندگان بر امام حسین علیه السلام]ایمن باشند، و خلایق [در هنگامه عَرَصاتِ محشر]عرضه می شوند، ولی اینان زیر عرش و در سایه عرش با حسین علیه السلام هم سخن خواهند بود».(۵۰۴)

۴۶ – زیارت قبر مولایمان امام حسین علیه السلام

زیرا این کار صله حضرت صاحب الزمان علیه السلام و نیکی نسبت به آن جناب و سایر امامان علیهم السلام می باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «هرکس قبر ابی عبد اللّه علیه السلام را زیارت کند، همانا رسول خداصلی الله علیه وآله را صله نموده و پیوند ما را گرامی داشته، و غیبتش حرام، و گوشتش بر آتش [دوزخ]حرام می شود...».(۵۰۵)

۴۷ – بسیار لعنت کردن بر بنی امیّه در آشکار و پنهان

در مجالس و منابر در صورتی که ترس و تقیه در کار نباشد، چون این کار از اموری است که مایه تقرّب به مولایمان علیه السلام می باشد. امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود: «همانا شنیدم رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: ای علی! بنی امیّه تو را لعنت خواهند کرد، و فرشته ای به شمار هر لعنت آنان، هزار لعنت برایشان بر می گرداند، پس هرگاه قائم علیه السلام بپاخیزد، چهل سال آنها را لعنت خواهد کرد...».(۵۰۶)

و امام باقر علیه السلام فرمود: «هرگاه نماز واجبی را به پایان بردی، جز با لعنت کردن بنی امیّه از جای خود حرکت مکن». (۵۰۷)

۴۸ – مهیّا کردن سلاح در انتظار ظهور آن جناب

امام صادق علیه السلام فرمود: «لِيُعِدَّنَّ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقائِمِ علیه السلام وَلَوْ سَهْماً فَإِنَّ اللَّهَ تَعالى إِذا عَلِمَ ذٰلِكَ مِنْ نِيَّتِهِ رَجَوْتُ لِأَنْ يُنْسِئَ فِي عُمُرِهِ(۵۰۸)؛ هر یک از شما برای خروج حضرت قائم علیه السلام [سلاحی]مهیّا کند هرچند یک تیر باشد، که خدای تعالی هرگاه بداند که شخصی چنین نیتی دارد، امیدوارم عمرش را طولانی کند».

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲ قرآن کریم / چهار رنگ - رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۳ قرآن کریم / وزیری خط نیریزی / الهی قمشه ای

۴ قرآن کریم / وزیری (با ترجمه) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۶ کلیات مفاتیح الجنان / وزیری خط افشاری / الهی قمشه ای

۷ کلیات مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۸ کلیات مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۹ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۱۱ ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۱۲ آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۱۳ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۱۴ آقا شیخ مرتضای زاهد محمد حسن سیف اللهی

۱۵ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۱۶ از زلال ولایت واحد تحقیقات

۱۷ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۱۸ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۱۹ امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۰ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۲۱ انتظار و انسان معاصر عزیز اللّه حیدری

۲۲ اهّمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۲۳ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۲۴ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

۲۵ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۲۶ پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۲۷ تاریخ پیامبر اسلام صلّی اللَّه علیه وآله وسلّم / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۲۸ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۲۹ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۳۰ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / فارسی واحد تحقیقات

۳۱ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / عربی واحد تحقیقات

۳۲ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / انگلیسی واحد تحقیقات

۳۳ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / اردو واحد تحقیقات

۳۴ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۳۵ جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور

۳۶ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی

۳۷ چهل حدیث /امام مهدی در کلام امام علی علیهما السلام سید صادق سیدنژاد

۳۸ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۳۹ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۰ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۴۱ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۴۲ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

۴۳ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۴ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۴۵ داستانهایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۶ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۴۷ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۴۸ درکربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای

۴۹ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۵۰ رسول ترک محمدحسن سیف اللهی

۵۱

روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرّازی

۵۲ زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

۵۳ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

۵۴ سرود سرخ انار الهه بهشتی

۵۵ سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۵۶ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۷ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۵۸ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللَّه هاشمی شهیدی

۵۹ عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۶۰ عطر سیب حامد حجّتی

۶۱ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۶۲ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۶۳ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۶۴ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۶۵ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

۶۶ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

۶۷ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

۶۸ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۶۹ کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۷۰ کمال الدین وتمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه اللَّه / منصور پهلوان

۷۱ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۷۲ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۷۳ گفتمان مهدویت آیت اللّٰه صافی گلپایگانی

۷۴ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۷۵ مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه اللّٰه

۷۶ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۷۷ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۷۸ منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه اللّٰه

۷۹ منشور نینوا مجید حیدری فر

۸۰ مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّٰه حیدری

۸۱ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی

العمیدی / محبوب القلوب

۸۲ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار – دو جلد علّامه مجلسی رحمه اللَّه / ارومیه ای

۸۳ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۸۴ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی

۸۵ ناپیدا ولی با ما / فارسی واحد تحقیقات

۸۶ ناپیدا ولی با ما / انگلیسی واحد تحقیقات

۸۷ ناپیدا ولی با ما / بنگالا واحد پژوهش

۸۸ ناپیدا ولی با ما / ترکی استانبولی واحد پژوهش

۸۹ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه اللَّه

۹۰ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۹۱ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۹۲ نهج البلاغه / وزیری سید رضی رحمه اللَّه / محمد دشتی

۹۳ نهج البلاغه / جیبی سید رضی رحمه اللَّه / محمد دشتی

۹۴ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۹۵ وظایف منتظران واحد تحقیقات

۹۶ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۹۷ هدیه احمدیه / جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه اللَّه

۹۸ هدیه احمدیه / نیم جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه اللَّه

۹۹ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۰۰ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۰۱ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتابهای فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسجد مقدس جمکران

مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.

پی نوشت ها

۱تا۱۵۰

۱) خبر متواتر خبری است که افراد زیادی آنرا نقل کرده اند بطوری که توافق آنها بر دروغ گفتن در این خبر عقلاً محال باشد، که موجب یقین به مضمون خبر

است. (ملخّص)

۲) سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

۳) اصول کافی: ۲۴۹/۲.

۴) اصول کافی: ۱۸۵/۱.

۵) اصول کافی: ۳۷۷/۲.

۶) کمال الدین: ۴۱۲/۲.

۷) سوره احزاب، آیه ۳۶.

۸) کمال الدین، ۳۶۱/۲.

۹) الخرایج، راوندی: ۹۸.

۱۰) کمال الدین: ۳۷۶/۲.

۱۱) برخی از این سؤالات همراه پاسخ آنها در اصل حدیث ذکر شده که ما جهت اختصار از ذکر خودداری کردیم. (ملخّص)

۱۲) الاحتجاج: ۲۶۸/۲؛

۱۳) کمال الدین: ۴۳۳/۲؛ و آیه ای که امام مهدی علیه السلام تلاوت کرد. (سوره آل عمران، آیه ۱۸).

۱۴) کمال الدین: ۴۳۱/۲.

۱۵) کمال الدین: ۴۸۵/۲؛ و اصول کافی: ۵۲۳/۱.

۱۶) کمال الدین: ۵۰۱/۲.

۱۷) الاحتجاج: ۲۷۸/۲.

۱۸) نهج البلاغه، نامه ۲۸.

۱۹) اصول کافی: ۱۷۹/۱.

۲۰) اصول کافی: ۱۷۹/۱.

۲۱) الغیبه، نعمانی: ۱۴۱.

۲۲) سوره شوری: آیه ۲۳.

۲۳) تفسیر برهان: ۱۲۱/۲.

۲۴) الغیبه، نعمانی: ۱۴۹.

۲۵) اصول کافی: ۱۴۴/۱.

۲۶) اصول کافی: ۴۰۸/۱.

۲۷) اصول کافی: ۳۹۰/۱.

۲۸) بحار الانوار: ۱۱/۳۶.

۲۹) اصول کافی: ۲۰۰/۱.

۳۰) سوره احزاب، آیه ۶.

۳۱) سوره انبیاء، آیه ۷.

۳۲) اصول کافی: ۵۰۷/۲.

۳۳) اصول کافی: ۱۷۲/۲.

۳۴) بصائر الدرجات: ۱۶۷.

۳۵) سوره الرحمن، آیه ۶۰.

۳۶) اصول کافی: ۴۰۷/۱.

۳۷) الاحتجاج: ۳۲۳/۲.

۳۸) بحار الانوار: ۲۲۴/۵۲.

۳۹) بحار الانوار: ۳۴/۵۳.

۴۰) سوره فتح، آیه ۳۸.

۴۱) الکافی: ۴۳۲/۱.

۴۲) بحار الانوار: ۳۷۹/۵۲.

۴۳) بحار الانوار: ۳۷۶/۵۲.

۴۴) کمال الدین: ۶۴۷/۲.

۴۵) سوره نمل، آیه ۶۲.

۴۶) تفسیر القمی: ۴۹۷.

۴۷) الاحتجاج: ۲۸۴.

۴۸) الکافی: ۳۳۲/۱.

۴۹) بحار الانوار: ۱۱۵/۵۱.

۵۰) بصائر الدرجات: ۲۵۶.

۵۱) بحار الانوار: ۲۷۴/۷.

۵۲) الاحتجاج: ۲۸۹/۲.

۵۳) بحار الانوار: ۷۳/۴۸؛

۵۴) بحار الانوار: ۳۰/۵۱.

۵۵) غیبت نعمانی: ۱۲۱.

۵۶) بحار الانوار: ۳۳۹/۵۲؛

۵۷) الاحتجاج: ۲۲۵/۱.

۵۸) مجمع البحرین: ۲۳۴/۳ و ۲۳۵.

۵۹) سوره اسراء، آیه ۳۳.

۶۰) تفسیر العیّاشی: ۲۹۰/۲.

۶۱) علل الشرایع: ۱۶۰.

۶۲) بحار الانوار: ۹۱/۵۱.

۶۳) بحار الانوار: ۹۵/۵۱.

۶۴) کمال الدین: ۲۸۶/۱.

۶۵) کافی: ۴۴۳/۱.

۶۶) بحار الانوار: ۳۶۱/۵۲.

۶۷) بحار الانوار: ۵۷/۵۲.

۶۸) سوره فتح، آیه ۲۸.

۶۹) المحجّه: ۸۶.

۷۰) سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۷۱) المحجّه: ۵۰.

۷۲) البرهان: ۱۶۴/۱.

۷۳) بحار الانوار:

.۳۲۸/۵۲

۷۴) کافی: ۲۵/۱.

۷۵) بحار الانوار: ۳۵۲/۵۲؛ غیبت نعمانی: ۱۲۵.

۷۶) بحار الانوار: ۳۶۳/۵۲.

۷۷) کمال الدین: ۳۲۹/۱.

۷۸) کمال الدین: ۴۴۰/۲.

۷۹) من لا یحضره الفقیه: ۱۲/۲.

۸۰) المحجّه: ۲۲۲.

۸۱) المحجّه: ۲۲۲.

۸۲) دار السلام: ۲۳۹/۳.

۸۳) بحار الانوار: ۳۳۹/۵۲.

۸۴) کمال الدین: ۶۷۱/۲.

۸۵) بحار الانوار: ۳۸۹/۵۲.

۸۶) غایه المرام: ۶۹۵.

۸۷) بحار الانوار: ۲۹۰/۵۲.

۸۸) سوره قلم، آیه ۴.

۸۹) سوره شعراء، آیه ۲۱.

۹۰) کفایه الاثر: ۲۹۲.

۹۱) بحار الانوار: ۸۱/۵۱.

۹۲) بحار الانوار: ۲۶۹/۷۷.

۹۳) بحار الانوار: ۹۸/۴۹؛ از مناقب ابن شهرآشوب: ۳۴۱/۴.

۹۴) مشارق الانوار: ۴۵۲.

۹۵) احتجاج: ۲۷۷/۲.

۹۶) کافی: ۲۰۰/۱؛ کمال الدین: ۶۷۸/۲.

۹۷) بحار الانوار: ۳۴۲/۵۲.

۹۸) الخرایج: ۶۷.

۹۹) کفایه الاثر: ۳۱۰.

۱۰۰) کمال الدین: ۲۰۷/۱؛

۱۰۱) کمال الدین: ۳۳۰/۱.

۱۰۲) روضه کافی: ۲۲۷/۸.

۱۰۳) غیبت نعمانی: ۳۱۹.

۱۰۴) سوره معارج، آیه ۴۴.

۱۰۵) بحار الانوار: ۶۱/۵۱.

۱۰۶) بحار الانوار: ۳۱۶/۵۲.

۱۰۷) بحار الانوار: ۸۱/۵۱.

۱۰۸) کافی: ۴۱۱/۱.

۱۰۹) بحار الانوار: ۳۵۸/۵۲.

۱۱۰) بحار الانوار: ۱۷۴/۵۲.

۱۱۱) کامل الزیارات: ۱۱۶.

۱۱۲) بحار الانوار: ۳۴۷/۵۲.

۱۱۳) بحار الانوار: ۳۵۴/۵۲؛

۱۱۴) بحار الانوار: ۳۹۰/۵۲.

۱۱۵) بحار الانوار: ۸۸/۵۱.

۱۱۶) غایه المرام: ۶۹۲.

۱۱۷) سوره نساء، آیه ۴۱.

۱۱۸) کافی: ۱۹۰/۱.

۱۱۹) کافی: ۱۹۰/۱.

۱۲۰) بحار الانوار: ۱۴۸/۵۱.

۱۲۱) سوره نور، آیه ۳۵.

۱۲۲) شاید هم ضیافت مادّی و هم ضیافت معنوی باشد که هرچه به ما می رسد به فیض وجود آن حضرت است. (مترجم)

۱۲۳) کمال الدین: ۳۳۵/۲.

۱۲۴) بحار الانوار: ۱۱۲/۲.

۱۲۵) سوره شوری، آیه ۴۱.

۱۲۶) تفسیر القمی: ۶۰۴.

۱۲۷) سوره حج، آیه ۳۹.

۱۲۸) تفسیر القمی: ۹۳/۳.

۱۲۹) کافی: ۳۴۳/۱.

۱۳۰) سوره نساء، آیه ۷۷.

۱۳۱) المحجّه: ۶۰.

۱۳۲) بحار الانوار: ۲۳۸/۵۲.

۱۳۳) کمال الدین: ۳۱۷/۱.

۱۳۴) کمال الدین، ۱ / ۲۸۱ .

۱۳۵) کمال الدین: ۶۵۳/۲.

۱۳۶) کمال الدین: ۶۷۳/۲.

۱۳۷) سوره هود، آیه ۸.

۱۳۸) سوره معارج، آیه ۱.

۱۳۹) تفسیر القمی: ۳۸۵/۲.

۱۴۰) بحار الانوار: ۱۳۰/۵۱.

۱۴۱) بحار الانوار: ۱۵۷/۵۲.

۱۴۲) کمال الدین: ۴۴۷/۲.

۱۴۳) فلاح السائل، ۲۰۰ و بحار الانوار، ۸۶ / ۸۱ .

۱۴۴) بحار الانوار، ۵۱ /

. ۷۷

۱۴۵) کمال الدین: ۲۸۶/۱.

۱۴۶) کمال الدین: ۳۰۳/۱.

۱۴۷) کمال الدین، ۱ / ۳۲۳ .

۱۴۸) علل الشرایع: ۲۴۵/۱.

۱۴۹) بحار الانوار، ۵۱ / ۱۴۲ .

۱۵۰تا۳۱۶

۱۵۰) سوره فتح، آیه ۲۵.

۱۵۱) علل الشرایع: ۱۴۷.

۱۵۲) احتجاج: ۳۲۵/۲.

۱۵۳) غیبت شیخ طوسی: ۲۶۲.

۱۵۴) کمال الدین: ۳۳۹.

۱۵۵) کمال الدین: ۳۷۷/۲.

۱۵۶) کمال الدین: ۳۰۳/۱.

۱۵۷) سوره انفال، آیه ۳۹.

۱۵۸) سوره آل عمران، آیه ۱۷۹.

۱۵۹) بحار الانوار: ۲۲۲/۵۲؛

۱۶۰) احتجاج: ۲۸۴/۲.

۱۶۱) کمال الدین: ۳۳۴/۱.

۱۶۲) کمال الدین: ۲۸۲/۱.

۱۶۳) غایه المرام: ۶۹۳.

۱۶۴) سوره الرحمن، آیه ۴۱.

۱۶۵) بحار الانوار: ۳۲۰/۵۲.

۱۶۶) سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۱۶۷) تفسیر العیاشی: ۱۸۳/۱.

۱۶۸) سوره سجده، آیه ۲۱.

۱۶۹) تفسیر البرهان: ۲۸۸/۳.

۱۷۰) سوره حجر، آیه ۳۷؛

۱۷۱) بحار الانوار: ۳۷۶/۵۲.

۱۷۲) بحار الانوار: ۳۱۶/۵۲.

۱۷۳) بصائر الدرجات: ۲۴.

۱۷۴) سوره یوسف، آیه ۱۰۰.

۱۷۵) سوره انعام، آیه ۱۱۵.

۱۷۶) کافی: ۲۸۷/۱.

۱۷۷) سوره شوری، آیه ۲۳.

۱۷۸) الخصال: ۱۹۶/۱.

۱۷۹) کمال الدین: ۳۳۵/۲.

۱۸۰) الانوار النعمانیه: ۱۱۰/۲.

۱۸۱) مجمع البیان: ۴۴۷/۶.

۱۸۲) بحار الانوار: ۳۳۶/۵۲.

۱۸۳) اثبات الهداه: ۳۵۷/۷.

۱۸۴) بحار الانوار: ۹/۵۳.

۱۸۵) سوره بقره، آیه ۳۰.

۱۸۶) سوره نور، آیه ۵۵.

۱۸۷) بحار الانوار: ۲۰۴/۱۱.

۱۸۸) سوره بقره، آیه ۳۱.

۱۸۹) سوره روم، آیه ۱۹.

۱۹۰) بحار الانوار: ۵۴/۵۱.

۱۹۱) اصول کافی: ۵۱۴/۱.

۱۹۲) کمال الدین: ۳۲۲/۱.

۱۹۳) سوره نوح، آیه ۲۶.

۱۹۴) چکمال الدین: ۳۸۵/۲.

۱۹۵) بحار الانوار: ۷/۵۳.

۱۹۶) مریم، ۵۷ .

۱۹۷) کمال الدین: ۴۲۸/۲.

۱۹۸) کمال الدین: ۱۴۵/۱.

۱۹۹) سوره ذاریات، آیه ۴۱ و ۴۲.

۲۰۰) بحار الانوار: ۱۹/۱۲.

۲۰۱) بحار الانوار: ۲۷/۵۱.

۲۰۲) سوره مریم، آیه ۴۸.

۲۰۳) کمال الدین: ۱۴۲/۱.

۲۰۴) سوره بقره، آیه ۱۲۷.

۲۰۵) البرهان: ۱۵۳/۱.

۲۰۶) بحار الانوار: ۶۳۸/۵۲.

۲۰۷) سوره انبیاء، آیه ۶۹.

۲۰۸) بحار الانوار: ۵۵/۵۲.

۲۰۹) بحار الانوار: ۶/۵۳.

۲۱۰) سوره هود، آیه ۸۱.

۲۱۱) کمال الدین: ۴۳۱/۲.

۲۱۲) سوره یوسف، آیه ۸۴.

۲۱۳) بحار الانوار: ۳۲۰/۱۰۱.

۲۱۴) کمال الدین: ۳۲۹/۱.

۲۱۵) بحار الانوار: ۲۸۰/۵۲.

۲۱۶) کمال الدین: ۳۲۹/۱.

۲۱۷) کمال الدین: ۳۵۷/۲ و ۳۹۰.

۲۱۸) تفسیر القمی: ۴۰۴.

۲۱۹) سوره

کهف، آیه ۶۷ و ۶۸.

۲۲۰) البرهان: ۳۳/۴.

۲۲۱) بحار الانوار: ۶۸/۵۲.

۲۲۲) بحار الانوار: ۹۰/۵۳.

۲۲۳) بحار الانوار: ۳۸۵/۱۲.

۲۲۴) بحار الانوار: ۳۱۹/۵۲.

۲۲۵) بحار الانوار: ۲۷/۵۱.

۲۲۶) سوره قصص، آیه ۲۱.

۲۲۷) سوره آل عمران، آیه ۱۴۱.

۲۲۸) سوره هود، آیه ۱۱۰.

۲۲۹) مجمع البیان: ۱۹۸/۵.

۲۳۰) روضه کافی: ۲۸۷.

۲۳۱) سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۲۳۲) بحار الانوار: ۳۳۲/۵۲.

۲۳۳) سوره قصص، آیه ۸۱.

۲۳۴) بحار الانوار: ۳۵۱/۵۲؛ و غیبت نعمانی: ۲۳۸.

۲۳۵) کمال الدین: ۶۷۳/۲. و بحار الانوار: ۳۱۸/۵۲. و کافی: ۲۳۱/۱.

۲۳۶) بحار الانوار: ۶۰/۱۳.

۲۳۷) سوره سبأ، آیه ۱۰.

۲۳۸) کمال الدین

۲۳۹) کمال الدین: ۱۵۶/۱.

۲۴۰) سوره نمل، آیه ۱۷.

۲۴۱) بحار الانوار: ۳۴۷/۱۲.

۲۴۲) سوره ص، آیه ۴۴.

۲۴۳) الخرایج: ۷۰.

۲۴۴) سوره انبیاء، آیه ۸۴.

۲۴۵) بحار الانوار: ۱۸۷/۱۴.

۲۴۶) کمال الدین: ۴۲۸/۲.

۲۴۷) کمال الدین: ۴۲۵/۲.

۲۴۸) سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۲۴۹) کمال الدین: ۲۸۶/۱.

۲۵۰) بحار الانوار: ۶۲/۴۶.

۲۵۱) بحار الانوار: ۸۱/۸۶.

۲۵۲) بحار الانوار: ۲۲۳/۴۶.

۲۵۳) مناقب ابن شهرآشوب: ۳۷۲/۳.

۲۵۴) سوره لیل، آیه ۴.

۲۵۵) تفسیر القمی: ۴۲۵/۲.

۲۵۶) بحار الانوار: ۳۰۸/۵۰.

۲۵۷) بحار الانوار: ۲۳۸/۵۲.

۲۵۸) بحار الانوار: ۲۴۵/۴۴.

۲۵۹) کمال الدین: ۶۵۳/۲.

۲۶۰) اثبات الهداه: ۳۵۷/۷.

۲۶۱) بحار الانوار: ۳۶۲/۵۲.

۲۶۲) بحار الانوار: ۳۶۳/۵۲.

۲۶۳) وسائل الشیعه، ۷۹/۳.

۲۶۴) کافی: ۳۳۳/۱.

۲۶۵) سوره طارق، آیه ۱۷.

۲۶۶) تفسیر القمی: ۴۱۶/۲.

۲۶۷) بحار الانوار: ۸۵/۵۳.

۲۶۸) بحار الانوار: ۵۲/ .

۲۶۹) سوره روم، آیه ۴.

۲۷۰) المحجّه: ۱۷۲.

۲۷۱) بحار الانوار: ۳۳۷/۵۲.

۲۷۲) بحار الانوار: ۱۱/۱۵.

۲۷۳) سوره تغابن، آیه ۸.

۲۷۴) کافی ۱ / ۱۹۴ .

۲۷۵) سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۲۷۶) کافی: ۱۹۵/۱.

۲۷۷) بحار الانوار: ۲۱۵/۱۰۲.

۲۷۸) تفسیر البرهان: ۱۳۶/۳؛ ذیل سوره نور، آیه ۳۵.

۲۷۹) در حساب ابجد: عدد (ن) پنجاه، و عدد (و) شش، و عدد (ر) دویست می باشد. (مترجم)

۲۸۰) غایه المرام: ۱۹۴.

۲۸۱) کمال الدین: ۴۳۳/۲.

۲۸۲) اثبات الهداه: ۳۵۶/۷.

۲۸۳) کافی: ۱۹۴/۱.

۲۸۴) جنّه المأوی: ۳۰۹.

۲۸۵) سوره زمر، آیه ۶۹.

۲۸۶) تفسیر القمی: ۲۵۳/۲.

۲۸۷) المحجّه: ۱۸۴.

۲۸۸) سوره حدید،

آیه ۱۲.

۲۸۹) کافی: ۱۹۵/۱.

۲۹۰) تفسیر البرهان ، ۴ / ۵۰۲ .

۲۹۱) تفسیر البرهان: ۵۰۳/۴.

۲۹۲) بحار الانوار: ۸۳/۵۱.

۲۹۳) فروع کافی: ۵۶/۵.

۲۹۴) سوره حج، آیه ۴۱.

۲۹۵) احتجاج: ۲۷۹/۲.

۲۹۶) سوره یونس، آیه ۶۲ و ۶۳.

۲۹۷) بحار الانوار: ۳۴/۵۳.

۲۹۸) بحار الانوار: ۲۰/۲.

۲۹۹) کمال الدین: ۴۸۵/۲؛ و احتجاج: ۲۸۴/۲؛ و بحار الانوار: ۱۸۱/۵۳.

۳۰۰) کمال الدین: ۴۸۵/۲؛

۳۰۱) سوره مائده، آیه ۱۰۱.

۳۰۲) کمال الدین: ۴۸۵/۲؛

۳۰۳) سوره لقمان، آیه ۲۰.

۳۰۴) سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۳۰۵) سوره ابراهیم، آیه ۷.

۳۰۶) سوره بقره، آیه ۱۷۲.

۳۰۷) کافی: ۹۴/۲.

۳۰۸) کافی: ۹۶/۲.

۳۰۹) وسائل الشیعه: ۵۳۷/۱۱.

۳۱۰) امالی صدوق: ۳۰۴، چاپ بیروت.

۳۱۱) کافی: ۶۴۴/۲.

۳۱۲) بحار الانوار: ۲۷۸/۴۴.

۳۱۳) امالی صدوق ، مجلس ۱۵، ح ۱ - چاپ بیروت .

۳۱۴) کافی: ۱۷۰/۲.

۳۱۵) بحار الانوار: ۲۲۶/۷۴.

۳۱۶) کافی: ۱۶۹/۲.

۳۱۷تا۴۷۰

۳۱۷) الخرایج: باب حادی عشر فی معجزات الامام علی بن محمد الهادی علیه السلام.

۳۱۸) بحار الانوار: ۴۴/۸.

۳۱۹) بحار الانوار: ۴۱/۸.

۳۲۰) المنتهی: ۵۴۴/۱.

۳۲۱) سوره مائده، آیه ۳۵.

۳۲۲) البرهان: ۴۶۹/۱.

۳۲۳) مرآه الانوار: ۳۳۱.

۳۲۴) کافی: ۴۹۷/۲.

۳۲۵)].سوره شوری، آیه ۲۳.

۳۲۶) کافی: ۵۰۷/۲.

۳۲۷) وسائل الشیعه: ۱۱۴۸/۴.

۳۲۸) تفسیر امام عسکری: ۵۱۸؛ و حکایت صخره (< سنگ بزرگی که عمّار یاسر به پیشنهاد یهود و به اعجاز پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آن را برداشت و محکم بر زمین زد) به تفصیل در آن آمده است. (مترجم)

۳۲۹) عدّه الداعی: ۲۳۸.

۳۳۰) وسائل الشیعه: ۱۱۸۰/۴؛ و کافی: ۴۹۶/۲.

این دعا را شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان بعد از دعای ندبه آورده است. (ملخص)

۳۳۲) بحار الانوار: ۱۲۳/۵۴؛ بصائر الدرجات: ۸۴.

۳۳۳) بحار الانوار: ۱۳۱/۵۲.

۳۳۴) سوره نور، آیه ۵۵.

۳۳۵) غیبت نعمانی: ۱۴۷.

۳۳۶) سوره اسراء، آیه ۳۴.

۳۳۷) کافی: ۲۲۱/۱.

۳۳۸) بحار الانوار: ۱۲۹/۱۰۲.

۳۳۹) تفسیر فرات: ۱۴۷.

۳۴۰) کافی: ۱۹۴/۱.

۳۴۱) سوره مائده، آیه ۲.

۳۴۲) بحار الانوار: ۲۵۷/۴۵.

۳۴۳) سوره حج، آیه ۴۰.

۳۴۴) سوره بقره،

آیه ۲.

۳۴۵) سوره اعراف، آیه ۴۶.

۳۴۶) تفسیر قمی: ۲۳۱/۱.

۳۴۷) مجمع البیان: ۴۲۳/۲.

۳۴۸) کمال الدین: ۳۵۷/۲.

۳۴۹) سوره بقره، آیه ۸۲.

۳۵۰) مرآه الانوار: ۲۰۸.

۳۵۱) کافی: ۱۹۱/۲.

۳۵۲) کمال الدین: ۳۰۳/۱.

۳۵۳) کافی: ۱۶۴/۲.

۳۵۴) بحار الانوار: ۱۲۹/۵۲.

۳۵۵) خصال صدوق: ۲۹۴/۱.

۳۵۶) احتجاج: ۹۸/۱.

۳۵۷) عده الداعی: ۲۳۵.

۳۵۸) بحارالانوار، ۵۲ / ۱۴۵، ح ۶۶.

۳۵۹) بحار الانوار: ۲۱/۷۵.

۳۶۰) وسائل الشیعه: ۴۶۸/۸.

۳۶۱) وسائل الشیعه: ۴۶۷/۸.

۳۶۲) کافی: ۱۲۳/۲.

۳۶۳) کافی: ۱۲۱/۲.

۳۶۴) سید جزایری - رحمه اللّه - در انوار النعمانیه، ۱ / ۳۳ گفته است: اخباری که بر این معنی دلالت دارد جداً زیاد است و آنچه ما به دست آوردیم حدود هزار حدیث می شود.

۳۶۵) البته اصل قیام هنگام ذکر حضرت قائم علیه السلام مستحب است همانطوری که مؤلف محترم - رحمه اللّه - به آن اشاره می کنند، ولی اگر عدم قیام به خاطر استخفاف به حضرت حجت علیه السلام باشد یا موجب استخفاف شود حرام است. (ملخّص)

۳۶۶) بحار الانوار: ۱۸۱/۷.

۳۶۷) کافی: ۱۷۲/۲.

۳۶۸) بحار الانوار: ۱۲۱/۸.

۳۶۹) تحف العقول: ۲۲۶.

۳۷۰) کافی: ۲۰۷/۲.

۳۷۱) کافی: ۲۰۶/۲.

۳۷۲) کافی: ۲۰۶/۲.

۳۷۳) کافی: ۲۰۸/۲.

۳۷۴) کافی: ۲۰۸/۲.

۳۷۵) بحار الانوار: ۲۰۵/۱.

۳۷۶) کافی: ۱۸۷/۲.

۳۷۷) بحار الانوار: ۲۰۰/۱.

۳۷۸) سوره نساء، آیه ۵۹.

۳۷۹) تفسیر برهان: ۳۸۴/۱.

۳۸۰) تفسیر برهان: ۳۸۳/۱.

۳۸۱) کافی: ۱۸۷/۱.

۳۸۲) کافی: ۱۸۸/۱.

۳۸۳) کافی: ۱۸۹/۱.

۳۸۴) کافی: ۱۸۸/۱.

۳۸۵) کافی: ۱۹۰/۱.

۳۸۶) کافی: ۳۳۳/۱.

۳۸۷) کلینی در اصول کافی: ۴۶۶/۲، باب فضیلت دعا و تأکید بر آن، به سند صحیحی از زراره از امام باقر علیه السلام آورده که فرمودند: خدای - عزّو جلّ - می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ»؛ همانا آنان که از پرستش من سر برافرازند، زود است که با سرافکندگی داخل جهنم شوند. فرمودند: [منظور از پرستش]دعاست و بهترین عبادت دعا است. عرض کردم: کلمه اوّاه در فرموده

خداوند: «إِنَّ إِبْراهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ»، معنایش چیست؟ فرمودند: اوّاه یعنی بسیار دعا کننده. (مؤلف)

۳۸۸) کافی: ۵۰۷/۲.

۳۸۹) کافی: ۵۰۸/۲.

۳۹۰) سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۳۹۱) غایه المرام: ۲۴۲.

۳۹۲) البرهان: ۵۲۱/۴ – ۵۲۲.

۳۹۳) بحار الانوار: ۲۹۶/۳۶.

۳۹۴) تفسیر امام عسکری، ۱۵۵؛ چاپ جدید، ۴۰۱

۳۹۵) سوره رعد، آیه ۲۱.

۳۹۶) کافی، ۲ / ۱۹۸ .

۳۹۷) کافی، ۲ / ۱۹۳ .

۳۹۸) کافی، ۲ / ۱۹۴.

۳۹۹) کافی، ۲، ۱۹۷.

۴۰۰) کافی، ۲ / ۱۹۷.

۴۰۱) کمال الدین، ۲ / ۵۴۱.

۴۰۲) بحارالانوار، ۷۴ / ۳۱۵.

۴۰۳) جمال الصالحین، تعقیبات مشترکه – خطی –.

۴۰۴) بحار الانوار، ۸۶ / ۷، فلاح السائل، ۱۶۷.

۴۰۵) بحار الانوار، ۸۶ / ۷۷.

۴۰۶) بحار الانوار، ۸۶ / ۶۲: فلاح السائل، ۱۷۰.

۴۰۷) فلاح السائل، ۱۹۹.

۴۰۸) این دعا در حاشیه کتاب مفاتیح الجنان ذیل «دعای ساعت دوازدهم» آورده شده است. و در بحارالانوار، ۸۶ / ۳۴۰ نیز آمده است. (ملخص)

۴۰۹) جمال الاسبوع، ۱۷۹.

۴۱۰) بحارالانوار، ۸۹ / ۲۸۹.

۴۱۱) بحارالانوار، ۵۲ / ۳۰۸.

۴۱۲) زاد المعاد، ۵۲۳.

۴۱۳) اقبال الاعمال، ۳۵۰.

۴۱۴) اقبال الاعمال، ۲۸۳.

۴۱۵) مضمون این روایت در فروع کافی آمده.

۴۱۶) اقبال الاعمال، ۴۹۲/۱؛ زاد المعاد: ۳۴۲.

۴۱۷) اقبال الاعمال: ۳۱۲؛ زاد المعاد: ۲۳۶.

۴۱۸) الکافی، ۴ / ۱۶۲.

۴۱۹) در هر زمانی شیعیان نام امام عصر و نام پدرش را می گفتند و در زمان ما باید گفت: حجت بن الحسن - علیه وعلی آبائه السلام - . (مترجم)

۴۲۰) کامل الزیارات، ۴۰۵.

۴۲۱) کامل الزیارات، ۴۱۴.

۴۲۲) کامل الزیارات، ۵۱۷.

۴۲۳) کامل الزیارات، ۵۲۱.

۴۲۴) سوره مائده، آیه ۲۷.

۴۲۵) سوره حج، آیه ۳۲.

۴۲۶) اصول کافی، ۴۸۷/۲.

۴۲۷) وسائل الشیعه، ۳۶۹/۵.

۴۲۸) الغیبه، چاپ مکتبه نینوی الحدیثه، ۱۶۸ - ۱۷۰.

۴۲۹) جمال الاسبوع، ۵۰۷ - ۵۱۱.

۴۳۰) کمال الدین، ۵۱۲/۲ - ۵۱۵؛

۴۳۱) مصباح المتهجد ص ۱۳۷ - ۱۴۴ .

۴۳۲) زادالمعاد، ۴۹۱ - ۵۰۴.

۴۳۳) این

دعا در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی رحمه اللّٰه نیز آمده.(ملخص)

۴۳۴) اصول کافی، ۳۷۱/۱.

۴۳۵) البته در مورد حکم شرعی بردن اسم آن حضرت علیه السلام باید از مراجع تقلید سؤال شود و هر کس طبق فتوای مرجع تقلید خود عمل کند. (ملخص)

۴۳۶) روضهالکافی، ۲۲۹ ح ۲۹۳.

۴۳۷) أمالی، ۶۱ .

۴۳۸) کمال الدین، ۶۴۴/۲ باب ۵۵ ح ۱.

۴۳۹) کمال الدین: ۲۸۶/۱.

۴۴۰) کمال الدین، ۶۴۵/۲.

۴۴۱) اصول کافی، ۲۲/۲ ح ۱۳.

۴۴۲) بحار الانوار: ۱۱۵/۵۱.

۴۴۳) اصول کافی، ۱۸۷/۲ ح ۵.

۴۴۴) اصول کافی، ۱۸۸/۲ ح ۷.

۴۴۵) بحارالانوار، ۲۸۲/۴۴.

۴۴۶) عدهالداعی، ۲۳۸.

۴۴۷) اصول کافی، ۲۲۶/۲ باب کتمان ح ۱۶.

۴۴۸) وسائل الشیعه، ۴۶۷/۱۰.

۴۴۹) وسائل الشیعه، ۴۶۷/۱۰.

۴۵۰) وسائل الشیعه، ۴۶۷/۱۰ ذیل ح ۳.

۴۵۱) بحارالانوار، ۲۷۸/۴۴.

۴۵۲) بحارالانوار، ۲۷۸/۴۴ ح ۳.

۴۵۳) اصول کافی، ۱۸۵/۱.

۴۵۴) اصول کافی، ۱۸۵/۱.

۴۵۵) اصول کافی، ۱۸۵/۱.

۴۵۶) سوره نساء، آیه ۵۹.

۴۵۷) اصول کافی، ۳۷۲/۱.

۴۵۸) الغیبه، نعمانی؛ باب علامات الظهور، ۱۳۳ به بعد.

۴۵۹) اصول کافی، ۳۶۸/۱ و ۳۶۹.

۴۶۰) کمال الدین، ۳۲۴/۲.

۴۶۱) وسائل الشیعه، ۵ / ۳۶۷.

۴۶۲) من لایحضره الفقیه، ۲ / ۲۲۲، ۲۲۳، ح ۹.

۴۶۳) بحارالانوار، ۱۰۲ / ۲۵۷.

۴۶۴) کمال الدین، ۱ / ۲۸۸.

۴۶۵) کمال الدین، ۱ / ۳۲۰.

۴۶۶) غیبت، شیخ طوسی / ۲۷۵.

۴۶۷) سوره حج، آیه ۴۰.

۴۶۸) نهج البلاغه، صبحی، خطبه ۲۳۲ ص ۲۸۲.

۴۶۹) روضه کافی

۴۷۰) مجمع البحرین، ۲ / ۳۴۵، ماده (بیع).

۴۷۱تا۵۸۰

۴۷۱) سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۴۷۲) این دعـا را شـیخ عبّـاس قمی در مفاتیـح الجنان بعـد از دعای نـدبه ذکر کرده که به خاطر اختصار به آوردن ابتـدای این دعای شریف اکتفا کردیم. (ملخص)

۴۷۳) بحارالانوار، ۱۰۲ / ۱۱۰ باب ۷.

۴۷۴) این دعا را نیز شیخ عباس قمّی در مفاتیح الجنان ذکر کرده است. (ملخص)

۴۷۵) سوره بقره، آیه ۲۴۵.

۴۷۶) اصول کافی، ۱ / ۵۳۷.

۴۷۷) اصول

کافی، ۱ / ۵۳۷.

۴۷۸) فروع کافی، ۴ / ۲۶۰، ح ۳۱.

۴۷۹) کامل الزیارات، ۳۱۹، باب ۱۰۵.

۴۸۰) اصول کافی، ۱ / ۴۰۴.

۴۸۱) اصول کافی ۱ / ۴۰۳.

۴۸۲) جمال الاسبوع، ۱۵.

۴۸۳) سوره اعراف، یه ۱۸۰.

۴۸۴) بحارالانوار، ۹۴ / ۲۲.

۴۸۵) سوره بقره، آیه ۸۳.

۴۸۶) الکافی، ۱ / ۵۳۷.

۴۸۷) اصول کافی، ۱ / ۵۴.

۴۸۸) غیبت نعمانی، ۱۰۶.

۴۸۹) کمال الدین، ۱ / ۳۰۲، باب ۲۶، ذیل ۱۱.

۴۹۰) بحار الانوار، ۲۲ / ۲۲۷، ح ۳۳.

۴۹۱) سوره حج، آیه ۳۲.

۴۹۲) مرآه الانوار، ۱۹۸.

۴۹۳) غیبت نعمانی، ۱۵۵.

۴۹۴) اصول کافی، ۳۶۸/۱.

۴۹۵) کمال الدین، ۵۱۶/۲، ذیل ح ۴۴.

۴۹۶) بحارالانوار، ۱۱۱/۱۰۲.

۴۹۷) بحارالانوار، ۹۰/۱۰۲.

۴۹۸) روضه الکافی، ۲۳۳، ح ۳۰۶.

۴۹۹) غیبت، نعمانی، ۸۴.

۵۰۰) سوره آل عمران، آیه ۸۴.

۵۰۱) روضه الکافی، ۲۳۴، ح ۳۱۲.

۵۰۲) کمال الدین، ۱ / ۳۳۰.

۵۰۳) این دعا در اصل کتاب و نیز در مفاتیح الجنان آمده است. (ملخص)

۵۰۴) کامل الزیارات، ۸۱، باب ۲۶.

۵۰۵) کامل الزیارات، ۱۲۷، باب ۴۶.

۵۰۶) خصال، ۲ / ۵۷۹، باب السبعین، ح ۱.

۵۰۷) تهذیب، ۲ / ۱۰۹، ح ۱۷۹.

۵۰۸) غیبت نعمانی، ۱۷۳.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹